

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه گیلان

دانشکده علوم انسانی
گروه علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته
پژوهش علوم اجتماعی-گرایش جامعه‌شناسی

عنوان:

تجربه زیسته زنان تحصیل کرده ی شاغل از خشونت خانگی

استاد راهنما:

دکتر محمد گنجی

استاد مشاور:

دکتر مینا هلالی ستوده

توسط:

فائزه عقیلی

بهمن ۱۴۰۲

صورت جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه ی خانم / آقای فائزه عقیلی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری علوم اجتماعی با شماره دانشجویی ۴۰۰۱۲۶۶۶۰۱۰ تحت عنوان با حضور هیأت داوران روز مورخ تشکیل و با نمره به عدد و به حروف و درجه مورد تایید قرار گرفت.

اعضاء هیأت داوران

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
	استاد راهنما		
	استاد مشاور		
	داور داخل دانشگاه		
	داور داخل دانشگاه		
	نماینده تحصیلات تکمیلی		

جواد سلیمی سرتختی

مدیر تحصیلات تکمیلی و استعدادهای درخشان

تعهدنامه

در این پایان نامه با عنوان: تجربه زیسته زنان تحصیل کرده ی شاغل از خشونت خانگی

۱- مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش اینجانب بوده و صحت مطالب نگارش شده مورد تأیید می باشد و در مواردی که از یافته های علمی و پژوهشی دیگر محققان تحت عنوان کتاب، پایان نامه، مقاله و غیره استفاده نموده ام؛ رعایت کامل امانتداری را در ذکر مشخصات و منابع و مآخذ استفاده شده نموده و آن را در فهرست مربوطه اش درج کرده ام.

۲- تمامی یا بخشی از پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی یا امتیازی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی توسط اینجانب و یا فرد دیگری ارائه نگردیده است و در تدوین متن پایان نامه چارچوب مصوب دانشگاه را به طور کامل رعایت کرده ام.

۳- مقالات مستخرج از این پایان نامه کاملاً حاصل پژوهش اینجانب بوده و از هرگونه جعل در داده ها و یا تغییر پرهیز شده است.

۴- کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج، مطالعات، اختراعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق، همچنین چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس از این پایان نامه برای دانشگاه کاشان محفوظ است. نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

۵- در صورت اثبات تخلف در هر زمان مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه کاشان از درجه اعتبار ساقط و با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوط رفتار خواهد شد.

نام و نام خانوادگی دانشجو:

فائزه عقیلی

امضاء

تقدیم به مهربان فرشتگان زندکیم

پروردگارا

نه میتوانم موبایشان را که در راه عزت من سفید شد، سیاه کنم و نه برای دسهای پنه بسته
شان که ثمره تلاش برای افتخار من است، مرهمی دارم. پس توفیقم ده که هر خط شکر
کزارشان باشم و ثانیه های عمرم را در عصای دست بودشان بگذرانم.
شکر و سپاس خدا را که بزرگترین امید و یاور در خطه خطه زندگیست.

تشکر و قدردانی

سپاس خدای بزرگ را که مرا یاری رساند تا بتوانم این مقطع تحصیلی را به پایان رسانده و گامی در

راستای اعتلای علم بردارم. از استاد راهنمای گرانقدرم

جناب آقای دکتر محمد کنجی

و سرکار خانم دکتر مینا هسلالی ستوده به عنوان استاد مشاور

که وجودشان همیشه قوتی برای انجام کارهایم بوده است و بدون شک انجام این پایان نامه بدون

لگ و راهنمایی های ارزنده آنها امکان پذیر نبوده است، کمال تشکر را دارم. از اساتید گرامی جناب

آقای دکتر محسن نیازی و سرکار خانم دکتر نرگس سیکخواه قمصری که زحمت دایری این رساله را

داشتند نیز سپاسگزارم.

تشکر از تمامی اساتیدی که توفیق دانشجویی در محضرشان را داشتم و در پایان از تمامی عزیزانی که در طول

انجام این پروژه مرا یاری کرده اند کمال تشکر و قدردانی را ابراز می نمایم.

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تجربه زیسته زنان تحصیل کرده شاغل از خشونت خانگی پرداخته است. در این پژوهش به پرسش هایی از فهم نوع خشونت اعمال شده بر روی زنان تحصیل کرده ی شاغل، بسترهایی که منجر به خشونت علیه زنان تحصیل کرده ی شاغل می شود، فهم تجربه زیسته زنان تحصیل کرده ی شاغل از موقعیت های خشونت و استراتژی که زنان تحصیل کرده ی شاغل در مواجهه با خشونت دارند پاسخ داده شده است.

این پژوهش با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه ساخت یافته انجام شده است. شیوه نمونه گیری در تحقیق حاضر به صورت غیراحتمالی و هدفمند انجام شده؛ زنانی که شاغل و دارای تحصیلات دانشگاهی در شهر کاشان بودند، انتخاب شدند و معیار تعیین حجم نمونه در پژوهش حاضر، اشباع داده ها می باشد. برای تحلیل داده ها از روش تحلیل تماتیک (تحلیل مضمون) استفاده شده است. در جهت تحقق قابلیت اعتماد، تأییدپذیری و نیز انتقال پذیری داده ها تلاش گردید با صرف وقت کافی برای جمع آوری داده ها (تقریباً ۴ ماه)، تنوع در شرکت کنندگان و نیز اعمال بازبینی اعضا از گزاره ها و مفاهیم، رشته پیوند دهنده ای از تم ها میان همه مصاحبه ها بدست آید که شامل ۳۶ تم سطح اول (تم های پایه)، ۱۲ تم سطح دوم (تم های سازمان دهنده) و ۲ تم فراگیر است.

یافته های این پژوهش بر اساس تجربه زیسته زنان تحصیل کرده ی شاغل از خشونت خانگی نشان می دهند که خشونت در قالب دو تم فراگیر (مضمون اصلی) به نام مردانگی تجویز یا تهدید شده و نیز زنانگی از دست رفته، شکل می گیرد. زنان برای مقابله با خشونت هایی که علیه آنها اعمال می شود به استراتژی هایی چون: صحبت و گفتگو و تلاش برای اتمام بحث، سکوت و حفظ آرامش، مراجعه به مشاوره، دخالت دادن خانواده، دعا گرفتن و دعا کردن، شوخی و خندیدن و در نهایت قهر کردن می پردازند.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی، جنسیت، اشتغال، تحصیلات، تجربه زیسته

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

۲	۱-۱- مقدمه و بیان مسئله
۵	۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق
۶	۱-۳- اهداف کلی پژوهش
۶	۱-۴- اهداف جزئی پژوهش
۶	۱-۵- سوالات اصلی پژوهش

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۹	۲-۱- پیشینه تحقیق
۹	۲-۱-۱- پیشینه در خارج کشور
۱۱	۲-۱-۲- پیشینه در داخل کشور
۲۵	۲-۱-۳- جمع بندی پیشینه
۲۵	۲-۲- تعریف مفاهیم
۲۸	۲-۳- پیشینه نظری پژوهش
۲۸	۲-۳-۱- نظریه یادگیری اجتماعی
۳۰	۲-۳-۲- نظریه منابع
۳۲	۲-۳-۳- نظریه نقش ها
۳۳	۲-۳-۴- نظریه نظارت اجتماعی
۳۴	۲-۳-۵- نظریه جامعه پذیری جنسیتی
۳۶	۲-۳-۶- نظریه فمینیستی
۳۷	۲-۳-۶-۱- فمینیسم لیبرال
۳۸	۲-۳-۶-۲- فمینیسم رادیکال
۳۹	۲-۳-۷- نظریه پدرسالاری
۴۰	۲-۳-۸- نظریه خرده فرهنگ خشونت
۴۱	۲-۳-۹- نظریه تحلیل ساختاری
۴۵	۲-۴- چهارچوب مفهومی پژوهش

فصل سوم: روش تحقیق

مقدمه	۴۸
۳-۱- روش پژوهش	۴۸
۳-۲- قلمرو تحقیق	۴۹
۳-۳- روش نمونه‌گیری	۴۹
۳-۴- روش گردآوری داده‌ها	۵۲
۳-۵- قابلیت اعتماد (پایایی) و قابلیت اعتبار (روایی) تحقیق	۵۲
۳-۶- شیوه استخراج نتایج (تجزیه و تحلیل)	۵۵
۳-۷- اشباع داده	۵۶
۳-۸- ملاحظات اخلاقی	۵۷

فصل چهارم: تحلیل یافته‌ها

۴-۱- کدگذاری	۵۹
۴-۲- شمای کلی تم‌ها	۸۱

فصل پنجم: نتیجه‌گیری

۵-۱- نتیجه‌گیری	۸۶
- منابع	۱۰۱
- پیوست‌ها	۱۰۷

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۱۷.....	جدول ۱-۲-پیشینه خارجی و داخلی تحقیق.....
۴۱.....	جدول ۲-۲-خلاصه نظریات.....
۵۰.....	جدول ۱-۳- مشخصات مصاحبه شوندگان.....
۵۲.....	جدول ۲-۳-خلاصه عقاید در مورد معیارهای اعتبار و پایایی در پژوهش های کیفی.....
۵۳.....	جدول ۳-۳-تکنیک های ایجاد اعتبار.....
۶۰.....	جدول ۱-۴- تمامیت خواهی مردانه.....
۶۱.....	جدول ۲-۴- خشونت میراث خانوادگی.....
۶۳.....	جدول ۳-۴-اقتصاد، اهرم توانمندسازی زنان.....
۶۴.....	جدول ۴-۴- نادیده گرفتن.....
۶۶.....	جدول ۵-۴- خشونت یا تهدید، خطری برای زندگی.....
۶۷.....	جدول ۶-۴- خشونت کلامی و روانی، سایه های شوم.....
۷۰.....	جدول ۷-۴- فقدان حمایت و تشویق.....
۷۲.....	جدول ۸-۴- راهکارهای مقابله، از سکوت تا اقدام.....
۷۵.....	جدول ۹-۴- خشونت در سایه تفاوت و شناخت.....
۷۶.....	جدول ۱۰-۴- پیامدهای خشونت در تجربه زیسته زنان.....
۷۸.....	جدول ۱۱-۴- خشونت برای زن مدرن.....
۷۹.....	جدول ۱۲-۴- اقتصاد، ابزار خشونت.....
۸۸.....	جدول ۱-۵- انواع خشونت علیه زنان تحصیل کرده شاغل.....
۹۳.....	جدول ۲-۵- بسترهای ایجادکننده خشونت علیه زنان تحصیل کرده شاغل.....
۹۸.....	جدول ۳-۵- روش های رو به رو شدن زنان تحصیل کرده شاغل با خشونت.....

فهرست شکل‌ها

عنوان	صفحه
شکل ۴-۱ - نقشه راه فصل چهارم.....	۵۹
شکل ۴-۲ - سطوح سه‌گانه‌ی تم‌ها.....	۸۳
شکل ۵-۱ - انواع خشونت علیه زنان تحصیل کرده شاغل.....	۸۷
شکل ۵-۲ - بسترهای ایجادکننده خشونت علیه زنان تحصیل کرده شاغل.....	۹۲
شکل ۵-۳ - تجربیات زنان تحصیل کرده شاغل از خشونت.....	۹۶

فصل اول: طرح تحقیق

۱-۱- طرح مسئله

خانواده به عنوان مهم ترین نهاد اجتماعی است و نقش اساسی و تعیین کننده ای در شکل گیری شخصیت افراد و رشد آن دارد؛ بنابراین وجود هر گونه بحران و نابسامانی در خانواده باعث بروز صدمات جبران ناپذیری در افراد و جامعه می شود. یکی از موضوعاتی که باعث ایجاد بحران در خانواده می شود و کارکرد آن را دچار اختلال می کند خشونت های خانگی است. خشونت خانگی یک آسیب اجتماعی محسوب شده که معمولاً قربانیان این پدیده در خانواده اغلب زنان و کودکان هستند و آثار مخرب زیادی بر جسم و روح و روان زنان می گذارد و می تواند علاوه بر سلامت زنان، سلامت خانواده و جامعه را نیز به خطر اندازد. خشونت به یک زمان معین در یک منطقه ی خاص جغرافیایی مربوط نمی شود بلکه پدیده ای است تاریخی که در تمامی دوره های زمانی وجود داشته است؛ اما علیرغم جنبش های فمینیستی، قانون گذاری ها و قوانین حقوق بشر این پدیده هنوز هم وجود دارد و در تمامی ملیت ها، نژاد ها، طبقه های اجتماعی و در همه ی کشورها با هر میزان از توسعه یافتگی خشونت همچنان جزئی از زندگی روزمره شده است، اگرچه میزان و شدت و نوع آن در کشورها، فرهنگ ها و خرده فرهنگ های مختلف متفاوت است اما خشونت پدیده ای چند بعدی است که هم علت بسیاری از آسیب های اجتماعی است و هم معلول (اعزازی، ۱۳۸۳، ۴۸).

خشونت علیه زنان به اشکال مختلف رخ می دهد و یکی از رایج ترین آنها خشونت های خانگی است. خشونت خانگی بازتابی از حس پرخاشگری است. پرخاشگری یا خشونت یعنی بهره برداری از دیگران یا آزار رساندن به آنها که دربرگیرنده آسیب های جسمی است. زن آزاری یعنی هرگونه بی اعتنائی و کم توجهی و توهین و تحقیر و سوء رفتار از نظر جسمی، روانی و جنسی از زن (رئیس، حسین چاری، ۱۳۹۱، ۳).

رایج ترین اشکال خشونت شامل فیزیکی، روانی، اقتصادی و جنسی هستند. خشونت فیزیکی، همان طور که از نام آن پیداست، راه و روش های آزار و اذیت جسمی است که این نوع خشونت ممکن است بدون توجه به نوع نژاد و وضعیت خانوادگی برای تمامی زنان روی دهد. نوع دیگری از خشونت که در محیط خانه علیه زنان اعمال می شود خشونت های روانی و کلامی است. این نوع از خشونت باعث ایجاد حس پوچی و فرار از مشارکت اجتماعی و استرس و اضطراب و حتی خودکشی می شود. خشونت اقتصادی که یکی دیگر از انواع خشونت های خانگی است یعنی رفتار و اعمالی که کنترل کننده ی امور مالی و دارایی های یک شخص می باشد و به فرد اجازه ی استقلال اقتصادی داده نمی شود. در واقع خشونت اقتصادی یا بدرفتاری مالی، رفتاری است که فرد را از نظر اقتصادی تحت فشار قرار می دهد. خشونت جنسی نیز هر رفتار یا عمل جنسی است که بدون رضایت و موافقت فرد صورت می گیرد (سلطانی، ۱۳۹۹، ۲۰).

خشونت علیه زنان دارای پیامدهایی است که لزوماً آثار بیرونی و نمودهایی جسمی و فیزیکی ندارد بلکه مواردی مانند خشونت و آسیب های فیزیکی بخشی از خشونت علیه زنان است، بخش دیگر این موضوع انواع و اقسام رفتارها، خشونت ها و تبعیض هایی است که شاید دیدنی نباشند اما بعضاً آثار و پیامدهایی به مراتب بدتر و تلخ تر دارند. انواع مختلف خشونت های جسمی و جنسی و روانی و کلامی باعث به خطر افتادن تندرستی، سلامت عقل، تعادل عاطفه و روان آنها شده و حتی جامعه را نیز متضرر می سازد (راد، مرزی، ۱۳۹۴، ۲۳).

خشونت علیه زنان موجب تبعیض، عمیق تر و گسترده تر شدن نابرابری ها میان زنان و مردان می شود. خشونت علیه زنان مانع بزرگی برای پیشرفت در همه ی زمینه ها، از جمله کاهش فقر و برقراری صلح و امنیت است. خشونت خانگی علیه زنان در همه ی

مناطق جغرافیایی و در بین تمام گروه های مذهبی، نژادی و در سطوح مختلف تحصیلی، شغلی، اقتصادی و اجتماعی مشاهده می شود (کنعانی، عزیزخانی، کلانتری، ۱۳۹۲، ۸۹).

گزارشی توسط سازمان بهداشت جهانی و سازمان ملل انجام شده که نشان می دهد از همان اوایل سنین جوانی خشونت خانگی شروع شده و به طور میانگین یک چهارم از زنان در سنین ۱۵ تا ۱۹ ساله حداقل یک مرتبه مورد خشونت و آزار قرار گرفتند. افراد ۳۰ تا ۳۹ ساله بیشترین آمار خشونت را شامل می شوند؛ همچنین در کشورهایی که درآمد کم یا متوسط دارند میزان خشونت بیشتر گزارش شده است. در آسیای جنوبی و جنوب صحرای آفریقا بالاترین میزان خشونت توسط همسر در میان زنان و دختران ۱۵ تا ۴۹ ساله وجود دارد. در پنج کشور کیریباتی، فیجی، پاپوآ گینه نو، بنگلادش و جزایر سلیمان بیش از نیمی از زنان حداقل یک بار توسط همسران، مورد سوء استفاده قرار گرفته اند. جمهوری دموکراتیک کنگو با ۴۷ درصد بیشترین میزان را در میان این گروه سنی در جنوب صحرای آفریقا داشته و پس از آن گینه استوایی ۴۶ درصد، اوگاندا ۴۵ درصد و لیبریا ۴۳ درصد قرار دارند. کمترین میزان خشونت در جنوب و شرق اروپا و آسیای مرکزی و شرقی مشاهده شده است. در انگلیس ۲۴ درصد از افراد ۱۵ تا ۴۹ سال توسط شریک زندگی خود مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند (گزارشی از سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۹۹).

مطابق با آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۰ طی چهار سال (از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰) همواره بالغ بر ۹۴ درصد معاینات مربوط به مدعیان «همسرآزاری جسمی» پزشکی قانونی معطوف به زنان بوده و از سوی دیگر در رابطه با مدعیان «همسرآزاری روانی» نیز این آمار در همین بازه زمانی یعنی طی چهار سال، بین ۵۵ تا ۹۰ درصد برای زنان در نوسان بوده و حتی در مقاطعی نظیر سال ۱۳۹۹ به ۹۴ درصد نیز رسیده است. آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می دهد که حدود ۹۶ درصد از مجموع ۸۰ هزار و ۱۸۷ مورد معاینه مربوط به مدعیان «همسر آزاری جسمی» پزشکی قانونی در سال ۱۳۹۹ معطوف به زنان بوده است. از سوی دیگر طی این سال از مجموع ۱۸۲ مورد معاینه مربوط به مدعیان «همسرآزاری روانی» پزشکی قانونی تنها ۱۰ مورد معاینه مربوط به مردان بوده و در واقع سهم زنان از این معاینات در سال ۱۳۹۹، ۹۴ درصد بوده است. موارد معاینه مربوط به زنان مدعی همسرآزاری جسمانی نشان می دهد که اگرچه طی سال های ۹۶ تا ۹۸ روندی افزایشی داشته اما این آمار در سال ۹۹ با کاهش پنج درصدی در قیاس با سال قبل خود مواجه بوده است. در مقابل نیز آمار مربوط به معاینات زنان مدعی همسرآزاری روانی گرچه در سال ۹۷ با کاهشی نسبت به سال پیش خود مواجه شد اما طی دو سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ روند افزایشی داشته است (گزارشی از خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۰).^۱

نتایج مطالعه ای که در سال ۱۴۰۰ توسط یکی از مراکز علمی در ایران انجام شده، بیانگر این است که ۷۷.۲ درصد زنان حداقل یکی از انواع خشونت را در دوران شیوع ویروس کرونا تجربه کرده بودند که از این میان ۹۱.۲ درصد خشونت روانی، ۶۵.۸ درصد خشونت جسمی، ۴۲.۶ درصد خشونت جنسی و ۳۸.۲ درصد خشونت منجر به صدمه را تجربه کرده اند. بنابراین این مشکلات در مجموع در خانواده افزایش یافته است (همان، ۱۴۰۰).^۲

بر اساس آمار پزشکی قانونی، کمترین میزان گزارش همسرآزاری زنان آزار دیده در سال ۹۴ از سوی همسر به ترتیب مربوط به استان های بوشهر و ایلام است که ۱۸۹ و ۲۳۶ مورد گزارش شده است. این آمار در سال ۱۳۹۵، به ۲۴۴ و ۳۲۶ نفر رسیده است که باز هم کمترین میزان آزار همسر در این دو استان را نشان می دهد. براساس آمار، موارد ثبت شده همسرآزاری در سال ۹۵ در استان

^۱ isna.ir/xdKwXv

^۲ isna.ir/xdKxBZ

های تهران، خراسان رضوی و اصفهان به ترتیب بیشترین گزارش های ثبت شده است که به ترتیب ۱۷۰۸۳ مورد، ۷۳۸۵ مورد و ۶۴۸۳ مورد بوده است. آمار می گوید این استان ها در سال ۹۴ نیز بالاترین میزان خشونت زن آزاری از سوی همسران را دارا بوده اند (گزارشی از خبرگزاری خبرآنلاین، ۱۳۹۶).^۱

رئیس سازمان پزشکی قانونی مشهد در نشست "جهان به سوی امنیت و عدالت برای زنان" و بر اساس نتایج یک بررسی در مرکز تحقیقات پزشکی قانونی در سال ۱۳۹۵ از شیوع بالای اختلال روانی در همسرآزاری خبر داد. به گزارش خبرگزاری فارس، طبق این بررسی که در ۲۸ استان کشور انجام شده، تعداد همسرآزاری حدود ۱۴ درصد بوده است که حدود ۲.۳ درصد نسبت به سال ۹۴ افزایش نشان می دهد. علی هادی زادگان، رئیس سازمان پزشکی قانونی مشهد در نشست یاد شده با اشاره به این بررسی گفت: «حدود ۶۶ درصد خانواده هایی که به علت نزاع مراجعه کرده بودند حداقل یک بار در زندگی مشترک خشونت را تجربه کرده اند. او می گوید، ۵۲ درصد خشونت ها روانی و کلامی، ۳۷/۸ درصد فیزیکی و ۱۰/۲ درصد جنسی بوده اند، علت مراجعه ۲۲ درصد از زنان به پزشکی قانونی نیز همسرآزاری بود» (سامانه پیشخوان روزنامه های ایران).

بر اساس بررسی مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، اکثریت مراجعان همسرآزاری را جوانان تشکیل می دهند. میانگین سنی بیشتر زنان آسیب دیده ۲۰ تا ۳۵ سال و میانگین سنی در میان مردان کمتر از ۴۰ سال بوده است. رئیس سازمان پزشکی قانونی مشهد گفته است: «بیشتر زنانی که به دلیل همسرآزاری به پزشکی قانونی مراجعه کرده اند، دارای تحصیلات ابتدایی هستند و زنان با تحصیلات عالی کمترین فراوانی را در میان مراجعان همسرآزاری دارند» (همان).

تحقیقات انجام شده نشان می دهد که بیشترین افرادی که دچار همسر آزاری شدند دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم بوده اند و کمترین تعداد مربوط به افراد دانشگاهی بوده است. بنابراین ارتباط معنی داری میان همسر آزاری و سطح تحصیلات وجود داشته است. بنابراین اکثر زنان با تحصیلات پایین انواع خشونت ها را تجربه کرده اند. در تحقیقات انجام شده، از جمله دلایلی که موجب کاهش همسرآزاری در زنان تحصیل کرده شده است آگاهی آنها در مورد حق و حقوق شخصی و خانوادگی و توانایی بیشتر در تعاملات اجتماعی و همچنین داشتن مطالعه و استفاده از شیوه های گوناگون مهارت ها در زندگی مثل مهار خشم، توانایی برای بر طرف ساختن مشکلات در جهت بهتر شدن روابط زناشویی است (کردی و همکاران، ۱۳۹۵، ۶۶).

به گزارش ایسنا، طبق تحقیقی که افراد درگیر با خشونت را با توجه به سطح تحصیلاتی که دارند مورد بررسی قرار داده؛ به طور کلی از ابتدای زندگی تا کنون افراد با تحصیلات لیسانس، فوق دیپلم و بی سواد خشونت فیزیکی و افراد با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر و بی سواد خشونت روانی و کلامی را تجربه کردند و تفاوت معناداری در آسیب های ناشی از خشونت، تهدید و مخاطره، خشونت جسمی و جنسی، مالی و حقوقی و خشونت هایی از نوع جلوگیری از رشد فکری و آموزشی و اجتماعی، به لحاظ سطح تحصیلات زنان درگیر با خشونت وجود داشت (مرکز امور مشارکت زنان و معاونت اجتماعی وزارت کشور، ۱۳۸۳).

همچنین با توجه به تحقیقات انجام شده زنانی که شاغل نبوده و خانه دار اند بیشتر مورد خشونت های فیزیکی و روانی و کلامی قرار دارند. نتایج این تحقیقات نشان می دهد که تفاوت معناداری بین زنان شاغل و زنان خانه دار به لحاظ نوع خشونتی که علیه آنها اعمال می شود وجود دارد به طوری که خشونت علیه زنان خانه دار بیشتر از زنان شاغل می باشد. با توجه به نتایج بدست آمده داشتن توانایی هایی مثل مهارت برقرار کردن ارتباط و استقلال مالی که در زنان شاغل به شدت تقویت می شود در کاهش اعمال خشونت علیه آنها تاثیر زیادی دارد (کردی و همکاران، ۱۳۹۵، ۶۶).

¹ khabaronline.ir/x8f4x

در شهر کاشان طبق نتایج به دست آمده از تحقیق انجام شده در سال ۱۳۸۷ بر روی زنان بارداری که مورد خشونت قرار گرفته بودند تعداد ۱۵ نفر (۱۰/۴ درصد) آنها خشونت روحی روانی، ۷ نفر (۴/۹ درصد) آنها خشونت فیزیکی و ۷ نفر دیگر (۴/۹ درصد) از آنها نیز خشونت جنسی را تجربه کرده بودند (اصغری جعفرآبادی، ۱۳۸۷، ۳۱).

در شهرستان کاشان که جامعه آماری مورد نظر در پژوهش حاضر است مطالعات نشان می دهد که رابطه ی معناداری بین سطح تحصیلات زنان با تجربه ی خشونت خانگی وجود دارد؛ به بیان دیگر، میزان خشونت خانوادگی در میان مقاطع مختلف تحصیلی تفاوت معناداری با هم دارند. بر اساس این امر بیشترین میزان خشونت خانوادگی در بین زنان با تحصیلات ابتدایی و کمترین میزان خشونت خانوادگی در میان زنان با سطح تحصیلات فوق لیسانس قرار دارد (بابایی فرد، حیدریان، ۱۳۹۳، ۴۶). به طور کلی در پژوهش هایی که انجام شده عمدتاً خشونت فیزیکی مورد نظر بوده است و پژوهشی با تأکید بر خشونت های کلامی در این شهرستان انجام شده که طبق یافته های آن، خشونت کلامی از جمله خشونت هایی است که زنان با آن روبه رو هستند که با بی قدرتی زنان در خانواده در ارتباط بوده است (سهراب زاده، منصوریان راوندی، ۱۳۹۶، ۲۶).

در نهایت علی رغم آمارهایی که در این حوزه در شهرهای مختلف ارائه داده شده، بررسی تجربه ی زیسته زنانی که دارای تحصیلات و شغل هستند نیازمند مطالعه دقیق تر و عمیق تر بوده و مسئله ای که مطرح می شود فهم این نکته است که زنان تحصیل کرده ی شاغل در محیط خانه با چه نوع خشونت هایی رو به رو هستند و محقق در این پژوهش در پی دستیابی به فهم جدید در این حوزه است.

۲-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت و ضرورت تحقیق درباره یک موضوع به مراتب از "مسئله" بودن آن موضوع ناشی می شود. تحقیقات در حوزه خشونت علیه زنان در زمینه های آزار جسمی، روحی، جنسی در ایران نشان داده که این پدیده مسئله ای جدی است و نیاز به توجه و بررسی دارد (همتی، ۱۳۸۳، ۲۳).

موضوع خشونت تا بدان حد حائز اهمیت است که سازمان ملل متحد ۲۵ نوامبر هر سال را روز جهانی حذف خشونت علیه زنان اعلام کرده است. مشخص کردن چنین روزی حاکی از آن است که پدیده خشونت علیه زنان وابسته به مکان و زمان خاصی نیست و امری فراگیر می باشد (عنایتی، باقری و نبوی، ۱۳۸۹، ۷).

اهمیت این موضوع یعنی تجربه زیسته زنان تحصیل کرده شاغل از خشونت خانگی از این لحاظ است که اولاً زنان با نقش اساسی که در توسعه جامعه و تربیت نسل های آتی دارند، می توانند در راستای پیشرفت جامعه مؤثر باشند. بررسی علت و تأثیرات خشونت خانگی علیه آنها، به خصوص بر سلامت زنان و آینده خانواده ها، امری حیاتی به حساب می آید. ثانیاً، این مسئله نقش مهمی در بروز ناهنجاری ها و آسیب های اجتماعی دارد. از سوی دیگر یکی از اصلی ترین عوامل ظهور بسیاری از آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی، خشونت علیه زنان است که در تحقیقات انجام شده در سطح جهان به آن پرداخته شده است. سرپناه امن برای اعضای خانواده و به ویژه زنان خانه و خانواده است و اگر اندیشه ای درمورد تأمین امنیت زنان در محیط خانه صورت نگیرد منجر به ظهور سایر ناهنجاری های اجتماعی می شود که شامل: اعتیاد، فرار فرزندان، افزایش طلاق و... شود. بنابراین در سطوح کلان، جامعه هزینه های سرسام آوری را می بایست متحمل شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۲).

خشونت علیه زنان، برای سلامت زنان تهدیدی جدی به شمار می رود. خشونت علیه زنان در خانواده، رایج ترین شکل خشونت است که غالباً از سوی شوهر به وقوع می پیوندد. خشونت به عنوان یک اپیدمی جهانی شناخته شده و روش های سازماندهی برای غربالگری، درمان و پیشگیری از آن پیشنهاد شده است. علی رغم وجود مطالعات متعدد در مورد پیامدهای خشونت علیه زنان، هنوز جنبه های ناشناخته زیادی وجود دارد (فولادی، ۱۳۹۸، ۶).

مسئله خشونت علیه زنان به خصوص خشونت علیه زنان تحصیل کرده و شاغل همواره یکی از مهمترین دغدغه ها و چالش های کشورهای مختلف بوده و یکی از ویژگی های اساسی آن سکوت و عدم اعتراض زنان و همچنین بی توجهی های دولت و حتی گاهی عدم حمایت قانون از زنان است. در ایران نیز بسیاری از مطالعات انجام شده به پیامدهای خشونت علیه زنان در دوران بارداری پرداخته اند و مطالعات اندکی در رابطه با عواقب خشونت وجود دارد که این مطالعات نیز بیشتر بر پیامدهای جسمی و روانی خشونت علیه زنان متمرکز شده اند. این در حالی است که این پیامدها، به مسائل جسمی و روانی محدود نبوده و ابعاد گسترده تری را شامل می شود که با انجام مطالعه کیفی، می توان به صورت عمیق تری به بررسی وجوه مختلف این مسئله پرداخت. با عنایت به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر با نگاه و روشی تفسیری به دنبال فهم تجربه زیسته زنان تحصیل کرده ی شاغل از خشونت در محیط خانواده است که می تواند نگرش های جدیدی را در این زمینه ایجاد کند. همچنین نمونه مورد مطالعه زنانی هستند که دارای تحصیلات و شاغل بوده و در ساختار اجتماعی قدرتمند محسوب می شوند و به پایداری در برابر بینش ابزاری نسبت به خود پرداخته و محرومیت از تحصیل و اشتغال را نمی پذیرند در نتیجه در محیط خانه و خانواده مورد خشونت واقع می شوند.

این زنان در جامعه ای مورد بررسی قرار می گیرند که سنتی بوده و در این جامعه سنتی، آنها به لحاظ ساختار اجتماعی قدرتمند محسوب می شوند زیرا هم دارای تحصیلات هستند و هم شاغل. حال به دنبال این هستیم تا درک کنیم که آیا قدرتمند بودن زنان باعث می شود که تجربه خشونت خانگی در میان آنها از بین برود یا اینکه نوع بروز خشونت علیه آنها تغییر کرده و از خشونت فیزیکی و جسمی و جنسی به خشونت های روانی و عاطفی (خشونت هایی با شکل نرم تر) تبدیل شده اند زیرا خشونت علیه زنان تنها دارای پیامدهایی نیست که لزوماً آثار بیرونی و نمودهایی جسمی و فیزیکی داشته باشد و بخشی از این خشونت ها، انواع و اقسام رفتارها و تبعیض هایی است که شاید قابل مشاهده نباشند اما آثار و پیامدهایی بسیار تلخ و نامطلوبی دارند.

۱-۳-هدف کلی پژوهش

فهم تجربه زیسته زنان تحصیل کرده ی شاغل از خشونت خانگی

۱-۴-اهداف جزئی پژوهش

- ۱- فهم نوع خشونت اعمال شده بر روی زنان تحصیل کرده ی شاغل
- ۲- شناخت بسترهایی که منجر به خشونت علیه زنان تحصیل کرده ی شاغل می شود
- ۳- فهم تجربه زیسته زنان تحصیل کرده ی شاغل از موقعیت های خشونت
- ۴- شناخت استراتژی که زنان تحصیل کرده ی شاغل در مواجهه با خشونت دارند.

۱-۵-سوالات اصلی پژوهش

زنان تحصیل کرده شاغل چه تجربه ای از خشونت خانگی دارند؟

سوالات فرعی پژوهش

- ۱- چه نوع خشونت هایی در خانواده علیه زنان تحصیل کرده ی شاغل اعمال می شود؟
- ۲- شناخت بسترهایی که منجر به خشونت علیه زنان تحصیل کرده ی شاغل می شود کدام است؟
- ۳- زنان تحصیل کرده ی شاغل چه تجربه ای از خشونت دارند؟
- ۴- استراتژی های زنان تحصیل کرده ی شاغل در مواجهه با خشونت کدام است؟

فصل دوم:

پیشینه تجربی و چارچوب مفهومی پژوهش

۲-۱- پیشینه تحقیق

این فصل از پایان نامه به دو بخش تقسیم می شود. در بخش اول که به پیشینه تحقیق اختصاص دارد، مختصری از تحقیقات خارجی و داخلی پیشین در زمینه خشونت خانگی علیه زنان را بیان می کنیم. برای جستجوی پژوهش ها از واژه های کلیدی در خصوص خشونت خانگی علیه زنان استفاده شد. این کلیدواژه ها شامل: خشونت خانگی، خشونت علیه زنان، زن آزاری و همسرآزاری در خانواده می شود که در نتیجه جستجو و بررسی پایگاه های علمی برای سال های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۱ تقریباً ۹۵ مقاله و پایان نامه یافت شد که از این تعداد، پژوهش هایی که مرتبط به موضوع تحقیق حاضر بودند گزینش شده و به عنوان پیشینه مورد استفاده قرار گرفتند. بخش دوم اطلاعات نظری درباره مفهوم خشونت خانگی است که در آن به بررسی فضای مفهومی خشونت خانگی و تعاریف ارائه شده از این مفهوم و ابعاد آن پرداختیم و سپس چارچوب نظری تحقیق که بر گرفته از رویکردهای فمینیستی، منابع، تفکیک نقش ها، تحلیل ساختاری، جامعه پذیری جنسیتی، یادگیری اجتماعی، مردسالاری، نظارت اجتماعی و خرده فرهنگ خشونت است، مطرح کردیم.

۲-۱-۱- پیشینه در خارج کشور

عبید و همکاران (۲۰۱۰)، پژوهشی با عنوان "عقاید در مورد همسرآزاری، مطالعه اکتشافی دیدگاه دانشجویان لبنانی" انجام داده اند. یکی از اهداف این پژوهش بررسی نظراتی است که در مورد همسرآزاری وجود دارد. نمونه مورد نظر در این پژوهش ۲۰۶ نفر از دانشجویان دانشگاه های لبنان می باشد. یافته های این مطالعه بیانگر این است که جنسیت، بینش های مردسالارانه، دین، مشاهده ی خشونت از سوی والدین در دوره ی کودکی، موقعیت شغلی مادر از جمله متغیرهای تاثیرگذار بر عقاید درمورد خشونت علیه زنان بودند. محقق در پژوهش خود ضمن تاکید بر نظریات فمینیستی به این نکته دست یافت که جنسیت و بینش و نگرشی که نسبت به نقش های زنان وجود دارد از مهمترین عوامل موثر بر عقاید نسبت به همسرآزاری می باشد.

جایاتیلک (۲۰۱۱)، تحقیقی تحت عنوان "نگرش زنان نسبت به نقش های جنسیتی و تجربه خشونت شوهر در ایالت مرکزی سریلانکا" انجام دادند که نمونه مورد نظر در این پژوهش ۶۲۴ نفر از زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله بودند که دارای تجربه ی خشونت عاطفی، جسمی و جنسی بودند. روش مورد استفاده در این تحقیق پیمایش بوده که یافته های آن نشان می دهد که حدود ۳۶ درصد از زنان حداقل یکی از اشکال مختلف خشونت (جسمی، جنسی، عاطفی) را در طول دوره زندگی مشترک خود تجربه کردند و ۱۹ درصد از زنان نیز همین تجربه را در طول یک سال گذشته داشتند. علاوه بر این طبق نتایج بدست آمده از این تحقیق پیروی زنان از نقش های جنسیتی بر میزان خشونت همسرانشان علیه خودشان تاثیر منفی داشته یعنی احتمال اینکه زنان در معرض خشونت همسران خود قرار بگیرند کاهش می یابد، در صورتی که در بسیاری از تحقیقات دیگر خلاف این امر ثابت شده بود.

حمدان منصور و همکاران (۲۰۱۱)، در تحقیقی که با عنوان "خشونت زناشویی و سلامت روانی زنان در جنوب اردن" به بررسی ارتباط بین سلامت روانی و خشونت همسران علیه زنان در منطقه جنوبی اردن پرداختند. از روش پیمایشی استفاده کردند و نمونه مورد نظر آنها ۹۱۵ نفر از زنان ساکن در این منطقه بوده است. طبق یافته های بدست آمده از این تحقیق حدود ۳/۲ درصد از زنان در طول یکسال گذشته، تهدید با چاقو را تجربه کرده بودند و نکته قابل توجه دیگری که در این تحقیق بدان اشاره شده بود وجود رابطه ی معنادار بین بی سواد و تجربه خشونت بود. در میان همه ی اشکال مختلف خشونت علیه زنان هم همبستگی معناداری وجود داشت. پژوهشگران در انتها با ذکر این نکته که سلامت روانی باعث توانمندسازی زنان در زندگی می شود، پیشنهاد کردند که

در مراکز بهداشتی-درمانی که زنان خشونت دیده به آن مراجعه می کنند، رویکردهای روانشناختی اعمال شود تا سلامت روانی و روحی آنها افزایش یابد.

چان (۲۰۱۱)، در تحقیقی با عنوان "همزمانی وقوع: همسرآزاری و کودک آزاری در خانواده های چینی هنگ کنگ" به بررسی همسرآزاری و کودک آزاری پرداخت، نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۲۳۶۳ نفر از والدین چینی بودند که ساکن هنگ کنگ بوده و پرسش های دموگرافیک روی آنها آزمایش شد. یافته های این تحقیق نشان دهنده ی این نکته است که خشونت های جسمی و عاطفی همبستگی بیشتری را در بین زنان و کودکان داشتند.

سامبیس و همکاران (۲۰۱۱)، در تحقیقی "میزان شیوع و همبسته های همسرآزاری در مناطق حاشیه ای و غیر حاشیه ای بنگلادش" را طی یک سال گذشته مورد بررسی قرار دادند. حجم نمونه در این پژوهش ۹۱۲۲ نفر از زنان ۱۵ تا ۴۹ سال بودند که با استفاده از روش پیمایش در طی سال ۲۰۰۶ انتخاب شدند. شیوه ی نمونه گیری در این پژوهش نمونه گیری خوشه ای می باشد. طبق یافته های این پژوهش در یک سال گذشته تجربه خشونت جسمی ۳۱ درصد بوده که مقدار آن در مناطق حاشیه شهر و مناطق شهری با هم متفاوت بوده و در مناطق حاشیه ای ۳۵ درصد و در مناطق شهری ۲۰ درصد بوده که این آمار نشان دهنده ی وجود خشونت بیشتر در مناطق حاشیه ای می باشد. بیشترین نوع خشونت جسمی نیز سیلی زدن، پیچاندن بازو و پرتاب جسم به سمت زن بوده است. یافته های بدست آمده از طریق تحلیل واریانس چندگانه بیانگر این است که میزان خشونت جسمی در بین زنان مسن کمتر بوده و زنانی که فرزندان بیشتری دارند و نگرش های مردسالارانه را پذیرفته اند با خشونت جسمی بالاتری مواجه هستند.

سن و بولسوی (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان "خشونت علیه زنان: شیوع و عوامل آن در ترکیه" انجام دادند که میزان گسترش خشونت خانگی را ۳۰ درصد بیان کردند. علاوه بر این طبق یافته های حاصل از این تحقیق بین میزان خشونت علیه زنان با متغیرهای طول مدت ازدواج، سن، حمایت اجتماعی، میزان تحصیلات زن و مرد، محیط زندگی، وضعیت اشتغال، وضعیت مهاجرت، سن زن هنگام ازدواج و چند همسری مرد رابطه و همبستگی معنی داری وجود دارند.

لیر و همکاران (۲۰۱۷)، پژوهشی در هند انجام دادند که نمونه مورد بررسی آنها زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله بودند که طبق نتایج بدست آمده در این تحقیق خشونت خانگی ۲۹ درصد و بیشترین شکل خشونت، آزار و اذیت جسمی بوده است. بر اساس یافته ها رابطه معنی داری بین تجربه و مشاهده خشونت خانگی در خانواده، کنترل شوهر بر رفتارهای زن، مصرف الکل وجود دارد. علاوه بر آن فقر باعث افزایش خشونت در خانواده ها می شود.

منیرول اسلام و چهارن و دلوار حسین (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان "خشونت علیه زنان و اختلال روانی در بنگلادش" انجام دادند که از روش کیفی و پدیدار شناسی استفاده کرده و ۱۶ مصاحبه عمیق ۳ مصاحبه غیررسمی و یک بحث گروهی متمرکز انجام شده که نتایج نشان داد جامعه مورد بررسی تا حد زیادی توسط مردان کنترل می شود و ازدواج اغلب بر زنان تحمیل می شود. زنان اغلب مقصر هر گونه اتفاق ناگوار در خانواده بودند و زنان متاهل تحت فشار اجتماعی و عاطفی قرار داشتند تا رابطه زناشویی را حفظ کنند. همه اشکال خشونت (فیزیکی، عاطفی، جنسی و...) در جامعه مورد بررسی وجود داشته و بیشتر اوقات بیش از یک نوع را در زنان مبتلا به اختلالات روانی می توان مشاهده کرد. خشونت جنسی برای برخی از زنان یک واقعیت است اما به ندرت در مورد آن بحث شده است.

احمدالنمر، گودا و وحدان (۲۰۱۸)، تحقیقی با عنوان "خشونت علیه زنان در یک منطقه زاغه نشین در قاهره" انجام دادند که نمونه مورد مطالعه آنها زنان در سنین ۱۸ تا ۴۵ سال در یک منطقه فقیر نشین در حلوای قاهره بوده که در سال ۲۰۱۸ بین ۶۵۷

زن در منطقه فقیر نشین حلوان، قاهره، مصر انجام شد که داده ها از طریق پرسشنامه و مصاحبه جمع آوری شد. یافته ها نشان داد که زنانی مورد خشونت واقع شدند بیشتر از نوع خشونت روانی بوده و پس از آن خشونت فیزیکی. اکثر زنانی که در معرض خشونت قرار داشتند گزارش کردند که هرگز در صورت مواجهه با خشونت درخواست مراقبت های بهداشتی نکرده اند و فقط یک سوم از زنان در این باره دانش خوبی داشتند.

سوبراتا بانرجی (۲۰۱۹)، تحقیقی با عنوان "شناسایی عوامل خشونت جنسی علیه زنان و حمایت از حقوق آنها در بنگلادش" انجام داده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش کیفی و تکنیک های تحلیل موضوع استفاده کرده و نتایج این پژوهش نشان داد که ساختار اجتماعی مردسالار، ازدواج اجباری، عملکرد فرهنگی، موانع در دسترسی به عدالت از جمله عوامل اصلی خشونت جنسی علیه زنان در بنگلادش است.

پارول بانداری (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان "روابط پیش از ازدواج و خشونت: تجربیات زنان طبقه متوسط کارگر در دهلی" انجام داد که با روش قوم نگاری و انجام مصاحبه های عمیق با زنان تحصیل کرده و شاغل در طبقه متوسط صورت گرفت. این پژوهش خشونت در روابط قبل از ازدواج را مورد مطالعه قرار می دهد و به بررسی آنچه که توسط زنان تحصیل کرده و شاغل در طبقه متوسط تجربه کرده اند؛ می پردازد. طبق یافته های این تحقیق خشونت شامل طیف وسیعی از احساسات، تحقیر و آسیب پذیری است. در پژوهش دلایلی که چرا زنان ممکن است این روابط خشونت آمیز را ادامه دهند و درمورد رنج های ناشی از خشونت سکوت کنند؛ توضیح می دهد و پیوندهای ناگسستنی بین خشونت، مدرنیته و عشق را مطالعه می کند.

۲-۱-۲- پیشینه در داخل کشور

زنگنه و احمدی (۱۳۸۰)، در تحقیقی به بررسی جامعه شناختی "عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده" پرداختند. تکنیک جمع آوری اطلاعات مورد نیاز در این تحقیق پرسشنامه بوده و روش نمونه گیری، تصادفی چند مرحله ای بوده و از طریق تکنیک های آمار استنباطی و با کمک نرم افزار، تحلیل های آماری انجام شدند. نمونه مورد نظر، ۳۵۰ نفر از زنان متأهلی بودند که در شهر بوشهر سکونت داشتند. با توجه به یافته های تحقیق متغیرهای اختلاف سنی بین زن و شوهر، مداخله های اطرافیان و آشنایان زن و شوهر، داشتن تجربه و یا مشاهده ی خشونت پدر و مادر توسط زن و شوهر در خانواده و میزان تحصیلات شوهر ارتباط مثبت و معناداری با انواع خشونت علیه زنان (عاطفی، جسمی، اجتماعی، مالی) دارا می باشد و متغیر میزان درآمد زن رابطه مثبت و معناداری با خشونت (عاطفی، جسمی و اجتماعی) علیه زنان در خانواده و رابطه معکوس و معناداری با خشونت مالی شوهران علیه زنان در خانواده دارد. علاوه بر این متغیر جنسیت فرزندان، میزان خشنودی و علاقه زن و شوهر در انتخاب همسر، وضعیت شغلی زن و شوهر، نوع شغل آنها، اعتیاد شوهر به مواد مخدر، تفاوت درجه ی شغلی زن و شوهر، تحصیلات و تفاوت درآمد آنها ارتباط معنی داری با انواع خشونت شوهران علیه زنان در خانواده دارد.

عارفی (۱۳۸۰)، پژوهشی تحت عنوان "بررسی توصیفی خشونت خانگی علیه زنان در شهر ارومیه" انجام داده است. روش مورد استفاده در این تحقیق کتابخانه ای و پیمایشی است. زنانی که مورد خشونت قرار گرفته و به مراکز قانونی شهر ارومیه مراجعه کرده بودند جامعه آماری این تحقیق را به خود اختصاص داده و متغیرهایی در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند که از اطلاعات موجود در پرونده ها به دست آمده شامل: سن، اشتغال، محل سکونت، میزان تحصیلات، نتیجه خشونت، نوع خشونت، عاملین خشونت و دلیل خشونت است. با توجه به نتایج پژوهش، بیشترین میزان خشونت در میان زنان ۱۷ تا ۲۰ ساله است. نزدیک به ۵۶ درصد کل

زنان در بین سنین ۱۷ تا ۳۲ سال قرار گرفته اند. بیشترین میزان خشونت در میان زنان با تحصیلات ابتدایی است که حدود ۵۶/۶ درصد هستند و بعد از آن زنانی که بی سواد اند ۲۴/۶ درصد را به خود اختصاص می دهند. اکثر خشونت ها از نوع جسمی و فیزیکی بوده با ۵۰ درصد و بعد از آن خشونت روانی با ۲۶/۱ و اقتصادی با ۲۳/۲ درصد است. بیشترین اعمال خشونت از سوی شوهران با ۸۲/۴ درصد و سپس پسران ۷ درصد صورت می گیرد. شوهرانی که دارای مشاغل کارگری ساده هستند بیشترین خشونت را نسبت به زنان اعمال کردند و بعد از آنها شوهران بیکار بودند که خشونت هایی را علیه زنان خود اعمال می کردند و علت اصلی این خشونت ها، اعتیاد و مسایل مالی و ارثی بودند.

نریمانی و آقا محمدیان (۱۳۸۴)، در تحقیقی به بررسی "میزان خشونت علیه زنان و متغیرهای مرتبط با آن" در شهر اردبیل پرداختند. نمونه مورد نظر در این تحقیق ۴۰۰ خانواده است که از شیوه ی نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد. با توجه به نهاد و ذات موضوع تحقیق از شیوه ی زمینه یابی و همبستگی بهره برده شده و آزمون های زیگموند و اسنیت برای سنجیدن اضطراب و افسردگی، آزمون جرات ورزی کمبریل و ریجی و آزمون ۵۷ سوالی آیزنگ و پرسشنامه ابزارهای جمع آوری داده ها بوده است. یافته ها نشان دهنده ی وجود خشونت کلامی و عاطفی در ۵/۵ درصد، خشونت جسمی در ۲۸/۵ درصد خانواده هاست. همچنین بر اساس این تحقیق خشونت مردان علیه زنان با بعضی از متغیرهایی مثل میزان تحصیلات زنان، پایگاه اجتماعی، میزان درآمد و تحصیلات مردان و متغیرهای روانشناسی مثل اضطراب، افسردگی و جرات ورزی زنان و مردان رابطه معناداری دارد. با اهتمام به نتایج پژوهش ضرورت دارد خانواده ها با روش های سازش کردن با مشکلات زندگی آشنایی پیدا کرده تا توانایی مهار خشم و اضطراب و افسردگی کسب کرده و به جای خشونت در خانواده آرامش را جایگزین کنند.

یزد خواستی و شیری (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان "ارزش های پدرسالاری و خشونت علیه زنان" به بررسی این پدیده پرداختند. در این تحقیق روش مورد استفاده مصاحبه ی عمیق بوده که با نمونه مورد نظر یعنی ۳۰ نفر از زنانی که به مرکز مشاوره شهر آمل مراجعه کرده بودند و از طرف همسران خود خشونت را تجربه کرده بودند انجام شد. یافته های این تحقیق بیانگر این است که اکثر زنان، زمانی مورد خشونت همسران خود قرار گرفتند که در حال جدل بر سر رابطه ی رئیس و مرئوسی در محیط خانواده بودند؛ یعنی به عبارت دیگر پایداری زنان در مقابل بینش ابزاری به خود و عدم پذیرش محروم ماندن از تحصیل و اشتغال برای اقتدار و قدرت مردان تهدید تلقی شده و مردان برای جلوگیری از این امر به خشونت دست زدند. علاوه بر این طبق نتایج بدست آمده مدرنیته باعث افزایش قدرت شناختی زنان نسبت به منابع حائز اهمیتی مثل تحصیلات و اشتغال بوده، که عاملی برای افزایش آگاهی آنها به نابرابری جنسیتی در محیط خانواده است و باعث می شود تا در آنها علاقه ای برای بازتعریف هویتشان در جامعه مدرن به روشی که از هویت های معین در جامعه سنتی متفاوت است؛ ایجاد شود، که خود این امر باعث به وجود آمدن ظرفیت ها و توانایی های مقاومت شده است. نتایج حکایت از این دارد که علل اعمال انواع خشونت علیه زنان ناشی از ازدواج مجدد شوهر، مسائل و چالش های مربوط به شوهر مثل بیکاری، بی مسولیتی، مشروب خواری و مشکلات جنسی، همچنین وجود تضاد و نابرابری در تحصیلات و پایگاه خانوادگی می باشد.

ملکی و نژاد سبزی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان "رابطه مولفه های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد" به بررسی این پدیده پرداختند. در این تحقیق تلاش شده بود تا با توجه به روابط موجود در خانواده، تاثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن را بر خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد بررسی کند. زنان متأهل تحت پوشش مراکز بهداشتی-درمانی جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق بوده اند که با روش پیمایش ۳۸۳ نفر انتخاب شدند. نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که

کمترین نوع خشونت علیه زنان خشونت جسمی مستقیم و بیشترین نوع خشونت در زمینه ی خشونت جسمی غیر مستقیم و روانی و عاطفی است، نیمی از زنان سرمایه اجتماعی و خانوادگی در حد زیاد و خیلی زیاد داشته و باقی زنان دارای سرمایه اجتماعی متوسط و کم بودند، نقش سرمایه اجتماعی در خشونت علیه زنان بسیار پررنگ بوده به گونه ای که ۵۸ درصد واریانس خشونت خانگی را تبیین می کند، در تحلیل های صورت گرفته، تحصیلات زنان از پر اهمیت ترین تبیین کننده خشونت خانگی علیه آنها و موثرترین منبع با ارزش در توانمند سازی زنان شناخته شد. تحقیق درمورد تاثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن به اتفاق متغیرهای زمینه ای باعث دستیابی به نتایج شگرفی شد. از بین متغیرهای تحصیلات زن و شوهر، تحصیلات پدر و مادر زن و شوهر، میزان درآمد شوهر و سن زن در زمان ازدواج، تنها میزان تحصیلات زن دارای رابطه معنادار بوده و باقی متغیرها کنار گذاشته شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که ضمن پذیرش نظریه منابع ویلیام گود، میزان تحصیلات زنان ابزار اساسی و مهم در روند توانمند سازی آنها در جهت مقاومت در برابر خشونت خانگی است. بر اساس این نظریه، نظام اقتداری در نظام خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی وجود دارد و هر شخصی به منابع اساسی و حائز اهمیت در خانواده بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد، مانند تحصیلات بالاتر، این توانایی را دارد تا سایر اعضا را به اعمال و امیال مورد نظر خود وادار کرده و تمامی تصمیم های مهم را خودش بگیرد.

رزاقی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی به بررسی "شیوع همسرآزاری و عوامل مرتبط با آن در زنان مراجعه کننده به مرکز بهداشتی- درمانی سبزوار" پرداختند. این تحقیق با هدف بررسی انواع همسرآزاری و عوامل موثر بر آن انجام شده است. تحقیقی که توصیفی- تحلیلی مقطعی بوده و نمونه مورد مطالعه زنان متاهلی که به مراکز بهداشتی درمانی سبزوار در سال ۱۳۸۶ مراجعه کردند؛ بوده که حجم نمونه بدست آمده ۳۹۶ نفر و با روش نمونه گیری آسان، با تکنیک پرسشنامه انجام شد. داده ها با استفاده از نرم افزار تجزیه و تحلیل شده و طبق نتایج این تحقیق بیشترین خشونت های اعمال شده بر روی زنان خشونت عاطفی و کلامی ۲۹/۲ درصد، خشونت جنسی ۲۸ درصد و خشونت جسمی ۱۰/۸ درصد بوده و میزان تحصیلات زوجین، شغل و ازدواج مجدد و اعتیاد شوهر، مشاهده و تجربه ی رفتار خشونت آمیز در کودکی زوجین، وجود نسبت فامیلی، بیماری جسمی و عصبی زن، محل تولد زوجین و تعداد فرزندان با انواع همسرآزاری ارتباط معناداری داشت. میزان خشونت در ابعاد مختلفی که مورد بررسی قرار گرفت، بسیار زیاد بوده و بیشترین نوع همسرآزاری علیه زنان به ترتیب خشونت عاطفی و کلامی، جنسی و جسمی می باشد. زنانی که دارای تحصیلات راهنمایی و کمتر بودند، ۹۶/۳ درصد آزار روانی را تجربه کرده بودند. اگرچه این میزان در زنان دارای تحصیلات بیشتر نیز بالا بود (۹۱/۶ درصد) اما به طور معناداری تفاوت وجود دارد. از طرفی، ۴۷ درصد زنان دارای تحصیلات راهنمایی و کمتر و ۲۲ درصد از زنان دارای تحصیلات دیپلم و بیشتر آزار جسمی را تجربه کرده بودند که خشونت جسمی زنان در برابر میزان و سطح تحصیلات دارای تفاوت معنادار بود ولی آزار جنسی بر اساس سطح تحصیلات زنان، تفاوت معناداری نداشت.

عاطف وحید و دیگران (۱۳۸۹)، در تحقیقی "نقش ویژگی های جمعیت شناختی و روانشناختی در پیش بینی خشونت در قربانیان همسرآزاری شهر تهران" را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق پژوهشگران تلاش کردند تا نقش متغیرهای جمعیت شناختی و روانشناختی که در پیش بینی خشونت علیه قربانیان همسرآزاری که به کلانتری ها و دادگاه خانواده تهران مراجعه کرده بودند؛ بپردازند. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه بوده و افراد نمونه ی انتخاب شده از طریق نمونه گیری خوشه ای در سطح شهر تهران از ۴۹ کلانتری و دادگاه خانواده با حجم نمونه ۴۵۰ نفر بودند. تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره و تحلیل واریانس رگرسیون انجام گرفت. طبق نتایج بدست آمده از این تحقیق متغیرهایی مانند سن، سطح تحصیلات پایین، بارداری، اعتیاد، تعداد بالای فرزندان، بیکاری همسر و داشتن مشکلات روانی روی تجربه ی انواع خشونت

مانند خشونت روانی، جسمی و اقتصادی و جنسی اثر می گذارند. سطح تحصیلات پایین، سن، بیکاری زن، بارداری و تعداد بالای فرزندان باعث می شود فرد خشونت بیشتری را تجربه کند. راهکار و پیشنهادی که در این تحقیق به آن اشاره شد این بود که می توان با شناسایی عواملی که در بروز و ظهور همسرآزاری موثراند برنامه های هدفمندی برای کاهش و جلوگیری از آن طراحی کرد.

صادقی فسایی (۱۳۸۹) در استراتژی های پیشگیری از خشونت، عوامل تأثیرگذار را در دو دسته زیر دسته بندی کرده است: خانواده محوری: توجه به نقش خانواده در امر خشونت و برنامه های جلوگیری از آن با هدف بهبود روابط خانواده و ارتقاء مهارت هایی که به فرزندان کمک می کند مسائل را به شیوه های غیرخشن حل کنند. استراتژی های اجتماعی توسعه ای: آموزش به افراد جامعه که چگونه در مواقع سخت بدون استفاده از خشونت مشکلات را حل کنند. این آموزش ها می توانند از طریق موسیقی، هنر، و نقاشی برگزار شده و تئاترهای خیابانی جهت آگاهی دهی ارائه شود. تغییرات ساختاری: کاهش فشارهای اجتماعی از طریق ترویج دموکراسی، توزیع عادلانه درآمد و تنظیم صحیح روابط اجتماعی. این نیازمند برنامه و اجرا در سطوح کلان اجرایی کشور است. برخورد قانونی با خشونت و مشارکت نهادهای اجتماعی: علاوه بر برخورد قانونی، آموزش و آگاهی اجتماعی و حمایت از قربانیان خشونت خانگی نیز اهمیت دارد. راهکارهای عملی:

- درگیر کردن نهادهای اجتماعی مانند صدا و سیما برای آموزش و ایجاد آگاهی.
 - درگیر کردن نهاد آموزش و پرورش جهت شناسایی بچه های خشن در مدارس و ارائه مشاوره به موقع به آنها.
 - برگزاری کلاس های اجباری برای مردان ۱۴ تا ۱۸ ساله.
 - تغییر رفتار مردان خشن با ارائه مشاوره به موقع و برخوردهای جدی قانونی.
- زارع و امینی (۱۳۸۹)، در تحقیقی به "بررسی تأثیر قومیت بر خشونت علیه زنان در شهر تکاب" پرداختند. آزار و خشونت علیه زنان در بیشتر جوامع علل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... دارد. هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیری است که قومیت در بروز رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان گذاشته است. زنانی که حداقل یک بار ازدواج کرده اند و ساکن شهر تکاب هستند جامعه آماری مورد نظر بوده اند. ۱۲۱ نفر از زنان نمونه آماری این تحقیق را تشکیل دادند و تکنیک مورد استفاده برای جمع آوری داده ها پرسشنامه بوده و با کمک نرم افزار به آزمون فرضیات مختلف پرداخته شده و بر این اساس در میان میزان خشونت علیه زنان با اشتغال، نسبت خویشاوندی با همسر، سطح تحصیلات زنان و شوهرانشان، درآمد و نوع ازدواج و قومیت رابطه ی معنا داری وجود دارد. علاوه بر این در برخی مواقع که زن و شوهر از قومیت های مختلفی بودند یعنی ما شاهد ناهمسانی قومی بین زوجین بودیم، میانگین خشونت و آزار و اذیت علیه زنان کاهش یافته و زمانی که زوجین از یک قومیت بوده و ما شاهد همسانی قومی بین آنها بودیم میزان خشونت علیه زنان افزایش در صورتی که بین میزان آزار و خشونت علیه زنان با سن آنها رابطه معناداری وجود نداشته است. طبق نتایج بدست آمده تجربه خشونت خانگی، به تفکیک سطح تحصیلات تفاوت معناداری دارد. با بالا رفتن سطح تحصیلات پاسخگویان، خشونت نیز در میان آنها افزایش یافته است. مقایسه میزان خشونت خانگی بر حسب تحصیلات همسر پاسخگویان حاکی از وجود ارتباط معنی دار بین این دو می باشد. در مورد این متغیر نیز با بالا رفتن سطح تحصیلات همسر، میزان خشونت افزایش پیدا کرده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده، میانگین خشونت علیه زنان خانه دار (۱۱۵.۹۸) تفاوت معنی داری با میانگین خشونت علیه زنان شاغل (۱۲۲.۵۷) دارد به این معنی که زنان شاغل نسبت به زنان خانه دار بیشتر در معرض رفتارهای خشونت آمیز قرار می گیرند.

پهلوان (۱۳۹۰)، در تحقیقی "خشونت خانگی علیه زنان شهر سمنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن" را مورد بررسی قرار می دهد؛ در تحقیق انجام شده روش مورد استفاده اسنادی و پیمایشی بوده که برای جمع آوری داده ها از ابزار پرسشنامه ساخت یافته استفاده شده که ابتدا از قابلیت اعتماد و روایی آن اطمینان حاصل شده و سپس از آن در ادامه تحقیق استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش ۱۵۴۰۰۰ نفر از افراد ساکن در شهر سمنان بودند که نمونه مورد نظر از طریق روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. حجم نمونه این پژوهش ۳۰۰ نفر از زنان بالای ۱۵ سال بودند. طبق نتایج بدست آمده بین متغیرهای یادگیری خشونت توسط مردان در محیط خانواده، منابع قدرت و ایدئولوژی مردسالاری و سنت گرایی زنان و نقش زنان در موقعیت اقتصادی و اجتماعی و محل سکونت رابطه ی معنا داری وجود دارد (قاسمی، ۱۳۹۲، ۲۵).

دانش و شربتیان و طوافی (۱۳۹۳)، در پژوهشی به "تحلیل جامعه شناختی خشونت خانگی علیه زنان و رابطه آن با احساس امنیت در خانه در بین زنان شهر میانه" پرداختند. روش مورد استفاده پیمایش کاربردی بوده که زنان ۱۸ تا ۵۴ ساله ای که ساکن شهر میانه هستند جامعه آماری این تحقیق را تشکیل دادند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران و با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای ۳۸۱ نفر از زنان انتخاب شدند. تکنیک اصلی برای جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. یافته های این پژوهش بیانگر این است که از میان خشونت های مالی، جسمی، جنسی، کلامی، روانی و عاطفی علیه زنان، بیشترین خشونت که علیه زنان اعمال شده خشونت روانی و کلامی و عاطفی بوده همچنین وجود این نکته نیز قابل توجه است که رابطه ی بین میزان خشونت علیه زنان با میزان امنیت آنها در محیط خانه و خانواده معکوس و منفی بوده که نشان دهنده این است که با افزایش هر یک از خشونت ها میزان امنیت زنان کاهش می یابد. نتایج رگرسیون بیانگر این بود که در میان متغیرهای مهم همچون بینش مردسالاری، موقعیت اقتصادی-اجتماعی زنان، داشتن تجربه ی خشونت و تحریک روانی شوهر بر خشونت، بیشترین تاثیر به طور مستقیم بر خشونت علیه زنان را متغیر بینش مردسالارانه با مقدار بتای ۰/۵۰ دارد.

فلاح و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله ای با عنوان "عوامل موثر بر خشونت همسر علیه زنان متأهل" بیان داشتند که میزان خشونت خانگی که بر سلامت زنان ۴۴-۱۵ ساله اثر می گذارد بیشتر از اثرگذاری سرطان پستان، سرطان رحم و سوانح است. هدف از انجام این تحقیق تحلیلی-توصیفی بررسی عواملی است که بر اعمال خشونت علیه زنان موثر اند. ۲۷۳ نفر از زنان متأهل که به مراکز بهداشتی-درمانی شهر کردکوی در سال ۱۳۹۱ مراجعه کرده بودند نمونه مورد نظر را تشکیل می دهند که این نمونه از طریق نمونه گیری تصادفی طبقه ای صورت گرفته و اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از تکنیک پرسشنامه ای که پایایی و روایی آن مورد تایید واقع شده صورت گرفت. طبق یافته های بدست آمده ۸۶/۲ درصد از زنان خانه دار بوده و میزان تجربه آنها از خشونت روانی، جنسی و جسمی به ترتیب ۴۵ درصد، ۳۳/۷ درصد، ۳۲/۸۸ درصد بوده است. میزان تحصیلات زوجین، شغل زنان و سن ازدواج زوجین از مهمترین عوامل تاثیرگذاری بود که به زنان و همسرانشان مربوط می شد اما تعداد فرزندان و درآمد خانوار از جمله مهمترین عوامل اثرگذاری بود که مربوط به خانواده می شد. نتایج این پژوهش نشان دهنده این نکته بود که میزان تحصیلات، اشتغال، سن ازدواج و سطح درآمد خانواده تاثیر بسزایی در مواجهه با انواع خشونت دارند (عارفی، ۱۳۹۵، ۲۴).

احمدی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی که برای بررسی "عوامل مساعد کننده خشونت همسر" انجام دادند، اشاره کردند که خشونت همسر تهدید جدی برای سلامتی و حقوق زنان در جهان محسوب می شود. آنها مطالعه ای توصیفی-مقایسه ای انجام دادند. مطالعه آنها با هدف تعیین عوامل مساعدکننده خشونت همسر در زنان قربانی خشونت همسر در سال ۱۳۹۲ صورت گرفت. نمونه مورد نظر این تحقیق را ۱۱۰ نفر از زنانی که به دادگاه های خانواده و مراکز بهداشتی و درمانی شهر رشت مراجعه کرده بودند تشکیل

می دادند که با روش نمونه گیری ساده از مرداد تا دی ۱۳۹۲ از طریق پرسشنامه که شامل حیطه های خشونت جسمی، عاطفی و جنسی با ۳۴ گویه بود. تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفته و آمار توصیفی و آزمون های کای اسکور، من ویتنی و t مستقل در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفتند. یافته های مطالعه نشان داد که در نتایج مطالعه بین شغل همسر، وضعیت مسکن و تحصیلات همسر با خشونت علیه زنان رابطه معنی داری وجود دارد به گونه ای که میزان بیکاری و تحصیلات پایین و مسکن اجاره ای در گروه خشونت دیده به طور معناداری از گروه بدون خشونت بیشتر بود. در پایان پیشنهادی که در این تحقیق برای بهبود این وضعیت ارائه شد این بود که به دلیل اینکه عوامل بسیاری همچون عدم اشتغال، سطح تحصیلات پایین و نداشتن مسکن می تواند بر گسترش و افزایش خشونت همسر در بین زنان اثر گذار باشند پس ضرورت آموزش زنان برای شناسایی عوامل کمک کننده خشونت همسر در خانواده و آشنایی و آگاهی آنها با راهکار ها و شیوه های کاهش خشونت و همچنین درخواست کمک از مراکز حمایتی بیشتر از گذشته احساس می شود.

سهراب زاده و منصوریان راوندی (۱۳۹۶)، در تحقیقی به بررسی "تجربه زیسته زنان از خشونت کلامی در خانواده های شهرستان کاشان" پرداختند. نمونه مورد نظر ۱۱ نفر از زنانی بودند که به مراکز مشاوره ی شهرستان کاشان مراجعه کرده بودند. ابزار مورد استفاده برای جمع آوری داده ها مصاحبه ی عمیق بوده که با روش تحلیل سیستماتیک به تجزیه و تحلیل داده ها پرداختند. طبق یافته های بدست آمده تجربه هایی که زنان از خشونت کلامی در محیط خانواده داشتند در ابعاد مختلف خشونت کلامی و دلایل به وجود آمدن آزار و خشونت کلامی مورد بررسی قرار گرفتند. طبق نتایج بدست آمده از این تحقیق بی توجهی به زن، خشونت کلامی در قالب شوخی، پایین آوردن ارزش و احترام زن، برخورد تحکم آمیز با زن و سیستم اجتماعی شدن نامناسب، تبعیض و نابرابری جنسیتی، ضعف قوانین، ارزش های مردسالاری و یادگیری اجتماعی از عوامل مهم و مؤثر بر دلایل بروز خشونت کلامی بوده اند.

صادقی و ویژه و زنجری (۱۳۹۷)، در پژوهشی به موضوع "عوامل مرتبط با خشونت خانگی علیه زنان در تهران" پرداختند. حجم نمونه ۴۰۵ نفر از زنان متاهل زیر ۳۰ سال در تهران از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شد و از آزمون های تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره داده های گرد آوری شده تجزیه و تحلیل شدند. یافته های تحقیق نشان داد که در طول زندگی زناشویی زنان پنج نوع از خشونت خانگی از جمله خشونت فیزیکی، عاطفی، کلامی، جنسی و مالی را تجربه کرده اند. در بین اشکال مختلف خشونت، آزار و اذیت کلامی شایع ترین و خشونت جنسی کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. طبق نتایج بدست آمده از تحلیل چند متغیره گسترش خشونت در ازدواج های نامناسب مثل ازدواج در سنین پایین، ازدواج اجباری و بدون شناخت، ساختار غیرمشارکتی قدرت در خانواده، پایگاه پایین اجتماعی و بیکاری به طور معنی داری بیشتر بوده است. پیشنهاداتی که در پایان این تحقیق ارائه شد بدین شرح بود: آموزش و مشاوره زن و شوهر در هنگام ازدواج و انتخاب همسر و دسترسی پذیری زنان به حمایت های اجتماعی رسمی و غیر رسمی در جهت کاهش خشونت علیه آنها.

عباسی اسفجیر و براری و نظیف (۱۳۹۷)، در پژوهشی به موضوع "عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان در استان مازندران" پرداختند. داده های مربوط به عوامل اجتماعی که شامل رضایت شغلی، احساس مقبولیت اجتماعی، درآمد مناسب، نگرش منفی مرد نسبت به خشونت، سلامت روانی مرد و همچنین خشونت علیه زنان پس از جمع آوری پرسشنامه محقق ساخته در حجم نمونه ۳۸۳ نفر از روانشناسان استان مازندران در سال ۱۳۹۷ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بدین ترتیب، یافته های تحقیق که بر اساس روش آماری رگرسیون تک متغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است، نشان می دهد که عوامل اجتماعی اثر منفی و معنی داری بر

روی خشونت علیه زنان داشته است. در واقع عوامل اجتماعی مذکور قادر به تبیین تغییرات خشونت علیه زنان می باشند. بدین معنی که افزایش هر یک از این عوامل احتمال کاهش خشونت علیه زنان را بالا میبرد.

در مطالعه ی احمدی و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان "بررسی تجربیات زنان مبتلا به خشونت خانگی و شناسایی ریشه های اجتماعی آن در شهر همدان"، به تحلیل خشونت علیه زنان پرداخته شد. این تحقیق از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسانه با مصاحبه ۱۸ زن قربانی که به پزشکی قانونی همدان مراجعه کرده بودند در سال ۱۳۹۸ استفاده کرد. در فرآیند تحلیل داده ها، ۱۷ مفهوم اصلی و ۵۷ مفهوم فرعی شناسایی شد. این مفاهیم از دیدگاه زنان به دو دسته ساختاری و زمینه ای تقسیم شدند، که در آن زنان قربانی خشونت عوامل ساختاری را از جمله ستم جنسی، جامعه پذیری جنسیتی، مسائل اقتصادی و نقش قانون مطرح کردند. همچنین، ویژگی های شخصیتی مردان و نحوه جامعه پذیری آن ها توسط خانواده ها را به عنوان عوامل زمینه ای معرفی کردند. زنان قربانی اذعان کردند که تحت فشارهای اجتماعی، به "سکوت" در مواجهه با خشونت همسران روی آورده و ترجیح می دهند زندگی مشترک را به جای پذیرش داغ ننگ طلاق ادامه دهند.

سعیدی، معمار و کیانپور (۱۳۹۹) نیز در پژوهش "تجربه زیسته زنان از خشونت خانگی (مورد مطالعه: زنان مراجعه کننده به واحد کاهش طلاق مرکز اورژانس اجتماعی شهر اصفهان)" به بررسی تجربیات زنان از خشونت و راهکارهای مواجهه با آن پرداخته اند. این پژوهش با رویکرد تفسیرگرایی و از روش پدیدارشناسی استفاده کرده و تلاش دارد تا تجارب زیسته زنان از خشونت خانگی را شناسایی کند. میدان تحقیق واحد کاهش طلاق مرکز اورژانس اجتماعی شهر اصفهان است و با استفاده از نمونه گیری هدفمند با ۱۸ زن خشونت دیده، مصاحبه عمیق نیمه ساخت یافته اجرا شده است و با روش هفت مرحله ای کولایزی، تحلیل داده ها صورت گرفت. نتایج تحقیق علاوه بر ارائه ی نوع شناسی دقیق از خشونت که زنان آن را تجربه کرده بودند، نشان داد که هر کدام از زنان خشونت دیده بر اساس نوع خشونت که تجربه کرده اند، خشونت علیه زن را چگونه تعریف می کنند. زنان در بیان تجاربشان به دلایل خشونت همسر نیز اشاره نمودند. در این خصوص به دخالت خانواده مرد، ویژگی های شخصیتی و اخلاقی مرد، عدم شناخت کافی از یکدیگر و اندیشه های مردسالاری اشاره می کنند. همچنین زنانی که قدرت مقابله با همسر را در خود نمی بینند، به صورت منفعلانه به سازش و تحمل زندگی خشونت بار، پنهان کردن خشونت اعمال شده و در نهایت دفاع از خود در هنگام کتک خوردن می پردازند. آن دسته از زنان که توانایی مقابله با خشونت همسر دارند، به صورت فعالانه دست به اقداماتی چون اتخاذ تدابیر برای بهبود اوضاع، عدم انجام خواسته های مرد، ناسزاگویی در مقابل خشونت کلامی شوهر و در نهایت با نتیجه ندادن اقدامات اشاره شده به قهر و ترک منزل دست می زنند.

در جدول زیر خلاصه ای از پیشنهاد تحقیق برای درک بهتر ارائه شده است:

جدول ۲-۱-پیشینه خارجی و داخلی تحقیق

نویسنده	سال	عنوان تحقیق	نتایج
عبید و همکاران	(۲۰۱۰)	عقاید در مورد همسرآزاری، مطالعه اکتشافی دیدگاه دانشجویان لبنانی	یافته های این مطالعه بیانگر این است که جنسیت، بینش های مردسالارانه، دین، مشاهده ی خشونت از سوی والدین در دوره کودکی، موقعیت شغلی مادر از جمله متغیرهای تاثیرگذار بر عقاید درمورد خشونت علیه زنان بودند. محقق در پژوهش خود ضمن تاکید بر نظریات فمینیستی به این نکته دست یافت که جنسیت و بینش و نگرشی که نسبت به نقش

های زنان وجود دارد از مهمترین عوامل موثر بر عقاید نسبت به همسرآزاری می باشد.			
یافته های آن نشان میدهد که حدود ۳۶ درصد از زنان حداقل یکی از اشکال مختلف خشونت (جسمی، جنسی، عاطفی) را در طول دوره زندگی مشترک خود تجربه کردند و ۱۹ درصد از زنان نیز همین تجربه را در طول یک سال گذشته داشتند. علاوه بر این طبق نتایج بدست آمده از این تحقیق پیروی زنان از نقش های جنسیتی بر میزان خشونت همسرانشان علیه خودشان تاثیر منفی داشته یعنی احتمال اینکه زنان در معرض خشونت همسران خود قرار بگیرند کاهش می یابد، در صورتی که در بسیاری از تحقیقات دیگر خلاف این امر ثابت شده بود	نگرش زنان نسبت به نقش های جنسیتی و تجربه خشونت شوهر در ایالت مرکزی سریلانکا	(۲۰۱۱)	جایاتیلک
طبق یافته های بدست آمده از این تحقیق حدود ۳/۲ درصد از زنان در طول یکسال گذشته، تهدید با چاقو را تجربه کرده بودند و نکته قابل توجه دیگری که در این تحقیق بدان اشاره شده بود وجود رابطه ی معنادار بین بی سواد و تجربه خشونت بود. در میان همه ی اشکال مختلف خشونت علیه زنان همبستگی معناداری وجود داشت. پژوهشگران در انتها با ذکر این نکته که سلامت روانی باعث توانمندسازی زنان در زندگی می شود، پیشنهاد کردند که در مراکز بهداشتی-درمانی که زنان خشونت دیده به آن مراجعه می کنند، رویکردهای روانشناختی اعمال شود تا سلامت روانی و روحی آنها افزایش یابد.	خشونت زناشویی و سلامت روانی زنان در جنوب اردن	(۲۰۱۱)	حمدان منصور و همکاران
یافته های این تحقیق نشان دهنده ی این نکته است که خشونت های جسمی و عاطفی همبستگی بیشتری را در بین زنان و کودکان داشتند.	همزمانی وقوع: همسرآزاری و کودک آزاری در خانواده های چینی هنگ کنگ	(۲۰۱۱)	چان
یافته های بدست آمده از طریق تحلیل واریانس چندگانه بیانگر این است که میزان خشونت جسمی در بین زنان مسن کمتر بوده و زنانی که فرزندان بیشتری دارند و نگرش های مردسالارانه را پذیرفته اند با خشونت جسمی بالاتری مواجه هستند.	میزان شیوع و همبسته های همسرآزاری در مناطق حاشیه ای و غیر حاشیه ای بنگلادش	(۲۰۱۱)	سامبیس و همکاران

سن و بولسوی	(۲۰۱۷)	خشونت علیه زنان: شیوع و عوامل آن در ترکیه	طبق یافته های حاصل از این تحقیق بین میزان خشونت علیه زنان با متغیرهای طول مدت ازدواج، سن، حمایت اجتماعی، میزان تحصیلات زن و مرد، محیط زندگی، وضعیت اشتغال، وضعیت مهاجرت، سن زن هنگام ازدواج و چند همسری مرد رابطه و همبستگی معنی داری وجود دارند.
لیر و همکاران	(۲۰۱۷)		در این تحقیق خشونت خانگی ۲۹ درصد و بیشترین شکل خشونت، آزار و اذیت جسمی بوده است. بر اساس یافته ها رابطه معنی داری بین تجربه و مشاهده خشونت خانگی در خانواده، کنترل شوهر بر رفتارهای زن، مصرف الکل وجود دارد. علاوه بر آن فقر باعث افزایش خشونت در خانواده ها می شود.
منیرول اسلام و چهارن و دلوار حسین	(۲۰۱۷)	خشونت علیه زنان و اختلال روانی در بنگلادش	زنان اغلب مقصر هر گونه اتفاق ناگوار در خانواده بودند و زنان متاهل تحت فشار اجتماعی و عاطفی قرار داشتند تا رابطه زناشویی را حفظ کنند. همه اشکال خشونت (فیزیکی، عاطفی، جنسی و غیره) در جامعه مورد بررسی وجود داشته و بیشتر اوقات بیش از یک نوع را در زنان مبتلا به اختلالات روانی میتوان مشاهده کرد. خشونت جنسی برای برخی از زنان یک واقعیت است اما به ندرت در مورد آن بحث شده است.
احمدالنمر، گودا و وحدان	(۲۰۱۸)	خشونت علیه زنان در یک منطقه زاغه نشین در قاهره	یافته ها نشان داد که زنانی مورد خشونت واقع شدند بیشتر از نوع خشونت روانی بوده و پس از آن خشونت فیزیکی. اکثر زنانی که در معرض خشونت قرار داشتند گزارش کردند که هرگز در صورت مواجهه با خشونت درخواست مراقبت های بهداشتی نکرده اند و فقط یک سوم از زنان در این باره دانش خوبی داشتند.
سوبراتا بانرجی	(۲۰۱۹)	شناسایی عوامل خشونت جنسی علیه زنان و حمایت از حقوق آنها در بنگلادش	نتایج این پژوهش نشان داد که ساختار اجتماعی مردسالار، ازدواج اجباری، عملکرد فرهنگی، موانع در دسترسی به عدالت از جمله عوامل اصلی خشونت جنسی علیه زنان در بنگلادش است.
پارول بانداری	(۲۰۲۰)	روابط پیش از ازدواج و خشونت: تجربیات زنان طبقه متوسط کارگر در دهلی	طبق یافته های این تحقیق خشونت شامل طیف وسیعی از احساسات، تحقیر و آسیب پذیری است. در پژوهش دلایلی که چرا زنان ممکن است این روابط خشونت آمیز را ادامه دهند و درمورد رنج های ناشی از خشونت سکوت کنند مورد بررسی قرار می دهد و پیوندهای ناگسستنی بین خشونت، مدرنیته و عشق را مطالعه می کند.

زنگنه و احمدی	(۱۳۸۰)	بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده	با توجه به یافته های تحقیق متغیرهای اختلاف سنی بین زن و شوهر، مداخله های اطرافیان و آشنایان زن و شوهر، داشتن تجربه و یا مشاهده ی خشونت پدر و مادر توسط زن و شوهر در خانواده و میزان تحصیلات شوهر ارتباط معناداری با انواع خشونت علیه زنان(عاطفی، جسمی، اجتماعی، مالی) دارا می باشد و متغیر میزان درآمد زن رابطه مثبت و معناداری با خشونت(عاطفی، جسمی و اجتماعی) علیه زنان در خانواده و رابطه معکوس و معناداری با خشونت مالی شوهران علیه زنان در خانواده دارد. علاوه بر این متغیر جنسیت فرزندان، میزان خشنودی و علاقه زن و شوهر در انتخاب همسر، وضعیت شغلی زن و شوهر، نوع شغل آنها، اعتیاد شوهر به مواد مخدر، تفاوت درجه ی شغلی زن و شوهر، تحصیلات و تفاوت درآمد آنها ارتباط معنی داری با انواع خشونت شوهران علیه زنان در خانواده دارد.
عارفی	(۱۳۸۰)	خشونت خانگی علیه زنان در شهر ارومیه	با توجه به نتایج پژوهش، بیشترین میزان خشونت در میان زنان ۱۷ تا ۲۰ ساله است. نزدیک به ۵۶ درصد کل زنان در بین سنین ۱۷ تا ۳۲ سال قرار گرفته اند. بیشترین میزان خشونت در میان زنان با تحصیلات ابتدایی است که حدود ۵۶/۶ درصد هستند و بعد از آن زنانی که بی سواد اند ۲۴/۶ درصد را به خود اختصاص می دهند. اکثر خشونت ها از نوع جسمی و فیزیکی بوده با ۵۰ درصد و بعد از آن خشونت روانی با ۲۶/۱ و اقتصادی با ۲۳/۲ درصد است. بیشترین اعمال خشونت از سوی شوهران با ۸۲/۴ درصد و سپس پسران ۷ درصد صورت می گیرد. شوهرانی که دارای مشاغل کارگری ساده هستند بیشترین خشونت را نسبت به زنان اعمال کردند و بعد از آنها شوهران بیکار بودند که خشونت هایی را علیه زنان خود اعمال می کردند و علت اصلی این خشونت ها، اعتیاد و مسایل مالی و ارثی بودند.
نریمانی و آقا محمدیان	(۱۳۸۴)	میزان خشونت علیه زنان و متغیرهای مرتبط با آن در شهر اردبیل	یافته ها نشان دهنده ی وجود خشونت کلامی و عاطفی در ۵/۵ درصد، خشونت جسمی در ۲۸/۵ درصد خانواده هاست. همچنین بر اساس این تحقیق خشونت مردان علیه زنان با بعضی از متغیرهایی مثل میزان تحصیلات زنان، پایگاه اجتماعی، میزان درآمد و تحصیلات مردان و متغیرهای روانشناسی مثل اضطراب، افسردگی و جرات ورزی زنان و مردان رابطه معناداری دارد. با اهتمام به نتایج پژوهش ضرورت دارد خانواده ها با روش های سازش کردن با مشکلات زندگی آشنایی پیدا کرده تا توانایی

			مه‌ار خشم و اضطراب و افسردگی کسب کرده و به جای خشونت در خانواده آرامش را جایگزین کنند.
یزد خواستی و شیری	(۱۳۸۷)	ارزش های پدرسالاری و خشونت علیه زنان	یافته های این تحقیق بیانگر این است که اکثر زنان، زمانی مورد خشونت همسران خود قرار گرفتند که در حال جدل بر سر رابطه ی رئیس و مرئوسی در محیط خانواده بودند؛ یعنی به عبارت دیگر پایداری زنان در مقابل بینش ابزاری به خود و عدم پذیرش محروم ماندن از تحصیل و اشتغال برای اقتدار و قدرت مردان تهدید تلقی شده و مردان برای جلوگیری از این امر به خشونت دست زدند. علاوه بر این طبق نتایج بدست آمده مدرنیته باعث افزایش قدرت شناختی زنان نسبت به منابع حائز اهمیتی مثل تحصیلات و اشتغال بوده، که عاملی برای افزایش آگاهی آنها به نابرابری جنسیتی در محیط خانواده است و باعث می شود تا در آنها علاقه ای برای بازتعریف هویتشان در جامعه مدرن به روشی که از هویت های معین در جامعه سنتی متفاوت است؛ ایجاد شود، که خود این امر باعث به وجود آمدن ظرفیت ها و توانایی های مقاومت شده است. نتایج حکایت از این دارد که علل اعمال انواع خشونت علیه زنان ناشی از ازدواج مجدد شوهر، مسائل و چالش های مربوط به شوهر مثل بیکاری، بی مسولیتی، مشروب خواری و مشکلات جنسی همچنین وجود تضاد و نابرابری در تحصیلات و پایگاه خانوادگی می باشد.
ملکی و نژاد سبزی	(۱۳۸۹)	رابطه مولفه های سرمایه اجتماعی با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد	نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که کمترین نوع خشونت علیه زنان خشونت جسمی مستقیم و بیشترین نوع خشونت در زمینه ی خشونت جسمی غیر مستقیم و روانی و عاطفی است، نیمی از زنان سرمایه اجتماعی و خانوادگی در حد زیاد و خیلی زیاد داشته و باقی زنان دارای سرمایه اجتماعی متوسط و کم بودند، نقش سرمایه اجتماعی در خشونت علیه زنان بسیار پررنگ بوده به گونه ای که ۵۸ درصد واریانس خشونت خانگی را تبیین می کند، در تحلیل های صورت گرفته، تحصیلات زنان از پر اهمیت ترین تبیین کننده خشونت خانگی علیه آنها و موثرترین منبع با ارزش در توانمند سازی زنان شناخته شد. تحقیق درمورد تاثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن به اتفاق متغیرهای زمینه ای باعث دستیابی به نتایج شگرفی شد. از بین متغیرهای تحصیلات زن و شوهر، تحصیلات پدر و مادر زن و شوهر، میزان درآمد شوهر و سن زن در زمان ازدواج، تنها میزان تحصیلات زن دارای رابطه معنادار بوده و باقی متغیرها کنار گذاشته شدند.

صادقی فسایی	(۱۳۸۹)	خشونت خانگی و استراتژی های زنان در مواجهه با آن (مطالعه ای کیفی)	- درگیر کردن نهادهای اجتماعی مانند صدا و سیما برای آموزش و ایجاد آگاهی. - درگیر کردن نهاد آموزش و پرورش جهت شناسایی بچه های خشن در مدارس و ارائه مشاوره به موقع به آنها. - برگزاری کلاس های اجباری برای مردان ۱۴ تا ۱۸ ساله. - تغییر رفتار مردان خشن با ارائه مشاوره به موقع و برخوردهای جدی قانونی.
رزاقی و همکاران	(۱۳۸۹)	بررسی شیوع همسرآزاری و عوامل مرتبط با آن در زنان مراجعه کننده به مرکز بهداشتی- درمانی سبزوار	میزان خشونت در ابعاد مختلفی که مورد بررسی قرار گرفت، بسیار زیاد بوده و بیشترین نوع همسرآزاری علیه زنان به ترتیب خشونت عاطفی و کلامی، جنسی و جسمی می باشد. زنانی که دارای تحصیلات راهنمایی و کمتر بودند، ۹۶.۳ درصد آزار روانی را تجربه کرده بودند اگرچه این میزان در زنان دارای تحصیلات بیشتر نیز بالا بود (۹۱.۶ درصد) اما به طور معناداری تفاوت وجود دارند. از طرفی، ۴۷ درصد زنان دارای تحصیلات راهنمایی و کمتر و ۲۲ درصد از زنان دارای تحصیلات دیپلم و بیشتر آزار جسمی را تجربه کرده بودند که خشونت جسمی زنان در برابر میزان و سطح تحصیلات دارای تفاوت معنادار بود ولی آزار جنسی بر اساس سطح تحصیلات زنان، تفاوت معناداری نداشت.
عاطف وحید و دیگران	(۱۳۸۹)	نقش ویژگی های جمعیت شناختی و روانشناختی در پیش بینی خشونت در قربانیان همسرآزاری شهر تهران	طبق نتایج بدست آمده از این تحقیق متغیرهایی مانند سن، سطح تحصیلات پایین، بارداری، اعتیاد، تعداد بالای فرزندان، بیکاری همسر و داشتن مشکلات روانی روی تجربه ی انواع خشونت مانند خشونت روانی، جسمی و اقتصادی و جنسی اثر می گذارند. سطح تحصیلات پایین، سن، بیکاری زن، بارداری و تعداد بالای فرزندان باعث می شود فرد خشونت بیشتری را تجربه کند.
زارع و امینی	(۱۳۸۹)	تاثیر قومیت بر خشونت علیه زنان در شهر تکاب	طبق نتایج بدست آمده تجربه خشونت خانگی، به تفکیک سطح تحصیلات تفاوت معناداری دارد با بالا رفتن سطح تحصیلات پاسخگویان، خشونت نیز در میان آنها افزایش یافته است. مقایسه میزان خشونت خانگی بر حسب تحصیلات همسر پاسخگویان حاکی از وجود ارتباط معنی دار این دو می باشد. در مورد این متغیر نیز با بالا رفتن سطح تحصیلات همسر، میزان خشونت افزایش پیدا کرده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده،

			میانگین خشونت علیه زنان خانه دار (۱۱۵.۹۸) تفاوت معنی داری با میانگین خشونت علیه زنان شاغل (۱۲۲.۵۷) دارد به این معنی که زنان شاغل نسبت به زنان خانه دار بیشتر در معرض رفتارهای خشونت آمیز قرار میگیرند.
پهلوان	(۱۳۹۰)	خشونت خانگی علیه زنان شهر سمنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن	طبق نتایج بدست آمده بین متغیرهای یادگیری خشونت توسط مردان در محیط خانواده، منابع قدرت و ایدئولوژی مردسالاری و سنت گرایی زنان و نقش زنان در موقعیت اقتصادی و اجتماعی و محل سکونت رابطه ی معنا داری وجود دارد
دانش و شریعتیان و طوافی	(۱۳۹۳)	تحلیل جامعه شناختی خشونت خانگی علیه زنان و رابطه آن با احساس امنیت در خانه در بین زنان شهر میانه	یافته های این پژوهش بیانگر این است که از میان خشونت های مالی، جسمی، جنسی، کلامی، روانی و عاطفی علیه زنان، بیشترین خشونتی که علیه زنان اعمال شده خشونت روانی و کلامی و عاطفی بوده همچنین وجود این نکته نیز قابل توجه است که رابطه ی بین میزان خشونت علیه زنان با میزان امنیت آنها در محیط خانه و خانواده معکوس و منفی بوده که نشان دهنده این است که با افزایش هر یک از خشونت ها میزان امنیت زنان کاهش می یابد. نتایج رگرسیون بیانگر این بود که در میان متغیرهای مهم همچون بینش مردسالاری، موقعیت اقتصادی-اجتماعی زنان، داشتن تجربه ی خشونت و تحریک روانی شوهر بر خشونت، بیشترین تاثیر به طور مستقیم بر خشونت علیه زنان را متغیر بینش مردسالارانه با مقدار بتای ۰/۵۰ دارد.
فلاح و همکاران	(۱۳۹۴)	عوامل موثر بر خشونت همسر علیه زنان متأهل	طبق یافته های بدست آمده ۸۶/۲ درصد از زنان خانه دار بوده و میزان تجربه آنها از خشونت روانی، جنسی و جسمی به ترتیب ۴۵ درصد، ۳۳/۷ درصد، ۳۲/۸۸ درصد بوده است. میزان تحصیلات زوجین، شغل زنان و سن ازدواج زوجین از مهمترین عوامل تاثیرگذاری بود که به زنان و همسرانشان مربوط می شد اما تعداد فرزندان و درآمد خانوار از جمله مهمترین عوامل اثرگذاری بود که مربوط به خانواده می شد. نتایج این پژوهش نشان دهنده این نکته بود که میزان تحصیلات، اشتغال، سن ازدواج و سطح درآمد خانواده تاثیر بسزایی در مواجهه با انواع خشونت دارند
احمدی و همکاران	(۱۳۹۴)	بررسی عوامل مساعد کننده خشونت همسر	یافته های مطالعه نشان داد که در نتایج مطالعه بین شغل همسر، وضعیت مسکن و تحصیلات همسر با خشونت علیه زنان رابطه معنی داری وجود دارد به گونه ای که میزان بیکاری و تحصیلات پایین و مسکن اجاره

			ای در گروه خشونت دیده به طور معناداری از گروه بدون خشونت بیشتر بود.
سهراب زاده منصوریان راوندی	(۱۳۹۶)	تجربه زیسته زنان از خشونت کلامی در خانواده های شهرستان کاشان	طبق یافته های بدست آمده تجربه هایی که زنان از خشونت کلامی در محیط خانواده داشتند در ابعاد مختلف خشونت کلامی و دلایل به وجود آمدن آزار و خشونت کلامی مورد بررسی قرار گرفتند. طبق نتایج بدست آمده از این تحقیق بی توجهی به زن، خشونت کلامی در قالب شوخی، پایین آوردن ارزش و احترام زن، برخورد تحکم آمیز با زن و سیستم اجتماعی شدن نامناسب، تبعیض و نابرابری جنسیتی، ضعف قوانین، ارزش های مردسالاری و یادگیری اجتماعی از عوامل مهم و مؤثر بر دلایل بروز خشونت کلامی بوده اند.
صادقی و ویژه و زنجری	(۱۳۹۷)	عوامل مرتبط با خشونت خانگی علیه زنان در تهران	یافته های تحقیق نشان داد که در طول زندگی زناشویی زنان پنج نوع از خشونت خانگی از جمله خشونت فیزیکی، عاطفی، کلامی، جنسی، و مالی را تجربه کرده اند. در بین اشکال مختلف خشونت، آزار و اذیت کلامی شایع ترین و خشونت جنسی کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. طبق نتایج بدست آمده از تحلیل چند متغیره گسترش خشونت در ازدواج های نامناسب مثل ازدواج در سنین پایین، اجباری و بدون شناخت، ساختار غیرمشارکتی قدرت در خانواده، پایگاه پایین اجتماعی و بیکاری به طور معنی داری بیشتر بوده است.
عباسی اسفجیر و براری و نظیف	(۱۳۹۷)	عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان در استان مازندران	یافته های تحقیق که براساس روش آماری رگرسیون تک متغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است، نشان میدهد که عوامل اجتماعی اثر منفی و معنی داری بر روی خشونت علیه زنان داشته است. در واقع، عوامل اجتماعی مذکور قادر به تبیین تغییرات خشونت علیه زنان می باشند. بدین معنی که افزایش هر یک از این عوامل احتمال کاهش خشونت علیه زنان را بالا میبرد.
احمدی، بلالی و سبزه ای	(۱۳۹۸)	مطالعه تجربه زیسته زنان مبتلا به خشونت خانگی و کشف ریشه های اجتماعی آن در شهر همدان	در فرآیند تحلیل داده ها، ۱۷ مفهوم اصلی و ۵۷ مفهوم فرعی شناسایی شد. این مفاهیم از دیدگاه زنان به دو دسته ساختاری و زمینه ای تقسیم شدند، که در آن زنان قربانی خشونت عوامل ساختاری را از جمله ستم جنسی، جامعه پذیری جنسیتی، مسائل اقتصادی و نقش قانون مطرح کردند. همچنین، ویژگی های شخصیتی مردان و نحوه جامعه پذیری آنها توسط خانواده ها را به عنوان عوامل زمینه ای معرفی کردند. زنان قربانی اذعان کردند که تحت فشارهای اجتماعی، به "سکوت" در مواجهه با خشونت

		همسران روی آورده و ترجیح می‌دهند زندگی مشترک را به جای پذیرش داغ ننگ طلاق ادامه دهند.
سعیدی، معمار و کیانپور	(۱۳۹۹) تجربه زیسته زنان از خشونت خانگی (مورد مطالعه: زنان مراجعه کننده به واحد کاهش طلاق مرکز اورژانس اجتماعی شهر اصفهان)	زنان در بیان تجاربشان به دلایل خشونت همسر نیز اشاره نمودند. در این خصوص به دخالت خانواده مرد، ویژگی های شخصیتی و اخلاقی مرد، عدم شناخت کافی از یکدیگر و اندیشه های مردسالاری اشاره می کنند. همچنین زنانی که قدرت مقابله با همسر را در خود نمی بینند، به صورت منفعلانه به سازش و تحمل زندگی خشونت بار، پنهان کردن خشونت اعمال شده و در نهایت دفاع از خود در هنگام کتک خوردن می پردازند. آن دسته از زنان که توانایی مقابله با خشونت همسر دارند، به صورت فعالانه دست به اقداماتی چون اتخاذ تدابیر برای بهبود اوضاع، عدم انجام خواسته های مرد، ناسزاگویی در مقابل خشونت کلامی شوهر و در نهایت با نتیجه ندادن اقدامات اشاره شده به قهر و ترک منزل دست می زنند.

۲-۱-۳- جمع بندی پیشینه

با نگاهی اجمالی به پژوهش ها می توان به مواردی دست پیدا کرد که تقریباً در بین تمامی آنها نکات مشابهی وجود دارد، در این تحقیقات مهمترین عوامل مؤثر بر بروز خشونت علیه زنان عبارت اند از: میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، میزان درآمد، ساختار اجتماعی مردسالار، اعتیاد، نوع ازدواج (اجباری، اختیاری)، محل سکونت، تجربه و مشاهده خشونت والدین در دوران کودکی، داشتن سابقه بیماری جسمی یا عصبی و در تحقیقاتی نیز به عواملی همچون: قومیت، محل تولد زن و مرد، طول مدت ازدواج، نسبت های خویشاوندی، وضعیت مسکن، حمایت اجتماعی از زن، سرمایه اجتماعی، تفاوت های سنی، دخالت های خانواده ها، میزان رضایت و علاقه زوجین، تعداد و جنسیت فرزندان اشاره شده بود که وجه اشتراکی با تحقیقات دیگر نداشت، البته با مرور تحقیقات می توان به این نکته دست یافت که هر چقدر قدرت زنان در ساختار اجتماعی افزایش می یابد خشونت علیه آنها کمتر می شود، همچنین اکثر تحقیقات با روشی کمی و با استفاده از ابزار پرسشنامه به سنجش عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان پرداخته بودند روشی که در آن سوالات بسته بوده و نگاه و تجربه زنان کاملاً نادیده گرفته شده لذا در پژوهش حاضر تلاش می شود تا با روشی کیفی زنانی که تحصیل کرده و شاغل بوده و دارای قدرت آگاهی و استقلال مالی در ساختار اجتماعی هستند را با توجه به این نکته که این زنان دیگر ساختارهای مردسالارانه را در محیط سنتی کاشان نمی پذیرند بررسی کرده و به فهمی از نوع و شدت خشونت علیه آنها دست پیدا کرد.

۲-۲- تعریف مفاهیم

پژوهش حاضر، از نوع پدیدارشناسی و کیفی بوده و از آنجایی که در این نوع تحقیقات پژوهشگر از هیچ نظریه یا تئوری از پیش تعیین شده استفاده نمی کند و این امکان را به مصاحبه شونده می دهد تا تجربیات خود را بازگو کند، بنابراین از مفاهیم تحقیق فقط به تعریف نظری مختصری بسنده می کنیم.

خشونت:

واژه "خشونت" از نظر لغوی درشتی کردن، تندخویی و زورگویی است که مفهوم نرمی و آرامی در مقابل آن قرار می گیرد. به طور کلی تعریف خشونت بسیار دشوار بوده و گاهی اشخاص تعاریف متعددی درمورد این مفهوم دارند و هر شخصی به گونه ای خاص و متفاوت با خشونت رو به رو شده و آن را تجربه کرده است. در کل خشونت به معنی آسیب رساندن به دیگران بوده و این عمل به گونه ای علیه آنها صورت می پذیرد که باعث تضرر آنها می شود. گلز و اشتراوس^۱ از نخستین کسانی بودند که درمورد این مفهوم طی سال های طولانی به پژوهش و کندوکاو پرداختند. از نظر آنها خشونت عملی است که با هدف آسیب رساندن جسمانی به دیگران انجام می شود (نورمحمدی، ۱۳۸۹، ۳۵).

گالتونگ^۲ در تعریفی فراگیر از خشونت با توجه به ساختار جامعه، خشونت را این گونه تعریف می کند: "زمانی از خشونت نام می بریم که افراد چنان تحت تأثیر قرار گرفته باشند که گمان برند قابلیت های جسمی و روانی آنان کمتر از قابلیت های واقعی آنان است" (اعزازی، ۱۳۸۰، ۱۰۰). تعریفی دیگر از خشونت چنین است: خشونت را می توان عملی آسیب رسان دانست که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام می دهد و صرفاً جنبه فیزیکی ندارد، بلکه ممکن است ابعاد روانی (فحاشی، تحقیر، منزوی کردن، داد و فریاد، آزار و مزاحمت جنسی، تجاوز) و اقتصادی (شکستن وسایل خانه، خرجی ندادن و...) را به خود بگیرد (قاسمی، ۱۳۹۲، ۱۷). فرهنگ حقوقی نیز خشونت را استفاده نابجا، غیر قانونی و تعرض آمیز از قدرت تعریف می کند (معتمدی مهر، ۱۳۸۰، ۱۸). سازمان جهانی بهداشت، خشونت را چنین تعریف کرده است: خشونت استفاده عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی، ارباب یا تهدید، برخورد با دیگری یا علیه یک گروه یا جامعه است که منجر به آسیب، مرگ، آسیب روانی، سوء رشد و تکامل یا محرومیت می شود (مولاوردی، ۱۳۸۵، ۳۴).

خشونت علیه زنان:

هر عملی که باعث صدمه و آسیب جسمی، روحی و فیزیکی زنان شود یا این احتمال وجود داشته باشد که این آسیب ها به وجود می آید تعریف خشونت خانگی علیه زنان را روشن می سازد (اعزازی، ۱۳۸۰، ۲۴). به عبارتی می توان گفت که زنان به دلیل جنسیت، مورد آزار و اعمال خشونت از سوی مردان قرار گرفته و حق و حقوقشان ضایع می شود حال اگر این پدیده بین زن و شوهر به وجود آید به آن خشونت خانگی می گویند (ملک افضلی و دیگران، ۱۳۸۲، ۶۶). کمیسیون مقام زن خشونت علیه زنان را چنین تعریف می کند: عبارت خشونت علیه زنان به معنای هر عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت است که سبب بروز یا احتمال بروز آسیب های روانی، جنسی یا رنج و آزار زنان از جمله تهدید به انجام چنین اعمالی، محرومیت های اجباری از آزادی در زندگی عمومی یا در زندگی خصوصی می شود (مولاوردی، ۱۳۸۵، ۳۲).

خشونت خانوادگی:

خانواده در تعیین وضعیت عاطفی، شناختی و رفتاری اعضای خویش از جهان پیرامون و جامعه یک گذار اصلی و اساسی است اما سالهاست که در برخی از خانواده ها، انواع خشونت از جمله همسرآزاری و خشونت های فیزیکی و روانی دیده می شود. بخشنامه دفترخانه بین المللی، خشونت خانگی را چنین تعریف کرده است: هر نوع خشونت میان همسران فعلی و قبلی در روابط صمیمی، در

¹Gells & Straus

²Galtung

هر زمان و مکانی که این عمل اتفاق بیفتد. این خشونت ممکن است شامل خشونت فیزیکی، جنسی، عاطفی یا مالی باشد. قربانیان خشونت خانگی در امور مختلفی نظیر آموزشی، سلامتی، خانگی و... دچار مشکل و رنج می شوند (قاسمی، ۱۳۹۲، ۱۹). به عبارت دیگر خشونت خانگی، اعمال هرگونه فعل خشن توسط یکی از اعضای خانواده بر علیه سایر اعضا است که از میان آنها خشونت خانگی علیه زنان که طی آن شریک زندگی با به کارگیری پرخاشگری های کلامی و غیر کلامی آزادی عملکردی وی را سلب کرده و او را مجبور به رعایت اصول خاصی می کند؛ رایج ترین و مخرب ترین شکل خشونت خانگی است (کریمی، ۱۳۹۷، ۱۲). سازمان بهداشت جهانی (۲۰۱۶) نیز خشونت خانگی علیه زنان را هرگونه رفتار خشن و وابسته به جنسیت تعریف می کند که با آسیب های عملکردی در ابعاد جسمانی، جنسی، عاطفی و روانشناختی همراه است و ذاتاً با تهدید و سلب مطلق آزادی توأم بوده و به صورت آشکار و یا در قالبی پنهان و دور از چشم اجتماع به وقوع می پیوندد. خشونت همسر هرگونه رفتار در یک ارتباط نزدیک را در بر می گیرد. این رفتارها شامل:

۱- خشونت فیزیکی یا جسمی:

طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۳ خشونت جسمی به معنای سیلی زدن، ضرب و شتم، کشیدن مو، سوزاندن قسمتی از بدن یا به عبارتی داغ زدن، خفه کردن، محروم کردن از غذا، زندانی کردن در خانه، در معرض تهدید قرار دادن یا داشتن اسلحه و چاقو یا هر سلاح دیگری که برای شخص استفاده می شود. این نوع خشونت فارغ از طبقه، نوع تحصیلات، وضعیت خانوادگی و نژاد، برای همه زنان پیش می آید.

۲- خشونت روانی و کلامی:

از جمله این نوع خشونت می توان به استفاده از الفاظ نامناسب و رکیک، داد و فریاد و بد اخلاقی، بی احترامی، رفتارهای تحقیرآمیز، قهر، صحبت نکردن و محدود کردن روابط زن با اطرافیان، تهدید به طلاق یا ازدواج مجدد از جمله مواردی هستند که ذیل این دسته قرار می گیرند. از نتایج مخرب این نوع از خشونت می توان به حس پوچی، اضطراب و گوشه گیری زنان از اجتماع اشاره کرد (نورمحمدی، ۱۳۸۹، ۳۷).

در این نوع خشونت آسیب به اعتماد به نفس و آبرو و شرف زن وارد می شود که مجری خشونت با استفاده از فشار لفظی و اعمال قدرت، قربانی خود را با انواع توهین و تحقیر مورد آزار قرار می دهد، انواع تهدید کلامی نسبت به همسر و خانواده اش، تهدید تلفنی، تهدید راجع به نگهداری فرزندان، تعقیب و آزار و اذیت، جلوگیری از تصمیم گیری زن، به انزوا کشیدن و ممانعت از دیدار با دوستان و خانواده که تمامی این موارد جهت کنترل همسر اعمال می شود (خواجوی، ۱۳۹۸، ۲۷).

۳- خشونت اقتصادی:

یکی دیگر از خشونت هایی که علیه زنان اعمال می شود خشونت مالی و اقتصادی است که شامل خرجی ندادن به زن، سوء استفاده مالی از زن و آسیب رساندن به لوازم و اشیاء مورد علاقه زن می شود. گاهی این عمل تا جایی خشن می شود که به زن اجازه ی تصمیم گیری در مورد اموال خود را نمی دهند (نورمحمدی، ۱۳۸۹، ۳۷).

۴- خشونت جنسی:

نوعی از خشونت که در زمینه ی زندگی زناشویی اعمال می شود و فرد خشن بی توجه به رضایت شریک زندگی خود اقدام به برقراری رابطه ی جنسی می کند در این خشونت زن به دلیل اجبار یا ترس این تحمیل را تحمل کرده و تمایلات و علایق خود را زیر پا می گذارد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۳). البته که این نوع خشونت دارای ابعاد متعددی است و فقط شامل اجبار در روابط

زناشویی نشده بلکه روابط زناشویی غیر متعارف، عدم اجازه به استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری ناخواسته، بی توجهی به نیازهای جنسی زن نیز جزء خشونت جنسی قرار می گیرند (نورمحمدی، ۱۳۸۹، ۳۷-۴۴).

۳-۲- پیشینه نظری پژوهش

نظریه ها در تحقیقات کیفی در باز شدن ذهن محقق، توجه به نکات، روندها و ابعاد محوری میدان مطالعه و ارائه ی چارچوب مفهومی جهت طرح سؤال های اساسی نقش کلیدی ایفا می کنند (محمدپور، ۱۳۸۹، ۱۹۰). معمولاً تحقیقات کیفی با تئوری خاصی آغاز نمی شوند و محقق در این روش خود را درگیر تئوری و نظریه خاصی نمی کند و آنچه در تحقیقات کیفی اهمیت دارد دیدگاه سوژه و نظر او در مورد زندگی اجتماعی و پدیده های آن است، بنابراین محقق تلاش می کند تا به صورت استقرایی و با جمع آوری داده ها به بررسی پدیده مورد نظر خود بپردازد تا بتواند به تئوری جدیدی دست پیدا کند (صادقی فسایی، ۱۳۹۰).

در این پژوهش نیز از نظریات متعدد به عنوان راهنمای نظری استفاده شده است. در زمینه دیدگاه هایی که درباره وقوع خشونت خانگی وجود دارد، نظریات متفاوتی ارائه شده است که به طور کلی در دو سطح مطرح می شوند: الف) نظریه سطح خرد: این نظریه ها تحلیل های خود را روی کنش های فردی متمرکز می کنند و به عوامل مشخص و خانوادگی اهمیت می دهند و بر این اساس تحلیل های خود را به سطوح گسترده تر و کل اجتماع تعمیم می دهند. در این زمینه به نظریه های یادگیری اجتماعی، منابع، نقش ها می پردازیم. ب) نظریه سطح کلان: این نظریه ها بر ساختار اجتماعی و اقتصادی و عوامل ایدئولوژیکی موجود در جامعه تمرکز می کنند و خشونت را یک مسئله ی اجتماعی و عمومی در نظر می گیرند نه یک مسئله ی فردی و خصوصی. در این زمینه به نظریه های نظارت اجتماعی، جامعه پذیری جنسیتی، فمینیستی، پدرسالاری، خرده فرهنگ خشونت و تحلیل ساختاری می پردازیم (زمانی، ۱۳۸۸، ۳۲).

۳-۲-۱- نظریه یادگیری اجتماعی

ایکرز^۱ این تئوری را در حوزه جامعه شناسی مطرح کرد. یادگیری اجتماعی به نقش متغیرها در بروز انحرافات و جرائم توجه می کند. فرایند این نظریه پویا و دارای تأثیرات متقابل و دوجانبه است. تکرار رفتار ناشی از تقویت محرک و پاسخی که دریافت می شود. افراد به واسطه ی تقویت است که به رفتار خود ادامه می دهند. رفتار به واسطه ی پاداش (تقویت مثبت) و اجتناب از تنبیه (تقویت منفی) به شدت تقویت می شود و رفتار از طریق محرک تضعیف شده (تنبیه مثبت) یا افزایش تنبیه، کاهش پیدا می کند. بنابراین پاداش و تنبیه رفتار انحرافی منجر به استمرار یا توقف یک رفتار شده، ضمن اینکه بستگی به پاداش و تنبیهی که برای رفتارهای جایگزین در نظر گرفته می شود نیز دارد. از نظر ایکرز، تقویت کننده های اجتماعی در بروز و ظهور یک رفتار بسیار حائز اهمیت هستند اما به طور کلی تقویت کننده ها می توانند اجتماعی یا غیر اجتماعی باشند (علیوردی نیا و حبیبی، ۱۳۹۴، ۲۱). یادگیری خشونت اصولاً تحت تأثیر مشاهدات فردی و تنبیه و تشویق انجام می شود و می تواند نتیجه ی تجربیات شخصی باشد. طبق اصول اساسی این نظریه، رفتارها از طریق تجارب فردی کسب شده و ارتباط بین شرایط، رفتارها، وضعیت ها، نگرش ها و ارزش ها از ابتدای

¹ Akers

زندگی به تدریج گردآوری می شوند. استحکام این روابط در گروهی پاداش، تنبیه و تجربه خشونت است. در صورتی که کودکانی که در معرض تداوم رفتار خشن قرار دارند، رشد اخلاقی احتمالا ناقصی خواهند داشت (همان، ۲۲).

یادگیری به عنوان عامل تبدیلی مهم، در بروز خشونت و پرخاشگری تاثیر زیادی دارد. باندورا^۱ در دهه ۱۹۹۰ این نظریه را مطرح کرد و از نظر او عامل بسیاری از رفتارها مشاهده است. او با آزمایشات مختلفی به این نکته دست یافت که کودکان با مشاهده ی خشونت یاد می گیرند که خشن باشند. البته آنها الگوهای خشونت آمیز تقویت شده را بیشتر می آموزند (قاسمی، ۷۲، ۱۳۹۲). به نظر او کودکان به واسطه ی پدر مادرشان خشن بودن را یاد می گیرند. مشاهده و تجربه ی رفتار نامناسب از طرف پدر و مادر در دوران کودکی باعث آموختن رفتار سلطه آمیز توسط مرد و یادگیری تحمل توسط زن می شود (مهدوی راد، ۵۹، ۱۳۹۰).

بر اساس این تئوری، افراد زمانی که در خانواده های خشن بزرگ می شوند، خشونت را یاد می گیرند. خشونت معمولاً از نسلی به نسل دیگر انتقال داده شده و وجود خشونت در خانواده، باعث افزایش خطر وقوع آن در بزرگسالی می شود (زارع شاه آبادی و همکاران، ۶۲، ۱۳۸۹). بنابراین کسانی که به خانواده هایی تعلق دارند که در آن خشونت ابزاری قابل قبول برای حل مسائل است، بیشتر امکان دارد که در حل مشکلات در خانواده ای که تشکیل خواهند داد از خشونت استفاده کرده و آن را به نسل های بعد منتقل کنند؛ بنابراین توقف یک رفتار نامناسب نیازمند پیشگیری از تنبیه فیزیکی و روانی کودک و همسر و پیشگیری از خشونت بین فردی است (حسینی، محسنی و فیروز جانیان، ۴۱۸، ۱۳۹۸).

به طور کلی آلبرت باندورا به روند یادگیری خشونت به واسطه ی مشاهده و تقلید عقیده دارد. در این پارادایم، رفتار هم به وسیله ی تقلید (تقلید رفتار اعضای خانواده و دیگران) و هم به واسطه ی تجربیات مستقیم یاد گرفته می شود. باندورا اظهار می کند خشونت نوعی صورت یاد گرفته شده از رفتار اجتماعی است. یادگیری خشونت اغلب تحت شرایط مستقیم (تنبیه یا تشویق) و مشاهده های فردی انجام می گیرد و می تواند نتیجه تجربیات شخصی یا فردی یا ناشی از نتایج مترتب بر رفتار دیگران باشد. خشونت هایی که اشخاص در بزرگسالی انجام می دهند، ریشه در دوران کودکی دارد. حتی گفته می شود خشونت از خشونت زاده می شود (تئوری گردش خشونت). اگر محیط خانواده جایگاه مشاجره ها و پرخاشگری باشد، این محیط نقش اساسی در رفتار خشونت آمیز ایفا می کند و چرخه خشونت را دائمی می کند (سعیدی و همکاران، ۱۲۷، ۱۳۹۹).

اشتراوس^۲ نظریه پردازی است که دیدگاهی مشابه باندورا دارد. او عقیده دارد که در آغاز فرد یاد می گیرد اشخاصی که به یکدیگر علاقه دارند هم نسبت به هم رفتار خشونت آمیز انجام می دهند سپس عدم وجود منع اخلاقی در خصوص خشونت در برابر اعضای خانواده را می آموزد و در نهایت یاد می گیرد که خشونت خانوادگی یک راه حل مجاز برای زمان هایی است که راهی برای حل مشکلات وجود ندارد یعنی در روند جامعه پذیری که در خانواده انجام می شود و به وسیله ی کنش های متقابلی که با پدر مادر و همسالان و محیط مدرسه دارد، فرد با رفتار خشن آشنا شده و به آرامی نقش های جنسیتی را یاد می گیرد. اغلب دختر بچه ها از همان ابتدا یاد می گیرند که وابستگی به مردان و داشتن نقش فرودستی نسبت به آنها از نقش های جنسیتی زن در بزرگسالی است. در همین راستا، آنها فرا می گیرند که به عنوان یک زن، برای دفاع از خود در برابر خشونت امکانات محدودی دارند. پسر بچه ها هم نقش مرد بزرگسال را به عنوان یک نقش جنسیتی می آموزند و متوجه می شوند که مردان برتر از زنان بوده و می بایست در پی خواسته ها و آرزوهایشان باشند، برای رسیدن به آن تلاش کنند و بتوانند دیگران را تحت نظارت قرار دهند (همان، ۱۲۸).

¹ Bandura

² Straus

کرافورد^۱ اندیشمندی است که به تحقیقاتی اشاره می کند که نشان می دهند مردان همسر آزار در خانه، شاهد خشونت علیه زنان بوده اند. این اشخاص به تفکراتی دست پیدا می کنند که خشونت علیه زنان را تایید می کند. مردانی که در کودکی مورد خشونت و سرزنش پدر مادرشان قرار گرفتند، احتمالاً بیشتر با همسران خود رفتاری خشونت آمیز داشته و دلبستگی نا ایمن در زندگی کسب کنند. تجربه آسیب در دوران کودکی، ارتباط مستقیمی با بروز رفتارهای پر خاشگرانه در فرد دارد. پسرانی که در کودکی مورد سرزنش و مخالفت مداوم والدین قرار می گیرند، در بزرگسالی بیشتر در معرض خطر تبدیل شدن به فردی پر خاشگر و بد رفتار قرار دارند (قاسمی، ۱۳۹۲، ۷۲). تجربه سوء استفاده در دوران کودکی، چه به طور مستقیم و چه به صورت مشاهده ای، احتمال ارتکاب خشونت علیه همسر یا فرزندان در بزرگسالی را به طور قابل توجهی افزایش می دهد (حسینی، محسنی و فیروزجائی، ۱۳۹۸، ۴۱۷). گرایش به خشم و پر خاشگری، به همراه فقدان مهارت های مقابله ای، می تواند تا حدودی دلیل خشونت برخی مردان علیه همسرانشان را توضیح دهد (قاسمی، ۱۳۹۲، ۷۲).

۲-۳-۲- نظریه منابع

تغییر در نقش ها و منابع قدرت در خانواده، که عمدتاً از طریق افزایش فرصت های شغلی و تحصیلی برای زنان ایجاد می شود، می تواند به خشونت علیه زنان دامن بزند (خانی و همکاران، ۱۳۸۵، ۷۶). در این بخش، به بررسی نظریه منابع می پردازیم که توسط ویلیام گود در سال ۱۹۷۱ مطرح شد. این نظریه بیان می کند که خانواده، مانند هر نظام اجتماعی دیگری، دارای سلسله مراتبی از قدرت است. به عبارت دیگر، هر کس که به منابع مهم خانواده بیشتر دسترسی داشته باشد، می تواند دیگر اعضا را به انجام فعالیت هایی برای تحقق اهداف خود وادار کند.

بر اساس نظریه منابع، هرچه افراد از منابع بیشتری برخوردار باشند، تمایل کمتری به اعمال قدرت از طریق خشونت فیزیکی خواهند داشت؛ زیرا ابزارهای دیگری برای اعمال قدرت در اختیار دارند. در مقابل، افرادی که از نظر اقتصادی و اجتماعی در رتبه پایین تری قرار دارند، به دلیل فقدان منابع کافی، به زور فیزیکی متوسل می شوند (دانش و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۳).

بلود و ولف با به کارگیری تئوری منابع، دریچه ای نو به سوی بررسی سلطه ی زناشویی گشودند. در چند دهه گذشته، این تئوری به عنوان مبانی نظری بخش اعظمی از تحقیقات در این حوزه مورد استفاده قرار گرفته است. هسته اصلی تئوری منابع، نوع خاصی از تئوری مبادله است که در زمینه ی سلطه زناشویی به کار گرفته می شود. این تئوری بیان می کند که قدرت تصمیم گیری هر یک از زوجین در خانواده، به طور مستقیم به بستری وابسته است که زن و شوهر با ازدواج، منابع ارزشمندی را در آن برای خود جذب می کنند (علیوردی نیا، رضی و آیینی، ۱۳۹۱، ۳۳۰).

به عبارت دیگر، توزیع قدرت در خانواده بر اساس منابعی است که هر یک از زن و شوهر در ازدواج به ارمغان می آورند. میزان برخورداری از این منابع، قدرت آنها در تصمیم گیری های خانواده را تعیین می کند. پایگاه حقوقی شغل زن، یکی از بارزترین عوامل تعیین کننده در کنش متقابل زناشویی به حساب می آید. داشتن شغل برای زن، درآمدی را به ارمغان می آورد که می تواند به واسطه آن، پایگاه حقوقی خود را به طور قابل توجهی ارتقا دهد. پایگاه حقوقی شغل زن بر روابط او با قدرت، انجام کارهای منزل، مفهوم نقش های زن و مرد، تعداد مطلوب بچه ها، موفقیت در برنامه ریزی خانوادگی و رضایت زن تاثیرگذار است. از سوی دیگر، مشارکت زن در بیرون از خانه و شاغل بودن او، موجب مشارکت بیشتر مرد در کارهای خانه می شود. این امر از یک طرف، قدرت شوهر را

¹ Crawford

کاهش و از طرف دیگر، برابری در تصمیم‌گیری‌ها را افزایش می‌دهد و مشارکت در امور منزل را به دنبال دارد (مهدوی و خرمشاهی، ۱۳۸۲، ۳۸).

بر اساس تئوری منابع، زمانی که فرد از منابع کافی برخوردار نباشد یا در شرایطی که منابع او به شدت ناکافی است، احتمال استفاده از راهبرد خشونت افزایش می‌یابد. به عنوان مثال، زمانی که فردی قصد اعمال قدرت بر دیگری را دارد، اما منابع او (مانند تحصیلات، شغل، درآمد و مهارت) در سطح پایینی باشد، برای تداوم موقعیت خود از خشونت استفاده می‌کند (سهراب زاده و منصوریان، ۱۳۹۶، ۲۵۰).

شوهرانی که از منابع قدرت مانند درآمد، تحصیلات و اشتغال محروم هستند یا در سطحی پایین‌تر از زنان یا همسران خود قرار دارند، از خشونت به عنوان ابزاری برای کسب قدرت در روابط خانوادگی استفاده می‌کنند. همچنین، اگر شوهران مهارت‌ها و منابع کمتری نسبت به همسرانشان داشته باشند، به طوری که همسرانشان، جایگاه اجتماعی آنها را تهدید کنند، از خشونت به عنوان ابزاری برای حفظ موقعیت خود استفاده می‌کنند (احمدی و زنگنه، ۱۳۸۳، ۱۸۲).

پژوهش‌های تجربی در ایران نشان داده است که افزایش منابع قدرت، مهم‌ترین عامل برای مقابله با خشونت مردان در خانواده است. زیرا زنان در بسیاری از مواقع به دلیل فقدان منابع قدرت، از جمله منابع مالی، مجبور به تفویض قدرت به مرد و پذیرش وضعیت اقتدار آمیز و رفتار خشونت آمیز مردان می‌شوند (اعظم آزاده و دهقان فرد، ۱۳۸۵، ۱۶۲). این نظریه بر این امر تأکید می‌کند که غالباً مردان منابع اقتصادی را در دست دارند و همین امر موجب برتری آنها در روابط خانوادگی می‌شود. در حالی که زنان به لحاظ منابع اقتصادی عمدتاً به همسران خود وابسته اند و از طرفی چون مراقبت از فرزندان را بر عهده دارند، اگر مردان را ترک کنند، با مشکلات اقتصادی روبرو خواهند شد. از این رو در روابط خشن باقی می‌مانند. وابستگی زنان به این معناست که آنها راه‌های محدودی در دسترس دارند و لذا کمتر می‌توانند بر مردان قدرت و نفوذ داشته باشند. اگر یکی از زوجین به دنبال کنترل قدرت باشد، معمولاً آزار را انتخاب می‌کند. آزار انواع مختلفی دارد، مانند تهدید، ترس، منزوی ساختن، آزار بچه‌ها، محدودیت‌های مالی و... در حالی که زوج‌هایی که به لحاظ قدرت و منابع برابر هستند، کمتر تضاد را تجربه می‌کنند و وقتی هم تضاد پیش می‌آید، با راه‌های غیرخشونت آمیز آن را حل می‌کنند (صادقی فسایی، ۱۳۸۹، ۱۱).

زنانی که نسبت به شوهران خود از پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری برخوردارند، بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌کنند. اما نباید از یاد برد که همین "شرکت در فرآیند تصمیم‌سازی درون خانواده" با هنجارهای جامعه مردسالار سازگار نیست و می‌تواند به افزایش خشونت علیه زن منجر شود. از سوی دیگر، منابع بیشتری که این زنان در مقایسه با شوهرانشان دارند، سبب می‌شود نسبت به بروز خشونت حساس‌تر گردند. به بیانی دیگر، همزمان با افزایش منابع زنان متأهل، قدرت آنها نیز افزایش می‌یابد. مسلماً این جابجایی در توزیع قدرت با عقاید پدرسالارانه جامعه سازگار نیست. بنابراین، هرچه زنان نسبت به شوهرانشان به منابع بیشتری از قبیل درآمد بیشتر و تحصیلات بیشتر دست یابند، هنجارهای سنتی را بیشتر زیر پا خواهند گذاشت و بیشتر با استفاده شوهر از خشونت برای پایداری سلطه‌ی مردانه مخالفت خواهند ورزید (علی‌وردی نیا و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۰). در اکثر تحقیقاتی که از تئوری منابع استفاده شده است، این تئوری معادل منابع اقتصادی در نظر گرفته شده و برای سنجش آن از متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی نسبی زوجین (شغل، درآمد، تحصیلات) استفاده شده است. اگرچه این منابع بسیار مهم هستند، اما علاوه بر منابع اقتصادی، نباید از منابع اجتماعی به عنوان منابع جایگزینی که شبکه حمایتی قدرتمندی برای افراد فراهم می‌کنند، غافل شد.

منابع اجتماعی از تعاملات و ارتباطات متقابل افراد با یکدیگر سرچشمه می گیرند. گسترش این تعاملات، تکیه‌گاه‌هایی را برای افراد فراهم می‌کند که در زمان نیاز روحی یا مادی، آنها را قادر به احساس امنیت و اعتماد به نفس بیشتر می‌سازد. علاوه بر این، منابع مادی و خدماتی که افراد از روابط اجتماعی خود به دست می‌آورند، به عنوان منابع جایگزینی عمل می‌کنند که فرد را در مواجهه با موقعیت‌های دشوار یاری می‌کنند. افزایش منابع اجتماعی نزد زنان می‌تواند به کاهش خشونت شوهران منجر شود. زنانی که از منابع حمایتی بیشتر و شبکه اجتماعی قوی‌تر برخوردارند، تمایل کمتری به پذیرش اعمال خشونت از سوی شوهر خود دارند. هرچه روابط اجتماعی و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، میزان اطلاعات فرد نیز افزایش می‌یابد. اطلاعات، فرد را قادر به ارتقای مهارت‌های مقابله با مشکلات می‌کند. به عبارت دیگر، افراد از اطلاعات برای هدایت خود به سمت رفتار مناسب استفاده می‌کنند و بدین ترتیب قادر به ذخیره پول، زمان و انرژی می‌شوند که این خود به معنای افزایش منابع دیگر است. زنانی که از منابع اجتماعی قوی‌تر برخوردارند، نه تنها کمتر قربانی خشونت شوهران خود می‌شوند، بلکه پذیرش آنها نسبت به خشونت شوهر نیز کاهش می‌یابد. این زنان به این آگاهی می‌رسند که اعمال خشونت شوهر راه حل مشکلات خانوادگی نیست و در نتیجه، موضع‌گیری منفی نسبت به آن اتخاذ می‌کنند. (علی‌وردی نیا و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۱).

۲-۳-۳- نظریه نقش‌ها

نقش‌های اجتماعی، مانند آجریایی هستند که شخصیت اجتماعی افراد جامعه را می‌سازند. انسان‌ها در طول زندگی خود، نقش‌های متعددی را ایفا می‌کنند، گویی که بازیگرانی در صحنه نمایش زندگی باشند. هر نقش، وظایف و انتظارات خاص خود را دارد و افراد با به عهده گرفتن آن، موظف به انجام وظایف و برآورده کردن انتظارات مربوطه می‌شوند. در جوامع انسانی، وظایف مختلف بر اساس نقش‌های اجتماعی تفکیک می‌شوند. این تفکیک، لزوماً بر پایه جنسیت نیست، بلکه از روابط اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر، در هر جامعه، وظایف و انتظارات مربوط به هر نقش، با توجه به شرایط و فرهنگ آن جامعه تعیین می‌شود. کار، به عنوان یکی از نقش‌های اجتماعی اولیه مردان، به ویژه مردان متأهل، از اهمیت بالایی برخوردار است. از مرد انتظار می‌رود که با تعهد به این نقش، منابع مورد نیاز خانواده خود را فراهم کند. در عین حال، مردان در سایر نقش‌های اجتماعی خود، مانند همسر، پدر و عضوی از جامعه، نیز وظایف و انتظارات خاص خود را دارند (قاسمی، ۱۳۹۲، ۷۸).

نقش‌های جنسیتی به وظایف، ویژگی‌ها و رفتارهایی اطلاق می‌شود که به طور سنتی به هر یک از دو جنس زن و مرد اختصاص داده می‌شود. برای مثال، خانه‌داری و تربیت فرزندان به عنوان وظایف زنانه و نان‌آوری و رهبری سیاسی به عنوان وظایف مردانه تلقی می‌شوند. علاوه بر وظایف، از زن و مرد انتظار می‌رود که ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری متفاوتی نیز داشته باشند. برای مثال، از زنان انتظار می‌رود که عاطفی و مهربان باشند، در حالی که از مردان انتظار می‌رود که قاطع و حسابگر باشند (بستان، ۱۳۸۵، ۶).

به بیان دیگر، منظور از نقش‌های جنسیتی، مجموعه‌ای از انتظارات است که از زن و مرد در زمینه رفتارها، گرایش‌ها و فعالیت‌هایشان وجود دارد. پذیرش و به رسمیت شناختن این نقش‌ها، انسان‌ها را به تجربه‌ی اشکال متفاوتی از زندگی اجتماعی رهنمون می‌سازد (همان). دختران و پسران در طی فرآیندی، نقش‌های جنسیتی و هویت‌های زنانه و مردانه (مردانگی و زنانگی) را که با این نقش‌ها مرتبط هستند، می‌آموزند. هدایت این فرآیند از طریق پاداش و تنبیه صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، نیروهای اجتماعی که به عنوان ضمانت‌های مثبت و منفی شناخته می‌شوند، برخی رفتارها را با پاداش، تشویق و برخی دیگر را با تنبیه، منع می‌کنند. برای مثال، ممکن است یک پسر به دلیل رفتاری خاص، پاداش مثبت (چه پسر شجاعی!) یا تنبیه منفی (پسران نباید با عروسک

بازی کنند) دریافت کند. این تقویت های مثبت و منفی به دختران و پسران کمک می کند تا نقش های جنسیتی مورد انتظار را یاد بگیرند و با آن ها همسو شوند (گیدنز، ۱۳۸۹، ۱۵۸).

پارسونز بر اساس الگوی نقش ها، دو نقش مجزا را در خانواده تعریف می کند. به نظر او، مرد نقش ابزاری و زن نقش عاطفی را بر عهده دارد. نقش ابزاری بیشتر با ویژگی های مردانه و نقش عاطفی با ویژگی های زنانه مرتبط است. پارسونز معتقد است که این تقسیم وظایف، عامل حفظ انسجام خانواده است. زیرا نقش مرد، تأمین پایگاه اجتماعی برای خانواده از طریق شغل و حفظ امنیت و آسایش خانواده از طریق درآمد آن شغل است. نقش زن نیز ایجاد روابط عاطفی در درون خانواده و حفظ روابط عاطفی ضروری برای اعضای خانواده که از مشکلات گوناگون جامعه رنج می برند، است.

پارسونز این تقسیم وظایف را، بهترین شکل برای حفظ انسجام خانواده می داند و معتقد است که تداخل هر نوع نقش دیگر، تعادل زندگی را برهم می زند؛ زیرا به خصوص در حالت اشتغال زن، او نقش عاطفی خود را از دست داده و تبدیل به رقیب شغلی شوهر خود می شود. رقابت زن و شوهر با یکدیگر سبب ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می شود (قاسمی، ۱۳۹۲، ۷۹).

از سوی دیگر، اشتغال زنان باعث افزایش استقلال اقتصادی و انتظارات آنها می شود. به علاوه، زنان شاغل، به ویژه شاغلان تمام وقت، امکان تأمین نیازهای عاطفی شوهران خود را ندارند. در نتیجه، بروز اختلال در روابط خانوادگی دور از انتظار نیست. اما از طرفی، شاغل نبودن زنان نیز باعث توزیع نابرابر قدرت در خانواده شده و زنان از اینکه نمی توانند در تصمیم گیری ها به طور مساوی با شوهران خود شرکت داشته باشند، ناراضی هستند (بستان، ۱۳۸۵، ۱۵).

از دید صاحب نظران این دیدگاه، جامعه مجموعه ای از نقش هاست که هر فرد آنها را در جریان جامعه پذیری می آموزد. در نتیجه این فرآیند، نقاط مشترکی بین نقش های مختلف به وجود آمده و از مجموع آنها سازمان های اجتماعی مختلف به وجود می آیند. بنابراین، مطابق با این نظریه، هرگاه اعضای خانواده نقش هایی را که از آنها انتظار می رود به خوبی انجام ندهند، موجب دگرگونی در روابط آنها می شود و در نتیجه خشونت و پر خاشگری در خانواده به وجود می آید (نوابخش و قجاوند، ۱۳۸۷، ۱۶).

۲-۳-۴-نظریه نظارت اجتماعی

این نظریه ریشه جرم و رفتار خشونت آمیز را در دو عامل جستجو می کند: انگیزه های درونی و عوامل محیطی. از نظر این نظریه، انسان ها برای رسیدن به اهداف خود یا کسب قدرت بر دیگران، تمایل به استفاده از زور و قدرت دارند. طبق اصل اول این نظریه انسان ها به طور ذاتی، چه به دلیل انگیزه های درونی و چه به دلیل عوامل محیطی، تمایل به ارتکاب جرم و رفتار خشونت آمیز دارند. این تمایل می تواند برای رسیدن به یک هدف، دستیابی به اقتدار، یا غلبه بر دیگران باشد. اصل دوم این نظریه، نظارت اجتماعی را به عنوان مانعی در برابر اعمال خشونت و زور می داند؛ زیرا انسان بدون وجود محدودیت های اجتماعی، به جرم و جنایت و رفتار نابهنجار تمایل دارد. بنابراین، جامعه باید سازوکارهایی برای نظارت بر افراد ایجاد کند. در این نظریه، برای انجام رفتار مجرمانه، وجود فشار خارجی ضروری نیست؛ بلکه نبود نظارت اجتماعی، عاملی برای بروز چنین رفتاری است. در محدوده ی خصوصی خانه، با غیبت نهادهای نظارتی رسمی روبرو هستیم. این مسئله در کنار تقسیم قدرت بر اساس جنسیت در محیط خانه، که به مرد قدرت اجرایی مشروع و تقریباً انحصاری می دهد، بروز خشونت در خانواده را تسهیل می کند (حسن پور ازغدی و همکاران، ۱۳۹۰، ۴۵).

این دیدگاه جامعه شناختی بر رابطه دوسویه جامعه و خانواده تأکید دارد. این دیدگاه معتقد است که خشونت در جامعه نه تنها مجاز شمرده می شود، بلکه به دلیل عدم نظارت دولت بر فضای خصوصی خانواده، این خشونت در این محیط تشدید می شود (انجمن جامعه شناسی ایران، ۱۳۸۳، ۱۰۳).

نظریه نظارت اجتماعی بر اهمیت نظارت در هر نوع جامعه ای تأکید می کند. این نظریه بیان می کند که برای ارتکاب جرم، وجود فشارهای خارجی مانند بیکاری و فقر ضروری نیست، بلکه فقدان نظارت اجتماعی عامل اصلی بروز رفتارهای مجرمانه است. هیرشی در این نظریه، چهار عامل را که به ناهنجاری و جرم منجر می شوند، معرفی می کند:

۱- وابستگی به درونی کردن ارزش ها و هنجارها: این عامل به اهمیت عقاید و رفتار دیگران برای فرد می پردازد. اگر فردی به هنجارهای جامعه اهمیت دهد، سعی می کند به آنها پایبند باشد.

۲- پابندی یا سرسپردگی: این عامل به نقش عقل سلیم در جلوگیری از جرم و جنایت اشاره دارد. افرادی که از عقل سلیم و مسئولیت پذیری کافی برخوردارند، از هنجارشکنی و پیامدهای منفی آن خودداری می کنند.

۳- درگیری یا درآمیختگی: این عامل به درگیری بین هنجارهای فردی و هنجارهای جامعه می پردازد. اگر فرد درگیر فعالیت های هنجارمند باشد، فرصت و انرژی کمتری برای ارتکاب جرم خواهد داشت.

۴- باورها: این عامل به نتایج جامعه پذیری و اعتقاد فرد به هنجارها و ارزش های جامعه اشاره دارد. وجود این باورها، احتمال بروز رفتارهای ناهنجار را کاهش می دهد (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۶).

گلز در مورد انطباق این نظریه با خانواده این سوال را مطرح می کند که چرا مردان همسران خود را کتک می زنند؟ پاسخ ساده این است که خشونت در خانواده مجاز شمرده می شود. در خانواده، نظارت دولتی وجود ندارد و نگرش های سنتی به تقسیم قدرت بر اساس جنسیت، زمینه را برای بروز خشونت فراهم می کند (شکریگی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۵۹).

خصوصی بودن خانواده مانع از اطلاع جامعه از خشونت خانوادگی می شود و به این ترتیب، امکان نظارت سازمان های دولتی مانند نیروی انتظامی و دادگاه بر آن وجود ندارد. گلز و اشترواس این موضوع را به این صورت بیان می کنند: "همزمان با بالا رفتن دیوارهای یک خانه و جدا شدن آن از سایر خانه ها، کتک زدن هم شروع می شود" (قاسمی، ۱۳۹۲، ۸۳).

در فضای خصوصی خانه، نگرش های اجتماعی به خشونت، حقوق و وظایف زن و شوهر و والدین و فرزندان رنگ می بازد و امکان نظارت اجتماعی از جامعه گرفته می شود. در نتیجه، نگرشی در خانواده به وجود می آید که در آن، مرد قدرت اجرایی مشروع را به دست می آورد و زنان و کودکان به عنوان عامل تحریک کننده خشونت در نظر گرفته می شوند (معظمی، ۱۳۸۳، ۴۲).

۲-۳-۵- نظریه جامعه پذیری جنسیتی

بر اساس این دیدگاه، خشونت رفتاری آموخته شده است. در بسیاری از جوامع، خشونت علیه زنان مجاز و به عنوان یک رفتار طبیعی تلقی می شود. واکنش های جنسیتی سنتی، این نوع خشونت را تشویق می کنند. درست است که الگوهای فرهنگی در بروز خشونت نقش دارند، اما نمی توان فهم خود را از خشونت به روابط بین فردی و جامعه پذیری محدود کرد. همچنین، بدون در نظر گرفتن این موضوع که چگونه مفاهیم فرهنگی در مورد مردانگی و زنانگی از موقعیت زنان و مردان در جامعه نشأت می گیرند، درک ما از خشونت ناقص خواهد بود. نظریه جامعه پذیری جنسیتی بیان می کند که فرآیند جامعه پذیری، گرایش ها و هویت جنسیتی را در خانواده درونی می کند و به فرزندان منتقل می کند. این فرآیند، سلطه ی دائمی مرد و مطیع بودن زن را تداوم می بخشد.

معمولاً از زنان تصویری آرام، مطیع، منفعل، عاطفی و وابسته و از مردان تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و مصمم ترسیم می شود. در چنین شرایطی، زنان نقش جنسیتی سنتی مطیع بودن و مردان نقش سلطه گری را می پذیرند. بنابراین، فرد در فرآیند جامعه پذیری در خانواده و تحت تاثیر روابط درون خانوادگی، روحیه استبدادی یا دموکراتیک کسب می کند (اعظم آزاده، دهقان فرد، ۱۳۸۵، ۱۶۱).

بر اساس نظریه جامعه پذیری نقش جنسیتی، زنان و مردان جامعه پذیری متفاوتی را دریافت می کنند. رفتار والدین با فرزندان متأثر از کلیشه های جنسیتی است. حتی در بدو تولد، هویت نوزاد در تعامل با والدین شکل می گیرد. خانواده ها، آگاهانه یا ناآگاهانه، دختر و پسر را به طور متفاوتی تربیت می کنند و بر اساس جنسیت فرزندان خود، نقش های متفاوتی را برای آنها تعیین می کنند. این نوع رفتار والدین و اطرافیان، متأثر از کلیشه های جنسیتی است. طبق این باورهای جنسیتی، مردان دارای ویژگی هایی مانند پرخاشگری، واقع بینی و استقلال هستند و زنان ضعیف، منفعل و وابسته به مردان تلقی می شوند. از این منظر، خشونت به عنوان یک ویژگی در نقش مردانه تعریف شده و اعمال آن بر زنان امری طبیعی تلقی می شود (شکریگی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۶۱).

در این نظریه، جامعه پذیری به عنوان روندی تعریف می شود که طی آن فرد با الگوها، هنجارها و جهت گیری های فرهنگی آشنا می شود. فرد به تدریج رفتار اجتماعی مناسب را فرا می گیرد و از طریق پذیرش نقش های اجتماعی، خود را برای زندگی آینده آماده می کند. فرد در خانواده و از طریق جامعه پذیری و تعامل با والدین، همسالان و محیط مدرسه، به تدریج نقش های جنسیتی را فرا می گیرد. با پذیرش تعارضاتی که در این نقش ها وجود دارد، معمولاً دختران از همان ابتدا یاد می گیرند که نقش جنسیتی زن بزرگسال همراه با پذیرش فرودستی و وابستگی به مردان است. در عین حال، آنها می آموزند که برای دفاع از خود در مقابل خشونت، امکانات محدودی دارند. پسران نیز نقش های خود را به عنوان مردان بزرگسال فرا می گیرند و متوجه می شوند که برتر از زنان هستند و باید به دنبال امیال و آرزوهای خود باشند و برای کسب آن، می توانند دیگران را تحت نظارت قرار دهند (حیدری نژاد و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۳۹).

دوچار معتقد است که جامعه پذیری نقش های جنسیتی، عامل اصلی تداوم سلطه مرد بر زن است. به نظر او، اگر دختران و پسران از کودکی با توقعات، پاداش ها، سختگیری ها و آزادی های یکسانی تربیت شوند، شخصیت زنان و دختران به کلی متفاوت از الگوهای نابرابر کنونی خواهد بود. به عبارت دیگر، جامعه پذیری جنسیتی با نهادینه کردن نابرابری و انتقال آن به نسل های آینده، بسترهای نابرابری جنسیتی را ایجاد می کند (دانش و همکاران، ۱۳۹۵، ۵۶).

نحوه برخورد والدین با فرزندان، باعث می شود که ویژگی هایی مانند پرخاشگری، موفقیت، رقابت، اعتماد به نفس و استقلال، بیشتر از پسران مورد انتظار باشد. همچنین به پسران بیشتر توصیه می شود که برای احقاق حق خود ایستادگی کنند. در مقابل، از دختران انتظار می رود که سازش کار، صلح جو، مهربان و مراقبت کننده باشند و اختلافات را با گفتگو حل و فصل کنند (قاسمی، ۱۳۹۲، ۸۴).

جامعه پذیری در خانواده، مدرسه و سایر نهادهای اجتماعی، نقش های جنسیتی را به همراه عواملی که زمینه ساز خشونت مردان و پذیرش خشونت توسط زنان می شوند، به کودکان آموزش می دهد. بر اساس نظریه جامعه پذیری جنسیتی، روند جامعه پذیری، گرایش هایی را در خانواده ها درونی می کند و به فرزندان منتقل می کند که باعث دائمی شدن سلطه مرد و مطیع بودن زن می شود. رفتار خشن از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و بر طبق دیدگاه های جدید، چرخه ی خشونت استمرار می یابد. ریشه اولیه پرخاشگری در الگوسازی و تقویت معیارهای خانواد است (سالاری فرد، ۱۳۸۸، ۲۲).

طبق الگوی جامعه پذیری جنسیتی که در آن مردانگی ارزش محسوب می شود، زنان موجوداتی تابع و مطیع در ساختار مردسالار خانواده هستند و در حوزه های خصوصی خانواده محصورند. در مقابل، مردان در دنیای عمومی حضور دارند و اشتغال دارند. مطابق این دیدگاه، خشونت رفتاری است که یاد گرفته می شود و معمولاً در جوامع، مجبور کردن زنان و خشونت علیه آنها مشروع و طبیعی تلقی می شود. واکنش های جنسیتی سنتی نیز خشونت را تشویق می کنند (قاسمی، ۱۳۹۲، ۸۵).

۲-۳-۶-نظریه فمینیستی

در زمینه ی خشونت، دیدگاه فمینیستی یکپارچه وجود ندارد؛ اما همه رویکردهای فمینیستی، خشونت نسبت به زنان را در یک متن گسترده تر مورد بررسی قرار می دهند به گونه ای که در جایگاه فرودست زنان نسبت به مردان است. در دهه هفتاد، فمینیست ها سعی کردند تجاوز جنسی و کتک زدن همسر را به عنوان علائم جدی خشونت مردان نسبت به زنان تشخیص دهند؛ اما این رویکرد به تازگی انتقاداتی را به همراه داشته و فمینیست ها اظهار داشته اند که هر آنچه وحشت و ارباب زنان را ایجاد می کند، باید در زمینه کنترل مردان بر رفتار زنان بررسی شود (حیدری نژاد، نواح، ۱۳۹۷، ۱۳۹).

به عقیده این گروه، تسلط، اصلی ترین ساختار ستمگری محسوب می شوند. مردان از طریق مشارکت در پدرسالاری فرا می گیرند که چگونه آدم های دیگر را با تحقیر نگاه کنند و آنها را تحت سلطه خود درآورند. همین پدرسالاری است که گناه و سرکوبی، خود آزاری و دیگر آزاری، فریب و نیرنگ بازی را ایجاد کرده و این پدیده ها نیز به نوبه ی خود مردان و زنان را به شکل های متفاوت بیدادگری سوق می دهند (همان).

صاحب نظران این رویکرد عقیده دارند که اصلی ترین عامل خشونت، وجود ساختارهای اقتداری پدرسالارانه در جامعه است. خانواده به عنوان یک نهاد مرکزی با نهاد پدرسالاری بر مبنای نابرابری های اجتماعی و استثمار زنان و کودکان شکل گرفته و ایدئولوژی های جامعه سعی می کنند آن را حفظ کنند. این نظریه مبنی بر این است که خشونت مردان انعکاس و آشکارسازی نظامی از حاکمیت کل مردان بر زنان است و این امر در زمان ها و مقایسه های تاریخی مشاهده شده است. به عقیده مارتین رسم و قاعده ی زندگی، خشونت مردها نسبت به زن هاست و شکل گیری ساختار اقتصادی-اجتماعی جوامع بر اساس بی اعتباری، تحقیر و استثمار زنان است. بی ارزش شمردن فعالیت های اقتصادی-تولیدی زنان در جامعه و افزایش قدرت مردان در خصوص ازدواج یکی از روش های بی قدرت کردن زنان است. ناظران اجتماعی نیز نظارت را به عهده مردانی گذاشتند که نقش پدر، شوهر و برادر داشته و تقسیم وظایف را با در نظر گرفتن محدود کردن زنان و آزادی تحرک آنها انجام دادند (شکریبگی، ۱۳۹۳، ۱۶۰).

نظریه فمینیسم به ریشه های تاریخی نابرابری ها در جامعه معاصر برای تبیین تقسیم کاملاً جنسیتی قدرت اهتمام ورزیده و تأکید دارد که در آن، خشونت در مردان بروز می کند و تأثیرگذار است. این نظریه معتقد است که روابط دو جنس یک رابطه قدرت بوده و در توضیح پدیده همسر آزاری، خشونت به وسیله شوهر نشان دهنده ی قدرت و موقعیت اجتماعی بالاتر مردان است و این امر باعث می شود تا مردان خود را محق سوء استفاده از زنان بدانند و برای پایان دادن به این تفکر جامعه مستلزم تجدید ساختار روابط قدرت بین زن و مرد خواهد بود (طالب پور، ۱۳۹۶، ۳۷).

از دیدگاه فمینیست ها، زن در نظم نمادین بر اساس آن چیزی تعریف می شود که نیست و در تضاد با مرد و نیز بر اساس تفاوتش با مؤلفه های تعیین کننده ارزش های جامعه تعریف می شود. در این نظم مردانه، زنان به عنوان "عدم حضور"، "فقدان" و "دیگری"

تلقی شده اند و این باعث می شود که زنان مجالی برای شکوفایی ظرفیت های خود نداشته باشند، زیرا به عنوان شهروندانی نگریسته نشده اند که از فردیت و شخصیتی مستقل از مردان بهره مند باشند.

از دیدگاه این نظریه پردازان، خشونت خانوادگی را نمی توان تنها به عنوان یک پدیده در روابط زن و مرد در نظر گرفت، بلکه باید آن را به عنوان یک شکل از حاکمیت کل مردان بر کل زنان در نظر گرفت (اعزازی، ۱۳۸۳، ۱۰۴). نهضت فمینیستی موجب پدید آمدن مجموعه ای از نظریه هایی شده است که تلاش می کنند نابرابری های جنسیتی را تبیین کنند و راهکارهایی برای غلبه بر این نابرابری ها ارائه دهند. نظریه های فمینیستی درباره ی نابرابری جنسیتی اختلافات و تعارضات زیادی با یکدیگر دارند، هرچند که نویسندگان فمینیست همگی با موقعیت نابرابر زنان در جامعه موافق هستند، اما تبیین های آن ها بسیار متفاوت است (گیدنز، ۱۳۸۹، ۱۶۷). در ادامه به طور مختصر به بیان دو دیدگاه عمده ی فمینیستی -فمینیسم لیبرال و رادیکال- می پردازیم:

۲-۳-۱- فمینیسم لیبرال

فمینیست های لیبرال با ایدئولوژی برابری، خواهان حضور زنان در ساختارهای سیاسی جامعه هستند. آنها معتقدند که با وجود اشتراکات فراوان بین زن و مرد، ساختارهای اجتماعی و سیاسی موجود، تفاوت های جنسیتی را تشدید کرده اند. در ادبیات فمینیسم لیبرال، استدلال به "حقوق بشر" برای دستیابی به جایگاه مساوی زنان با مردان در همه ی ساختارها پررنگ است. آنها خواهان حفظ وضع موجود هستند، اما برای رسیدن به برابری، زنان را در جایگاه مردان قرار می دهند. در این رویکرد، ساختارهای مردسالار تغییر نمی کنند، بلکه زنان لباس مردانه بر تن می کنند. سنت ها و ارزش های تأکید کننده بر نقش زنان در خانواده، به عنوان زمینه های ستم بر زنان معرفی می شوند (بستان، ۱۳۸۲، ۴۲).

شواهد موجود در جوامع غربی نشان می دهد که کاهش تعلق زنان به خانه و عدم وابستگی به مردان، نه تنها خشونت در خانواده را کاهش نداده، بلکه خشونت و تبعیض بیرون از خانه را نیز بر آنها تحمیل کرده است. ارزش های لیبرالی قادر به کنترل زیاده خواهی فردگرایانه نیستند، لذا جمع این ارزش ها با تأکید بر برابری جنسیتی، یک تناقض آشکار است. این رویکرد نه تنها راهگشای حل مسائل زنان نیست، بلکه آنها را مضاعف می کند. تا زمانی که ساختارها به وضعیتی انسانی تبدیل نشوند و به ویژگی های جسمی، روحی، سنی، جنسی، علمی و توانمندی های اجرایی و مدیریتی توجه نکنند، بسیار شکننده خواهند بود. نظام های لیبرال غرب با شعار تساوی جنسیتی، بیشترین ظلم و بی عدالتی را در حق زنان روا داشته اند. آنها زنان را وارد میدانی از رقابت کرده اند که در آن ارزش های اخلاقی و انسانی جای خود را به سوداگری و ستیز سرمایه داری داده و زن به ابزاری جهت تأمین منافع مادی آنها تبدیل شده است (آقاجانی، ۱۳۸۸، ۱۹).

فمینیسم لیبرال ریشه ی نابرابری های جنسیتی را در ایستارهای اجتماعی و فرهنگی جست و جو می کند و برخلاف فمینیسم رادیکال، فرودستی و انقیاد زنان را بخشی از نظام یا ساختار وسیع تر نمی داند. تمرکز فمینیسم لیبرال بر عوامل جداگانه ی پرشماری است که در نابرابری های میان زنان و مردان نقش دارند، مانند جنس گرایی و تبعیض علیه زنان در محیط کار، نهادهای آموزشی و رسانه ها. هدف فمینیسم های لیبرال ایجاد و حمایت از فرصت های برابر برای زنان از طریق قانون گذاری و سایر روش ها و ابزارهای دموکراتیک است. فمینیست های لیبرال خواهان فعالیت از طریق نظام موجود برای انجام اصلاحاتی تدریجی هستند. فمینیست های رادیکال، فمینیست های لیبرال را به تشویق زنان به پذیرش جامعه ی نابرابر و خصلت رقابتی آن متهم می کنند. نقد فمینیسم

لیبرال تناقضات درونی آن را در زمینه ی برابری خواهی، فردگرایی افراطی و ساختارهای غیرانسانی نظام های لیبرال آشکار می کند(گیدنز، ۱۳۸۹، ۱۶۷).

۲-۳-۶-۲-فمینیسم رادیکال

فمینیسم رادیکال، شاخه ای از جنبش فمینیسم است که بر تفاوت های ذاتی میان زنان و مردان در جامعه تمرکز دارد. این دیدگاه، با اتکا به ذات گرایی، بر جهان شمولی مردسالاری در تمام جوامع تأکید می کند و نظارت و خشونت مردان علیه زنان را به عنوان ریشه ی نابرابری جنسیتی معرفی می کند. فمینیست های رادیکال معتقدند که ساختارهای اجتماعی، تحت سلطه ی پدر سالاری قرار دارند و این امر، نابرابری و ستم علیه زنان را به ارمغان می آورد. خشونت، چه به عنوان علت و چه به عنوان پیامد نابرابری، نقشی اساسی در تداوم ستم علیه زنان دارد. فمینیسم رادیکال بر ضرورت توجه به این موضوع و ریشه کن کردن آن تأکید می کند. فمینیست های رادیکال، فحشا و سوء استفاده جنسی را به عنوان اشکالی از خشونت علیه زنان در نظر می گیرند و خواهان نابودی آنها هستند. این دیدگاه، نقش های جنسیتی را ساختارهایی اجتماعی می داند که نابرابری را تداوم می بخشند. فمینیست های رادیکال خواهان از بین بردن این ساختارها و ایجاد جامعه ای بدون جنسیت هستند. برای رهایی از ستم، فمینیسم رادیکال بر ضرورت سازماندهی سیاسی زنان و اتحاد آنها برای مبارزه با مردسالاری تأکید می کند(علیوردی نیا، ۱۳۹۱، ۱۳۱).

فمینیسم رادیکال در دهه ۱۹۶۰ به عنوان تندروترین شاخه ی جنبش فمینیستی در آمریکا ظهور کرد. این دیدگاه در واکنش به ناکامی های سایر رویکردها در رهایی زنان از ستم، شکل گرفت. فمینیست های رادیکال معتقدند که ریشه ی بیچارگی و ستم زنان در روابط جنسیتی اجتماعی و نظام پدرسالار نهفته است. آنها خواهان نابودی این نظام و ایجاد جامعه ای مبتنی بر حمایت از زنان هستند. برخلاف فمینیست های لیبرال که خواهان برابری زنان با مردان در چارچوب نظام موجود هستند، فمینیسم رادیکال برابری را راه حل نهایی نمی داند. از دیدگاه این رویکرد، مردان به عنوان یک گروه ستمگر، مانع اصلی رهایی زنان هستند. به همین دلیل، فمینیسم رادیکال به دنبال ایجاد جامعه ای بدون جنسیت است که در آن ساختارهای قدرت و نابرابری جنسیتی از بین رفته باشد. فمینیسم رادیکال با تمرکز بر ذات گرایی، خشونت علیه زنان و نقد نظام مردسالاری، به دنبال ریشه یابی ستم علیه زنان و ارائه راه حلی اساسی برای رهایی آنها از طریق مبارزه و سازماندهی سیاسی است. فمینیسم رادیکال ریشه نابرابری و فرودستی زنان در جامعه را در خشونت می بیند. این دیدگاه معتقد است که خشونت و تهاجم، خصیصه ای ذاتی در مردان است و آنها را به طور بالقوه خشن و ناظر بر ابعاد مختلف زندگی زنان قلمداد می کند(آئینی، ۱۳۹۱، ۹۰).

دوباش و دوباش نیز بر این باورند که در نظام مردسالار، زنان به طور نظام مند و از طریق اعمال خشونت های فیزیکی در موقعیتی فرودست قرار می گیرند و به این ترتیب، نابرابری تداوم می یابد. از دیدگاه این دو اندیشمند، ریشه ی این نابرابری در بی ارزش شمردن فعالیت های تولیدی و بازتولیدی زنان در جامعه و خانواده و همچنین تأیید و تقدیس اقتدار مردان در روابط بین زن و شوهر نهفته است. این دو عامل در مجموع سبب می شود که زنان در خانواده از قدرت کمتری نسبت به مردان برخوردار باشند(طرزی، ۱۳۸۵، ۳۹).

فمینیست های رادیکال امروزه تأکید بیشتری بر توانایی زنان برای یافتن راه های انطباق و پیوند با یکدیگر دارند. ارزشی که این نظریه دارد به چگونگی اتکای زنان به ویژگی های ذاتی، عقلانیت و تجربیات مشترکشان در برابر ستمگری بر می گردد؛ زنانی که تمایل به صحبت کردن درباره تجربیات مشترکشان دارند، تأثیر مثبتی دارند، زیرا این به معنی بهره گیری از دانستنی های مناسبشان

است که این امکان سهیم شدن در تجربیات زندگیشان در رابطه با نابرابری های موجود در زندگیشان را به آنها می دهد و در این فضای باز، آنها می توانند تجربه ی ستمگری بر خود را به عنوان یک تجربه ی جمعی ببینند که با ساختارهای اجتماعی گسترده تر رابطه دارد. قادر بودن به درک جمعی قدرت عملی، به آنها حس قدرتمندی و امید به تغییر بعضی از چیزها را می دهد تا احساس این که آنها به خاطر نابرابری های اجتماعی ای که تجربه می کنند؛ مورد سرزنش قرار گیرند (علیوردی نیا، ۱۳۹۱، ۳۳۳).

فمینیست های رادیکال خشونت مردان علیه زنان را محور اصلی برتری و توفیق مردان می دانند. طبق این دیدگاه، خشونت خانگی، تجاوز و آزار و اذیت جنسی همگی بخشی از ظلم و ستم نظام مند بر زنان است، نه مواردی جداگانه که هر یک ریشه های روان شناختی یا جنایی مختص به خود را داشته باشند (گیدنز، ۱۳۸۹، ۱۶۸).

۲-۳-۷-نظریه پدرسالاری

اولین بار اصطلاح "پدرسالاری" یا "مردسالاری" توسط "ماکس وبر" برای توضیح نظام قدرت در جوامع سنتی به کار گرفته شد. وبر، به بررسی سؤالی پرداخت که چرا برخی افراد ادعای اقتدار کرده و حق مشروع داشته باشند که دیگران را به تطابق با اراده آنها ترغیب کنند (احمدی، ۱۳۹۹، ۴۶).

تمامی نظریه های ستمگری جنسی، موقعیت زنان را نتیجه ی رابطه ی ناعادلانه ی قدرت میان زن و مرد می دانند. این رابطه، باعث انقیاد و سرکوب زنان شده و از طریق اعمال ستم جنسیتی، منافع بر زنان ایجاد می شود. در نتیجه، یک الگوی ستمگری در جامعه شکل می گیرد و یک ساختار تسلط بنیادی به وجود می آید که در آن مردان از قدرت و نفوذ بیشتری در روابط خانوادگی بهره مندند و عمدتاً این موقعیت را به منزله "پدرسالاری" می نامند (شجاعی، ۱۳۹۹، ۱۸).

نظریه ی پدرسالاری خشونت شوهر علیه زن را نتیجه ی نظام اجتماعی سنتی و ساختار پدرسالاری در خانواده می داند. این نظریه بر این اساس ادعا می کند که سلسله مراتب نظم پدرسالارانه، دسترسی افراد یا گروه های خاص به منابع را مقدر می کند. در نتیجه ساختارهای قدرت در خانواده، وضعیت زنان در جامعه را نشان می دهد (علیوردی نیا، ۱۳۹۰، ۱۲).

پدرسالاری هویت مردانه را که به خشونت منجر می شود، تحسین کرده و به افرادی که نقش مردانه را بازی می کنند، احترام می گذارد. ساختار پدرسالارانه، مدل هایی از ذهنیت، قضاوت، ارزش ها و هنجارها را به وجود می آورد که خشونت مرد را طبیعی می داند. این ساختار باعث می شود که انتظار برود؛ زنان فرمان ببرند و مردان نظارت دقیق بر رفتارهای زنان را به عهده بگیرند (شجاعی، ۱۳۹۹، ۱۸).

در خانواده های پدرسالار، زنان برای حفظ هماهنگی و پایه ریزی خانواده به مصالحه تن می دهند و فرآیند تصمیم گیری را به شوهرانشان واگذار می کنند. این نوع سازمان دهی خانواده، توسط هنجارها و ایدئولوژی پدرسالارانه تثبیت شده و گسترش می یابد. از این منظر، هنجارهای فرهنگی پدرسالارانه که زنان را در زیر انقیاد مردان قرار می دهند، خشونت شوهر علیه زن را تصدیق می کنند (علیوردی نیا، ۱۳۹۰، ۱۲).

یکی از اقداماتی که در روابط زناشویی باعث بی قدرتی می شود، بی ارزش شمردن فعالیت های تولیدی و اقتصادی زنان در جامعه و افزایش قدرت مردان در زمینه ازدواج است. بنابراین، موقعیت زنان در یک جامعه پدرسالار بازتاب وابستگی اقتصادی آنها به مردان و به منزله ی "پدرسالاری" است (قاسمی، ۱۳۹۲، ۹۷).

سیلوپا والبی^۱، نظریه پردازی است که معتقد به ضرورت تحلیل هرچه بیشتر نابرابری جنسیتی استفاده از مفهوم پدرسالاری است. او به عنوان یک نظام اجتماعی با ساختارها و اقداماتی مشخص معرفی می‌کند که زنان در آن تحت سلطه، ستم، و استثمار مردان قرار دارند. والبی دو نوع متمایز از پدرسالاری را مطرح می‌کند: پدرسالاری خصوصی که تسلط فرد پدرسالار بر زن را در خانوار تصویب می‌کند و از طریق منع زنان از مشارکت در زندگی عمومی، بر روی آنها مسلط می‌شوند. از سوی دیگر، پدرسالاری عمومی چهره جمعی تری دارد که زنان را در فضاهای عمومی مشغول می‌کند، اما آنان از حقوق، قدرت، و مقام بی نصیب می‌مانند. والبی با تأکید بر کاهش تفاوت دستمزدها و پیشرفت در وضعیت تحصیلی زنان، اظهار می‌کند که در شدت و گستره ی پدرسالاری تغییر ایجاد می‌شود. او معتقد است که این تحول نمایانگر شکست و انحلال کامل پدرسالاری نیست. در واقع، اگر پیش‌تر تبعیض نسبت به زنان در خانه رخ می‌داد، اکنون به عنوان یک مسئله اجتماعی شناخته می‌شود؛ به عبارت دیگر، شکل پدرسالاری از یک مسئله خصوصی به یک مسئله عمومی تحول یافته است. والبی به شیوه طنزآمیز اظهار دارد: "زنان، با آزادی از خانه، اکنون در زیر استثمار کل جامعه قرار دارند" (گیدنز، ۱۳۸۹، ۱۷۰).

۲-۳-۸- نظریه خرده فرهنگ خشونت

نظریه خرده فرهنگ به عنوان یکی از توضیح دهنده های همسرآزاری مدنظر است و بیان می‌کند که رفتارهای ناپسند نظیر همسر آزاری، کودک آزاری و سالمند آزاری توسط جامعه شکل می‌گیرد. این دیدگاه تأکید دارد که فرهنگ به عنوان میراث اجتماعی گذشته، بر رفتارهای فعلی و آینده انسان تأثیر گذار است. ویژگی های این فرهنگ شامل تأثیر پرخاشگری مردان، حاکمیت مردانه و فرمانبرداری زنان می‌باشد. بنابراین، در جوامع پدرسالار، استفاده از قدرت برای استقرار و حفظ حاکمیت مردانه به عنوان امری مشروع مطرح می‌شود. والدینی که از خشونت برای تربیت فرزندان خود استفاده می‌کنند، به دلیل حمایت از هنجارهای جامعه اعتقاد دارند که رفتار آنها با تطابق با هنجارهای اجتماعی صورت گرفته و فرض می‌شود که هرچه جامعه بیشتر از خشونت به عنوان وسیله ای برای دستیابی به اهداف جذاب استفاده کند، احتمال مشروعیت دادن به آن در ابعاد دیگر اجتماعی افزایش می‌یابد (قاسمی، ۱۳۹۲، ۸۰).

در برخی جوامع، زمانی که نظم اجتماعی در خطر قرار می‌گیرد، به منظور حفظ آن از خشونت بهره گرفته می‌شود. این نظارت اجتماعی، یعنی از خشونت برای بقای نظم اجتماعی در جامعه، هم در سطح کلان و هم در سطح خرد (خانواده) استفاده می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۰، ۷۱).

به طور کلی، نظریه ی خرده فرهنگ بر این باور است که برای درک دلایل تأیید رفتار خشونت آمیز در برخی از فرهنگ ها، باید به ارزش ها و نگرش های خرده فرهنگی آن ها توجه شود. این نظریه تأکید دارد که خشونت مانند یک رفتار اجتماعی در میان افراد، قابل قبول شناخته شده است. هرچه اعتماد به نفس و غرور مردان در محیط اطرافشان کاهش یابد، خطر خشونت علیه زنان افزایش می‌یابد، زیرا آن ها در محیط و فرهنگی بزرگ شده اند که سلطه ی بی پایان مردان بر زنان را ارجح می‌دانند. از این رو، هر چالش جدی مطرح شده توسط زنان به نقش و موقعیت مردان، احتمال بروز خشونت را افزایش می‌دهد (قاسمی، ۱۳۹۲، ۸۱).

مهمترین قضایای خرده فرهنگ خشونت شامل موارد زیر می‌شوند:

۱. هیچ فرهنگی نمی‌تواند به طور کلی متفاوت یا در تضاد با جامعه ای جزئی از آن باشد.

¹ Walby

۲. به وجود آوردن خرده فرهنگ نیازمند آن است که افراد در این عنصر ارزش های بنیادین را به اشتراک بگذارند که خشونت در همه شرایط ابراز می شود.

۳. میزان استفاده از خشونت در پاسخ به محرک ها، به میزان پذیرش و اقتباس ارزش های خرده فرهنگی مرتبط با خشونت وابسته است.

۴. استفاده از خشونت ضرورتاً در همه خرده فرهنگ ها به عنوان یک عمل غیرقانونی در نظر گرفته نمی شود و همه کسانی که به اعمال خشونت دست می زنند در این مورد احساس گناه نمی کنند (زارعی، ۱۳۸۳، ۷۳).

۲-۳-۹- نظریه تحلیل ساختاری

این نظریه سعی دارد عوامل تأثیرگذار بر خشونت علیه زنان را از ریشه بنیادی در ساختارها مشخص کند. ساختار اقتصادی و سیاسی، تقسیم قدرت، ثروت و منزلت، نقش ساختارهای تصمیم گیری، ساختارهای فرهنگی و ارزشی و هنجارهای جزء آن، فرآیندها و چرخه هایی را بازتولید می کنند که منشأ خشونت های خانوادگی و زن آزاری می شوند. ساختارهای پدرسالارانه، نظام های مردسالارانه و فرهنگ های مذکر، الگوهای ذهنی و ارزش ها، هنجارها و رفتارها را ایجاد و انتقال می دهند و نهادینه می سازند تا فرمان دهی و در برخی مواقع خشونت مرد طبیعی و متعارف در نظر گرفته شود. مسائل ناموسی اهمیت زیادی دارد و اجرای آن در حاکمیت مرد است. خانواده حریم خصوصی مرد است و او باید در نقش شوهر و پدر، همسر و فرزندان خود را (به ویژه دختران) کنترل کند. در غیر این صورت، به مسئولیت هایی که فرهنگ، جامعه و ارزش های آن بر عهده ی او گذاشته اند؛ عمل نکرده و احترام و آبروی خانواده و سرنوشت فرزندانش در خطر می افتد (قاسمی، ۱۳۹۲، ۱۱۰).

همچنین، در این نظریه بر تأثیر فشارهای اقتصادی و شرایط زندگی سخت و تشنج آمیز ناشی از ساختارها در رشد و حیات و مناسبات پرخاشگرانه در خانواده تأکید شده است. این ساختارهای اقتصادی و اجتماعی باعث می شوند منابع ثروت، قدرت و منزلت بیشتر در اختیار مردان قرار گیرد و نقش اصلی در فرآیند تصمیم گیری به عهده مردان باشد. چون مردان در استفاده از منابع حاکمیت دارند، مشروعیت در حاکمیت و پرخاشگری و اعمال خشونت برای کنترل منابع را حق خود می دانند. برعکس، زنان از این امر کمتر آگاهی دارند و باور دارند که مردان باید در این زمینه اقدام کنند. اگر عوامل ساختاری به گونه ای تنظیم شوند که منابع جامعه کمیاب و دسترسی به آن دشوار باشد، نقش مردانه، خود را دو چندان نشان می دهد و این باعث می شود؛ مردان خانواده های متوسط و مرفه اقتدار بیشتری را اعمال کنند و مردان خانواده های کم درآمد نیز به دلیل دشواری های نقش نان آوری به نشان دادن واکنش های پرخاشگرانه به همسران خود بپردازند (همان، ۱۱۱). در ادامه برای درک بهتر نظریات آنها را به طور خلاصه در جدول زیر دسته بندی کردیم:

جدول شماره ۲-۲- خلاصه نظریات

نظریه	نظریه پرداز	مفاهیم کلیدی
-------	-------------	--------------

یادگیری اجتماعی	ایکرز باندورا اشترواس کرافورد	- فرایند این نظریه پویا و دارای تأثیرات متقابل و دوجانبه است. - تکرار رفتار ناشی از تقویت محرک و پاسخی که دریافت می شود. - یادگیری خشونت اصولاً تحت تأثیر مشاهدات فردی و تنبیه و تشویق انجام می شود و می تواند نتیجه ی تجربیات شخصی باشد. - افراد زمانی که در خانواده های خشن بزرگ می شوند، خشونت را یاد می گیرند. - خشونت معمولاً از نسلی به نسل دیگر انتقال داده می شود. - روند یادگیری خشونت به واسطه ی مشاهده و تقلید است. - خشونت هایی که اشخاص در بزرگسالی انجام می دهند، ریشه در دوران کودکی دارد. - خشونت از خشونت زاده می شود. - افراد در خانواده خود می آموزند که خشونت یک راه حل مجاز برای زمان هایی است که راهی برای حل مشکلات وجود ندارد.
منابع	ویلیام گود بلود و ولف	- خانواده، مانند هر نظام اجتماعی دیگری، دارای سلسله مراتبی از قدرت است. - هرکس که به منابع مهم خانواده بیشتر دسترسی داشته باشد، می تواند دیگر اعضا را به انجام فعالیت هایی برای تحقق اهداف خود وادار کند. - توزیع قدرت در خانواده بر اساس منابعی است که هر یک از زن و شوهر در ازدواج به ارمغان می آورند. - میزان برخورداری از این منابع، قدرت آنها در تصمیم گیری های خانواده را تعیین می کند. - زمانی که فرد از منابع کافی برخوردار نباشد یا در شرایطی که منابع او به شدت ناکافی است، احتمال استفاده از راهبرد خشونت افزایش می یابد. - بالا رفتن پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان باعث مشارکت بیشتر آنها در فرآیند تصمیم سازی درون خانواده می شود. - همزمان با افزایش منابع زنان متأهل، قدرت آنها نیز افزایش می یابد. - جابجایی در توزیع قدرت با عقاید پدرسالارانه جامعه سازگار نیست. - افزایش منابع زنان نسبت به شوهرانشان مانند درآمد بیشتر و تحصیلات بیشتر باعث زیرپا گذاشتن هنجارهای سنتی از طرف آنها می شود.
نقش ها	پارسونز	- انسان ها در طول زندگی خود، نقش های متعددی را ایفا می کنند. - هر نقش، وظایف و انتظارات خاص خود را دارد.

- بر اساس الگوی نقش‌ها، دو نقش مجزا را در خانواده تعریف می‌شود: ۱. مرد دارای نقش ابزاری ۲. زن دارای نقش عاطفی - این تقسیم وظایف بهترین شکل برای حفظ انسجام خانواده بوده و تداخل هر نوع نقش دیگر، تعادل زندگی را برهم می‌زند. - هرگاه اعضای خانواده نقش‌هایی را که از آنها انتظار می‌رود به خوبی انجام ندهند، موجب دگرگونی در روابط آنها می‌شود و در نتیجه خشونت و پرخاشگری در خانواده به وجود می‌آید.		
- انسان بدون وجود محدودیت‌های اجتماعی، به جرم و جنایت و رفتار نابهنجار تمایل دارد. - نبود نظارت اجتماعی، عاملی برای بروز رفتار مجرمانه است. - در محدوده خصوصی خانه، با غیبت نهادهای نظارتی رسمی روبرو هستیم. - خشونت در جامعه نه تنها مجاز شمرده می‌شود، بلکه به دلیل عدم نظارت دولت بر فضای خصوصی خانواده، این خشونت در این محیط تشدید می‌شود. - همزمان با بالا رفتن دیوارهای یک خانه و جدا شدن آن از سایر خانه‌ها، کتک زدن هم شروع می‌شود. - در فضای خصوصی خانه، نگرش‌های اجتماعی به خشونت، حقوق و وظایف زن و شوهر و والدین و فرزندان رنگ می‌بازد. - مرد قدرت اجرایی مشروع را به دست می‌آورد و زنان و کودکان به عنوان عامل تحریک‌کننده خشونت در نظر گرفته می‌شوند.	گلز اشترواس	نظارت اجتماعی
- فرآیند جامعه‌پذیری، گرایش‌ها و هویت جنسیتی را در خانواده درونی می‌کند و به فرزندان منتقل می‌کند. - معمولاً از زنان تصویری آرام، مطیع، منفعل، عاطفی و وابسته و از مردان تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و مصمم ترسیم می‌شود. - جامعه‌پذیری به عنوان روندی تعریف می‌شود که طی آن فرد با الگوها، هنجارها و جهت‌گیری‌های فرهنگی آشنا می‌شود. - فرد به تدریج رفتار اجتماعی مناسب را فرا می‌گیرد و از طریق پذیرش نقش‌های اجتماعی، خود را برای زندگی آینده آماده می‌کند.	دوبوار	جامعه پذیری جنسیتی

		- جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی، عامل اصلی تداوم سلطه مرد بر زن است. - بر اساس نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی، روند جامعه‌پذیری، گرایش‌هایی را در خانواده‌ها درونی می‌کند و به فرزندان منتقل می‌کند که باعث دائمی شدن سلطه مرد و مطیع بودن زن می‌شود.
فمینیستی	مارتین	- تسلط، اصلی‌ترین ساختار ستمگری و جنسیت محسوب می‌شوند. - خشونت مردان انعکاس و آشکارسازی نظامی از حاکمیت کل مردان بر زنان است. - رسم و قاعده زندگی خشونت مردها نسبت به زن هاست و شکل‌گیری ساختار اقتصادی-اجتماعی جوامع بر اساس بی‌اعتباری، تحقیر و استثمار زنان است. - زن در نظم نمادین بر اساس آن چیزی تعریف می‌شود که نیست. - در این نظم مردانه، زنان به عنوان "عدم حضور"، "فقدان" و "دیگری" تلقی شده‌اند و این باعث می‌شود که زنان مجالی برای شکوفایی ظرفیت‌های خود نداشته باشند.
پدرسالاری	ماکس وبر سیلویا والبی	- خشونت شوهر علیه زن را نتیجه نظام اجتماعی سنتی و ساختار پدرسالاری در خانواده می‌داند. - پدرسالاری هویت مردانه را که به خشونت منجر می‌شود، تحسین می‌کند. - ساختار پدرسالارانه، مدل‌هایی از ذهنیت، قضاوت، ارزش‌ها و هنجارها را به وجود می‌آورد که خشونت مرد را طبیعی می‌داند. - در خانواده‌های پدرسالار، زنان برای حفظ هماهنگی و پایهریزی خانواده به مصالحه تن می‌دهند و فرآیند تصمیم‌گیری را به شوهرانشان واگذار می‌کنند.
خرده فرهنگ خشونت		- برای درک دلایل تأیید رفتار خشونت‌آمیز در برخی از فرهنگ‌ها، باید به ارزش‌ها و نگرش‌های خرده‌فرهنگی آن‌ها توجه شود. - استفاده از خشونت ضرورتاً در همه خرده‌فرهنگ‌ها به عنوان یک عمل غیرقانونی در نظر گرفته نمی‌شود و همه کسانی که به اعمال خشونت دست می‌زنند در این مورد احساس گناه نمی‌کنند. - خشونت مانند یک رفتار اجتماعی در میان افراد به عنوان قابل قبول شناخته شده است.

– افراد در محیط و فرهنگی بزرگ شده‌اند که سلطه بی‌پایان مردان بر زنان را ارجح می‌داند.		
– عوامل تأثیرگذار بر خشونت علیه زنان را ریشه بنیادی در ساختارها مشخص می‌کند. – ساختارهای اقتصادی و اجتماعی باعث می‌شوند منابع ثروت، قدرت و منزلت بیشتر در اختیار مردان قرار گیرد و نقش اصلی در فرآیند تصمیم‌گیری به عهده مردان باشد. – خانواده حریم خصوصی مرد است و او باید در نقش شوهر و پدر، همسر و فرزندان خود را (به ویژه دختران) کنترل کند. – اگر مرد به مسئولیت‌هایی که فرهنگ، جامعه و ارزش‌های آن بر عهده‌ی او گذاشته عمل نکند، احترام و آبروی خانواده و سرنوشت فرزندانش در خطر می‌افتد. – مردان در استفاده از منابع حاکمیت دارند و احتمالاً پرخاشگری و خشونت در کنترل منابع را حق خود می‌دانند.		تحلیل ساختاری

۲-۴- چهارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی، به تحقیق جهت مشخصی ارائه داده و ذهن پژوهشگر را نسبت به جوانب خاص پدیده حساس و هوشیار می‌سازد (منصوریان، ۱۳۹۲). با توجه به نظریه‌هایی که در این پژوهش مطرح شده و استخراج درون مایه آن‌ها امکان دستیابی به نظریه‌هایی که متناسب با موضوع پژوهش حاضر باشد فراهم می‌شود. در این بخش خلاصه‌ای از این نظریه‌ها ذکر گردیده است. آنچه که در پژوهش‌های کیفی اهمیت بسیاری دارد، انتخاب چارچوب نظری مناسب و مرتبط با مسأله تحقیق است. با توجه به اینکه پژوهش‌های کیفی عموماً فاقد چارچوب نظری در معنای مورد نیاز پژوهش‌های کمی هستند، مجموعه‌ای از ملاحظات نظری بیان خواهند شد تا در بحث از یافته‌ها بتوانند به گونه‌ای در تبیین پدیده خشونت علیه زنان یاری رسان باشند.

یکی از نظریه‌هایی که درمورد خشونت علیه زنان بدان اشاره کردیم نظریه‌ی یادگیری اجتماعی بود. طبق این نظریه، افرادی که در خانواده‌های خشن رشد می‌کنند خشونت را یاد می‌گیرند. افراد در کودکی رفتارهای خشونت‌آمیز والدین را مشاهده کرده و از آن الگوبرداری می‌کنند و با تقلید از آن رفتارها، در بزرگسالی خشونت‌هایی را مرتکب می‌شوند. این افراد متوجه عدم وجود منع اخلاقی درمورد انجام رفتارهای خشونت‌آمیز در برابر اعضای خانواده می‌شوند و در نهایت اگر نتوانند از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز مشکلات خود را حل کنند، انجام رفتارهای خشونت‌آمیز را مجاز می‌دانند. این گرایش به پرخاشگری و اعمال خشونت و همچنین عدم وجود مهارت‌های مقابله‌ای می‌تواند تا حدودی تبیین‌کننده‌ی علت رفتارهای خشونت‌آمیز مردان به همسرانشان باشد.

اما نظریه منابع علت بروز رفتارهای خشونت‌آمیز را تغییرپذیری نقش و منابع قدرت در خانواده می‌داند. طبق این نظریه هر فردی که در خانواده به منابع مهمی دسترسی داشته باشد دارای قدرت بیشتری برای اخذ تصمیمات در محیط خانواده است. این منابع می‌تواند از طریق اشتغال و تحصیلات تامین شود. بر اساس این نظریه زنانی که شاغل بوده و تحصیلات نیز داشته باشند؛ یعنی

دارای منابع قدرت در خانواده هستند و می توانند در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها در خانواده نقش پر رنگی را ایفا کنند. داشتن شغل برای زن درآمدی را به وجود می آورد و داشتن تحصیلات نیز برای او سبب ایجاد آگاهی می شود و از این طریق زن به پایگاه حقوقی دست می یابد زیرا در صورت فقدان یا حتی پایین بودن سطح منابع قدرت، زنان مجبور به پذیرش موقعیت اقتدار طلب مردان می شوند که دلیل این امر، وابستگی اقتصادی زنان به مردان است.

براساس نظریه نقش ها مردان و زنان هر کدام نقش های خاصی دارند که انتظاراتی از آنها وجود دارد و آنها موظف به برآوردن این انتظارات هستند. این نقش های جنسیتی طبق آنچه در نظریه جامعه پذیری گفته شد در خانواده، مدرسه و سایر نهادهای اجتماعی به کودکان آموزش داده می شود. کار، اولین نقش اجتماعی مردان است که از آنها انتظار می رود تا منابع مورد نیاز خانواده را فراهم آورند به همین دلیل اغلب در خانواده ها منابع اقتصادی در دست مردان است، همین امر موجب برتری آنها در خانواده می شود و زنان نیز بخاطر وابستگی مالی به مردان مجبور به تحمل رفتارهای خشونت آمیز بوده و در روابط خشن باقی می مانند.

از طرف دیگر بر مبنای نظریه نظارت اجتماعی در محیط خانه و خانواده با غیبت نهادهای نظارتی دولتی رو به رو هستیم و همین امر بروز رفتارهای اقتدار طلبانه و خشونت آمیز مردان را تسهیل می کند و اگر زنان نیز دارای منابع قدرت نباشند و آگاهی از حقوق خود نداشته باشند، بخاطر خصوصی پنداشتن محیط خانواده، خشونت های اعمال شده بر خود را به نهادهای نظارتی اعلام نمی کنند. به همین دلایل است که زنان برای حفظ بنیان خانواده به مصالحه تن می دهند و فرآیند تصمیم گیری را به شوهرانشان واگذار می کنند. این شکل از سازمان بندی خانواده توسط هنجارها و ایدئولوژی پدرسالارانه و از خلال فرآیند جامعه پذیری تثبیت گشته و بسط می یابد. همان طور که در نظریه پدرسالاری نیز بدان اشاره شد هنجارهای فرهنگی پدرسالارانه که زنان را در زیر انقیاد مردان قرار می دهند، هم از نظر اخلاقی و هم از نظر فرهنگی خشونت شوهر علیه زن را تصدیق می کنند.

طبق نظریه فمینیستی نیز دلیل اصلی خشونت، ساختارهای اقتداری پدرسالارانه ای هستند که در جامعه وجود دارد. نهاد خانواده در حکم یک نهاد پدرسالاری براساس نابرابری اجتماعی و استثمار از زنان بنا نهاده شده و ایدئولوژی های حاکم در جامعه نیز تلاش می کنند تا آن را حفظ کنند. بر اساس این نظریه ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع بر اثر تحقیر و استثمار زنان شکل گرفته است. این نظریه در مورد همسر آزاری عقیده دارد که بروز رفتارهای خشن از سوی مرد نشان دهنده ی قدرت و موقعیت اجتماعی بالاتر آنهاست. این امر برای بسیاری از مردان این تصور را ایجاد کرده که آنها حق دارند تا با همسرانشان با خشونت رفتار کنند، پس برای خاتمه دادن به این تفکر باید ساختار قدرت تجدید و تغییر کند.

همان طور که نظریه تحلیل ساختار نیز ریشه ی خشونت مردان نسبت به زنان را در ساختارهای اقتصادی و سیاسی، ساختار تقسیم قدرت، ثروت و منزلت می داند. بر اساس این نظریه، ساختارهای اقتصادی و اجتماعی باعث می شوند تا منابع قدرت و ثروت و منزلت تحت انحصار مردان قرار گیرد و بدین وسیله آنها اقتدار و حاکمیت و خشونت و پرخاشگری را حق خود بدانند. طبق این نظریه ساختارهای تصمیم گیری، ساختارهای فرهنگی و ارزشی فرآیندهایی را بازتولید می کنند که مقدمه ای می شود برای همسرآزاری و خشونت علیه زنان.

همان طور که در نظریه خرده فرهنگ خشونت نیز بیان شد که در برخی از خرده فرهنگ ها رفتار خشونت آمیز تایید می شود و ارزش ها و نگرش های آن خرده فرهنگ خشونت را همچون یک رفتار اجتماعی در جامعه می پروراند. مردانی که در چنین فرهنگ هایی پرورش یافتند اگر منابع قدرتشان زیر سؤال برود، رفتارهای خشن تری را نسبت به زنان خواهند داشت زیرا در محیط و فرهنگی که رشد کردند اقتدار و سلطه را حق خود می دانند.

فصل سوم:

روش شناسی پژوهش

مقدمه

این فصل با هدف ارائه روش شناسی مورد استفاده در انجام این پژوهش است. این فصل به بررسی خصایص مربوط به روش پژوهش و نحوه انجام تکنیک های پژوهش، روش نمونه گیری و حجم نمونه، ابزار جمع آوری اطلاعات و روش تحلیل داده ها، قابلیت اعتماد (پایایی) و قابلیت اعتبار (روایی) پژوهش خواهیم پرداخت.

۳-۱- روش پژوهش

با در نظر داشتن عنوان و هدف پژوهش حاضر که فهم تجربه زیسته زنان تحصیل کرده ی شاغل از خشونت خانگی است، بهترین روش دستیابی به اهداف مورد نظر و پاسخگویی به سوالات، روش کیفی می باشد. پدیدارشناسی به عنوان یک روش تحقیق عبارت است از بررسی دقیق و انتقادی و منظم پدیده ها و تعبیر ذات تجربه زیسته از یک پدیده در کندوکاو همبستگی و اتحاد معنایی است؛ که باعث شناخت ذات پدیده و تشریح و تعریف صحیح از طریق تجربه زیسته می شود (محمدپور، ۱۳۹۲، ۲۷۰).

از منظر پدیدارشناسی، تنها دانش حقیقی در باب تجربه انسانی صرفاً از طریق کسانی حاصل می شود که در جهان آن تجربه زندگی می کنند. به این معنا که این سوژه های تحت مطالعه هستند که بهتر از هر محقق لایه های پنهان نظام اجتماعی و جهان خود را توصیف و بازنمایی می کنند. اصل روش شناختی این رویکرد آن است که محققان باید به جهان از زاویه دید افراد مورد مطالعه شان نگاه کنند و اساساً انجام مصاحبه های عمیق در پژوهش های کیفی نیز با در نظر داشتن همین منطق و به منظور دستیابی به معانی ذهنی افراد مورد تحقیق انجام می گیرد (دلور، ۱۳۷۴، ۲۵۵). پژوهش پدیدار شناسی به دو نوع اصلی تقسیم می شود:

پدیدار شناسی توصیفی: تأکید بر وجود یک ذات مشترک در پدیده ها را دارد و ذهن انسان را یک بازتابنده به مانند آینه می بیند. اگر از دانش و زمینه های پیشین رها شویم، به ذات شیء می رسیم؛ اعتبار تحقیق، انجام تقلیل است که باعث رسیدن به ذات شیء می گردد. جداسازی باعث رسیدن فرد به دانش ناب می شود. اگر زنگارهای ذهنی از میان برود آگاهی در همه افراد مشترک است. پدیدار شناسی توصیفی بسیار کم انجام می شود، چون آرمانی است و در صورتی استفاده می شود که اصلاً از یک مفهوم یا پدیده پیشینه ای در دست نباشد و یا مبهم باشد و یا بخواهیم فهم ما نسبت به ابعاد مختلف یک پدیده بیش تر شود و ابعاد کلی آن را به دست آوریم.

پدیدار شناسی تفسیری: تأکید بر بافت خاص هر فرد یا گروهی از افراد است. ذهن انسان یک تفسیرگر است هیچ گاه به ذات شیء نمی رسیم. در این نوع از پدیدارشناسی درک و تفسیر فرد مهم است. آگاهی هر فرد به دلیل بافت های مختلف به یک شکل است و اگر آگاهی ها مثل هم باشد به دلیل بافت مشترک است. پدیدار شناسی تفسیری بیان کننده این مطلب است که پدیده ها در یک بافت خاص چه معنایی دارند (سلیمی، ۱۳۹۴، ۱۰).

هرمنوتیک به مطالعه جهان زندگی یا تجربه زیسته می پردازد. توجه این روش به واقعیتی که جدای از فرد باشد نیست بلکه به آن تجربه ای است که به وسیله فرد زیسته می شود. به همین دلیل پرسش اصلی که پدیدارشناسی مطرح می کند بدین شرح است: "تجربه زیسته چه نوع تجربه ای است؟" زیرا هرمنوتیک تلاش می کند تا معانی را آن طور که در زندگی روزمره زیسته می شود مورد بررسی قرار دهد. پولکینگ هورن^۱ عقیده دارد پدیدارشناسی برای فهم و درک بیش تر معانی از تجربه زیسته شده انسان استفاده می کند. تجربه ای که بدون تفکر ارادی و بدون نیاز به طبقه بندی و مفهوم سازی حاصل می شود (سیگارودی، ۱۳۹۲، ۵۶).

¹ Polking horne

در پژوهش پدیدارشناسی هدف از تفکر، کنار گذاشتن سوگیری ها و پیش فرض های فردی و نداشتن تصور قبلی درباره پدیده مورد نظر و وارد شدن در تجربه است. این آگاهی، از سوگیری ها و قضاوت های ارزشی که ممکن است در مطالعه محقق نفوذ پیدا کند، جلوگیری می کند (همان، ۵۶).

این روش بر تجربه های دست اول یا تجربه زیسته تمرکز کرده و موضوعات ثانویه را کنار می گذارد زیرا امکان بررسی لایه های معنایی تجربه های دست دوم را ندارد و اگر این تجارب را مورد بررسی قرار دهد معرفتی تحریف شده را تولید می کند (حسینی، ایزدی، ۱۳۹۵، ۵۲). تجربه های دست اول فقط از طریق مصاحبه با افرادی به دست می آید که خود پدیده مورد نظر را تجربه کرده باشند. در این پژوهش محقق تلاش می کند تا ابتدا با طراحی سوالات به انجام مصاحبه های اکتشافی بپردازد تا از این طریق به یک آشنایی اولیه با میدان مورد مطالعه و ابعاد و زوایای آن دست پیدا کند.

موضوع پژوهش کیفی می تواند زندگی اشخاص، تجربه های زندگی، رفتارها، هیجان ها، احساس ها و نیز کارهای سازمانی، جنبش های اجتماعی، پدیده های اجتماعی و تعاملات میان ملت ها باشد. این مقدمه توجیهی است در مورد استفاده از انجام روش کیفی برای انجام این تحقیق، چرا که مطالعه مطرود بودن یا نبودن افراد یک جامعه نیازمند فهم معانی مذاکره شده و ساخته شده توسط آن ها و برداشت های آن ها از حیات اجتماعی و دیدگاه دیگران نسبت به آن هاست. بدین ترتیب سعی بر این است که با قابلیت های پژوهش کیفی و روش های متنوع آن از جمله مصاحبه و مشاهده به فهم و درک تجربه زیسته زنان تحصیل کرده ی شاغل از خشونت بپردازیم. یکی از رویکردهای تحقیق کیفی برای فهم تجربه زیسته، رویکرد پدیدارشناسی است (محمد پور، ۱۳۹۰، ۸۵). بر همین اساس، محقق سعی دارد با ابزار مصاحبه عمیق، به درک تجربه زیسته سوژه ها دست یافته و جهان را از منظر آن ها درک و بازنمایی کند.

۳-۲- قلمرو تحقیق

میدان مورد بررسی در این پژوهش زنان تحصیل کرده شاغل شهر کاشان در سال ۱۴۰۲ می باشند که صفت مشترک آن ها شاغل و تحصیل کرده است. اگرچه در این پژوهش ما به دنبال سنجیدن متغیر به سبک پژوهش های متداول نیستیم اما انتخاب این میدان پژوهش به سبب شاغل و تحصیل کرده بودن زنان می تواند بسیار دارای اهمیت باشد چرا که می تواند ساختارهای ذهنی جدیدی را با خود داشته باشد و در امر پدیدارشناسی خشونت کمک بسیاری کند.

در این روش، محقق حالاتی را بررسی می کند که پدیده تحت مطالعه را بتواند به صورت عمیق درک کند. این تحقیق در جستجوی پاسخ چگونگی تجربه یک پدیده توسط افراد است و لازم است که شرکت کنندگان در تحقیق از پدیده آگاهی داشته باشند و به درک مفهوم آن علاقمند باشند. بنابراین انتخاب نمونه در این تحقیقات با توجه به هدف مطالعه است و زمانی که اطلاعات جدیدی در مورد پدیده تحت مطالعه از یک مصاحبه به مصاحبه بعد به دست نیاید، در چنین حالتی اشباع حاصل می شود. بنابراین نمونه موردنظر در این پژوهش از زنان شاغل تحصیل کرده شهر کاشان انتخاب شده است.

۳-۳- روش نمونه گیری

روش نمونه گیری در تحقیق حاضر به صورت غیراحتمالی و هدفمند انجام شده است. اولین ویژگی مشارکت جویان انتخاب شده این بود که زنان مورد بررسی شاغل و تحصیل کرده باشند و مهمتر که تمایل به گفتگو نیز داشته باشند. از آنجا که مسأله ی اعمال خشونت در خانه برای زنان تا حد زیادی به ویژه در محیط های سنتی و کوچک مانند شهر کاشان مسأله ای حیثیتی است؛ اعتماد

به محقق و همچنین شناخت این افراد با دشواری رو به رو بود. برای جلب اعتماد افراد از طرف دانشگاه کاشان برای شرکت مهمفام جام و بیمارستان شهید بهشتی نامه هایی ارسال شد و کارمندان فرمانداری و شرکت بیمه پاسارگارد نیز به واسطه ی برخی از دوستان و آشنایان به محقق معرفی شده و مقدمات برای جلب اعتماد و مصاحبه با آنها از این طریق فراهم شد. افراد به صورت هدفمند ویژگی های بیان شده در تحقیق را دارا بودند و از سوی دیگر تمایل به همکاری داشتند. مشخصاتی مبنای تحقیق بود که نمونه ها براساس این فاکتورها انتخاب شوند که این فاکتورها عبارت است از: میزان تحصیلات و رشته تحصیلی زنان، وضعیت شغلی، تعداد فرزندان، سال های تأهل، سال های اشتغال زنان، میزان تحصیلات و موقعیت شغلی همسر، میزان تقریبی درآمد زنان و همسرشان.

از نظر حجم نمونه تعداد مشخصی برای مصاحبه شوندگان وجود ندارد و تعداد مشارکت کنندگان در پژوهش هایی که از روش پدیدارشناسی بهره برده اند عموماً بین ۶ تا ۵۰ نفر متغیر بوده است. هر زمانی که داده های گردآوری شده به اشباع داده رسید بدین معنا که داده بیشتری که سبب توسعه، تعدیل، بزرگتر شدن یا اضافه شدن به اطلاعات موجود گردد به پژوهش وارد نشود و در این وضعیت داده جدیدی که به پژوهش وارد می شود طبقه بندی موجود را تغییر ندهد یا پیشنهادی برای ایجاد طبقه جدید ایجاد نکند، یعنی در حقیقت طبق نظرات اشتراوس و کوربین این مقولات هستند که به اشباع می رسند، در این مرحله محقق می تواند فرایند مصاحبه از نفرات جدید را متوقف کند (پروری، ۱۳۹۸، ۹۴). در تحقیق حاضر مصاحبه با ۲۲ نفر از زنان تحصیل کرده ی شاغل در کاشان صورت پذیرفته است که در جدول شماره ۳-۱ به بیان مشخصات آنها پرداخته شده است.

جدول شماره ۳-۱- مشخصات مصاحبه شوندگان

ردیف	اسم	میزان تحصیلات و رشته تحصیلی	وضعیت شغلی	تعداد فرزندان	سال های تأهل	سال های اشتغال	میزان تحصیلات همسر	شغل همسر	میزان درآمد همسر	میزان درآمد خودتون
۱	عاطفه	فوق لیسانس علوم سیاسی	کارمند فرمانداری	۲ دختر و ۱ پسر	۱۴ سال	۱۶ سال	لیسانس	کارمند بیمارستان	۱۰ تا ۱۱ میلیون تومان	۷ تا ۸ میلیون تومان
۲	زهره	لیسانس زمین شناسی	کارمند شرکت	۱ فرزند دختر از همسر قبلی (فوت شده) و ازدواج با فردی که یک فرزند پسر از ازدواج اول خود داشته است.	ازدواج دوم ۵ سال و ازدواج اول تقریباً ۱۳ سال بوده است.	۱۲ سال	فوق دیپلم مدیریت فروش	پخش مواد غذایی	۱۵	۸
۳	زینب	لیسانس حسابداری	کارمند شرکت	-	۵ سال	۱۱ سال	فوق دیپلم	پیمانکار ساختمان	حدوداً ۳۰	۱۰ الی ۹
۴	الهام	لیسانس زیست شناسی	کارگر	۱ دختر و ۱ پسر	۲۰ سال	۱۲ سال	لیسانس انصرافی	نماینده گیتی لوازم برقی	میانگین ۱۵	۸
۵	مهدیه	لیسانس روانشناسی	کارمند بیمه	-	۲ سال و نیم	۷ سال	لیسانس حسابداری	آزاد	حدوداً ۱۲	۷ الی ۸
۶	معصومه	لیسانس مدیریت بازرگانی	کارگر	۲ دختر	۱۵ سال	۱۱ سال	فوق دیپلم متالوژی	کارگر	۱۲	۸

۷	نرگس	فوق لیسانس ارتباطات	کارمند شرکت	-	۲ سال	۳ سال	فوق لیسانس	تکنسین اتاق عمل	۱۳ تقریبا	۱۰
۸	مریم	فوق لیسانس مدیریت	کارمند شرکت	-	۴ سال	۳ سال	لیسانس	کارمند	۱۰ الی ۱۲	تقریبا ۱۱
۹	مطهره	لیسانس زبان و ادبیات فارسی	کارگر	۱ دختر و ۱ پسر	۲۲ سال	۱۸ سال	فوق دیپلم	داروخانه بیمارستان بهشتی	۱۳	۷ الی ۸
۱۰	خدیجه	فوق لیسانس آی تی	کارمند بیمه	۲ تا	۱۴ سال	۱۰ سال	لیسانس	کارمند بیمه	-	-
۱۱	زیبا	فوق لیسانس حقوق	کارمند شرکت	۱ دختر و ۱ پسر	۱۰ سال	۱۹ سال	لیسانس انصرافی	آزاد	۱۴ الی ۱۵	۱۰ حدودا
۱۲	حمیده	لیسانس روانشناسی	کارگر	۱ دختر	۱۳ سال	۳ سال	سیکل	آزاد	-	۷ الی ۸
۱۳	راضیه	لیسانس انصرافی ادبیات	کارگر	۱ دختر	۶ سال	۱۳ سال	سیکل	آزاد (گچ کار)	۸ الی ۹ تقریبی	۸
۱۴	سمیه	لیسانس انصرافی مدیریت	نیروی خدماتی	۱ پسر	۷ سال	۸ سال	لیسانس مدیریت صنعتی	آزاد (مغازه کفش فروشی)	۱۵ حدودا	۸ الی ۹
۱۵	نیلوفر	دکتری علوم آزمایشگاهی	پاتولوژی بیمارستان	-	۵ سال	۲/۵ سال	فوق لیسانس مهندسی صنایع	مدیر داخلی شرکت	حدودا ۱۵	۱۵
۱۶	ناهید	لیسانس پرستاری	پرستار بیمارستان	۱ پسر	۱۸ سال	۱۷ سال	لیسانس پرستاری	پرستار بیمارستان	۱۱ الی ۱۲	۱۱ الی ۱۲
۱۷	لیلا	فوق لیسانس انگل شناسی	آزمایشگاه بیمارستان	۱ دختر و ۱ پسر	۱۸ سال	۲۰ سال	دکتری	آزمایشگاه بیمارستان	۱۷ حدودا	۱۳
۱۸	سمیرا	فوق لیسانس بیوتکنولوژی پزشکی	آزمایشگاه بیمارستان	-	۴ سال	۴ سال	فوق لیسانس مدیریت مالی	مدیر تولید شرکت	۲۰ تقریبا	۱۲ الی ۱۳
۱۹	کوثر	لیسانس پرستاری	پرستار بیمارستان	۲ تا	۱۰ سال	۲ سال	لیسانس متالوژی	آزاد	-	۱۰ الی ۱۱
۲۰	مهناز	دکتری دستپاری پزشکی	اورژانس بیمارستان	-	۲/۵ سال	۱۹ سال	فوق لیسانس مهندسی عمران	آزاد	حدودا ۲۰ الی ۳۰	۱۵
۲۱	ناهید	لیسانس علوم آزمایشگاهی	آزمایشگاه بیمارستان	۱ دختر	۱۲ سال	۹ سال	لیسانس کامپیوتر	مدیر فروش شرکت	۱۵ الی ۱۷	۱۰
۲۲	فهیمة	لیسانس انصرافی حسابداری	نیروی خدماتی	۱ دختر	۲۰ سال	۱۵ سال	سیکل	آزاد (نقاش ساختمان)	۱۴	۸

۳-۴-روش گردآوری داده ها

بهترین روش برای گردآوری داده ها در یک پژوهش کیفی و البته به روش پدیدارشناسی مصاحبه و آن هم به صورت مصاحبه های عمیق است. به همین دلیل در انجام این پژوهش ما از روش مصاحبه ای عمیق با افراد مورد مطالعه استفاده کرده ایم. تا جایی که امکان داشت محقق تلاش کرد با توجه به حساسیت مصاحبه شرایط آرام و اعتماد بخشی برای افراد مورد بررسی فراهم کند و هر پاسخگو به تنهایی و در یک محیط آرام مورد مصاحبه قرار گیرد. معمولاً هر جلسه مصاحبه ۴۰ الی ۳۰ دقیقه طول کشید که اغلب مصاحبه ها بر روی گوشی موبایل ضبط شد و البته پیش از آن به شخص مصاحبه شونده اطلاع داده شد. شایان ذکر است که مصاحبه به جز در آغاز و پایان که با سوال شروع می شود و خاتمه می یابد، یک گفتگوی عمیق در مورد خشونت و نگاه افراد مورد مصاحبه به این پدیده بود. چرا که لازم بود که در یک فضای باز و در یک گفتگوی کاملاً آزاد یا سخن از خاطرات خود شخص و دیگران به مسائل مورد نظرمان دست پیدا کنیم. آخرین نکته این که موضوع خشونت، موضوع حساسی بوده و اگر مشارکت کنندگان به طور کامل اعتماد نمی کردند و فضای راحت و دوستانه ای برای اظهار پنهان ترین ادراک و احساساتشان در روابط خصوصی شان فراهم نمی شد، امکان به دست آوردن داده های معتبر و مفید به دست نمی آمد؛ به همین دلیل محقق در اکثر موارد قبل از آغاز مصاحبه، مدتی با مشارکت کنندگان خود روابط غیرمستقیم با هدف آشنایی و جلب اعتماد برقرار می نمود.

۳-۵-اعتبار و روایی

معیارهای اساسی برای اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی، شامل چهار بخش اصلی زیر می شوند:

۱. ایجاد معیارهای روایی برای اثبات گرایان در تحقیقات کیفی.
۲. در نظر گرفتن معیارهای روایی مجزا در تحقیقات کیفی.
۳. رد کردن تمام معیارهای از پیش تعیین شده.
۴. قابلیت اعتماد، که بیانگر اطمینان از یافته هایی است که تا حد امکان نشان دهنده معنای مورد نظر شرکت کنندگان است که شامل عناصر باورپذیری، انتقال پذیری، اطمینان پذیری و تصدیق پذیری است.

در یک مطالعه کیفی، ۶ عامل به عنوان معیارهای اصلی اعتبار و پایایی مد نظر قرار گرفته اند. این شش عامل شامل روش شناسی، پایه فلسفی پژوهش، نحوه جمع آوری داده ها، بیان پژوهشگر درباره ارتباط با شرکت کنندگان، پدیده تحت بررسی و تفسیر گزارش و توصیه های عملی است (رضاپورنصرآباد، ۱۳۹۵، ۴۹۴-۴۹۵). بنابراین، در تحقیق کیفی، دستیابی به روایی و پایایی نیازمند تعامل و تفسیر مستمر داده ها است. بدین معنی که در فرایند انجام تحقیق همواره از درون داده ها ایده های جدید ظهور خواهد کرد که دوباره در داده های جدید تایید خواهد شد.

جدول شماره ۳-۲- خلاصه عقاید در مورد معیارهای اعتبار و پایایی در پژوهش های کیفی (رضاپورنصرآباد، ۱۳۹۵، ۴۹۷).

صاحب نظران	سال	خلاصه عقاید
------------	-----	-------------

در یک مطالعه کیفی شش عامل به عنوان معیار اصلی اعتبار و پایایی در نظر گرفته شده است: روش‌شناسی، پایه فلسفی پژوهش، نحوه جمع‌آوری داده‌ها، بیان پژوهشگر، تفسیر گزارش، توصیه‌ها	2002	Arminio, Hultgren
قابلیت اعتماد در پژوهش کیفی مثل باورپذیری، تصدیق‌پذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری معیارهای روایی و پایایی است	1994	Lincoln, guba
چهار راهکار برای رسیدن به پایایی در پژوهش کیفی: استفاده از مصاحبه‌های ساختاریافته، ثبت و تفسیر داده‌ها، انجام مصاحبه‌های موازی و مقایسه یافته‌ها و وجود کمیته راهنما	2001	Bryman
معیار اصلی در تعیین اعتبار و پایایی روش کیفی: ایجاد ایجاد معیارهای روایی مورد نظر اثبات‌گرایان در پژوهش‌های کیفی، در نظر گرفتن معیارهای روایی مجزا در پژوهش‌های کیفی، رد کردن تمام معیارهای از پیش تعیین شده است	2003	Hope, Waterman
توجه به استراتژی‌های ممیزی پژوهش و حساسیت از جمله حساسیت پژوهشگر و کفایت نمونه‌گیری در ایجاد اعتبار و پایایی دارای اهمیت است	2002	Morse

رسیدن به قابلیت اعتبار یا همان اعتبارپذیری با استفاده از تکنیک‌های زیر عملی است:

- ۱- استفاده از تکنیک‌های تثلیث، مثل به کارگیری منابع تاییدگر، محققان و روش‌های متعددی در فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده که این امر به افزایش قابلیت اعتبار منجر می‌شود.
- ۲- استفاده از تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی مثل نمایش و ارائه ی تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن به متخصصان که این امر می‌تواند به غنای قابلیت اعتبار بینجامد.
- ۳- استفاده از تکنیک کنترل‌های اعضا از طریق ارائه ی تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن به پاسخگویان تا از واکنش‌های آنان در مرحله ی گزارش نوشته‌ها آگاهی حاصل آید.
- ۴- قابلیت اعتبار، همچنین می‌تواند در طی مرحله ی طرح تحقیق از طریق ظرافت کاری محقق در بیان مفروضات، فراگیر بودن آن و جهت دهی تئوریک‌اش حاصل آید.
- ۵- خود بازبینی محقق در طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده، یکی دیگر از روش‌هایی است که می‌تواند به افزایش قابلیت اعتبار بینجامد (عباس‌زاده، ۱۳۹۰، ۲۳-۲۴).

جدول شماره ۳-۳- تکنیک‌های ایجاد اعتبار (عباس‌زاده، ۱۳۹۰، ۲۵-۲۷)

انواع اعتبار	آزمون‌های متناظر در مطالعه‌ی موردی	تکنیک‌های آزمون اعتبار در تحقیقات کیفی	تکنیک‌های کیفی
اعتبار سازه‌ای	قابلیت تایید (متناظر با عینیت و بی‌طرفی در پوزیتیویسم)	جمع‌آوری داده از منابع متعدد که مقیاس‌های متعددی را برای یک پدیده فراهم می‌سازد. ایجاد تثلیث از	آزمون قابلیت تایید از طریق بررسی داده‌ها، یافته‌ها و پیشنهادها

	پرسش‌های مصاحبه تحلیل موارد منفی انعطاف‌پذیری چهارچوب تئوریک پیشنهاد شده		
اعتبار درونی	قابلیت اعتبار	انتخاب نمونه برای پرمایگی اطلاعات	۱. تثلیث (داده‌ها، بررسی‌کننده و روش‌ها) ۲. کسب اطلاعات دقیق ۳. کنترل‌های اعضا ۴. مفروضات، جهان‌بینی و جهت‌گیری‌های تئوریک محقق
اعتبار بیرونی	قابلیت انتقال	انتخاب نمونه برای تکرارپذیری تئوریک	۱. توصیف غنی داده‌ها ۲. تحلیل‌های میان‌موردی ۳. استفاده از رویه‌های ویژه‌ی کدگذاری و تحلیل

در پژوهش کیفی برای رسیدن به پایایی چهار راهکار زیر ضروری است:

۱. استفاده از فرایندهای ساخت یافته از مصاحبه‌های همگرا
۲. استفاده از کمیته‌ی راهنما برای ارزیابی و اجرای برنامه‌ی مصاحبه که اگر اعضای کمیته با همدیگر در مورد پدیده‌ای اجماع داشته باشند، در این صورت، ارزیابی جمعی‌شان، صورت عینی و علمی به خود خواهد گرفت
۳. سازماندهی فرایندهای ساخت یافته برای ثبت، نوشتن و تفسیر داده‌ها
۴. وجود حداقل دو نفر برای انجام مصاحبه به صورت جداگانه، اما موازی با همدیگر و مقایسه‌ی یافته‌های دو و یا چند محقق.

بنابراین تکنیک آزمون پایایی در تحقیقات کیفی شامل هدایت دقیق جریان مصاحبه برای گردآوری داده‌ها، ایجاد فرایندهای ساختمند برای اجرا و تفسیر مصاحبه‌های همگرا و استفاده از کمیته‌ی تخصصی است (عباس‌زاده، ۱۳۹۰، ۲۸).

برای اطمینان از قابل اعتماد بودن داده‌ها، به موارد معتبری مانند قابلیت اعتماد، تأییدپذیری، انتقال‌پذیری توجه شد. قابل اعتماد بودن با صرف وقت کافی برای جمع‌آوری داده‌ها (تقریباً ۴ ماه)، تضمین تنوع در شرکت‌کنندگان و اعمال بازبینی اعضا (که در آن گزارشات به شرکت‌کنندگان برگشت داده می‌شدند تا نظر یا اصلاحات ارائه دهند) دست‌یافت (خاکبازان، معصومی، رخشایی و نجات، ۱۳۹۹، ۳۵۵). همچنین برای این که بدانیم سوالات مصاحبه و انجام مصاحبه تهیه شده چه مقدار از اهداف تحقیق را محقق ساخته باید روایی آن را سنجید. لذا برای تعیین روایی آن اقدامات زیر صورت گرفت:

- ۱) در تهیه سوالات مصاحبه سعی گردید که هر سوال تهیه شده مطابق با اهداف تحقیق و واقعیت باشد و هر سوال در مقوله خاص خود طبقه‌بندی شود.

- ۲) ابتدا قبل از تهیه سوالات برای دقت بیشتر و رسیدن به نتیجه بهتر با ۳ نفر مصاحبه صورت گرفت که سوالات باز طرح شد و بیشتر محقق اجازه داد تا افراد صحبت کنند تا از خلال صحبت هایشان بتوان سوالاتی طرح کرد بعد اشکالات مصاحبه گرفته شد و با اساتید راهنما و مشاور نتایج بررسی شد.
- ۳) سوالات مقدماتی بعد از تهیه، دوباره توسط اساتید راهنما و مشاور ارزیابی و اصلاح شد.
- ۴) مشارکت کنندگان بر اساس خصوصیات خاص و ویژگی هایی انتخاب شدند و از هر کدام برای مکان مصاحبه و ضبط شدن صدایشان اجازه گرفته شد.
- ۵) قبل از مصاحبه برای افراد توضیح داده شد که این مصاحبه برای چه کاری انجام می گیرد و هدف چیست و به آن ها اطمینان داده شد که بعد از استخراج نتایج صدایشان حذف شده و اعتمادشان در این زمینه ها کسب شد.
- ۶) در طول مصاحبه محقق اجازه می داد، هر سوال که پرسیده می شود فرد پاسخش را بدهد حتی ممکن بود فرد به سوالات بعدی نیز جواب دهد. البته به دلیل روش کیفی محقق فقط به سوالات توجه نمی کرد بلکه در حین مصاحبه اگر سوالی لازم بود پرسیده می شد و اگر نیازی بود سکوت می کرد ولی نمی گذاشت فرایند مصاحبه از اصل موضوع خارج شود.

۳-۶- شیوه استخراج نتایج (تجزیه و تحلیل)

در تحلیل اطلاعات پس از پیاده سازی مصاحبه های ضبط شده، ابتدا نکات کلیدی را برای هر بخش موردنظر جداگانه مورد بررسی قرار داده و بر اساس سخنان مشارکت کنندگان، رمزگذاری و عنوان بندی مضمونی انجام شد. در مرحله بعد، این رمزگذاری و عنوان بندی به صورت کلی برای زنان شاغل و تحصیل کرده اعمال شد، تا با استفاده از این دسته بندی و یافته ها و عنوان های اصلی و فرعی، تحلیل پژوهش انجام گیرد. این فرآیند تنها با تلاش نگارنده و بدون کمک دیگران به منظور رعایت شرط امانت و اعتماد انجام گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل تماتیک^۱ (تحلیل مضمون) استفاده شد. این روش، یک ابزار ساده و کارآمد برای تحلیل و یافتن الگوهای موجود در متن است، بدون وابستگی به چارچوب نظری از پیش موجود. تحلیل مضمون به عنوان یک مهارت عمومی و مشترک در تحلیل های کیفی شناخته می شود (Boyatzis, 1998, p.4).

بر خلاف بسیاری از روش های کیفی، تحلیل مضمون به چارچوب نظری از پیش موجود وابسته نیست و می توان از آن در چارچوب های نظری متفاوت و برای زمینه های گوناگون بهره برد. این روش همچنین به عنوان یک ابزار مناسب برای بیان واقعیت و تبیین آن به کار می رود. مضمون یا تم، اطلاعات کلیدی درباره داده ها و سوالات تحقیق را فراهم می کند و به نوعی، معنا و مفهوم الگوهای موجود در مجموعه ای از داده ها را نشان می دهد. تحلیل مضمون معمولاً به معیارهای کمی وابسته نیست؛ بلکه به اندازه میزانی که به نکته مهمی درباره سوالات تحقیق پرداخته می شود وابسته است (Braun & Clarke, 2006). به طور کلی، مضمون ویژگی تکراری و متمایزی در متن را نشان می دهد که به نظر پژوهشگر، اظهار دیدگاه و تجربه خاصی در ارتباط با سوالات تحقیق را ایجاد می کند (King & Horrocks, 2010, p. 150).

در تجزیه و تحلیل داده ها در مرحله اول صداهای ضبط شده بارها گوش داده شد و مصاحبه هایی که پیاده سازی شده بود مکرراً خوانده شد. سپس جملاتی که حائز اهمیت بوده و دارای بار مفهومی بودند کدگذاری شدند. برای دستیابی به تم ها، پس از کدگذاری

1. Thematic analysis

جملات، کدهای مشابه در یک دسته بندی قرار گرفتند. در ادامه پیش از تولید تم های دیگر، ابتدا کدها با مضمونی که به آن تعلق داشتند، مجدد مورد بررسی قرار گرفتند و در نهایت مضامین تولید و توصیف شدند و گزارش تحلیلی با استفاده از مضامین و شواهد موجود ارائه شد.

این روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، که به صورت تحلیل تماتیک بود. طبق الگوی ۶ مرحله ای (کلارک و براون^۱، ۲۰۱۴)، مراحل تجزیه و تحلیل تماتیک اطلاعات، به این منوال پیش رفت: ۱) آشنایی^۲: در این مرحله، صدهای ضبط شده، بارها گوش داده شد. همچنین، مصاحبه ای که بر روی کاغذ پیاده شده بود، چندین بار خوانده شد. ۲) کدگذاری^۳: در این پژوهش، جملاتی که دارای بار مفهومی بودند، برچسب زده شده و کدگذاری شدند. ۳) جستجوی^۴ مضامین: پس از کدگذاری جملات، کدهای مشابه، در یک دسته طبقه بندی شدند تا تم ها یا مضمون ها تولید شوند. ۴) مرور مضامین^۵: پیش از تولید مضامین دیگر و اجرای مصاحبه های جدید، کدها مجدد با آن مضمونی که به آن تعلق داشتند چک شدند. ۵) توصیف و نام گذاری مضامین^۶: پس از تولید مضامین، به توصیف آن مضمون خاص پرداخته شد تا آن را روشن سازی کنیم؛ و ۶) نوشتن گزارش^۷: در مرحله آخر، روایت تحلیلی، داده های روشن کننده و شواهد قانع کننده، در هم بافته شد و با استفاده از مضامین و شواهد موجود، یک گزارش تحلیلی تنظیم شد (فلاحی پیشه بابلی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۳).

اما فرایند کامل تحلیل مضمون را می توان به سه مرحله ی کلان تقسیم نمود؛ نخست، تجزیه و توصیف متن، سپس تشریح و تفسیر متن و در نهایت ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن. همه ی این مراحل با تفسیر و تحلیل همراه است، اما در هر مرحله از تحلیل، سطح بالاتری از انتزاع به دست می آید (Attride, stirling, 2001).

۳-۷- اشباع داده

تعداد مشارکت کنندگان در مطالعات کیفی می تواند از دو طریق تعیین شود: یا پیش از مطالعه مشخص شود و یا اینکه در حین انجام مصاحبه معین می شود. در حالت اول، تعیین حجم نمونه مانند تعیین حجم نمونه توسط فرمول های نمونه گیری مطالعات کمی نیست. بلکه بر مبنای ملاحظات کیفی، مانند تعداد افراد در دسترس، تعداد افراد متمایل به مصاحبه، تنوع افراد، توصیه صاحب نظران و مواردی از این دست است. در حالت دوم محقق می تواند در حین مصاحبه و بر مبنای قاعده اشباع نظرات تعداد مشارکت کنندگان را مشخص کند. طبق این قاعده که حالت پویا دارد، پژوهشگر وقتی مصاحبه را به اتمام می رساند که احساس کند مطالب مصاحبه ها به حالت تکرار رسیده است و مطلب نویی گفته نمی شود و بنابراین به دانش او درباره یک پدیده اضافه نمی شود (باقریان، ۱۳۹۲، ۹۸).

در تحقیق حاضر از روش دوم برای تعیین تعداد مشارکت کنندگان استفاده شد. به این معنا که بعد از مصاحبه با ۲۲ نفر و انجام تحلیل اولیه بر روی مصاحبه های حاصل، تعدادی مفهوم و مقوله استخراج گردید. انجام مصاحبه با چند مورد آخر نشان داد که گرچه

1. Clarke, V. & Braun, V.

2. Familiarization

3. Coding

4. Searching

5. Reviewing themes

6. Defining and naming themes

7. Writing the report

این مشارکت کنندگان ظاهراً تجارب متفاوتی دارند لیکن از درون مصاحبه های آن ها به مفاهیم جدیدی نمی رسیم بدین ترتیب بر اساس قاعده اشباع نظری و با تایید اساتید، فرایند انتخاب موارد و انجام مصاحبه را متوقف نمودیم.

۳-۸-ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش برای تامین ملاحظات اخلاقی، اولاً قبل از انجام مصاحبه توضیحات لازم درباره موضوع تحقیق، ضبط شدن صداها و... به هر مشارکت کننده داده می شد و با رضایت کامل آن ها مصاحبه انجام می شد. در ضمن برای رعایت اصل اختیار، ضمن این که برخی از داوطلبین خود ابراز تمایل به شرکت در پژوهش کردند، به تمامی افرادی که برای انجام مصاحبه معرفی شدند، یادآوری شد که شرکت در این مطالعه اختیاری است. دوماً برای پنهان ماندن هویت مشارکت کنندگان، در تهیه گزارش نهایی اطلاعات را به گونه ای ارائه نمودیم که ضمن حفظ دقت در آن ها هویت شرکت کنندگان فاش نشود. در گزارش دهی نیز از کد استفاده شد. در آخر محقق از تمام شرکت کنندگان خواست در صورتی که به هر دلیلی، پس از شرکت در این مطالعه، تمایلی به ادامه همکاری نداشتند، انصراف خود را اعلام کنند.

فصل چهارم:

تحلیل یافته ها

در این فصل از پژوهش به تشریح و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق، کدگذاری، شکل‌دهی مفاهیم و تم‌ها، ترسیم شبکه‌ی تم‌ها و تحلیل داده‌ها پرداخته شده و کوشش شده است پرسش اصلی نوشتار، وصفی روشن یابد.



شکل ۴-۱- نقشه راه فصل چهارم

مهم‌ترین و اصلی‌ترین مرحله هر پژوهش دستیابی به پاسخی است که محقق در پی آن بوده است. تجزیه و تحلیل به عنوان فرایندی از روش علمی، یکی از پایه‌های اساسی هر روش تحقیق است. به طور کلی، تجزیه و تحلیل عبارت است از روشی که از طریق آن کل فرایند پژوهشی، از انتخاب مساله تا دسترسی به یک نتیجه هدایت می‌شود (دلاور، ۱۳۸۲، ۲۱۸).

۴-۱- کدگذاری

تحلیل مصاحبه‌ها بعد از پایان اولین مصاحبه، آغاز شد و هر کدام از گزاره‌ها در جدول الف تا ی قرار داده شد. در مشخص کردن گزاره‌ها کوشش شد رساننده‌ی معنای کامل باشد. سپس مفهوم نوشته شد و با مرور و مقایسه چندین باره‌ی مفاهیم و دریافت نکات مشترک مربوط به یک موضوع، اولین سطح تم‌ها به دست آمد و بعد با افزوده شدن مصاحبه‌های نو، پیوسته تغییراتی یافت تا در نهایت رشته‌ی پیوند دهنده‌ای از تم‌ها میان همه‌ی مصاحبه‌ها به دست آمد، رشته‌ای شامل تم سطح اول ۳۶ (تم‌های پایه) و آن‌چه بعدتر به تشکیل تم‌های ثانویه انجامید. در ساخت تم‌های ثانویه، کوشش شد با در نظر گرفتن مشابهت‌های پیوند دهنده مضامین سطح نخست، معنای ثانویه و تعریف تم، از خلال تجمیع اشارات مستتر در تم‌های سطح نخست، صورت گیرد. در نهایت ۱۲ تم در سطح دوم (تم‌های سازمان دهنده) به دست آمد. که حول ۲ تم سطح سوم (تم‌های فراگیر) سامان یافتند و شمای شبکه تم‌ها ساخته شد. شرح آن‌چه گفته شد در جدول الف تا ی در بخش پیوست آمده است.

در ادامه، به بررسی و وصف کلی هر یک از این ۲ تم فراگیر پرداخته خواهد شد و از خلال تعریف هر تم سطح دوم، تم های سطح اول مربوط به آن نیز در جدولی توضیح داده خواهند شد. در ستون سمت راست هر جدول کد معرف و نام تم نوشته شده و در ستون سمت چپ تعریف شده است.

تم الف: تمامیت خواهی مردانه^۱

جدول ۴-۱- تمامیت خواهی مردانه

کد معرف تم ^۲	نام تم پایه	تعریف
WR	زن حق اظهار نظر ندارد ^۳	زن از حق اظهار نظر درمورد مسائل مختلف، از جمله مسائل شخصی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی محروم بوده و مرد به عنوان سرپرست خانواده به شریک زندگی خود اجازه نمی دهد که در مورد مسائل گوناگون مانند: تربیت فرزندان، مدیریت امور مالی، مدیریت روابط و... اظهار نظر کند.
EW	زن تحصیل کرده صاحب نظر است ^۴	زن تحصیل کرده شاغل به دلیل تحصیلات و تجربه کاری خود، از اطلاعات و دانش کافی برخوردار است و از نظر علمی و عملی شایستگی اظهار نظر در مورد مسائل مختلف از جمله مسائل شخصی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی را دارد.

تم الف: تمامیت خواهی مردانه

مجموع تم های سازنده تم الف: زن حق اظهار نظر ندارد، زن تحصیل کرده صاحب نظر است با کدهای معرف EW و WR هستند که هر یک جداگانه به کمک تلفیق و ترکیب مفهوم های متصل به خود تعریف شده اند. برای تصمیم گیری در امور مختلف خانوادگی، شخصی و اجتماعی به زن اجازه مشارکت نداده و نظرات و پیشنهادات زن را در تصمیم گیری ها نادیده می گیرند همانطور که عاطفه می گوید:

"مثلا دیروز رفتم به دستمال بکشم روی ماشین که همسرم می گفت نمی خواد با این دستمال نمیشه الان تمیز کرد و من اصرار داشتم که الان تمیز کنم چون ماشین رو آب گرفته بود و خیس بود و می خواستم خشکش کنم با داد و بیداد با ناراحتی خب چه لزومی داره من به دستمال مثلا دارم می کشم یعنی تا این حد من هیچ نقشی ندارم و قدرت هیچ اظهار نظری از خودم ندارم؟ هر کی باشه بالاخره ناراحت میشه"

در برخی موارد نیز مرد می خواهد حرف خود را به کرسی بنشانند و نظرات و پیشنهادات زن را نادیده می گیرد و به اجبار نظراتش را به همسرش تحمیل می کند همانطور که عاطفه می گوید:

¹ Male perfectionism

^۲. کد معرف تم: حرف اول دو کلمه مهم به انگلیسی

³ A woman has no right to comment

⁴ An educated woman is an expert

"مثلا الان کجا بریم؟ مثلا سر تربیت بچه. مثلا حتی کی یا چه ساعتی بخوابیم؟ اینا واقعا چالش هستش مثلا ما ساعت خواب نداشتیم ولی طرف تو خانواده ای بزرگ شده که سر ساعت ده خاموشی بوده و خب واقعا سر همین یه موضوع ساده بحث پیش میاد. بچه می خواد مثلا فیلم ببینه یا می خواد نقاشی کنه یا بازی کنه پدر مثلا می خواد حالا خاموشی بزنه اقتدار داشته باشه حرف حرف خودش باشه"

زن تحصیل کرده شاغل از اطلاعات و دانش مطلوبی برخوردار بوده و به عنوان یک کارشناس می تواند در تمام امور اظهار نظر کرده و در مسائل مختلف زندگی تصمیم گیری کند همان طور که نیلوفر می گوید:

"نو همه چیز هم نظر منو می خواد درمورد پس انداز کردن پول درمورد آینده درمورد اینکه چطور می خواد پولی که داریم رو خرج کنیم حتما نظر منو می پرسه و با هم تصمیم می گیریم"

یا مهدیه می گوید:

"بیشتر تصمیم گیری ها و انتخاب ها با منه و اکثر جاها من نظر میدم و انتخاب می کنم"

زنان در این خصوص اظهار می کردند که دارای تحصیلات دانشگاهی و اشتغال هستند و به دلیل تحصیلات و تجربه کاری، از اطلاعات و دانش مطلوبی برای اظهار نظر در مورد مسائل مختلف از جمله مسائل شخصی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی برخوردار اند؛ اما همسران آنها از زنان درمورد مسائل مختلف نظرخواهی نمی کنند و این تمایل زنان به مشارکت و عدم تمایل همسرانشان برای نظردهی زنان باعث ایجاد خشونت می شود. زنانی که با وجود موقعیت اجتماعی و تحصیلی مطلوبی که دارند و در محل کار خود به عنوان یک کارشناس در امور مختلف اظهارنظر می کنند؛ در محیط خانه به هیچ عنوان قدرت نظردهی ندارند و همسرشان مانند سد محکمی بر سر راه دخالت های زنان در تصمیم گیری هاست که حتی در نحوه ی خانه داری، پختن غذا، تربیت فرزندان و... نیز اجازه ی اظهار نظر به زن را نمی دهد. البته زنی که در این ساختار سنتی توانسته به تحصیلات عالی و اشتغال دست پیدا کند؛ به مقاومت در برابر خواسته ی همسرش می پردازد و در نتیجه خشونتی بین آنها شکل می گیرد.

تم ب) خشونت میراث خانوادگی^۱

جدول ۴-۲- خشونت میراث خانوادگی

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
LV	یادگیری خشونت از پدر ^۲	خشونت در برخی خانواده ها به عنوان یک راه حل قابل قبول برای حل مشکلات شناخته می شود و پسران از طریق مشاهده رفتار پدران خود، یاد میگیرند که خشونت یک راه حل مناسب برای حل مشکلات است.
RP	فراگیری الگوی خشن ^۳	تجربیات و یادگیری های دوران کودکی در خانواده، می تواند تاثیر زیادی بر احتمال بروز خشونت در بزرگسالی داشته باشد. کودکانی که در خانواده هایی با الگوهای رفتاری خشونت آمیز بزرگ می شوند، ممکن است این الگوها را یاد بگیرند و در بزرگسالی از آنها استفاده کنند.

¹ Family heritage violence

² Learning violence from father

³ Learning the rough pattern

تم ب) خشونت میراث خانوادگی

مجموع تم‌های سازنده تم ب) یادگیری خشونت از پدر و فراگیری الگوی خشن باکدهای معرف RP.LV هستند که هریک جداگانه به کمک تلفیق و ترکیب مفهوم‌های متصل به خود تعریف شده‌اند.

خشونت مردان ناشی از رفتار پدران آنها در خانواده بوده و باعث شده خشونت را به عنوان راهی مناسب برای حل مشکلات و مسائل زندگی مشترک تلقی کنند همانطور که عاطفه می گوید:

"بیشتر اون بحث خشونت مرد برمی‌گرده به ریشه‌ی فرهنگی، ریشه‌ی تربیت خانوادگی طرف هر طوری که پدر طرف بوده تو خانوادگی خودش و یه عمر اون طرف که بالاخره دوره‌ی کودکی نوجوانی جوانی اونجا بوده با اون رویه با اون روند تربیتی بار اومده و به قول معروف تو خون طرفه که مثلاً اون خشونت رو داشته باشه."

یا همانطور که فهیمه می گوید:

"باباش هم همینه یعنی دوست نداره حتی بچه هاش دورش جمع بشن یه ذره حال خوبی داشته باشن هیچی. شوهرم انگار به باباش رفته من حتی درمورد اینم باهاش حرف زدم و گفتم بابات بالاخره سنی ازش گذشته تو که نباید اینجوری باشی اما گوش نمیده و مثل باباشه حتی مادرشوهرمم از دست کارای شوهرش دق کرد و مرد بعضی وقتا میگم منم عاقبتم همین خواد شد."

سمیه هم به همین نکته اشاره کرده و می گوید:

"کلا هم خانوادگی اینطورین یعنی باباش هم خسیسه یعنی تا جایی که یخچال رو برده تو اتاق خوابش و درش رو قفل کرده و هر کسی هر چی بخواد باید بهش بگه و این بهش بده یعنی همچین سیستمی تو خونشون بوده." کودکان ممکن است الگوهای رفتاری خشونت آمیزی را که در خانواده مشاهده کرده و آموخته اند، در بزرگسالی از آنها استفاده کنند همانطور که راضیه می گوید:

"رفتار پدر مادر با هم دیگه هم خیلی مهمه وقتی پدر مادر با هم با خشونت رفتار می کنن بچه هم یاد می گیره که باید با خشونت رفتار کنه من الان خیلی نگران بچمم. همش فکر می کنم آیندش چی میشه. از من و باباش چی یاد گرفته حالا مثلاً فردا پس فردا خودش بخواد ازدواج کنه چطور میخواد رفتار کنه و بچه بزرگ کنه" مطهره هم به همین موضوع اشاره دارد و می گوید:

"تاثیرش روی آینده بچه هاست اینکه در آینده هر کدومشون بخوان مستقل بشن اصلاً بویی از عاطفه نبردن که بخوان برای طرف مقابلشون ابراز کنن یعنی انقدر ندیدن که پدر و مادر تو خونه هم دیگه رو بغل کنن یا ببوسن که نمیتونن در آینده این ابراز محبت رو نسبت به همسرشون داشته باشن و من وقتی به این موضوع فکر می کنم خیلی می ترسم و میگم ممکنه اینا هم در آینده دچار مشکل بشن. من خودم خیلی بهشون محبت می کنم ولی می گم ای کاش اینو بین من و شوهرم هم می دیدن"

از نظر زنان برخی از رفتارهای همسرشان که موجب خشونت می شود دقیقاً مشابه همان رفتارهایی است که پدرشوهرشان دارد و اگر همسرش خسیس، بی عاطفه و زورگوست این خصائص را از خانواده خود آموخته و بدین شکل تربیت شده است. یکی از زنان در تجربه ی خود با چشمانی اشک بار توضیح می داد که همسرش نسبت به او بی توجه است و اصلاً محبت و عاطفه ای به او ندارد و در ادامه می گفت پدرشوهرش نیز این چنین بوده و مادرشوهرش از رفتار سرد همسرش دق کرده و سرانجام زندگی خود را نیز مانند مادرشوهرش میدانست و می گفت: منم میدونم آخر یه روز دق می کنم و میمیرم. در تجربه ای دیگر زنی با تحصیلات فوق لیسانس که کارمند فرمانداری بود با خشمی نهفته در کلامش توضیح می داد که با وجود تحصیلات عالی و شغل مطلوبی که دارد

اما همسرش در کوچک ترین کارها به او اجازه ی اظهار نظر نمی دهد و حتی ساعت خوابیدن آنها با وجود سه بچه در خانه مشخص بوده و هر شب سر یک ساعت معینی همسرش مانند پادگان نظامی خاموشی می دهد و همه می بایست از او اطاعت کنند و زن اگر بخواهد به مخالفت بپردازد با خشونت همسرش مواجهه می شود. در ادامه با ناراحتی اظهار می کرد که این خصوصیت را دقیقاً پدرشوهرش نیز دارد و با وجود اینکه الان تقریباً نود ساله است اما هنوز هم در محیط خانه اش پدرسالاری رواج دارد و هیچ یک از اعضای خانواده حق اظهار نظر ندارند. البته که این زنان نگرانی های بسیاری هم برای آینده ی فرزندانشان داشتند و به عقیده ی آنها، فرزندانشان خشونتی که در خانه ایجاد شده را یاد گرفتند و در زندگی زناشویی خود در آینده ممکن است دچار مشکل شده و همان طور که پدرشان خشونت را از خانواده خود آموخته، بچه ها نیز خشونت را از پدر خود بیاموزند. البته که زنان اظهار می کردند تلاش می کنند تا خشونتی که بین آنها و همسرشان شکل می گیرد دور از چشم بچه ها باشد اما به این نکته نیز اشاره می کردند که گاهی بچه ها متوجه خشونت در خانه شده و نمی توانند به صورت دائمی و همیشگی خشونت را از بچه ها پنهان کنند.

تم پ) اقتصاد، اهرم توانمندسازی زنان^۱

جدول ۳-۴- اقتصاد، اهرم توانمندسازی زنان

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
PE	مشارکت زن در امور اقتصادی ^۲	زن در تصمیم گیری های مهم خانواده، از جمله امور مالی و اقتصادی مشارکت داده می شود و مرد به او این اجازه را می دهد تا به افزایش بهره وری مالی خانواده کمک کند تا بتوانند با همکاری یکدیگر، تصمیمات مالی بهتری برای خانواده اتخاذ کنند.
EO	فراهم کردن امکانات اقتصادی توسط مردان ^۳	مردان امکانات لازم را برای زنان فراهم کرده تا آنها بتوانند در امور گوناگونی مانند: کسب آموزش و مهارت های شغلی، کسب مدارج بالای علمی و به طور کلی کشف تجربیات جدید در زندگی اقدامات مختلفی انجام دهند.

تم پ (اقتصاد، اهرم توانمندسازی زنان

مجموع تم های سازنده تم پ) مشارکت زن در امور اقتصادی و فراهم کردن امکانات اقتصادی توسط مردان با کدهای معرف PE، EO هستند که هریک جداگانه به کمک تلفیق و ترکیب مفهوم های متصل به خود تعریف شده اند. وقتی به زنان اجازه داده می شود تا در امور مالی و اقتصادی خانواده مشارکت داشته باشند، تصمیمات مالی بهتری در خانواده اخذ می شود و بهره وری اقتصادی افزایش می یابد. همان طور که زینب می گوید:

¹ Economy, the lever of women's empowerment

² Women's participation in economic affairs

³ Providing economic opportunities by men

"شاید حتی بیشتر از حد تصور شما تصمیم گیری ها و مدیریت خونه با منه چون که به این نتیجه رسیده که فکر من بهتر از خودشه یا مثلا کنترل دخل و خرج با منه چون تفکیک شده تر عمل می کنم و محتاطانه تر جلو میرم و حتی اگه امکانش باشه یه پس اندازی رو هم کنار میزارم ولی درکل مشورتی پیش میریم"

خدیجه نیز در این مورد می گوید:

"بهرحال حقوق من کمک کنندس و کلا شوهرم تو همه چی از من نظر میخواد و کلا به من میگه چیکار کنیم؟ اینو میخوایم بخریم چیکار کنیم؟ این کارو میخوایم بکنیم خوبه یا نه؟ و از من نظر میگیره"

مردان با فراهم کردن امکانات لازم برای زنان می توانند مسیر دستیابی آنها به مدارج بالای علمی و تحصیلی و همچنین کشف تجربیات جدید هموار کرده و در این راه شرایط مطلوبی را برای آنها فراهم سازند همانطور که نیلوفر در این باره می گوید:

"همسر من بیش از اون چیزی که فکرش رو بکنید به خانم ها حق میده که بیان تو جامعه و اون چیزهایی که تجربه نکردن تا حالا رو تجربه کنن و اون چیزایی که ندیدن تا حالا رو ببینن"

همچنین شهناز درمورد این می گوید:

"تحصیلاتم خیلی براش مهمه و مثلا من مقطع کاردانی بودم و برای کارشناسی دخترم کوچیک بود و یه شهر دیگه قبول

شده بودم کاملا حمایت کرد و خیلی کمک کرد تا درسم تموم شد"

زنان، توانمندی خود را در زندگی مرهون اشتغال و استقلال مالی که دارند دانسته و عقیده داشتند این فاکتور موجب شده تا در مسائل مالی و اقتصادی مشارکت داشته و تصمیم گیری و برنامه ریزی کنند و حتی گاهی مدیریت امور مالی در زندگی مشترک بر عهده ی آنها باشد البته که در این مسیر نیازمند کمک همسر خود بوده و به نظر آنها سرمایه گذاری و فراهم کردن امکانات برای آنها توسط همسرشان عاملی است که بستر توانمندی هرچه بیشتر آنها را به وجود می آورد. زنان در مسیر پیشرفت تحصیلی و شغلی نیازمند حمایت های همسرشان بوده و عقیده داشتند تلاش خودشان در کنار حمایت همسرشان مثر ثمر بوده و باعث رسیدن به اهدافشان می شود.

تم ث) نادیده گرفتن^۱

جدول ۴-۴- نادیده گرفتن

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
AW	توجه به زن و نیازهای عاطفی او ^۲	زنان نیاز بیشتری به محبت، حمایت، توجه و احترام دارند زیرا موجوداتی عاطفی هستند و نیاز دارند که احساس کنند مورد عشق، محبت و توجه همسر خود قرار دارند. توجه به نیازهای عاطفی زن می تواند به او احساس امنیت، آرامش و رضایت دهد.
IW	بی توجهی به زن و نیازهای عاطفی او ^۳	عدم پاسخگویی به نیازهای عاطفی زن توسط شریک زندگی او می تواند از طریق کلمات، اعمال و رفتار همسرش نشان داده شود مثلا: عدم توجه به حرف

¹ Ignoring

² Attention to the woman and her emotional needs

³ Ignoring the woman and her emotional needs

های زن، عدم ابراز عشق و محبت، عدم احترام به زن، عدم کمک به زن در انجام کارهای خانه و مراقبت از فرزندان و عدم گفتگوی صمیمانه با زن.		
عدم تمایل به برقراری رابطه جنسی و عدم پاسخگویی به نیازهای جنسی زن توسط همسر و شریک زندگی اوست.	بی توجهی به نیازهای جنسی زن ¹	SN

تم ث) نادیده گرفتن

مجموع تم‌های سازنده تم ث) توجه به زن و نیازهای عاطفی او، بی توجهی به زن و نیازهای عاطفی او، بی توجهی به نیازهای جنسی زن با کدهای معرف SN، IW، AW هستند که هریک جداگانه به کمک تلفیق و ترکیب مفهوم‌های متصل به خود تعریف شده‌اند.

توجه به زن و نیازهای عاطفی او و ابراز عشق، محبت، توجه و احترام به زن باعث احساس امنیت و آرامش او می شود همانطور که خدیجه می گوید:

"همیشه به بچه ها میگه مامانتون تحصیلات داره و قدرش رو بدونید کمکتون میکنه توی درساتون. کلا احترام میزازه بهم و ارزش قائل میشه برام و بهم بها میده و همیشه به بچه ها میگه خیلی از خانم های دورمون تو فامیل تحصیلات ندارن اما مامانتون تحصیلات داره قدر بدونید"

عدم توجه به حرف های زن، عدم ابراز عشق و محبت، عدم احترام به زن، عدم کمک به زن در انجام کارهای خانه و مراقبت از فرزندان و عدم گفتگوی صمیمانه با زن باعث آزدگی او می شود همان طور که فهیمه می گوید:

"شوهرم حتی تندتند غذا میخوره که زیاد پیش ما نشینه مثلا همش پشتش به ماست و رو به تلوزیونه و این یکی از چیزایی که منو آزار میده"

همچنین وی در این مورد می گوید:

"اصلا هیچ توجهی نداره به من و حرفم رو گوش نمیده مثلا ممکنه داداشش زنگ بزنه بهش و یه ساعت وقت بزاره با داداشش صحبت کنه اما من که میرم یه کلمه باهاش حرف بزنم شاید اصلا حوصلش نرسه و هیچ توجهی نمیکنه"

حمیده در این باره می گوید:

"زمانی که من باردار بودم دریغ از یکبار که این به من محبت کنه یا با من بیاد دکتر"

عدم تمایل به برقراری رابطه جنسی و عدم پاسخگویی به نیازهای جنسی زن توسط همسر و شریک زندگی او خشونتی است بسیاری از زنان آنرا تجربه کردند همان طور که فهیمه می گوید:

"حتی مستقیم بهش گفتم اما بهونه اش اینه که دخترمون بزرگ شده در صورتی که میگم درسته خونمون یه خوابست اما اگه تو بخوای میشه بالاخره سارا میره کلاس اما بازم هیچ توجهی نداره و روزایی که سارا کلاس داره یا میره بیرون و انقدر بیرون میمونه تا با دخترم بیاد خونه یا همین جور پای تلوزیون میخوابه و اصلا توجه نمیکنه"

همچنین حمیده در مورد این موضوع می گوید:

"ما فقط سال اول ازدواجمون پیش هم بودیم دیگه بعدش همش جامون جدا بود و این منو خیلی آزار میداد اما اونونه اون بیشتر خودشو با گوشیش سرگرم می کرد. ما همش از هم جدا بودیم دیگه آخریا مثل خواهربرادر بودیم تو خونه"

¹ Ignoring women's sexual needs

زنان در این مورد اظهار می کردند که بیش از هرچیزی در زندگی نیازمند توجه و محبت همسرشان هستند و به عنوان یک جنس لطیف و ظریف توجه همسرشان موجب احساس امنیت و آرامش آنها می شود. همان طور که یکی از زنان بیان می کرد که همسرش همیشه موقعیت اجتماعی و تحصیلی او را با دیگر زنان در خانواده که تحصیلات دانشگاهی نداشته و شاغل هم نیستند؛ مقایسه کرده و برای او بسیار ارزش قائل می شود و به فرزندانشان همیشه گوش زد می کند که قدر مادر خود را بدانید زیرا او دارای تحصیلات بالایی است و می تواند شما را در درس ها و سوالاتان راهنمایی کرده و کمک کند و بالعکس برخی از زنان نیز از بی توجهی همسرشان به ستوه آمده و بیان می کردند که همسرشان اصلا به آنها توجه ندارد. یکی از زنان بسیار اندوهگین و ناراحت بود و اظهار می کرد که اصلا تحصیلات و اشتغالش برای همسرش اهمیت ندارد و در محیط خانه هیچ دخالتی در امور مختلف نمی کند و همیشه پشت به زن و رو به تلوزیون بوده البته که این بی توجهی فقط به نیازهای عاطفی زن محدود نمی شود و مرد نسبت به نیازهای جنسی زن نیز بی توجه بوده و اعتنایی به اینکه زن فرزند دوم می خواهد نداشته و همیشه جای خواب خود را از او جدا می کند.

تم ح) خشونت یا تهدید، خطری برای زندگی^۱

جدول ۴-۵- خشونت یا تهدید، خطری برای زندگی

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
TO	پرت کردن اشیاء ^۲	یک رفتار تهاجمی است که می تواند به افراد یا اموال آسیب برساند. پرتاب اشیاء می تواند به صورت عمدی یا غیرعمدی در زمان عصبانیت انجام شود.
TH	تهدید ^۳	این تهدید می تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم انجام شود به عنوان مثال یک مرد ممکن است به همسر خود بگوید که او را خواهد کشت یا به او آسیب خواهد رساند که در هر صورت این امر باعث ترس و وحشت در قربانی می شود.
BW	کتک زدن و زخمی کردن ^۴	آسیب جسمی که در اثر کتک زدن و زخمی کردن زن ایجاد می شود، می تواند شامل کبودی، شکستگی، بریدگی، سوختگی و حتی قطع عضوی از بدن باشد.

تم ح) خشونت یا تهدید، خطری برای زندگی

مجموع تم های سازنده تم ح پرت کردن اشیاء، تهدید، کتک زدن و زخمی کردن ، کد معرف BW،TH،TO هستند که هر یک جداگانه به کمک تلفیق و ترکیب مفهوم های متصل به خود تعریف شده اند. پرت کردن اشیاء نوعی از خشونت فیزیکی است که یک رفتار تهاجمی تلقی می شود که می تواند به افراد یا اموال آسیب برساند همانطور که عاطفه می گوید:

¹ Violence or threat, danger to life

² Throwing objects

³ Threat

⁴ Beating and wounding

"یه بار سر تلویزیون بود فکر کنم بحث میکردن بچه ها برداشت کنترل رو خیلی محکم زد تو صفحه تلویزیون که پنل پشتش سوخت یعنی میگم آنی اتفاق میوفته"

یا الهام در این باره می گوید:

"خیلی بحث می کردیم و تو بحث ها دیگه چیزی پرت می کرد و می شکوند"

زن ممکن است با تهدید همسرش دچار ترس و وحشت شود و مرد او را با سلاح گرم یا سرد تهدید به مرگ کند همانطور که راضیه در این مورد می گوید:

"دیگه آخریا خیلی منو کتک میزد و یه بار حتی چاقو دست گرفت و می خواست گردنم رو ببره منو هل داد خوردم به دیوار چاقو

رو گذاشت زیر گردنم گفت می کشمت حتی یه خرده گردنم رو هم زخم کرد که هنوز جاش مونده"

کبودی، شکستگی، بریدگی، سوختگی و حتی قطع عضوی از بدن می تواند ناشی از آسیب هایی باشد که در اثر کتک زدن به وجود می آید همان طور که الهام در این مورد می گوید:

"اومده بود خونمون دیده بود من نیستم منتظر مونده بود که من برسم و وقتی اومدم خونه گفت چرا رفتی بیرون و بهش توضیح

دادم جایی نرفتم با مامانم بودم اما گوش نمیداد من چی میگم منو برد تو اتاق در رو قفل کرد و با کمر بند منو سیاه و کبود کرد"

یا در تجربه ای دیگر می گوید:

"منو کتک میزد حتی یکبار پرده گوشم رو پاره کرد"

در تجربه ای مشابه حمیده می گوید:

"زد و خورد هم/خیرا نه/اما کلا داشتیم یه چندباری حتی به کتک رسید بحث و دعوا مون"

زنان در توضیح رفتار همسر خود در هنگام عصبانیت به موارد مختلفی اشاره می کردند که یکی از آنها که تجربه ی بسیار شایعی بین زنان بود، پرت کردن اشیاء توسط مردان در هنگام عصبانیت بود. در موارد بسیاری، زنان بیان می کردند که وقتی با همسرشان بحثشان می شود آنها اشیاء را پرتاب کرده و به اموال آسیب می رسانند. اما زنانی که دارای تحصیلات دانشگاهی و موقعیت شغلی پایین تری بودند بیان می کردند که همسرشان هنگام عصبانیت آنها را کتک زده، با کمر بند کبود کرده و حتی با چاقو تهدید به کشتن کرده و آنها را زخمی کردند. تجربه ای که در زنان با تحصیلات بالاتر و موقعیت شغلی بهتر وجود نداشت.

تم خ) خشونت کلامی و روانی، سایه های شوم^۱

جدول ۴-۶- خشونت کلامی و روانی، سایه های شوم

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
OI	فحاشی و توهین به زن و خانواده او ^۲	فحاشی و توهین به زن می تواند در قالب های مختلفی انجام شود، مانند: استفاده از الفاظ رکیک و نامناسب، نسبت دادن رفتارهای نامناسب به زن، تهدید به طلاق و ارباب زن که می تواند آسیب های زیادی را به زن وارد کند.

¹ Verbal and psychological violence, sinister shadows

² Obscenity and insult to the woman and her family

SH	داد و فریاد کردن بر سر زن ^۱	فریاد کشیدن و پرخاشگری، داد زدن، صحبت کردن با صدای بالا از جمله مواردی است که خشونت علیه زنان تلقی می گردد که در جهت ترساندن، مطیع و کنترل کردن زنان انجام می شود.
TD	تهدید به طلاق و بیکار کردن زن ^۲	این تهدیدات می تواند به منظور کنترل و تسلط بر زن یا وادار کردن او به انجام کاری که نمی خواهد، انجام شود.
SW	تهمت زدن به زن ^۳	تهمت زدن می تواند به شکل های مختلفی باشد از جمله: متهم کردن زن به زنا یا رابطه نامشروع، متهم کردن زن به بی کفایتی یا ناتوانی و متهم کردن زن به خیانت به همسرش
CW	خیانت به زن ^۴	خیانت می تواند به اشکال مختلفی باشد مانند: داشتن رابطه جنسی با فرد دیگر، داشتن رابطه عاطفی با فرد دیگر، ارسال پیام یا تماس های عاشقانه با فرد دیگری، ملاقات با فرد دیگری به صورت مخفیانه

تم خ) خشونت کلامی و روانی، سایه های شوم

مجموع تم های سازنده تم خ: فحاشی و توهین به زن و خانواده او، داد و فریاد کردن بر سر زن، تهمت زدن به زن و خیانت به زن با کدهای معرف SH، TD، SW، CW هستند که هریک جداگانه به کمک تلفیق و ترکیب مفهوم های متصل به خود تعریف شده اند.

به کار بردن الفاظ رکیک و نامناسب نسبت به زن و خانواده اش و تهدید به طلاق و ارباب زن از جمله خشونت های کلامی محسوب می شوند که علیه زنان به کار برده می شود همان طور که الهام در این مورد می گوید:

"خیلی بحث می کردیم و تو بحث ها خیلی فحش می داد به خودم و خانواده و توهین می کرد"

یا حمیده در این مورد می گوید:

"من اصلا تو خانواده پدریم فحش و اینا نشنیده بودم اما این مرد انقدر الفاظ زشت و بد بکار می برد و فحش می داد همش

منو صدا میزد ببخشید توله سگ یا تخم سگ اصلا درست صدام نمی کرد"

فریاد کشیدن و پرخاشگری، داد زدن، صحبت کردن با صدای بالا از جمله مواردی است که خشونت علیه زنان تلقی می گردد و باعث آزار آنها می شود همان طور که راضیه در این باره می گوید:

"شوهرم خیلی بداخلاقی می کرد خیلی داد میزد داد و فریادهای خیلی بلند و صداش رو خیلی می برد بالا من مجبور می

شدم گوشامو بگیرم"

تهدید کردن زن به طلاق دادن او و یا بیکار کردن و بردن آبروی او در محل کارش خشونتی است که علیه او اعمال می شود همان طور که سمیه در این مورد می گوید:

"حتی تهدید هم می کنه همین الانش میگه دیگه نمیزارم کار کنی از کار بیکارت می کنم میام آبروت رو می برم"

¹ Shouting at the woman

² Threatening to divorce and make the woman unemployed

³ slandering a woman

⁴ cheating on a woman

یا الهام در این مورد می گوید:

"اونم هیچ حسی به من نداشت این آخریا دیگه خودش به من پیشنهاد طلاق رو داد گفت دیگه برام مهم نیستی من با

کس دیگه ای ارتباط دارم اگه میخوای زندگی کنی اون هست تو هم کنارش باش"

متهم کردن زن به زنا یا رابطه نامشروع، متهم کردن زن به بی کفایتی یا ناتوانی و متهم کردن زن به خیانت به همسرش از جمله خشونت‌هایی است که مرد علیه همسرش اعمال می کند همان طور که مطهره در این مورد می گوید:

"حتی یه سری به من تهمت زد که این واقعا تو ذهن من موند اینکه معلوم نیس برای چی میری سرکار من که بهت میگم

نرو معلوم نیس میری اونجا چکار میکنی و با کی هستی یا برای دیدن کی میری و از این حرفا"

یا سمیه در این مورد می گوید:

"جرات ندارم یه خرده با مردای فامیل گرم احوال پرسی کنم بعدش همش دعوا میکنه که چرا این جور حرف زدی چرا

اون جور نگاش کردی یا چرا اون طرف زیاد نکات می کرد و از این حرفا و میره رو روانم با این حرفاش"

خشونت دیگری که علیه زنان اعمال می شود خیانت مرد به همسرش است که شامل داشتن رابطه جنسی با فرد دیگر، داشتن رابطه عاطفی با فرد دیگر، ارسال پیام یا تماس های عاشقانه با فرد دیگری، ملاقات با فرد دیگری به صورت مخفیانه می شود همان طور که سمیه در این مورد می گوید:

"یه بار اخیرا من سرکار بودم که همسایمون زنگ زد بهم گفت که شوهرت یه خانمی رو آورده تو خونه و منم دیگه سریع

رفتم خونه و مجشون رو گرفتم و بعدش گیر دادم بهش و دعوامون شد و از اونجا دیگه من رفتم شکایت کردم و تصمیم گرفتم

طلاق بگیرم"

یا حمیده در مورد خیانت همسرش می گوید:

"میدیدم که داره با کسی چت میکنه و سرش میرفت تو گوشی و حتی برای اینکه منو آزار بده می گفت من رفتم خونه

فلانی و با تمام جزئیات برام توضیح می داد که چکار کرده"

خشونت روانی و کلامی یکی از رایج ترین اشکال خشونت بین زنان شرکت کننده در این پژوهش بود؛ به بیان آنها بحث هایی که در خانواده به وجود می آید همراه با فحاشی و به کارگیری الفاظ زشت، داد و فریاد با صدای بسیار بلند و تهدید به طلاق دادن یا بیکار کردن زن است. برخی از زنان بیان می کردند که همسرشان به آنها خیانت می کند و اصلا برایشان اهمیتی ندارد که زن متوجه این موضوع شود و گاهی حتی خودشان به صراحت اعتراف می کنند که روابطی با دیگر زنان دارند و جزئیات آن را برای همسرشان بازگو می کنند. البته تهمت زدن به زن و اعتقاد همسرشان به اینکه او نیز دارای روابط نامشروع با دیگر مردان است از دیگر خشونت هایی که باعث آزرده گی زنان می شد. زنان بیان می کردند که خشونت کلامی و روانی که علیه آنها اعمال می شود بسیار سهمگین تر از خشونت فیزیکی بوده زیرا کسی که مورد آزار جسمی قرار می گیرد؛ با مراجعه به پزشک قانونی و دادگاه می تواند به راحتی از همسر خود شکایت کند اما خشونت کلامی و روانی دارای نمود بیرونی و آشکار نیستند ولی آثار و پیامد به مراتب تلخ تر و مخرب تری دارند و به تدریج روح و روان زن را به تحلیل می رسانند و باعث کاهش اعتماد به نفس و پیشرفت زنان در امور مختلف زندگی می شوند.

تم د (فقدان حمایت و تشویق^۱)

¹ Lack of support and encouragement

جدول ۴-۷- فقدان حمایت و تشویق

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
SE	عدم حمایت و تشویق زنان ^۱	حمایت از زنان در تمام جنبه های زندگی است که شامل موارد زیر می شود: حمایت عاطفی یعنی مرد به همسرش احترام میگذارد و او را دوست میدارد، حمایت مالی یعنی مرد هزینه های زندگی همسرش را تامین می کند، حمایت اجتماعی یعنی مرد همسرش را در تعامل با دیگران و حضور در جامعه همراهی می کند و حمایت جسمی و روحی یعنی مرد در حفظ سلامت جسمی و روحی همسرش تلاش می کند که عدم وجود هر یک از این موارد به مثابه خشونت علیه زنان برشمرده می شود.
WE	عدم رضایت از اشتغال زنان ^۲	برخی مردان از اینکه همسرشان شاغل باشد حمایت می کنند و معتقدند که اشتغال زنان برای جامعه مفید است برخی مردان نیز معتقدند که اشتغال زنان می تواند به روابط زناشویی آسیب برساند و نگران این باشند که اشتغال همسرشان باعث شود که او نتواند به اندازه کافی به خانواده و کارهای منزل رسیدگی کند و اشتغال زنان را به عنوان یک تهدید برای نقش سنتی آنها به عنوان همسر و مادر در نظر می گیرند زیرا اشتغال زنان می تواند منجر به تغییراتی در نقش های جنسیتی سنتی شود. این تغییرات می تواند منجر به احساسات منفی در مردان شود.

تم د) فقدان حمایت و تشویق

مجموع تم های سازنده د: عدم حمایت و تشویق از زنان، عدم رضایت از اشتغال زنان با کدهای معرف SE، WE است که هر یک جداگانه به کمک تلفیق و ترکیب مفهوم های متصل به خود تعریف شده اند. بسیاری از مردان از همسرشان حمایت همه جانبه ای می کنند تا او بتواند در کار و تحصیل خود مدارج بالایی را طی کرده و با تشویق همسرش به موفقیت های والایی دست پیدا کند اما بالعکس برخی از مردان نیز هستند که تمایلی به پیشرفت همسرانشان نداشته و تلاش می کنند تا از پیشرفت همسر خود جلوگیری کنند بدین صورت که زنان حتی برای کوچک ترین مسائل و نیازها نیز محتاج آنها باشند همان طور که مهناز در مورد حمایت های همسرش می گوید:

"من می خواستم دو سال دیگه درس بخونم و فولوشیپ شرکت کنم می گفت خب چه اشکالی داره برو بخون گفتم کاشان

نداره باید برم تهران یا مشهد یا شیراز گفت خب مشکلی نداره برو بخون گفتم تو حاضری من خونه زندگی رو ول کنم برم

تهران؟ گفت خب اصلا با هم میریم اونجا زندگی می کنیم چون ارزشش رو داره این سختی رو بکشیم تو دوست داری. یعنی

جوری منو تشویق کرده که الان دوباره رفته تو ذهن من که آزمونش رو شرکت کنم و براش برنامه ریزی کنم"

¹ Lack of Support and encourage women

² Lack of Satisfaction with women's employment

یا شهناز در همین مورد می گوید:

"تحصیلاتم خیلی براش مهمه و مثلاً من مقطع کاردانی بودم و برای کارشناسی دخترم کوچیک بود و به شهر دیگه قبول

شده بودم کاملاً حمایت کرد و خیلی کمک کرد تا درس تموم شد"

مطهره در مورد عدم حمایت و تشویق همسرش می گوید:

"همیشه شوهرم ترسی که داره ترس از پیشرفت و ترقی منو داره و میگه بسه دیگه چقدر میخوای کار کنی و بری سرکار

منم میگم نه که خیلی منو تامین میکنی که سرکارم نخوام برم. دست به هر رفتاری میزنه که منو منصرف کنه از کار کردن.

کلاً به شخصیتیه که دوست داره برای چیزی بهش التماس کنی تا برات بخره ولی من همچین آدمی نیستم که بخوام این کارو

بکنم چون از اول مستقل بودم"

برخی از مردان عقیده دارند اشتغال زنان برای جامعه و خانواده مفید است و به همین دلیل از او حمایت می کنند ولی بالعکس

از نظر برخی مردان اشتغال زنان باعث می شود تا گاهی از نقش سنتی خود که مادر و همسر بودن است فاصله بگیرند و باعث آسیب

رسیدن به روابط زناشویی و خانوادگی شوند از همین رو از اشتغال آنها جلوگیری کرده یا ابراز نارضایتی می کنند همان طور که زهره

می گوید:

"شوهرم مخالف سرکار رفتن من هستش و مثلاً بعضی مواقع بین بحث هامون میگه تا عید دیگه حق نداری بری سرکار.

تیکه کلامش اینه که زن که میره سرکار همینه و خستگیاش رو میاره خونه برای شوهرش. منم ناراحت میشم به وقتایی میگم

خب چه ربطی داره من که با اینکه سرکار میرم ولی هیچی کمه کارای خونه نمیزارم مثلاً درس بچه ها، نظافت خونه، لباس

شستن و اتو کردن و غذا درست کردن و... من ۵ صبح که بیدار میشم صبحونه بچه ها رو میدم میوه و لقمه براشون میزارم و

حتی برای همسرم هم صبحونه و میوه میزارم و میدوئم که به سرویسم برسم. تمام تلاشم رو میکنم که به وقت کم کسی ندارم

که بگن تو چون سرکار میری اینکارا رو انجام نمیدی"

یا مهدیه در مورد رضایت همسرش از اشتغال او می گوید:

"شوهرم کلاً به جوریه که میگه /اینکه مستقلی من دوست دارم ولی بخاطر پولی که در میارم نمیگه کلاً میگه خوبه که

مستقلی و روی پول من حساب نمیکنه و میگه /اینکه موفقی دوست دارم /اینکه درس خوندی و الان هم سرکار میری و موفقی

من خوشم میاد"

برخی زنان بیان می کردند که در تمام امور همسرشان از آنها حمایت می کند و حتی حاضر است مکان سکونت را بخاطر پیشرفت

آنها تغییر داده و به شهر دیگر مهاجرت کند زیرا پیشرفت زنان را برای خانواده، تربیت فرزندان و حتی رشد جامعه مفید می دانستند،

اما بالعکس زنانی بودند که عقیده داشتند همسرشان از پیشرفت آنها می ترسد و همیشه تلاش می کند تا از اشتغال و تحصیل آنها

جلوگیری کند و از نظر همسرشان اشتغال و ادامه تحصیل زن عاملی است که موجب آسیب رسیدن به نقش های سنتی زنان یعنی

همسر و مادر بودن می شود؛ البته که زنان بیان می کردند که علی رغم خستگی های بسیار، تمام تلاش خود را به کار می گیرند تا

به نحو احسن نقش های متعددی که بر عهده دارند را ایفا کنند.

تم ز) راهکارهای مقابله، از سکوت تا اقدام^۱

¹ Coping strategies, from silence to action

جدول ۴-۸- راهکارهای مقابله، از سکوت تا اقدام

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
TF	صحبت و گفتگو وتلاش برای اتمام بحث ^۱	صحبت کردن و گفتگو و تلاش برای اتمام خشونت توسط زن یک اقدام ارزشمند است که می تواند به کاهش خشونت و بهبود روابط زناشویی کمک کند.
SP	سکوت و حفظ آرامش ^۲	سکوت و حفظ آرامش در مقابل خشونت اعمال شده از سوی مرد ممکن است به دلایل مختلفی انجام شود. این دلایل می تواند شامل: ترس زن باشد یعنی زن از خشونت بیشتر مرد بترسد و سکوت کند تا خشونت را متوقف کند یا حس گناه زن باشد یعنی ممکن است زن احساس کند که مقصر خشونت مرد است و سکوت کند تا از عصبانیت مرد جلوگیری کند و یا ناشی از ناامیدی زن باشد یعنی زن ممکن است برای بهبود روابط با مرد خسته شده باشد و سکوت کند تا از دعوا و بحث جلوگیری کند.
RC	مراجعه به مشاوره ^۳	روانشناس و مشاور می تواند به زن کمک کند تا در مورد خشونتی که متحمل شده است صحبت کند و احساسات خود را در مورد آن بیان کند و مهارت های مقابله با خشونت مانند شناسایی عوامل محرک خشونت، مدیریت استرس، مرزگذاری و خودمراقبتی را به او آموزش بدهند.
FI	دخالت دادن خانواده ^۵	خانواده ها می توانند به زن کمک کنند تا از خود محافظت کند و از خشونت جلوگیری کند همچنین آنها می توانند به مرد نیز کمک کنند تا درک کند که خشونت غیرقابل قبول است و رفتارش مضر و نادرست است و او می تواند مهارت های مقابله با خشم را یاد بگیرد و خشم خود را به روشی سالم کنترل کند.
PP	دعا گرفتن و دعا کردن ^۶	دعا گرفتن و جادو کردن یا نذر و نیاز و دعا کردن توسط زن برای کاهش خشونت مرد یک راهکار غیر علمی و غیر مؤثر است که این راهکارها هیچ پایه علمی ندارند و نمی توانند به کاهش خشونت کمک کنند اما برخی زنان به واسطه افکار سنتی که دارند از این راه تلاش می کنند تا رفتار نامناسب همسر خود را تغییر دهند.
JL	شوخی و خندیدن ^۷	شوخی و خنده توسط زن می تواند یک راه برای کاهش خشونت مرد باشد. شوخی و خنده می تواند باعث شود که مرد احساس آرامش و شادی کند و کمتر خشمگین

¹ Talking and trying to finish the discussion

² Silence and peace

³

⁵ Family involvement

⁶ Praying and praying

⁷ joking and laughing

		شود. از این طریق تنش کمتر می شود و زن به همسرش نشان می دهد که او را دوست دارد و می خواهد با او رابطه خوبی داشته باشد.
GA	قهر کردن ⁸	قهر کردن می تواند به زن کمک کند تا از موقعیت خشونت آمیز دور شود و به خود فرصت دهد تا آرام شود و از این طریق به مرد نشان دهد که مخالف خشونت اوست و نمی خواهد آن را تحمل کند هرچند که قهر کردن یک راه برای حل مشکل نیست و نمی تواند مشکل خشونت را حل کند.

تم ز) راهکارهای مقابله، از سکوت تا اقدام

مجموع تم‌های سازنده ز: صحبت و گفتگو و تلاش برای اتمام بحث، سکوت و حفظ آرامش، مراجعه به مشاوره، دخالت دادن خانواده، دعا گرفتن و دعا کردن، شوخی و خندیدن، قهر کردن با کد معرف GA، JL، PP، FI، RC، SP، TF که هریک جداگانه به کمک تلفیق و ترکیب مفهوم‌های متصل به خود تعریف شده‌اند. زنان تلاش می کنند تا با صحبت درمورد موضوعات چالش برانگیز با همسرشان مسئله مورد بحث را حل کرده و از ادامه دار شدن آن جلوگیری کنند همان طور که نرگس در این مورد می گوید:

"اینکه زودتر درموردش حرف بزنیم و نزاریم دلخوری که داریم زیاد طولانی بشه و تو دلمون بمونه و تلنبار بشه و با یه اتفاق کوچولوی دیگه همه این دلخوری ها فوران کنه"

برخی زنان نیز در مقابل خشونت همسر خود سکوت می کنند که ترس زن از خشونت و عصبانیت بیشتر مرد عاملی است که باعث سکوت زن در برابر پر خاشگیری های همسرش می شود همان طور که مریم در این مورد می گوید:

"وقتی بحثم میشه با شوهرم خب خیلی سعی می کنم آروم باشم و دربرابر خیلی از صحبتایی که میکنه سکوت کنم تا اونم آرومتر بشه چون وقتی که بحث می کنیم و یکی من میگم یکی اون میگه اینو فهمیدم که اون لحظه فقط با عصبانیت میخوابیم حرف خودمونو به کرسی بشونیم و نتیجه ای هم نمی گیریم"

برخی مواقع زنان احساس گناه کرده و درمقابل خشونت همسر خود سکوت می کنند زیرا خود را مقصر عصبانیت مرد دانسته و برای جلوگیری از خشونت بیشتر سکوت می کند همان طور که زهره می گوید:

"وقتی خودم مقصر باشم با اینکه حق رو به خودم میدم ولی سکوت می کنم و مثلا بهش محبت می کنم و احترام میزارم بهش، اون زمانی که بحث پیش میاد بیشتر سعی می کنم سکوت کنم و پیش خودم بگم حالا اینو نگو یا این جوابو نده هرچند که اون لحظه خیلی عصبانیم و خیلی سخته مثلا به خودم میگم تو خودتو کنترل کن تا اونم آروم بشه"

گاهی سکوت زن در مقابل خشونت همسرش ناشی از ناامیدی او از بهبود شرایط بوده و سکوت می کند تا فقط روابط بدتر از قبل نشود همان طور که فهیمه می گوید:

"من که خیلی خسته میشم و ناراحت و عصبی میشم بیشتر ساکت میشم و میرم تو خودم و وقتی میبینم هر کاری می کنم/اهمیت نمیده دیگه رها میکنم"

برخی زنان تلاش می کنند تا با مراجعه به روانشناس و مشاور راهی برای کاهش خشونت همسرشان بیابند و روابط و شرایط زندگی را بهبود ببخشند همان طور که زیبا می گوید:

⁸ to get angry

"خیلی تلاش کردم و رفتم مشاوره و حتی شوهرم رو بردم مشاوره تا علت رو متوجه شدم دیگه کم کم بهتر شد همسرم. به حدی به من بی توجه بود و خنثی که من حتی می خواستم ازش جدا بشم اما خب با مشاوره خیلی حالمون بهتر شد"

زنان گاهی خانواده ها را دخالت میدهند تا آنها با پا در میانی کردن و صحبت با مرد به او کمک کنند تا خشونت خود را کنترل کرده و متوجه شود که رفتارش نامناسب و غیرقابل قبول است همان طور که سمیه می گوید:

"خانواده که متوجه شدن و سعی کردن که به قول معروف با حرف و ریش سفیدی کردن اوضاعمون رو درست راستی کنن اما فایده ای نداشته"

برخی زنان به دعا و نذر و نیاز و حتی گرفتن دعا و جادو کردن رو آورده و برای بهبود شرایط زندگی اقداماتی انجام داده بودند که به لحاظ علمی هیچ پایه و اساسی نداشتند همان طور حمیده که می گوید:

"اصلا شوهرم منطقی نبود که بخوام با مشاوره رفتن و صحبت کردن خودم یا خانواده ها درستش کنم همش پرخاشگری می کرد و به چیز کوچیکو بهونه می کرد برای دعوا. حتی می رفتم زیارت دعا می کردم و خدا میدونه من چقدر نذر و نیاز کردم اما هیچ نتیجه ای نداشت من حتی دست به دامن جادو هم شدم می رفتم پیش دکانویس تا با دعا و جادو شاید شوهرم بهتر بشه و سر به راه بشه اما هیچ نتیجه ای نداشت"

یا الهام نیز در تجربه ای مشابه می گوید:

"من حتی پیش دعا نویس هم رفتم و چندین بار دعاهای مختلف گرفتم و میخواستم هر طوری که شده زندگیمو بسازم"

زنان گاهی در هنگام خشونت و عصبانیت همسر خود تلاش می کردند تا با شوخی مناسبی در آن زمان به همسرشان نشان دهند که از شرایط پیش آمده راضی نبوده و همچنین از این طریق خشم آنها را کمتر کرده تا فضای مناسبی به دور از خشونت به وجود آمده و فرصتی برای گفتگو در جهت حل مسئله پیدا کنند همان طور سمیرا که در این باره می گوید:

"بعضی بحث ها حتی حالت شوخی داره و تاثیر مثبت میزازه و راجبش شوخی می کنیم و بهم نزدیک تر میشیم حتی وقتی درموردش با هم شوخی می کنیم اتفاقا باعث میشه به خرده از اون فضای ناراحت کننده ای که به وجود اومده بود برامون فاصله بگیریم و حتی بخندیم"

بسیاری از زنان برای نشان دادن اعتراض خود نسبت به خشونت همسرشان با او قهر کرده و از این طریق فرصتی را برای آرام شدنشان فراهم می کنند تا بتوانند در موقعیتی مناسب تر درمورد موضوع مورد بحث صحبت کنند همان طور که مهدیه در این مورد می گوید:

"ما باهم حرف می زنیم سعی می کنیم طولانی نشه. اما چون شوهرم از قهر خوشش نمیاد شده چند بار که باهاش سرسنگین شدم و کمتر باهاش حرف زدم و با قهر کردن سعی کردم بهش نشون بدم که خیلی ناراحت و عصبیم"

زنان راهکارهای مقابله ای بسیار متنوعی در مواجهه با خشونت همسرشان داشتند؛ یکی از ساده ترین و ارزشمندترین راه ها، صحبت و گفتگو درمورد موضوع خشونت زا بود. اکثر زنان ابتدا تلاش می کردند تا درمورد موضوعی که موجب آزار و خشونت در خانه می شود با همسر خود صحبت کرده و با گفتگوی مسالمت آمیز مشکلات و مسائل آزار دهنده را حل کنند. راه حل دیگری که بسیار منطقی و مؤثر تلقی می شد، مراجعه به مشاوره و روانشناس بود. زنان بیان می کردند که تا جایی که امکان دارد تلاش می کنند خودشان مشکلاتی که وجود دارد را با گفتگو حل کنند اما از یک جایی به بعد افسار زندگی از دست آنها خارج شده و برای حفظ زندگی به راهنمایی و کمک افراد متخصص نیازمند هستند که دانش مطلوبی برای ارائه راهکار به آنها برخوردارند. البته برخی دیگر از زنان به صورت خود خواسته خانواده ها را در امور خصوصی زندگیشان دخالت می دادند و عقیده داشتند که صحبت و نصیحت

های بزرگتر ها بسیار متمرثر بوده و باعث کاهش خشونت همسرشان علیه آنها می شود. برخی دیگر از زنان با دلایل متعددی در برابر خشونت همسرشان سکوت می کردند، برخی از آنها از ترس خشم بیشتر همسر خود سکوت می کردند، برخی دیگر به این دلیل در برابر خشونت همسرشان سکوت می کردند که خود را مقصر خشم و عصبانیت او می دانستند و در این مورد احساس گناه می کردند و برخی دیگر نیز از بهبود شرایط موجود نا امید بودند و تلاشی برای بهتر شدن زندگی نکرده و فقط سکوت می کردند. زنانی که دارای تحصیلات کمتر و موقعیت شغلی پایین تری بودند دست به کارهای غیر علمی و خرافاتی زده و برای کاهش خشونت همسرشان و بهبود زندگی به دعانویس مراجعه کرده و تلاش می کردند با دعا گرفتن و حتی نذر و نیاز و دعا کردن شرایط مطلوبی را برای زندگی به وجود آورند. راهکار قابل توجه و هوشمندانه ی دیگری که وجود داشت، شوخی و خندیدن درمورد موضوع خشونت زا بود. برخی زنان بیان می کردند زمانی که همسرشان عصبانی و خشمگین است تلاش می کنند تا موضوعی را پیدا کنند و درمورد آن شوخی کنند و فضای شادی را ایجاد کنند تا عصبانیت همسرشان فروکش کند و صمیمیت بیشتری بین آنها به وجود آید و درنهایت راهکار بسیار رایج بین زنان قهر کردن بود. از نظر زنان قهر کردن باعث می شود که فرصتی ایجاد شود تا عصبانیت خودشان و همسرشان کاهش پیدا کند و آرامتر شوند و سپس با پیش قدم شدن یکی از طرفین، درمورد موضوع خشونت زا صحبت کرده و موضوع تنش را حل کنند؛ البته که به گفته ی آنها با قهر کردن نارضایتی خود را نسبت به وضعیت نابسامان نشان می دهند و خواهان تغییر آن می شوند.

تم ش) خشونت در سایه تفاوت و شناخت^۱

جدول ۴-۹- خشونت در سایه تفاوت و شناخت

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
KV	شناخت عامل کاهش خشونت ^۲	شناخت و آشنایی زن و مرد می تواند عاملی برای کاهش خشونت باشد زیرا به آنها کمک می کند تا یکدیگر را بهتر درک کنند و از نیازها و خواسته های یکدیگر آگاه شوند.
DB	درک تفاوت های زن و مرد ^۳	تفاوت های شخصیتی بین زن و مرد می تواند در زمینه های مختلفی مانند سبک زندگی، ارزش ها، علایق و انتظارات از رابطه باشد. اگر زن و مرد نتوانند تفاوت های خود را بپذیرند و با آنها کنار بیایند ممکن است این تفاوت ها باعث ایجاد بحث و درگیری در رابطه آنها شود. این تنش و درگیری می تواند زمینه ساز خشونت در رابطه شود.

تم ش) خشونت در سایه تفاوت و شناخت

¹ Violence in the shadow of difference and recognition

² Knowing the factor of reducing violence

³ Understanding the differences between men and women

مجموع تم‌های سازنده تم ش): شناخت عامل کاهش خشونت، درک تفاوت های زن و مرد با کدهای معرف DB.KV که هریک جداگانه به کمک تلفیق و ترکیب مفهوم‌های متصل به خود تعریف شده‌اند. بسیاری از زنان عقیده داشتند که شناخت و آشنایی زن و مرد قبل و بعد از ازدواج می تواند موجب کاهش خشونت آنها شود زیرا در این صورت نیازها و خواسته های یکدیگر را بهتر می‌شناسند همان طور که زینب در این مورد می گوید:

"بنظر من اگه قبل از ازدواج به دوره آشنایی باشه و شما طرف مقابلت رو بشناسی و بدونی با اون ملاک هات میخوره دیگه اون خشونت بعد از ازدواج وجود نداره و اون رفتارهای ناشایست بعد از ازدواج اصلا نیس و این چیزا زمانی اتفاق میوفته که شما شناختی قبل از ازدواج نداشته باشی ما الحمدالله اون شناخت رو داریم و اگر احیانا به بحثی پیش میاد بحثی هستش که از اطرافمون پیش اومده"

همان طور که شناخت باعث کاهش خشونت می شود عاملی که در زندگی زنان خشونت نه اما چالش ایجاد می کند وجود تفاوت های شخصیتی بین او و همسرش است که نرگس در این مورد می گوید:

"مثلا به سری خصلت هاست که واسه ما ناخوشاینده مثلا من هنوز اون شر و شیطونیه رو دارم ولی اون ریلکس تر و آرام تره و مثلا من دوست دارم به مقدار همه چی هیجانی تر باشه اما اون میخواد آرامتر باشه همه چی"

زنان بیان می کردند که عدم وجود شناخت و ازدواج با چشم‌هایی بسته و بی توجه به تفاوت های خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و پایگاه اقتصادی یکدیگر، زمینه بروز و ظهور خشونت در خانواده را فراهم کرده و وجود آشنایی قبل از ازدواج و درک تفاوت های بین زن و مرد وجود دارد باعث می شود تا بعد از ازدواج زندگی با چالش های کمتری ادامه یافته و خشونت یا اصلا شکل نگیرد یا میزان آن کاهش یابد. آنها برای دستیابی به این شناخت اولیه و درک تفاوت ها به مراجعه ی قبل از ازدواج به روانشناس و مشاوره خانواده تاکید بسیاری می کردند و عقیده داشتند روند رسیدن به تفاهم و شناخت زمانبر بوده و نیازمند صبر و حوصله و راهنمایی های مشاور دارد.

تم ص (پیامدهای خشونت در تجربه زیسته زنان^۱

جدول ۴-۱۰- پیامدهای خشونت در تجربه زیسته زنان

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
EM	تجربه افسردگی و اختلالات روانی زنان ^۲	خشونت علیه زنان یک پدیده جهانی است که می تواند تاثیرات مخربی بر زنان داشته باشد. این تاثیرات می تواند جسمی مانند: آسیب های جدی به اندام ها و شکستگی و سوختگی و...، روانی مانند: افسردگی و اضطراب و اختلالات روانی و...، اجتماعی مانند: انزوا و تبعیض و... و اقتصادی مانند: از دست دادن شغل، کاهش درآمد و هزینه های پزشکی باشد
EV	تجربه فرزند خشن و دارای اختلالات روانی ^۳	فرزندانی که شاهد خشونت علیه مادر خود هستند ممکن است در معرض خطر آسیب های جسمی قرار بگیرند. این آسیب ها می تواند شامل: آسیب

¹ Consequences of violence in women's lived experience

² Experience of depression and mental disorders of women

³ The experience of a violent child with mental disorders

های روانی، افسردگی، اضطراب، ترس، عدم تمرکز برای انجام فعالیت ها، اختلالات خواب، مشکلات رفتاری و تحصیلی شود	
---	--

تم ص (پیامدهای خشونت در تجربه زیسته زنان

مجموع تم‌های سازنده تم ص (تجربه افسردگی و اختلالات روانی زنان، تجربه فرزند خشن و دارای اختلالات روانی با کدهای معرف EV، EM هریک جداگانه به کمک تلفیق و ترکیب مفهوم‌های متصل به خود تعریف شده‌اند. خشونت های مختلفی که علیه زنان اعمال می شود در افکار، زندگی اجتماعی و اقتصادی، جسم و روح و روان آنها تاثیر بسیار زیادی می گذارد همان طور که عاطفه در این مورد می گوید:

"خب نهایتاً تحلیل میره اون زن و واقعا اعتماد به نفسش روز دست میده به جای اینکه پیشرفت کنه"

یا در تجربه ای مشابه حمیده می گوید:

"خودمم خیلی افسردگی گرفتم و از ناراحتی و غصه ی زیاد گردن درد شدید گرفتم و الان هم با کوچیک ترین ناراحتی

گردنم درد میگیره. دیگه نمیتونم به هر مردی اعتماد کنم و همیشه ترس دارم از همه مردا"

البته که تاثیر خشونت فقط روی زنان نبوده و در این میان فرزندان این خانواده ها نیز با مشاهده خشونت اعمال شده از سوی پدرشان بر مادر خود دچار رنج هایی می شوند همان طور که حمیده در این مورد می گوید:

"خیلی خیلی این دعاها تاثیر داشته الان که میشنم فکر میکنم میبینم الان که دخترم خیلی حساسه گوشه گیره و یا

توقعاتیه و اینکه با کوچیک ترین چیزی ناراحت میشه و اعتماد به نفسش پایینه همش بخاطر ناراحتی های بین منو همسرم

هستش چون تا ساعت ۳ بیرون بود بعد میومد نصف شب برق رو روشن میکرد منم عصبی میشدم دعوا میکردیم و باعث میشد

دخترم از خواب بپره و گریه کنه."

یا عاطفه در تجربه ای مشابه می گوید:

"بچه ها تا بحث بین ما پیش میاد خیلی اصلا دلهره میگیرن استرس میگیرن و حتی میان به من میگن با بابایی آشتی

کن ما میترسیم در صورتی که هیچ اتفاقی نمیافته ولی بچس و احساس امنیتش کامل صفر میشه به دفعه فکر می کنه الان ما

جدا شدیم من رفتم و این بچه ها تنها موندن و تو این ده دقیقه بحث ما به کجاها کشیده میشه فکر و ذهن اینا. حتی موقع

بحث ما خیلی ساکت میشن و انگار افسرده شدن. دیگه مثلاً تمرکز ندارن درس بخونن و کاراشونو بکنن"

خشونت تأثیرات کوتاه مدت و بلند مدت بسیاری دارد و اثرات مخربی را روی جسم، روح و روان زنان و همچنین فرزندان آنها می گذارد. اختلالات روانی و افسردگی، اضطراب و استرس، یادگیری رفتار خشن، عدم تمرکز، تنها گوشه ای از تأثیرات خشونت بر روی زنان و فرزندان است. آنها بیان می کردند که خشونت موجب کاهش اعتماد به نفس، گوشه گیری و زودرنج شدن فرزندانشان در بلند مدت شده و در کوتاه مدت نیز آنها دچار ترس از جدایی پدر و مادر، غمگین و ناراحتی و گریه کردن می شوند. آثاری که لزوماً قابل مشاهده و آشکار نیستند اما بسیار مخرب بوده و تمام ابعاد زندگی را درگیر می کند. افسردگی، اضطراب، انزوا و... از جمله پیامدهای خشونت روی زنان بودند که روی روح و روان آنها اثر گذاشته بود و گردن درد عصبی، بالا رفتن فشار خون، جای زخم چاقو روی گلو و... از جمله آثار فیزیکی و جسمی خشونت علیه آنها بود.

تم ج (خشونت برای زن مدرن^۱

¹ Violence for the modern woman

جدول ۴-۱۱- خشونت برای زن مدرن

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
OV	اعتراض زن به مسائل گوناگون ^۱	نارضایتی زن از برخی مسائل و مشکلات می تواند منجر به خشونت شود زیرا آگاهی و درکی از موقعیت مرد ندارد یا نسبت به شرایطی که طرف مقابل برای آنها ایجاد می کند اعتراض دارند.
IF	دخالت خانواده ها ^۲	دخالت خانواده ها می تواند به اشکال مختلفی صورت بگیرد مانند: دخالت در تصمیم گیری های زن و مرد، اعمال فشار بر زن یا مرد برای انجام کاری، انتقاد و سرزنش زن یا مرد، مقایسه زن و مرد با دیگران
CC	فرزندان و چالش های آنها ^۳	عوامل مختلفی مانند استرس و فشار داشتن فرزندان و مراقبت از آنها، خستگی ناشی از مشغولیت ها و فعالیت های مربوط به آنها و عدم مهارت های فرزندپروری می تواند عاملی باشد که منجر به خشونت بین زن و مرد شود

تم ع) خشونت برای زن مدرن

مجموع تم های سازنده تم ع) اعتراض زن به مسائل گوناگون، دخالت خانواده ها و فرزندان و چالش ها آنها با کدهای معرف OV، CC، IF، هر یک جداگانه به کمک تلفیق و ترکیب مفهوم های متصل به خود تعریف شده اند. نارضایتی زن از برخی مسائل و مشکلات می تواند باعث ایجاد خشونت بین او و همسرش شود همان طور که حمیده در این مورد می گوید:

"ما خیلی باهم مشکل داشتیم به خصوص اینکه معتاد شده بود یه شب که من تو پذیرایی با دخترم خواب بودم و اون تو اتاق و میشنیدم که هی پاش رو میکوبونه به در و دیوار بلند شدم رفتم گفتم چیه چته؟ گفتم بدنم درد میکنه چیزی نیس و بعد همون موقع دوید رفت دستشویی ساعت ۳ نصف شب بود گوشیش رو برداشتم نگاه کردم دیدم به یه مردی پیام داده گفته که من بدنم خیلی درد میکنه چیکار کنم؟ اونم گفته بود اگه میخوای بیای بشینی همین الان بیا وگرنه من میخوام بخوابم و منم وقتی پیام رو دیدم خیلی برام ناراحت کننده بود و اون شروع بحثمون شد"

زن مدرن دارای تحصیلات و اشتغال بوده و آگاهی زیادی نسبت به حقوق خود داشته و استقلال مالی نیز دارد و دیگر مانند گذشته بسیاری از رفتارهای همسر خود را تحمل نکرده و نسبت به او اعتراض می کند همان طور که نرگس می گوید:

"من داشتم صحبت میکردم تو یه جمعی و همسرم میخواست که این صحبت ها کِش پیدا نکنه و صحبت من رو قطع کرد و جمعش کرد ولی من دوست داشتم ادامه بدم به صحبت و اینکه ما بین صحبتیم حرفم رو قطع کرد باعث دلخوری و رنجش من شد و بعدش من بهش گفتم که این کارت منو اذیت کرد و از این به بعد وقتی دارم صحبت میکنم وسط حرفم نپر و با صحبت حلش کردیم"

یا نیلوفر در تجربه ای مشابه می گوید:

"قرار بود با یه سری از آشناها بریم بیرون و من گفتم چقدر با اینا میریم بیرون؟ زیاد از رفتارشون خوشم نمیومد. اونم گفت خب الان که دیگه قرار گذاشتیم بریم بیرون و حالا چیکار میتونیم بکنیم؟ خودت قول دادی و اوکی رو دادی الان حوصلت"

¹ Objection of a woman to various issues

² Involvement of families

³ Children and their challenges

نمیرسه بری بیرون حالا که دیگه نمیشه کنسلش کرد این دفعه رو میریم بیرون دیگه از دفعات بعدی بیشتر راجبش فکر می کنیم و صحبت می کنیم. وقتی رفتیم اونجا من حال و حوصله نداشتم یه آهنگی گذاشتن و من آهنگ رو قطع کردم و شوهرم بهم گفت که چرا آهنگ رو قطع کردی و من از این حرف همسر من ناراحت شدم چون من باید اولویت میبودم

دخالت خانواده ها در زندگی خصوصی زن و مرد و مشکل داشتن خانواده مرد با عروس خود باعث ایجاد چالش و در نهایت خشونت بین زن و مرد می شود همان طور که شهناز می گوید:

"حتی مادرشوهرم تیکه مینداخت بهم و دیگه به جزئیات روابطمون هم گیر میداد برای همین دیگه نداشتم خانواده ها بفهمن"

گاهی فرزندان و مسائل مربوط به آنها باعث می شود تا بین زن و مرد چالش و خشونت شکل بگیرد همان طور که ناهید در این مورد می گوید:

"بیشتر سر بچه هاست چون بچه ها خیلی سر و صدا دارن چون پشت سر هم دیگه ان و فاصله سنی کمی دارن و شوهرم هم حوصله ی سر و صدا نداره و همین موضوع عصبیش میکنه چون میخواد کلا هیچ سر و صدایی نباشه و دوست داره خونه آروم باشه و بیشتر سر همین باهم بحث داریم"

یا معصومه در تجربه ای مشابه می گوید:

"اتفاقا یه موضوعی که ما همیشه سرش اختلاف نظر داریم درس خوندن و نظم بچه هاست که باعث بحثمون میشه و خیلی تو خونه ما شایع هستش چون شوهرم خیلی زیاد روی درس دخترم حساسه و من میگم خب حالا لزومی نداره انقدر حساس باشی باید یه خرده ملایم تر باشی اون میگه نباید از حالا وقتشو هدر بده من میگم سنش زیاد حساس نیس که بخواد همش درس بخونه بچه اس هنوز. این مورد رو ما خیلی داریم. به فحاشی و بد و بیراه هم نمیکشه حتی فقط در حد بحث و جدله"

طبق گفته زنان، اعتراض و نارضایتی آنها نسبت به برخی رفتارهای همسرشان مانند اعتیاد و بی توجهی به آنها، دخالت های خانواده در زندگی خصوصی و زناشویی که باعث افزایش تنش بین زن و مرد می شود و در نهایت مشغولیت و فعالیت های مربوط به فرزندان مانند وضعیت درس خواندن آنها یا پر سر و صدا بودنشان موجب ایجاد خشونت هایی در خانواده می شود. زن مدرن دارای تحصیلات بوده و بدین واسطه آگاهی از حقوق خود دارد و همچنین شاغل بوده و دارای استقلال مالی است و به همین دلیل در برابر بسیاری از رفتارهای ناپسند همسرش مقاومت کرده و اظهار نارضایتی می کند که این امر موجب ایجاد تنش و خشونت هایی بین زنان و همسرشان می شود. به عقیده ی آنها مردان در برابر بچه ها و چالش هایی که دارند صبور نبوده و تلاش می کنند برای حل مسائل مربوط به آنها از خشونت استفاده کنند. البته که دخالت های بی مورد خانواده ها در امور خصوصی زن و مرد و تصمیم گیری های آنها موجب نارضایتی زنان شده و در نهایت بحث و تنش و خشونت بین آنها و همسرشان به وجود می آید.

تم ی) اقتصاد، ابزار خشونت^۱

جدول ۴-۱۲- اقتصاد، ابزار خشونت

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
EI	مسائل اقتصادی ^۲	نحوه خرج کردن پول، تورم و گرانی، برنامه ریزی های مالی عاملی است که منجر به بحث و خشونت بین زن و مرد می شود.

¹ Economy, a tool of violence

² Economic issues

SM	خرج کردن پول زن ^۱	زنان شاغل دارای استقلال مالی بوده و بسیاری از مردان از این امر سوء استفاده کرده و از درآمد زن برای مصارف شخصی و فردی خود بهره میبرند.
NS	بی توجهی به نیازهای مادی زن (خرجی ندادن) ^۲	برخی از مردان به بهانه اشتغال زنان و استقلال مالی آنها نسبت به نیازهای مالی و اقتصادی‌شان بی توجه بوده و به صرف اینکه همسرشان کار میکند احساس مسولیت نمی کنند و فکر می کنند که زن باید خودش از پس تامین نیازهای خود برآید.

تم ی) اقتصاد، ابزار خشونت

مجموع تم‌های سازنده تم ی) مسائل اقتصادی، خرج کردن پول زن و بی توجهی به نیازهای مادی زن (خرجی ندادن) با کدهای معرف NS، SM، EI، هریک جداگانه به کمک تلفیق و ترکیب مفهوم‌های متصل به خود تعریف شده‌اند. گرانی و تورم، نحوه خرج و مخارج، برنامه ریزی‌های مربوط به مسائل مالی گاهی باعث می شود تا زن و شوهر دچار چالش شده و خشونتی در این میان شکل بگیرد همان طور که زیبا می گوید:

"یه چیز دیگه ای هم که خیلی تاثیر میزاره اوضاع اقتصادی. مثلاً یه وقتی اگه شوهرم خیلی ولخرجی کنه من صدام در

میاد یا برعکس اگه چکی چیزی داشته باشه من ولخرجی کنم اون اعتراض میکنه و میگه یه خرده کمتر خرج کن"

یا مهناز در تجربه مشابه دیگری می گوید:

"بیشتر سر مسائل اقتصادی مثلاً بهش میگم چرا فلان چیز رو خریدی یا چرا فلان کارو کردی و ما فلان تاریخ فلان چک

رو داریم بزار باشه اونو پاس کنیم ولی اون میگه خدا بزرگه چک هم پاس میشه در صورتی که پاس میشه ها ولی خیلی باید

حرص بخوریم و منم یه جوریم که باید از قبل پول این چک تو حسابم باشه تا خیالم راحت باشه اما همسرم نه شاید تا خود

روزی که چک داریم هم دنبال جور کردن پولش باشه اما من اینجوری نمیتونم من فکر میکنم این حتی بخاطر تفاوت بین

شغل هامونه کسی که شغل آزاد داره یه جورایی فرق داره با کارمندی. کارمندی ها حساب کتابشون نظم بیشتری داره و دقیق

تره اما ایشون چون شغلش آزاده نهایتش به صاحب چک زنگ میزنه میگه صبر کن یه روز دو روز ولی من اصلاً نمیتونم همچین

کاری بکنم من باید یکی دو روز قبل پول تو حسابم باشه تا چک پاس بشه"

برخی از مردان از استقلال مالی و اقتصادی زنان سوء استفاده کرده و حقوق و درآمد زنان را بدون رضایت آنها صرف امور

شخصی و فردی خود می کنند همانطور که الهام می گوید:

"مسکن ملی ثبت نام کردم با کلی بدبختی پولش رو جور کردم و چون اون سرپرست خانوار بود باید پولو میریختم به

حساب اون تا واریز کنه برای مسکن ملی اما وقتی پولو ریختم تو حسابش تمامش رو خرج کرد و گف تو پولی به من ندادی"

برخی مردان نسبت به نیازهای مالی و اقتصادی همسرانشان بی توجه هستند زیرا عقیده دارند آنها شاغل بوده و دارای

استقلال مالی هستند و دیگر احتیاجی به مرد برای تامین نیازهای مادیشان ندارند. همانطور که مطهره می گوید:

¹ Spending a woman's money

² Neglecting a woman's material needs (not spending)

"خب یه جاهایی هم مرد ها وقتی میبینن زن داره کار میکنه دیگه کامل خودشونو میکشن کنار و یه وقت چیزی هم بخوای با یه کلمه ی ندارم تمومش میکنن. وقتی ارزش پول میخوام یه کلمه سریع میگه ندارم و منم خب فکر میکنم چون خودم میام سرکار اینطوری میگه"

همچنین سمیه در این مورد می گوید:

"تا حالا هیچی خرج من نکرده نه لباس بگیره نه هیچی و خرجی پسر هم با خودمه از همون اول که به دنیا اومد خودم خرجش رو میدادم خب برای همین نیاز داشتم به این کار کردنه"

علی رغم اینکه اقتصاد و استقلال مالی یک ابزار برای قدرتمند و توانمندسازی زنان محسوب می شود اما در عین حال منجر به بروز خشونت هایی علیه آنها نیز می شود. برخی از مردان درآمد زنان را برای مصارف شخصی و فردی خود استفاده می کنند و از استقلال مالی آنها سوء استفاده می کنند. همچنین نسبت به نیازهای مالی زن بی اهمیت شده و با تصور اینکه زن شاغل دارای درآمد است و می تواند هر چه می خواهد را خودش فراهم کند اهمیتی به نیازهای مادی او نمی دهند. در صورتی که زنان بیان می کردند که بخش اعظمی از درآمد خود را صرف مخارج خانه و خانواده کرده و برای تأمین برخی از مایحتاج خود نیازمند کمک همسرشان هستند.

۴-۲- شمای کلی تم ها

۲ تم فراگیر از مصاحبه ها به دست آمده که عبارت اند از: مردانگی تجویز یا تهدید شده، زنانگی از دست رفته. همچنین ۱۲ تم سازمان دهنده، الف، ب، پ، ث، ح، خ، د، ز، ش، ص، ع، ی و ۳۶ تم پایه دست یافتیم که در زیر به آن اشاره می کنیم:

PP, FI, RC, SP, TF, WE, SE, CW, SW, TD, SH, OI, BW, TH, TO, SN, IW, AW, EO, PE, RP, LV, EW, WR
NS, SM, EI, CC, IF, OV, EV, EM, DB, KV, GA, JL

تم فراگیر مردانگی تجویز یا تهدید شده، شامل ۷ تم سازمان دهنده الف، ب، ح، خ، د، ز، ع هست و هریک از این تم ها، از چند تم پایه ساخته شده اند که در زیر به توضیح آنها می پردازیم.

تم الف: تمامیت خواهی مردانه، که شامل ۲ تم پایه به نام های زن حق اظهار نظر ندارد، زن تحصیل کرده صاحب نظر است و با کدهای معرف EW, WR شناخته می شود.

تم ب: خشونت میراث خانوادگی با ۲ تم پایه با مشخصات یادگیری خشونت از پدر، فراگیری الگوی خشن با کدهای RP, LV.

تم ج: این تم متشکل از سه تم سطح اول با کدهای معرف BW, TH, TO است که دلالت بر خشونت یا تهدید، خطری برای زندگی دارد و شامل سه تم پایه با عنوان های زیر است: پرت کردن اشیاء، تهدید، کتک زدن و زخمی کردن.

تم خ: پنج تم سطح اول با کدهای معرف CW, SW, TD, SH, OI در مجموع بر سازنده تم خ هستند. این تم دلالت بر خشونت کلامی و روانی، سایه های شوم دارد. عنوان تم های پایه که سازنده تم خ هستند عبارت اند از: فحاشی و توهین به زن و خانواده او، داد و فریاد کردن بر سر زن، تهدید به طلاق و بیکار کردن زن، تهمت زدن به زن، خیانت به زن.

تم د: فقدان حمایت و تشویق، تم یاد شده مجموع دو تم سطح اول با کد معرف WE, SE را در بر می گیرد که شامل ۲ تم پایه با عنوان زیر است: عدم حمایت و تشویق زنان، عدم رضایت از اشتغال زنان.

تم ز: تم‌های سطح اول با کدهای معرف GA، JL، PP، FI، RC، SP، TF بر سازنده تم ز است. این تم دلالت بر راهکارهای زنان برای مقابله با خشونت، از سکوت تا اقدام دارد و شامل ۷ تم پایه است به شرح زیر است: صحبت و گفتگو و تلاش برای اتمام بحث، سکوت و حفظ آرامش، مراجعه به مشاوره، دخالت دادن خانواده، دعا گرفتن و دعا کردن، شوخی و خندیدن، قهر کردن.

تم ع: مجموع تم‌های سازنده تم ع، اعتراض زن به مسائل گوناگون، دخالت خانواده‌ها، فرزندان و چالش‌های آنها با کدهای معرف CC، IF، OV هستند که بر خشونت برای زن مدرن دلالت دارند.

این تم به تهدید یا تجویز شدن مردانگی اشاره دارد و به این موارد می‌پردازد که تمامیت خواهی مردانه، فقدان حمایت و تشویق زنان در امور مختلف به خصوص در زمینه اشتغال و تحصیل آنها باعث ایجاد خشونت علیه زنان تحصیل کرده شاغل می‌شود. خشونت فیزیکی یا تهدید زنان که خطری برای زندگی آنهاست و خشونت کلامی و روانی که سایه‌هایی شوم در زندگی زنان هستند، الگوهای خشنی که مرد از خانواده خود فرا گرفته نشان دهنده ی خشونت است که علیه زنان اعمال می‌شود. همچنین زنان در مقابل این خشونت‌ها راهکارهایی دارند که با به کار بستن آنها سعی در مدیریت و کاهش خشونت دارند.

تم فراگیر زنانگی از دست رفته، شامل ۶ تم سازمان‌دهنده پ، ث، ز، ص، ش، ی هست و هریک از این تم‌ها، از چند تم پایه ساخته شده‌اند که در زیر به توضیح آنها می‌پردازیم.

تم پ: اقتصاد، اهرم توانمندسازی زنان، که شامل ۲ تم به نام‌های مشارکت زن در امور اقتصادی، فراهم کردن امکانات اقتصادی توسط مردان و با کدهای معرف EO، PE شناخته می‌شود.

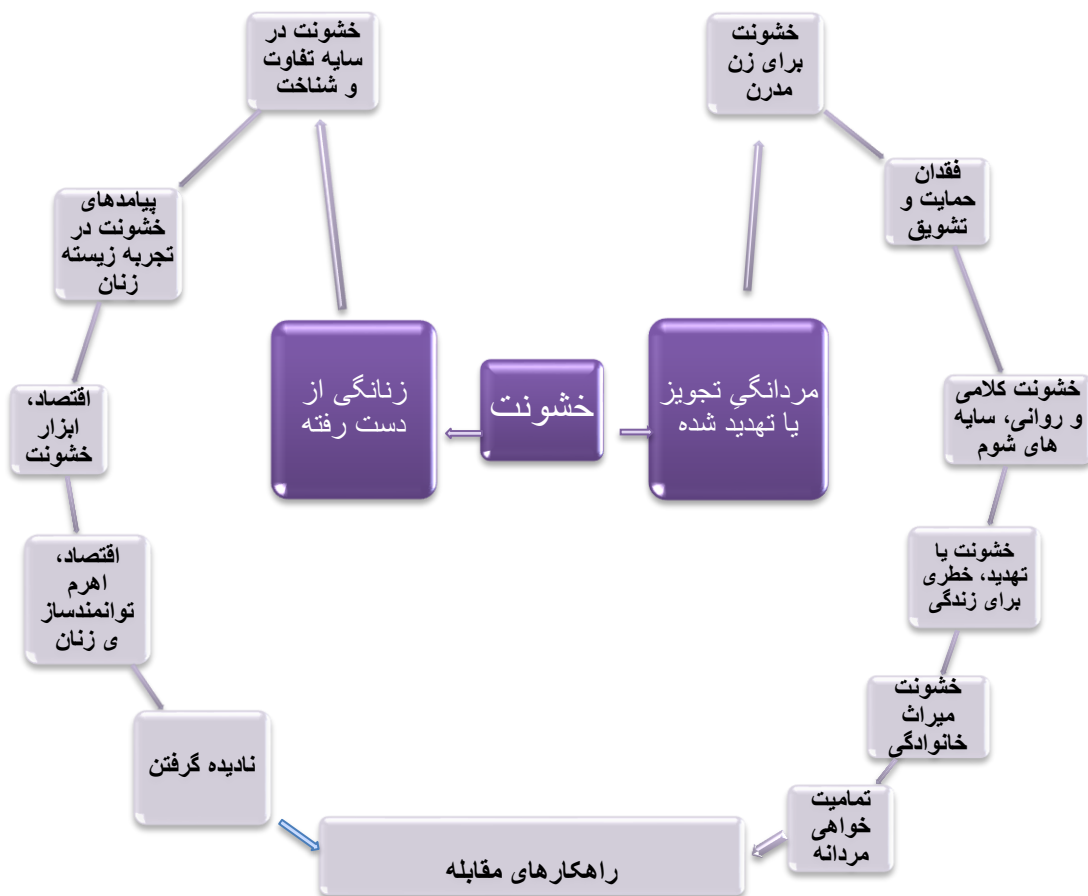
تم ث: سه تم سطح اول SN، IW، AW در مجموع بر سازنده تم ث هستند. این تم دلالت بر نادیده گرفتن دارد که شامل ۳ تم پایه توجه به زن و نیازهای عاطفی او، بی توجهی به زن و نیازهای عاطفی او و بی توجهی به نیازهای جنسی زن می‌شود. تم ص: دو تم سطح اول EV، EM در مجموع بر سازنده تم ص هستند. این تم دلالت بر این نکته دارد که پیامدهای خشونت در تجربه زیسته زنان است. تم‌های پایه عبارت‌اند از: تجربه افسردگی و اختلالات روانی زنان، تجربه فرزند خشن و دارای اختلالات روانی.

تم ش: این تم متشکل از دو تم سطح اول با کدهای معرف DB، KV است که دلالت بر خشونت در سایه تفاوت و شناخت دارد و تم‌های پایه عبارت‌اند از: شناخت عامل کاهش خشونت، درک تفاوت‌های زن و مرد.

تم ی: اقتصاد، ابزار خشونت، این تم متشکل از ۳ تم سطح اول با کدهای NS، SM، EI است که شامل تم‌های پایه مسائل اقتصادی، خرج کردن پول زن، بی توجهی به نیازهای مادی زن (خرجی ندادن) می‌شود.

تم ز: تم‌های سطح اول با کدهای معرف GA، JL، PP، FI، RC، SP، TF بر سازنده تم ز است. این تم دلالت بر راهکارهای زنان برای مقابله با خشونت، از سکوت تا اقدام دارد و شامل ۷ تم پایه است به شرح زیر است: صحبت و گفتگو و تلاش برای اتمام بحث، سکوت و حفظ آرامش، مراجعه به مشاوره، دخالت دادن خانواده، دعا گرفتن و دعا کردن، شوخی و خندیدن، قهر کردن.

این تم به زنانگی از دست رفته اشاره دارد و به این موارد می‌پردازد که نادیده گرفتن زنان باعث غفلت از روح زنانه می‌شود، علی‌رغم اینکه اقتصاد یک اهرم برای توانمندسازی زنان است اما در عین حال ابزاری برای اعمال خشونت بر آنها نیز بوده و خشونت در سایه ی تفاوت و شناخت نیز علیه زنان اعمال می‌شود که آنها راهکارهای متنوعی در مواجهه با این خشونت‌ها دارند.



شکل ۴-۲- سطوح سه گانه‌ی تم ها

در رابطه با شکل و نقشه تماتیک، شاید بتوان آنچه در هم نشینی و هم صحبتی با افراد مورد مطالعه حاصل شد را در قالب روایتی با عنوان خط روایی داستان خوشونت علیه زنان به شرح زیر درآورد. این داستان حاصل واقعیتی است که از تجارب زیسته زنان خوشونت دیده‌ی شهر کاشان به دست آمده است. به نظر می‌رسد تمام مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش، امکان تجسم و جایایی خود در سطور این داستان را پیدا کنند.

روایت‌هایی که زنان درمورد خوشونت داشتند بسیار متنوع بود. در نگاه اول وقتی آنها را ملاقات می‌کردم انگار اصلاً مشکلی در زندگی نداشته و همه‌ی امور بر وفق مرادشان است و زندگی به کام. در برخورد اول بسیار سرحال و سرزنده با رویی گشاده شروع به صحبت می‌کردند اما وقتی سوالات مطرح می‌شد؛ گویی حقیقت تلخ زندگی بر صورتشان سیلی زده و ناگهان نقابی که بر چهره گذاشته بودند از رخ آنها فرو افتاده و با چشم‌هایی اشکبار گفتگو را آغاز می‌کردند. خوشونت‌هایی که زیر سایه‌ی مردانگی تجویز یا تهدید شده و یا زنانگی از دست رفته علیه آنها اعمال می‌شد.

زنانی که اطلاعات بالا و تجربیات کاری فراوانی داشتند و در محل کار خود کارشناسی می‌کردند اما در محیط خانه باید برای نظردهی و مشارکت، لباس رزم بر تن کرده و به جنگ با همسرشان بروند تا بتوانند نظر خود را در امور مختلف به کار ببرند. زنی که دارای فوق لیسانس و کارمند فرمانداری بوده با ظاهری محکم و با اعتماد به نفس، بسیاری از مسائل پیچیده‌ی کاری را حل و فصل می‌

کند اما وقتی پایش را از در خانه داخل می گذارد؛ تبدیل می شود به زنی سرخورده که باید برای کوچک ترین تصمیم گیری ها همسر خود را دشمنی فرض کند که باید با او بجنگد.

بی توجهی مرد به زن فقط نسبت به نظرات و پیشنهادات او نبوده و بُعد عاطفی و جنسی را نیز شامل می شود. زنی که نیروی خدماتی بیمارستان با تحصیلات لیسانس بود با چشم هایی که بی اراده از آنها اشک سرازیر می شد به گوشه ی میز خیره شده و می گفت: اصلاً به من توجه نمی کنه من حتی بهش میگم بیا منو کتک بزن اما بهم توجه داشته باش. میگم من یه بچه دیگه میخوام اما هیچ توجهی نداشت و همش بهونه داشت که خونمون یه خوابه است در صورتی که روزایی که دخترم بیرون می رفت اونم از خونه میزد بیرون.

البته توجه و بی توجهی مانند لبه ی تیز شمشیر بودند که هر کدام باعث خراشیدن روح زنان می شدند. زنی دیگر که او هم دارای لیسانس و از نیروهای خدماتی بود؛ شکاکیت شوهر خود را باعث تیره و تار شدن زندگیش میدانست و با وجود پسر کوچکش راهی جزء طلاق را چاره ندانسته و با صدای خیلی آرام و محتاطانه، گویی که از یک جرم صحبت می کند؛ با شرم گفت که تصمیم به جدایی گرفته و از توجه افراطی همسرش به رفتارهایش و کتک زدن، زندانی کردن و محدود کردن روابطش به ستوه آمده است. فقدان حمایت و عدم رضایت مردان از اشتغال زنان، فحاشی و توهین به او و خانواده اش، داد و فریاد بر سر زن، تهمت زدن به او، خیانت به زن، خرجی ندادن به او و حتی خرج کردن پولش گوشه ای از خشونت هایی است که زنان با آنها روزگار گذارنده و دست و پنجه نرم می کنند البته که زن مدرن امروزه که هم دارای تحصیلات بوده و به واسطه ی اشتغال استقلال مالی دارد؛ دیگر مانند گذشته شرایط نامطلوب زندگی را تحمل نمی کند و با اعتراض نسبت به رفتارهایی که آزارش می دهد به چاره اندیشی می پردازد. گاهی زنان برای حفظ زندگی خود راهی عاقلانه را انتخاب کرده و در تعریف قصه ی زندگیشان من را می بردند پشت در اتاقی که در آن روانشناس نشسته بود و گاهی راه حل هایی غیرعلمی را انتخاب کرده و دست به دامن دعانویس ها و جادوگران می شدند اما در این میان بودند زنانی آگاه و هوشیار که خودشان دست به کار شده و کفش های آهنین به پا کرده و با صحبت و گفتگو برای حل مسائل، تبدیل خشم و عصبانیت به شوخی و خنده، سکوت و ایجاد فرصت برای آرام شدن فضای مسموم و خشونت آلود و حتی قهر کردن برای رسیدن به زندگی مطلوب تلاش می کردند. ناگفته نماند که در این مسیر غبار خستگی روی روح و روان زنان نشسته و اضطراب، افسردگی، انزوا، کاهش اعتماد به نفس و... از پیامدهایی بودند که این تجربیات روی ذهن و روان آنها به یادگار گذاشته بود.

فصل پنجم: نتیجه گیری

۱-۵- نتیجه گیری

این پژوهش با هدف فهم تجربه زیسته زنان تحصیل کرده ی شاغل از خشونت خانگی انجام شده است. این تحقیق دارای چهار هدف اصلی بوده که عبارت اند از: فهم نوع خشونت اعمال شده بر روی زنان تحصیل کرده ی شاغل، شناخت بسترهایی که منجر به خشونت علیه زنان تحصیل کرده ی شاغل می شود، فهم تجربه زیسته زنان تحصیل کرده ی شاغل از موقعیت های خشونت، شناخت استراتژی که زنان تحصیل کرده ی شاغل در مواجهه با خشونت دارند.

پدیدارشناسی همواره به تجربیات آگاهانه و پیش فرض بودن زندگی تاکید می کند؛ یعنی به مطالعه ی جهان اجتماع همان گونه که هست می پردازد، نه آنطور که محقق می خواهد باشد یا می خواهد با فرضیات و آزمایش ها بررسی کرده و بیازماید. روش گردآوری اطلاعات مصاحبه می باشد و قلمرو تحقیق حاضر شهر کاشان در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ و زنانی است که شاغل و تحصیل کرده بودند. روش نمونه گیری در تحقیق حاضر به صورت غیراحتمالی و در دسترس انجام شده است. از نظر حجم نمونه نیز آن زمان که مصاحبه ها به اشباع داده رسید فرآیند مصاحبه متوقف شد. در تحقیق حاضر مصاحبه با ۲۲ نفر از زنان شاغل تحصیل کرده شهر کاشان صورت پذیرفته است. مشخصاتی مبنای تحقیق بود که نمونه ها بر اساس این فاکتورها انتخاب شوند. این فاکتور ها عبارت اند از: میزان تحصیلات و ریشه تحصیلی زنان، میزان تحصیلات همسرشان، وضعیت شغلی زنان و همسرشان، میزان درآمد زنان و همسرشان را شامل شود. همچنین تعداد سال های اشتغال، تعداد سال های ازدواج و تعداد فرزندان نیز مد نظر بود. پژوهش حاضر سعی دارد تا سویه های نظری مرتبط با پژوهش حاضر را باز کند و اندیشه های نظری اندیشمندان پیشین را بازگشایی کند تا دریچه های تفسیری تازه ای به مسئله گشوده شود.

در تحقیق حاضر جهت مشارکت هر چه بهتر مصاحبه کنندگان و ارائه ی پاسخ های دقیق تر از آنان در فرایند مصاحبه، با وجود هر چه ساده تر کردن پرسش ها، در حین انجام مصاحبه نیز به ارائه ی راهنمایی هایی پیرامون پرسش ها بدون ایجاد هرگونه سوگیری و جهت دهی ذهنی به مخاطب پرداخته شده است. این پژوهش با رضایت آگاهانه افراد و حفظ گمنامی آن ها و رازداری انجام پذیرفته است. در این پژوهش ارجاع به منابع و وفاداری به نام نویسندگان مقالاتی که در خلال مباحث از آن ها استفاده شده است به درستی رعایت شده است و در فرآیند مصاحبه زمان مصاحبه را اشخاص تعیین می کردند و متعاقبا مصاحبه با آن ها صورت می پذیرفت.

در پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوالات هستیم:

- ۱- چه نوع خشونت هایی در خانواده علیه زنان تحصیل کرده ی شاغل اعمال می شود؟
- ۲- شناخت بسترهایی که منجر به خشونت علیه زنان تحصیل کرده ی شاغل می شود کدام است؟
- ۳- زنان تحصیل کرده ی شاغل چه تجربه ای از خشونت دارند؟
- ۴- استراتژی های زنان تحصیل کرده ی شاغل در مواجهه با خشونت کدام است؟

سوال اول: چه نوع خشونت هایی در خانواده علیه زنان تحصیل کرده ی شاغل اعمال می شود؟

در این پژوهش نوع خشونت هایی که در خانواده علیه زنان تحصیل کرده ی شاغل اعمال می شود شامل ۶ تم سازمان دهنده هست و هر یک از این تم ها، از چند تم پایه ساخته شده اند که در زیر به توضیح آن ها می پردازیم. این تم ها عبارتند از: تمامیت

خواهی مردانه، نادیده گرفتن، خشونت یا تهدید خطری برای زندگی، خشونت کلامی و روانی سایه های شوم، فقدان حمایت و تشویق، اقتصاد ابزار خشونت.



شکل ۵-۱- انواع خشونت علیه زنان تحصیل کرده شاغل

تم تمامیت خواهی مردانه شامل ۲ تم پایه زن حق اظهار نظر ندارد، زن تحصیل کرده صاحب نظر است می شود. تم نادیده گرفتن شامل ۳ تم پایه توجه به زن و نیازهای عاطفی او، بی توجهی به زن و نیازهای عاطفی او، بی توجهی به نیازهای جنسی زن می شود.

تم خشونت یا تهدید، خطری برای زندگی که شامل ۳ تم پایه پرت کردن اشیاء، تهدید، کتک زدن و زخمی کردن می شود. تم خشونت کلامی و روانی، سایه های شوم که فحاشی و توهین به زن و خانواده او، داد و فریاد کردن بر سر زن، تهدید به طلاق و بیکار کردن زن، تهمت زدن به زن و خیانت به زن از تم های پایه آن هستند.

تم فقدان حمایت و تشویق که شامل عدم حمایت و تشویق زنان، عدم رضایت از اشتغال زنان می شود. تم اقتصاد، ابزار خشونت نیز شامل تم های پایه ی مسائل اقتصادی، خرج کردن پول زن، بی توجهی به نیازهای مادی زن (خرچی ندادن) می شود.

یکی از خشونت هایی که علیه زنان تحصیل کرده ی شاغل اعمال می شود عدم حمایت و تشویق مردان در خانواده از آنهاست. زنان انتظار داشتند که همسرشان از آنها برای ادامه تحصیل و پیشرفت در کار حمایت کرده و در این مسیر مشوق آنها باشند در صورتی که خلاف این امر اتفاق افتاده و به نظر زنان، همسرانشان اشتغال آنها را عاملی می دانند که باعث آسیب رسیدن به روابط زناشویی شده و تهدیدی است برای نقش های سنتی زنان، در درجه ی اول به عنوان یک همسر و سپس یک مادر. اما زنان اظهار می کردند که تمام تلاش خود را به کار می برند تا لطمه ای به زندگی زناشویی و نقش ها و وظایف متعددی که دارند وارد نشود و در این راه فقط قدری حمایت و تشویق همسرانشان را نیاز دارند که از آنها دریغ می شود.

زنان به دلیل این که دارای تحصیلات دانشگاهی و شاغل بودند خود را کارشناس دانسته و عقیده داشتند می توانند در تمام امور در زندگی مشترک اظهار نظر کنند زیرا به عقیده آنها، اطلاعات و دانش مطلوبی نسبت به دیگر زن ها دارند، زن هایی که تحصیلات پایه و ابتدایی داشته و شاغل نیز نیستند. از همین رو عقیده داشتند که به لحاظ عملی و علمی شایستگی اظهار نظر در مورد مسائل مختلف از جمله مسائل شخصی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی را دارند در صورتی که در بسیاری از مواقع همسرانشان به عنوان فردی

که سرپرست خانواده است به آنها اجازه اظهارنظر در مورد مسائل گوناگونی مانند: تربیت فرزندان، مدیریت امور مالی، مدیریت روابط و... را نداده و با آنها مشورتی نمی کنند و این امر زمینه ی ایجاد خشونت را فراهم می کند.

از نظر زنان اشتغال آنها باعث شده تا به استقلال مالی رسیده و همین امر موجب شده تا همسرانشان از موقعیت آنها سوء استفاده کرده و از درآمدهای زنان برای مصارف شخصی و فردی خود بهره ببرند و از طرفی برخی مردان به بهانه ی اشتغال همسرانشان نسبت به نیازهای مادی و اقتصادی آنها بی توجه بوده و از تامین نیازهای زنان شانه خالی می کنند. البته برخی زنان نیز اظهار داشتند که تورم و گرانی باعث شده تا گاهی با همسرانشان در مورد مسائل اقتصادی به چالش و اختلاف برسند و بحث هایی حول محور برنامه ریزی های مالی داشته باشند.

زنانی که دارای تحصیلات کمتر (لیسانس) و موقعیت شغلی پایین تر (کارگر، نیروی خدماتی) بودند خشونت فیزیکی را تجربه کرده و از سوی همسرشان مورد اذیت و آزارهای جسمی قرار گرفته و آسیب هایی را از طریق ضرب و شتم و کتک خوردن و زخمی شدن دیده بودند. در میان تجارب آنها تهدید به کشته شدن با سلاح سرد (چاقو) نیز وجود داشت. تهدیدی که در نهایت منجر به ایجاد یک زخم و یک اثر بدنما زیر گلوی زن شده بود. البته که پرت کردن اشیاء در هنگام بحث و دعوا از سوی همسرشان یک امر بدیهی بوده و بسیار ساده و عادی درباره این مورد صحبت کرده و گویی عادت به دیدن چنین عکس العمل هایی داشتند.

از سوی دیگر زنانی که دارای تحصیلات بالاتر (فوق لیسانس، دکتری) و موقعیت شغلی بهتر (کارمند، پرستار، پاتولوژیست و...) بودند خشونت روانی، عاطفی و کلامی را تجربه کرده و در بین آنها اصلاً خشونت فیزیکی رایج نبود. گویی تحصیلات و موقعیت شغلی آنها باعث شده تا آگاهی بیشتری نسبت به حقوق خود در خانواده و اجتماع داشته باشند و همین امر باعث دستیابی آنها به قدرتی نسبی در خانواده شده و در نهایت شکل خشونتی که علیه آنها اعمال می شود تغییر یافته و خشونت های نرم تری علیه آنها صورت می گیرد. البته زنان به این نکته اشاره داشتند که خشونت روانی، عاطفی و کلامی تاثیرات مخربی بر ذهنیت، افکار و زندگی آنها گذاشته و اثرات آن را گاهی سهمگین تر از خشونت فیزیکی می دانستند. به عقیده ی آنها خشونت فیزیکی قابل لمس و مشاهده بوده و حتی در مراجع قانونی به راحتی قابل پیگیری است در صورتی که خشونت روانی و عاطفی نمود بیرونی نداشته و آثار مخرب آن روی فکر و ذهن زنان باعث می شود تا در تمام جنبه های زندگی دچار مشکل شوند.

در جدول ۵-۱ خلاصه مطالب برای درک بهتر ارائه شده است.

جدول ۵-۱- انواع خشونت علیه زنان تحصیل کرده شاغل

تم سازمان دهنده	تم پایه مرتبط با تم سازمان دهنده
تمامیت خواهی مردانه	۱- زن حق اظهار نظر ندارد ۲- زن تحصیل کرده صاحب نظر است
نادیده گرفتن	۱- توجه به زن و نیازهای عاطفی او ۲- بی توجهی به زن و نیازهای عاطفی او ۳- بی توجهی به نیازهای جنسی زن
خشونت یا تهدید، خطری برای زندگی	۱- پرت کردن اشیاء ۲- تهدید

خشونت کلامی و روانی، سایه های شوم	۳- کتک زدن و زخمی کردن ۱- فحاشی و توهین به زن و خانواده او ۲- داد و فریاد کردن بر سر زن ۳- تهدید به طلاق و بیکار کردن زن ۴- تهمت زدن به زن ۵- خیانت به زن
فقدان حمایت و تشویق	۱- عدم حمایت و تشویق زنان ۲- عدم رضایت از اشتغال زنان
اقتصاد، ابزار خشونت	۱- مسائل اقتصادی ۲- خرج کردن پول زن ۳- بی توجهی به نیازهای مادی زن (خرجی ندادن)

نتایجی در این تحقیق به دست آمده است که با نظریه ی نقش ها منطبق است. نقش ها شخصیت اجتماعی افراد را می سازند و انسان ها در طول زندگی خود نقش های متنوعی را برعهده داشته و مانند بازیگران در صحنه ی نمایش به ایفای نقش های خود می پردازند. نقش های اجتماعی جزء آن دسته از فعالیت های اجتماعی هستند که انتظارات خاصی را می طلبند و افراد متناسب با نقش هایی که بر عهده دارند می بایست انتظارات دیگران از آنها را برآورده کنند. بر اساس نقش ها تفکیک وظایف صورت می گیرد. کار نقش اجتماعی اولیه مردان است و از آنها انتظار می رود که تعهد اجتماعی خود را مبنی بر فراهم کردن امکانات و منابع در جهت حمایت از خانواده خود را انجام دهد. در مقابل زنان نیز دارای نقش های خاصی هستند که باید آنها را ایفا کرده و انتظارات را برآورده کنند. نقش زن ایجاد روابط عاطفی در بین اعضای خانواده، تربیت فرزندان و خانه داری است. از نظر پارسونز که یکی از اندیشمندان نظریه ی نقش هاست، این تقسیم نقش ها باعث نظم خانوادگی می شود و ایجاد تغییر در هر یک از آن ها باعث بهم خوردن تعادل زندگی می شود. اشتغال زنان باعث ایجاد نابسامانی و ناهماهنگی در خانواده شده و در تامین نیازهای عاطفی همسرانشان و تربیت فرزندان و همچنین کارهای منزل اختلال به وجود می آورد و همین امر موجب نارضایتی مردان از اشتغال آنها شده و از ادامه تحصیل دادن زنان و یا اشتغال آنها جلوگیری می کنند. زنان نیز از اینکه از سوی همسرشان مورد حمایت قرار نگرفته و تشویق نمی شوند ناراضی بوده و این عمل همسر خود را به مثابه ی نوعی خشونت تلقی می کنند و عقیده دارند تمام تلاش و انرژی خود را صرف می کنند تا بتوانند در این مسیر تمام نقش هایی که بر عهده دارند را به خوبی ایفا کرده و فقط کمی نیاز به همدلی و همراهی همسر خود از طریق حمایت و تشویق دارند البته زنانی هم بودند که از حمایت و تشویق همسرشان رضایت داشته و از کمک های بی دریغ آنها در مسیر پیشرفت تحصیلی و شغلی خود تعریف می کردند.

بر اساس نظریه ی پدرسالاری (مردسالاری) رابطه ی ناعادلانه ی قدرت در بین زن و مرد وجود دارد که در این رابطه زن سرکوب و نادیده گرفته می شود و بدین صورت یک الگوی ستمگری در جامعه شکل می گیرد که در آن مردها صاحب قدرت و نفوذ بوده و از این قدرت و نفوذ بیشتر در روابط خانوادگی استفاده می کنند. در این پژوهش نیز گروه اندکی از زنان عقیده داشتند مردان به عنوان سرپرست خانوار دارای قدرت و نفوذ بیشتری در اجتماع و خانواده بوده و به زنان در بسیاری از مسائل و تصمیم گیری ها حق

اظهار نظر داده نمی شود در صورتی که زنان خود را به واسطه ی تحصیلات دانشگاهی و شغلی که دارند کارشناس دانسته و بنظرشان آنقدر دانش و اطلاعات دارند که بتوانند در امور مختلف صاحب نظر بوده و شایسته ی مشورت باشند اما تعداد کمی از شرکت کنندگان نیز عقیده داشتند به خاطر تحصیلات و اشتغال دارای قدرت بیشتری در خانواده هستند و تصمیم گیری در امور مختلف مانند: مسائل مالی، برنامه ریزی های زندگی، تربیت فرزندان و... بر عهده ی آنها بوده و همسرشان آزادی انتخاب و آزادی عمل بیشتری به آنها می دهند زیرا زنان را به واسطه ی تحصیلات و اشتغالشان آگاه و مدیر و توانمند می دانند.

زنانی که دارای تحصیلات کمتر (لیسانس) و موقعیت شغلی پایین تر (کارگر، نیروی خدماتی) بودند بیشتر مورد آزار و اذیت فیزیکی قرار گرفته و زنانی که تحصیلات بیشتر (فوق لیسانس و دکتری) و موقعیت شغلی بالاتر (کارمند، پرستار، پاتولوژیست و...) داشتند بیشتر خشونت هایی با شکل نرم تر را تجربه کرده بودند و اصلاً خشونت فیزیکی در بین آنها رایج نبود یعنی هر چه منابع در دسترس زنان بیشتر می شود قدرت آنها نیز بیشتر شده و این نتیجه با نظریه ی منابع منطبق است. طبق این نظریه برحسب منابع است که در خانواده قدرت توزیع شده و مانند گذشته مردان فقط صاحب منابع و قدرت نبوده و زنان نیز به واسطه ی تحصیلات دانشگاهی و اشتغال و حضور پررنگ در اجتماع منابع مختلفی را کسب کرده و در این زمینه حتی با همسر خود به رقابت می پردازند. این امر موجب شده تا مردان نتوانند به راحتی با اعمال خشونت فیزیکی زنان را سرکوب کنند زیرا آنها دارای منابع و قدرت هستند اما بهر حال این به منظور از بین رفتن خشونت علیه زنان نیست بلکه تنها نوع خشونت تغییر کرده و به اشکال نرم تر درآمده است و زنان هنوز هم با وجود منابعی که کسب کردند مورد خشونت روانی، عاطفی و کلامی قرار می گیرند.

پیشینه ها نیز به نتایجی دست یافتند که با نتایج تحقیق منطبق است. یزد خواستی و شیر (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان "ارزش های پدرسالاری و خشونت علیه زنان" به بررسی این پدیده پرداختند. در این تحقیق روش مورد استفاده مصاحبه ی عمیق بوده که با نمونه مورد نظر یعنی ۳۰ نفر از زنانی که به مرکز مشاوره شهر آمل مراجعه کرده بودند و از طرف همسران خود خشونت را تجربه کرده بودند انجام شد. یافته های این تحقیق بیانگر این است که اکثر زنان، زمانی مورد خشونت همسران خود قرار گرفتند که در حال جدل بر سر رابطه ی رئیس و مرئوسی در محیط خانواده بودند؛ یعنی به عبارت دیگر پایداری زنان در مقابل بینش ابزاری به خود و عدم پذیرش محروم ماندن از تحصیل و اشتغال برای اقتدار و قدرت مردان تهدید تلقی شده و مردان برای جلوگیری از این امر به خشونت دست زدند. علاوه بر این طبق نتایج بدست آمده مدرنیته باعث افزایش قدرت شناختی زنان نسبت به منابع حائز اهمیتی مثل تحصیلات و اشتغال بوده، که عاملی برای افزایش آگاهی آنها به نابرابری جنسیتی در محیط خانواده است و باعث می شود تا در آنها علاقه ای برای بازتعریف هویتشان در جامعه مدرن به روشی که از هویت های معین در جامعه سنتی متفاوت است؛ ایجاد شود، که خود این امر باعث به وجود آمدن ظرفیت ها و توانایی های مقاومت شده است.

ملکی و نژاد سبزی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان رابطه مولفه های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد به بررسی این پدیده پرداختند. در این تحقیق تلاش شده بود تا با توجه به روابط موجود در خانواده، تاثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن را بر خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد بررسی کند. زنان متأهل تحت پوشش مراکز بهداشتی-درمانی جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق بوده اند که با روش پیمایش ۳۸۳ نفر انتخاب شدند. نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که کمترین نوع خشونت علیه زنان خشونت جسمی مستقیم و بیشترین نوع خشونت در زمینه ی خشونت جسمی غیر مستقیم و روانی و عاطفی است، نیمی از زنان سرمایه اجتماعی و خانوادگی در حد زیاد و خیلی زیاد داشته و باقی زنان دارای سرمایه اجتماعی متوسط و کم بودند، نقش سرمایه اجتماعی در خشونت علیه زنان بسیار پررنگ بوده به گونه ای که ۵۸ درصد واریانس خشونت خانگی را تبیین

می‌کند، در تحلیل‌های صورت گرفته، تحصیلات زنان از پر اهمیت‌ترین تبیین‌کننده خشونت خانگی علیه آنها و موثرترین منبع با ارزش در توانمندسازی زنان شناخته شد. تحقیق درمورد تاثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن به اتفاق متغیرهای زمینه‌ای باعث دستیابی به نتایج شگرفی شد. از بین متغیرهای تحصیلات زن و شوهر، تحصیلات پدر و مادر زن و شوهر، میزان درآمد شوهر و سن زن در زمان ازدواج، تنها میزان تحصیلات زن دارای رابطه معنادار بوده و باقی متغیرها کنار گذاشته شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که ضمن پذیرش نظریه منابع ویلیام گود، میزان تحصیلات زنان ابزار اساسی و مهم در روند توانمندسازی آنها در جهت مقاومت در برابر خشونت خانگی است. بر اساس این نظریه، نظام اقتداری در نظام خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی وجود دارد و هر شخصی به منابع اساسی و حائز اهمیت در خانواده بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد؛ مانند تحصیلات بالاتر، این توانایی را دارد تا سایر اعضا را به اعمال و امیال مورد نظر خود وادار کرده و تمامی تصمیم‌های مهم را خودش بگیرد.

رزاقی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی به بررسی شیوع همسرآزاری و عوامل مرتبط با آن در زنان مراجعه‌کننده به مرکز بهداشتی-درمانی سبزوار پرداختند. این تحقیق با هدف بررسی انواع همسرآزاری و عوامل موثر بر آن انجام شده است. تحقیقی که توصیفی-تحلیلی مقطعی بوده و نمونه مورد مطالعه زنان متأهلی که به مراکز بهداشتی درمانی سبزوار در سال ۱۳۸۶ مراجعه کردند بوده که حجم نمونه بدست آمده ۳۹۶ نفر و با روش نمونه‌گیری آسان، با تکنیک پرسشنامه انجام شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار تجزیه و تحلیل شده و طبق نتایج این تحقیق بیشترین خشونت‌های اعمال شده بر روی زنان خشونت عاطفی و کلامی ۲۹/۲ درصد، خشونت جنسی ۲۸ درصد و خشونت جسمی ۱۰/۸ درصد بوده و میزان تحصیلات زوجین، شغل و ازدواج مجدد و اعتیاد شوهر، مشاهده و تجربه رفتار خشونت‌آمیز در کودکی زوجین، وجود نسبت فامیلی، بیماری جسمی و عصبی زن، محل تولد زوجین و تعداد فرزندان با انواع همسرآزاری ارتباط معناداری داشت. میزان خشونت در ابعاد مختلفی که مورد بررسی قرار گرفت، بسیار زیاد بوده و بیشترین نوع همسرآزاری علیه زنان به ترتیب خشونت عاطفی و کلامی، جنسی و جسمی می‌باشد.

جایاتلیک (۲۰۱۱)، تحقیقی تحت عنوان "نگرش زنان نسبت به نقش‌های جنسیتی و تجربه خشونت شوهر در ایالت مرکزی سریلانکا" انجام دادند که نمونه مورد نظر در این پژوهش ۶۲۴ نفر از زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله بودند که دارای تجربه خشونت عاطفی، جسمی و جنسی بودند. روش مورد استفاده در این تحقیق پیمایش بوده که یافته‌های آن نشان می‌دهد که حدود ۳۶ درصد از زنان حداقل یکی از اشکال مختلف خشونت (جسمی، جنسی، عاطفی) را در طول دوره زندگی مشترک خود تجربه کردند و ۱۹ درصد از زنان نیز همین تجربه را در طول یک سال گذشته داشتند. علاوه بر این طبق نتایج بدست آمده از این تحقیق پیروی زنان از نقش‌های جنسیتی بر میزان خشونت همسرانشان علیه خودشان تاثیر منفی داشته یعنی احتمال اینکه زنان در معرض خشونت همسران خود قرار بگیرند کاهش می‌یابد، در صورتی که در بسیاری از تحقیقات دیگر خلاف این امر ثابت شده بود.

حمدان منصور و همکاران (۲۰۱۱)، در تحقیقی که با عنوان "خشونت زناشویی و سلامت روانی زنان در جنوب اردن" به بررسی ارتباط بین سلامت روانی و خشونت همسران علیه زنان در منطقه جنوبی اردن پرداختند از روش پیمایشی استفاده کردند و نمونه مورد نظر آنها ۹۱۵ نفر از زنان ساکن در این منطقه بوده است. طبق یافته‌های بدست آمده از این تحقیق حدود ۳/۲ درصد از زنان در طول یکسال گذشته، تهدید با چاقو را تجربه کرده بودند و نکته قابل توجه دیگری که در این تحقیق بدان اشاره شده بود وجود رابطه‌ی معنادار بین بی‌سوادی و تجربه خشونت بود. در میان همه‌ی اشکال مختلف خشونت علیه زنان هم همبستگی معناداری وجود داشت. پژوهشگران در انتها با ذکر این نکته که سلامت روانی باعث توانمندسازی زنان در زندگی می‌شود، پیشنهاد کردند که

در مراکز بهداشتی-درمانی که زنان خشونت دیده به آن مراجعه می کنند، رویکردهای روانشناختی اعمال شود تا سلامت روانی و روحی آنها افزایش یابد.

بنابراین از پیشینه‌ها مشخص است یافته‌های جدیدی اضافه شده است و این یافته‌ها با نظریات پژوهش هم منطبق است.

سوال دوم: شناخت بسترهایی که منجر به خشونت علیه زنان تحصیل کرده ی شاغل می شود کدام است؟

در این پژوهش بسترهایی که منجر به خشونت علیه زنان تحصیل کرده ی شاغل شده شامل سه تم سازمان دهنده است این تم ها، از چند تم پایه ساخته شده اند که در زیر به توضیح آن ها می‌پردازیم. تم خشونت برای زن مدرن شامل اعتراض زن به مسائل گوناگون، دخالت خانواده ها، فرزندان و چالش های آنها است و تم خشونت در سایه تفاوت و شناخت شامل شناخت عامل کاهش خشونت، درک تفاوت های زن و مرد است. همچنین تم خشونت میراث خانوادگی شامل تم های پایه به نام های یادگیری خشونت از پدر، فراگیری الگوی خشن است.

خشونت برای زن مدرن	خشونت میراث خانوادگی	خشونت در سایه تفاوت و شناخت
- فرزندان و چالش های آنها - دخالت خانواده ها - اعتراض زن به مسائل گوناگون	- یادگیری خشونت از پدر - فراگیری الگوی خشن	- شناخت عامل کاهش خشونت - درک تفاوت های زن و مرد

شکل ۵-۲- بسترهای ایجادکننده خشونت علیه زنان تحصیل کرده شاغل

اعتراض و نارضایتی زنان از برخی مسائل زندگی می تواند منجر به خشونت علیه آنها شود زیرا نسبت به شرایطی که همسرشان برای آنها ایجاد کرده اعتراض داشته و این نارضایتی از سوی همسرشان غیر قابل پذیرش بوده و برای سرکوب زن دست به خشونت می زنند و تلاشی برای درک زن و توجه به خواسته ها و مسئله ی مورد اعتراض او نمی کنند.

علاوه بر این فرزندان نیز چالش های خاص خود را در زندگی دارند و گاهی باعث ایجاد خشونت بین والدین خود می شوند، نحوه ی درس خواندن آنها، بحث ها و دعوای بین بچه ها که پدرمادر را نیز درگیر می کند، بازی ها و سرگرمی های پرسروصدای آنها و حتی گریه ی نوزاد از جمله مواردی بودند که موجب خشونت در خانواده علیه زنان شدند. زنان بدین نکته اشاره داشتند که فرزندان و مسائل مربوط به آنها در بسیاری از مواقع باعث می شوند تا از سوی همسرشان مورد خشونت قرار بگیرند زیرا آنها در مقابل چالش هایی که بچه ها دارند صبور نبوده و به جای حل مشکلات، صورت مسئله را پاک کرده و دست به خشونت می زنند.

از جمله مواردی که موجب تشکیل و تشدید خشونت علیه زنان می شود دخالت های خانواده ها در امور خصوصی زندگی زن و مرد است. خانواده ها با سرزنش زن یا مرد، مقایسه زن و مرد با دیگران، اعمال فشار بر آنها برای انجام یا عدم انجام کاری، دخالت در تصمیم گیری های مهم زندگی باعث می شوند تا یکی از طرفین نسبت به این وضعیت اعتراض کرده در نهایت خشونتی بین زن و مرد ایجاد شود.

زنان عدم شناخت قبل از ازدواج و وجود تفاوت های شخصیتی و خانوادگی بین خود و همسرشان را عاملی می دانند که منجر به بروز انواع خشونت در زندگی مشترک می شود. به همین دلیل تاکید بسیاری بر مراجعه به روانشناس و مشاوره ی قبل از ازدواج داشتند زیرا به عقیده ی آنها زن و مرد هر کدام با فرهنگ و تربیت خانوادگی متفاوتی رشد کرده و این امر باعث به وجود آمدن چالش های مختلفی در زندگی می شود.

زنان به این نکته اشاره داشتند که همسرشان الگوهای رفتاری پدر خود را در زندگی به کار می برند و گویی خشونت را از پدران خود آموخته اند. خساست، بی توجهی به همسر و فرزند و نیازهای آنها، عدم اجازه ی نظردهی به زن و... از جمله خشونت هایی بودند که زنان با آنها مواجه شده و عقیده داشتند که پدرشوهرشان نیز دارای این الگوهای رفتاری بوده و این امر نشان دهنده ی اهمیت ریشه ی خانوادگی و تربیتی افراد است. به علاوه اینکه زنان نگران ادامه پیدا کردن این خشونت ها و انتقال آنها به نسل های بعدی نیز بوده و اظهار کردند که از آینده ی فرزندانشان ترس داشته و این تفکر که ممکن است خشونت هایی که در خانه علیه زن اعمال شده و توسط فرزندان مشاهده شده در زندگی و آینده آنها اثر مخرب بگذارد؛ آنها را آزار می دهد.

در این جدول خلاصه مطالب ارائه شده است.

جدول ۵-۲- بسترهای ایجادکننده خشونت علیه زنان تحصیل کرده شاغل

تم سازمان دهنده	تم پایه مرتبط با تم سازمان دهنده
خشونت برای زن مدرن	۱. اعتراض زن به مسائل گوناگون ۲. دخالت خانواده ها ۳. فرزندان و چالش های آنها
خشونت میراث خانوادگی	۱. یادگیری خشونت از پدر ۲. فراگیری الگوی خشن
خشونت در سایه تفاوت و شناخت	۱. شناخت عامل کاهش خشونت ۲. درک تفاوت های زن و مرد

نتایجی در این تحقیق به دست آمده است که با نظریه ی جامعه پذیری جنسیتی منطبق است طبق نتایج بدست آمده از یافته ها زنان و مردان در خانواده های متفاوت با تربیت ها و شیوه ی زندگی متنوع و مختلفی رشد پیدا کرده و هر کدام الگوهای فرهنگی و رفتاری خاصی را فرا گرفته و مطابق با آن زندگی می کنند. اگر تفاوت فاحشی بین الگوهای تربیتی آنها وجود داشته باشد میزان سازگاری آنها کاهش یافته و در نهایت از درک متقابل عاجز مانده و خشونت بین آنها افزایش می یابد. طبق این نظریه والدین آگاهانه یا ناآگاهانه دختر و پسر را مانند یکدیگر تربیت نکرده و بر اساس جنسیت نقش های متفاوتی را به آنها می دهند. در این تئوری منظور از جامعه پذیری روندی است که طی آن فرد با الگوها، هنجارها و جهت گیری های فرهنگی آشنا شده و به تدریج رفتار اجتماعی مناسب را می آموزد و از طریق قبول نقش های اجتماعی، خود را برای زندگی آینده آماده می سازد. فرد در خانواده و از طریق جامعه پذیری و کنش متقابلی که با والدین، همسالان و محیط مدرسه دارد، به تدریج نقش های جنسیتی را فرا می گیرد.

طبق نظریه ی فمینیستی نهاد خانواده یک نهاد مرد سالاری بر مبنای نابرابری اجتماعی و استعمار از زنان بنا شده و ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع بر اثر تحقیر زنان شکل گرفته است و این امر باعث شده تا مردان به خود این اجازه را بدهند که با همسرانشان با خشونت رفتار کنند و زنان در صورت اعتراض به شرایط زندگی یا موضوعی که آزارشان می دهد با خشونت همسرشان روبه رو می شوند. همان طور که زنان عقیده داشتند همسرشان طاقت اعتراض آنها نسبت به مسائل و شرایط نامناسب زندگی را نداشته و در مقابل ابراز نارضایتی آنها دست به خشونت زده و تلاش می کنند تا زنان و خواسته ها و توقعات آنها را سرکوب کرده و مورد بی توجهی قرار دهند. البته گاهی این اعتراض ها به ثمر نشسته و باعث تغییر شرایط شده و مردان تلاش می کردند تا موضوعات مورد آزار همسرشان را حل و فصل کرده و رضایت آنها را جلب می کردند.

بر اساس نظریه ی یادگیری اجتماعی مشاهده عامل بسیاری از رفتارهاست. باندورا یکی از تبیین کنندگان این نظریه است که به عقیده ی او کودکان با مشاهده ی رفتارهای خشونت آمیز می آموزند که خشن و پرخاشگر باشند البته که این الگوهای رفتاری را از والدین خود فرا گرفته و مشاهده و تجربه ی بدرفتاری والدین در دوران کودکی و نوجوانی منجر به یادگیری رفتارهای نامناسب فرزندان می شود. افراد زمانی که در محیط های خشن تربیت می شوند خشونت را آموخته و آن را وسیله ای برای حل مسائل مختلف می دانند. خشونت اغلب از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و تنها راه متوقف کردن این انتقال پیشگیری از تنبیه فیزیکی و روانی کودک و همسر و به طور کلی خشونت بین فردی است. همان طور که زنان اظهار داشتند که تمام تلاش خود را به کار می برند تا خشونتی که از سوی همسرشان علیه آنها اعمال می شود را فرزندان مشاهده نکرده و دور از دیدگان تیزبین آنها باشد. البته که گاهی تلاش زنان بی ثمر بوده و فرزندان شاهد خشونت پدران خود علیه مادرشان بوده و همین امر موجب شده تا زنان نگران آینده ی مبهم فرزندانیشان باشند و از اینکه فرزندان در آینده و در زندگی مستقل خود این رفتارها و الگوهای نامناسب را به کار گیرند و با شریک زندگی خود دچار مشکل شده و خشونت را به مثابه ی یک راه حل برای کنار زدن مسائل و چالش های زندگی مورد استفاده قرار دهند؛ بسیار نگران و ترسان بودند.

پیشینه ها نیز به نتایجی دست یافتند که با نتایج تحقیق منطبق است. زنگنه و احمدی (۱۳۸۰)، در تحقیقی به بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده پرداختند. تکنیک جمع آوری اطلاعات مورد نیاز در این تحقیق پرسشنامه بوده و روش نمونه گیری، تصادفی چند مرحله ای انجام بوده و از طریق تکنیک های آمار استنباطی و با کمک نرم افزار، تحلیل های آماری انجام شدند. نمونه مورد نظر، ۳۵۰ زن متاهلی که در شهر بوشهر سکونت داشتند. با توجه به یافته های تحقیق متغیرهای مداخله های اطرافیان و آشنایان زن و شوهر ارتباط معناداری با انواع خشونت علیه زنان (عاطفی، جسمی، اجتماعی، مالی) دارا می باشد.

صادقی و ویژه و زنجری (۱۳۹۷)، در پژوهشی به موضوع "عوامل مرتبط با خشونت خانگی علیه زنان در تهران" پرداختند. حجم نمونه ۴۰۵ نفر از زنان متاهل زیر ۳۰ سال در تهران از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شد و از آزمون های تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره داده های گرد آوری شده تجزیه و تحلیل شدند. یافته های تحقیق نشان داد که در طول زندگی زناشویی زنان پنج نوع از خشونت خانگی از جمله خشونت فیزیکی، عاطفی، کلامی، جنسی و مالی را تجربه کرده اند. طبق نتایج بدست آمده از تحلیل چند متغیره گسترش خشونت در ازدواج های نامناسب مثل ازدواج در سنین پایین، اجباری و بدون شناخت، ساختار غیرمشارکتی قدرت در خانواده، پایگاه پایین اجتماعی و بیکاری به طور معنی داری بیشتر بوده است. پیشنهاداتی

که در پایان این تحقیق ارائه شد بدین شرح بود: آموزش و مشاوره زن و شوهر در هنگام ازدواج و انتخاب همسر و دسترسی پذیری زنان به حمایت های اجتماعی رسمی و غیر رسمی در جهت کاهش خشونت علیه آنها.

عارفی (۱۳۸۰)، پژوهشی تحت عنوان "بررسی توصیفی خشونت خانگی علیه زنان در شهر ارومیه" انجام داده است. روش مورد استفاده در این تحقیق کتابخانه ای و پیمایشی است. زنانی که مورد خشونت قرار گرفته و به مراکز قانونی شهر ارومیه مراجعه کرده بودند جامعه آماری این تحقیق را به خود اختصاص داده و متغیرهایی در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند که از اطلاعات موجود در پرونده ها به دست آمده شامل: سن، اشتغال، محل سکونت، میزان تحصیلات، نتیجه خشونت، نوع خشونت، عاملین خشونت و دلیل خشونت است. با توجه به نتایج پژوهش، بیشترین میزان خشونت در میان زنان ۱۷ تا ۲۰ ساله است. نزدیک به ۵۶ درصد کل زنان در بین سنین ۱۷ تا ۳۲ سال قرار گرفته اند. بیشترین میزان خشونت در میان زنان با تحصیلات ابتدایی است که حدود ۵۶/۶ درصد هستند و بعد از آن زنانی که بی سواد اند ۲۴/۶ درصد را به خود اختصاص می دهند. اکثر خشونت ها از نوع جسمی و فیزیکی بوده با ۵۰ درصد و بعد از آن خشونت روانی با ۲۶/۱ و اقتصادی با ۲۳/۲ درصد است. بیشترین اعمال خشونت از سوی شوهران با ۸۲/۴ درصد و سپس پسران ۷ درصد صورت می گیرد. شوهرانی که دارای مشاغل کارگری ساده هستند بیشترین خشونت را نسبت به زنان اعمال کردند و بعد از آنها شوهران بیکار بودند که خشونت هایی را علیه زنان خود اعمال می کردند و علت اصلی این خشونت ها، اعتیاد و مسائل مالی و ارثی بودند.

پهلوان (۱۳۹۰) در تحقیقی خشونت خانگی علیه زنان شهر سمنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن را مورد بررسی قرار می دهد؛ در تحقیق انجام شده روش مورد استفاده اسنادی و پیمایشی بوده که برای جمع آوری داده ها از ابزار پرسشنامه ساخت یافته استفاده شده که ابتدا از قابلیت اعتماد و روایی آن اطمینان حاصل شده و سپس از آن در ادامه تحقیق استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش ۱۵۴۰۰۰ نفر از افراد ساکن در شهر سمنان بودند که نمونه مورد نظر از طریق روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. حجم نمونه این پژوهش ۳۰۰ نفر از زنان بالای ۱۵ سال بودند. طبق نتایج بدست آمده بین متغیرهای یادگیری خشونت توسط مردان در محیط خانواده، منابع قدرت و ایدئولوژی مردسالاری و سنت گرایی زنان و نقش زنان در موقعیت اقتصادی و اجتماعی و محل سکونت رابطه ی معنا داری وجود دارد (قاسمی، ۱۳۹۲، ۲۵).

سوال سوم: زنان تحصیل کرده ی شاغل چه تجربه ای از خشونت دارند؟

در این پژوهش زنان تحصیل کرده ی شاغل تجربیات متنوعی از خشونت دارند که شامل دو تم سازمان دهنده است این تم ها، از چند تم پایه ساخته شده اند که در زیر به توضیح آن ها می پردازیم. تم پیامدهای خشونت در تجربه زیسته زنان که شامل ۲ تم پایه به نام تجربه افسردگی و اختلالات روانی زنان، تجربه فرزند خشن و دارای اختلالات روانی است همچنین تم اقتصاد، اهرم توانمندسازی زنان که شامل ۲ تم پایه به نام های مشارکت زن در امور اقتصادی، فراهم کردن امکانات اقتصادی توسط مردان است.



شکل ۵-۳- تجربیات زنان تحصیل کرده شاغل از خشونت

زنان تجربیات تلخ بسیار گسترده و وسیعی از خشونت خانگی داشته و این تجربیات آثار مخربی در درجه اول روی خودشان و سپس روی فرزندان آنها می گذارد. اختلالات روانی و افسردگی یکی از شایع ترین آثاری است که بعد از خشونت در زنان قابل مشاهده است. البته که این تجربیات ناگوار فقط روی روان آنها اثر نگذاشته و تمام جنبه های زندگیشان را تحت تاثیر قرار می دهد. یکی دیگر از آثار خشونت که زنان آن را تجربه می کنند آسیب های جسمانی مانند افزایش فشارخون، گردن درد عصبی و... است. به طور کلی می توان گفت زنان بعد از اینکه مورد خشونت از سوی همسرشان قرار می گیرند دچار اضطراب، انزوا، افسردگی، اختلالات خلقی و روانی و... می شوند. در میان خشونت و کشمکش بین زن و مرد فرزندان آنها نیز از آثار مخرب رفتارهای خشن بین والدینشان در امان نبوده و آنها نیز دچار آسیب های فراوانی می شوند. این آسیب ها طبق تجربه ای که زنان داشته و درمورد آن توضیح دادند، می تواند شامل: آسیب های روانی، افسردگی، اضطراب، ترس، عدم تمرکز برای انجام فعالیت ها، اختلالات خواب، مشکلات رفتاری و تحصیلی شود.

البته زنانی که دارای تحصیلات بالاتر از فوق لیسانس و موقعیت های شغلی مطلوب تر مانند کارمند یا ... بودند به نکته ی بسیار حائز اهمیتی اشاره داشته و عقیده داشتند اشتغال و استقلال مالی آنها مانند یک اهرم قدرتمند عمل کرده و نه تنها باعث جلوگیری و کاهش بسیاری از خشونت ها و تغییر شکل دادن آنها از نوع فیزیکی به اشکال نرم تر شده بلکه باعث شده تا مردان تلاش کنند تا امکانات رفاهی بیشتری برای آنها فراهم کرده و در امور اقتصادی و برنامه ریزی های مالی آنها را دخالت دهند.

پیشینه های مرتبط با تحقیق حاضر بدین شرح هستند: حمدان منصور و همکاران (۲۰۱۱)، در تحقیقی که با عنوان "خشونت زناشویی و سلامت روانی زنان در جنوب اردن" به بررسی ارتباط بین سلامت روانی و خشونت همسران علیه زنان در منطقه جنوبی اردن پرداختند از روش پیمایشی استفاده کردند و نمونه مورد نظر آنها ۹۱۵ نفر از زنان ساکن در این منطقه بوده است. طبق یافته های بدست آمده از این تحقیق حدود ۳/۲ درصد از زنان در طول یکسال گذشته، تهدید با چاقو را تجربه کرده بودند و نکته قابل توجه دیگری که در این تحقیق بدان اشاره شده بود وجود رابطه ی معنادار بین بی سواد و تجربه خشونت بود. در میان همه ی اشکال مختلف خشونت علیه زنان هم همبستگی معناداری وجود داشت. پژوهشگران در انتها با ذکر این نکته که سلامت روانی باعث توانمندسازی زنان در زندگی می شود، پیشنهاد کردند که در مراکز بهداشتی-درمانی که زنان خشونت دیده به آن مراجعه می کنند، رویکردهای روانشناختی اعمال شود تا سلامت روانی و روحی آنها افزایش یابد.

منیرول اسلام و چهارن و دلوار حسین (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان "خشونت علیه زنان و اختلال روانی در بنگلادش" انجام دادند که از روش کیفی و پدیدار شناسی استفاده کرده و ۱۶ مصاحبه عمیق، ۳ مصاحبه غیررسمی و یک بحث گروهی متمرکز انجام شده که نتایج نشان داد که در جامعه مورد بررسی تا حد زیادی توسط مردان کنترل می شود و ازدواج اغلب بر زنان تحمیل می شود. زنان اغلب مقصر هر گونه اتفاق ناگوار در خانواده بودند و زنان متاهل تحت فشار اجتماعی و عاطفی قرار داشتند تا رابطه زناشویی را حفظ کنند. همه اشکال خشونت (فیزیکی، عاطفی، جنسی و...) در جامعه مورد بررسی وجود داشته و بیشتر اوقات بیش از یک نوع را در زنان مبتلا به اختلالات روانی می توان مشاهده کرد. خشونت جنسی برای برخی از زنان یک واقعیت است اما به ندرت در مورد آن بحث شده است.

در بین تحقیقاتی که انجام شده نیز اختلالات روانی، آسیب های روحی، افسردگی از آثار مخرب خشونت علیه زنان بوده و رویکردهای روانشناختی بسیاری در وهله ی اول برای جلوگیری از خشونت و در قدم بعدی برای کاهش آن ارائه شده بود. همچنین طبق نتایج بدست آمده از تحقیق یزد خواستی و شیر (۱۳۸۷) مدرنیته باعث افزایش قدرت شناختی زنان نسبت به منابع حائز اهمیتی مثل تحصیلات و اشتغال بوده، که عاملی برای افزایش آگاهی آنها به نابرابری جنسیتی در محیط خانواده است و باعث می شود تا در آنها علاقه ای برای بازتعریف هویتشان در جامعه مدرن به روشی که از هویت های معین در جامعه سنتی متفاوت است؛ ایجاد شود، که خود این امر باعث به وجود آمدن ظرفیت ها و توانایی های مقاومت شده است.

سوال چهارم: استراتژی های زنان تحصیل کرده ی شاغل در مواجهه با خشونت کدام است؟

در این پژوهش، روش های روبه رو شدن زنان تحصیل کرده ی شاغل با خشونت شامل یک تم سازمان دهنده است که خود دارای چند تم پایه می باشد. تم راهکارهای مقابله، از سکوت تا اقدام یک تم سازمان دهنده بوده که دارای تم های پایه ی صحبت و گفتگو و تلاش برای اتمام بحث، سکوت و حفظ آرامش، مراجعه به مشاوره، دخالت دادن خانواده، دعا گرفتن و دعا کردن، شوخی و خندیدن و در نهایت قهر کردن می شود که در ادامه به توضیح آن ها می پردازیم.

اکثر زنان تلاش می کردند تا با صحبت و گفتگوی مسالمت آمیز با همسر خود درمورد موضوع مورد بحث، روابط زناشویی را بهبود بخشیده و از ایجاد خشونت جلوگیری کنند. آنها صحبت درمورد موضوعات آزار دهنده را راه بسیار ساده و ارزشمندی می دانستند که باعث جلوگیری و کاهش خشونت شده و همچنین موجب حل مسائل و مشکلات به وجود آمده می شود.

برخی زنان در مقابل خشونت اعمال شده از سوی همسرشان سکوت کرده و تلاش می کردند تا آرامش خود را حفظ کنند که این سکوت و حفظ آرامش نیز با دلایل مختلفی انجام می شد که یکی از آنها ترس زنان از خشم همسرشان بوده و در برابر او سکوت می کردند تا باعث متوقف شدن خشونتشان شوند. دلیل دیگر احساس گناه زنان است که منجر به سکوت آنها می شود زیرا برخی مواقع خود را مقصر خشونت مرد می دانند و با سکوت تلاش می کنند تا همسرشان عصبانی تر نکنند. یکی دیگر از دلایل سکوت زنان نیز ناامیدی آنها از بهبود شرایط زندگی و کاهش خشونت مردان بوده و فقط برای اینکه از درست کردن شرایط نامطلوب خسته شدند ناچاراً سکوت اختیار می کنند.

زنان در مقابل خشونت که از سوی همسرشان علیه آنها اعمال می شود استراتژی های متنوعی را به کار می برند و برای دستیابی به مهارت های مقابله با خشونت، شناسایی عوامل محرک خشونت، مدیریت استرس و مهارت های خود مراقبتی از روانشناس و مشاوره نیز کمک می گیرند.

در برخی مواقع زنان خود خواسته خانواده های خود و همسرشان را در زندگی خصوصیشان دخالت داده و از آنها کمک و راهنمایی های زیادی را در جهت جلوگیری و کاهش خشونت مردان دریافت می کنند. گاهی خانواده ها با صحبت با مرد به او گوشزد می کنند که رفتارشان ناپسند و غیر قابل قبول بوده و می تواند مسائل و مشکلات را با روش های بهتر از خشونت حل و فصل نماید. زنانی که دارای تحصیلات کمتر و موقعیت شغلی پایین تری بودند و خشونت شدیدتری را نیز متحمل می شدند به راهکارهای غیر علمی و غیر موثر روی آورده و تلاش می کردند با دعا گرفتن از دکانویس ها و جادوگران و همچنین نذر و نیاز خشونت همسرشان را کاهش داده و الگوهای رفتاری نامناسب آنها را تغییر دهند.

شوخی و خندیدن درمورد موضوع مورد بحث یکی از راهکارهایی است که زنان در مقابل مسائل خشونت آمیز به کار می برند. این عمل زنان باعث می شود که همسرشان احساس آرامش بیشتری کرده و کمتر عصبانی شود و حتی به جای خشونت فضای صمیمی بین آنها شکل گرفته و روابط خوبی بینشان برقرار شود.

برخی زنان با قهر کردن از موقعیت خشونت آمیز دور شده و باعث ایجاد فرصت برای آرام شدن خود و همسرشان می شوند و از این طریق به آنها نشان می دهند که مخالف رفتار خشونت آمیزشان بوده و نمی خواهند آن را تحمل کنند. در جدول زیر خلاصه ی مطالب برای درک بهتر ارائه شده است.

جدول ۵-۳- روش های رو به رو شدن زنان شاغل تحصیل کرده با خشونت

تم سازمان دهنده	تم پایه مرتبط با تم سازمان دهنده
راهکارهای مقابله، از سکوت تا اقدام	۱- صحبت و گفتگو و تلاش برای اتمام بحث
	۲- سکوت و حفظ آرامش
	۳- مراجعه به مشاوره
	۴- دخالت دادن خانواده
	۵- دعا گرفتن و دعا کردن
	۶- شوخی و خندیدن
	۷- قهر کردن

پیشینه تحقیق با یافته های پژوهش حاضر منطبق است. صادقی فسایی (۱۳۸۹) در استراتژی های پیشگیری از خشونت، عوامل تأثیرگذار را در دو دسته زیر دسته بندی کرده است:

خانواده محوری: توجه به نقش خانواده در امر خشونت و برنامه های جلوگیری از آن با هدف بهبود روابط خانواده و ارتقاء مهارت هایی که به فرزندان کمک می کند مسائل را به شیوه های غیرخشن حل کنند.

استراتژی های اجتماعی توسعه ای: آموزش به افراد جامعه که چگونه در مواقع سخت بدون استفاده از خشونت مشکلات را حل کنند. این آموزش ها می توانند از طریق موسیقی، هنر، و نقاشی برگزار شده و تئاترهای خیابانی جهت آگاهی دهی ارائه شود.

تغییرات ساختاری: کاهش فشارهای اجتماعی از طریق ترویج دموکراسی، توزیع عادلانه درآمد، و تنظیم صحیح روابط اجتماعی. این نیازمند برنامه و اجرا در سطوح کلان اجرایی کشور است.

برخورد قانونی با خشونت و مشارکت نهادهای اجتماعی: علاوه بر برخورد قانونی، آموزش و آگاهی اجتماعی و حمایت از قربانیان خشونت خانگی نیز اهمیت دارد.

راهکارهای عملی:

- درگیر کردن نهادهای اجتماعی مانند صدا و سیما برای آموزش و ایجاد آگاهی.
- درگیر کردن نهاد آموزش و پرورش جهت شناسایی بچه های خشن در مدارس و ارائه مشاوره به موقع به آنها.
- برگزاری کلاس های اجباری برای مردان ۱۴ تا ۱۸ ساله.
- تغییر رفتار مردان خشن با ارائه مشاوره به موقع و برخوردهای جدی قانونی.

سعیدی، معمار و کیانپور (۱۳۹۹) نیز در پژوهش تجربه زیسته زنان از خشونت خانگی (مورد مطالعه: زنان مراجعه کننده به واحد کاهش طلاق مرکز اورژانس اجتماعی شهر اصفهان) به بررسی تجربیات زنان از خشونت و راهکارهای مواجهه با آن پرداخته اند. این پژوهش با رویکرد تفسیرگرایی و از روش پدیدارشناسی استفاده کرده و تلاش دارد تا تجارب زیسته زنان از خشونت خانگی را شناسایی کند. میدان تحقیق واحد کاهش طلاق مرکز اورژانس اجتماعی شهر اصفهان است و با استفاده از نمونه گیری هدفمند با ۱۸ زن خشونت دیده، مصاحبه عمیق نیمه ساخت یافته اجرا شده است و با روش هفت مرحله ای کولایزی، تحلیل داده ها صورت گرفت. نتایج تحقیق علاوه بر ارائه ی نوع شناسی دقیق از خشونت که زنان آن را تجربه کرده بودند، نشان داد که هر کدام از زنان خشونت دیده بر اساس نوع خشونت که تجربه کرده اند، خشونت علیه زن را چگونه تعریف می کنند. زنان در بیان تجاربشان به دلایل خشونت همسر نیز اشاره نمودند. در این خصوص به دخالت خانواده مرد، ویژگی های شخصیتی و اخلاقی مرد، عدم شناخت کافی از یکدیگر و اندیشه های مردسالاری اشاره می کنند. همچنین زنانی که قدرت مقابله با همسر را در خود نمی بینند، به صورت منفعلانه به سازش و تحمل زندگی خشونت بار، پنهان کردن خشونت اعمال شده و در نهایت دفاع از خود در هنگام کتک خوردن می پردازند. آن دسته از زنان که توانایی مقابله با خشونت همسر دارند، به صورت فعالانه دست به اقداماتی چون اتخاذ تدابیر برای بهبود اوضاع، عدم انجام خواسته های مرد، ناسزاگویی در مقابل خشونت کلامی شوهر و در نهایت با نتیجه ندادن اقدامات اشاره شده به قهر و ترک منزل دست می زنند.

در مطالعه احمدی و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان "بررسی تجربیات زنان مبتلا به خشونت خانگی و شناسایی ریشه های اجتماعی آن در شهر همدان"، به تحلیل خشونت علیه زنان پرداخته شد. این تحقیق از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسانه با مصاحبه ۱۸ زن قربانی که به پزشکی قانونی همدان مراجعه کرده بودند در سال ۱۳۹۸ استفاده کرد. در فرآیند تحلیل داده ها، ۱۷ مفهوم اصلی و ۵۷ مفهوم فرعی شناسایی شد. این مفاهیم از دیدگاه زنان به دو دسته ساختاری و زمینه ای تقسیم شدند، که در آن زنان قربانی خشونت عوامل ساختاری را از جمله ستم جنسی، جامعه پذیری جنسیتی، مسائل اقتصادی و نقش قانون مطرح کردند. همچنین، ویژگی های شخصیتی مردان و نحوه جامعه پذیری آن ها توسط خانواده ها را به عنوان عوامل زمینه ای معرفی کردند. زنان قربانی اذعان کردند که تحت فشارهای اجتماعی، به "سکوت" در مواجهه با خشونت همسران روی آورده و ترجیح می دهند زندگی مشترک را به جای پذیرش داغ ننگ طلاق ادامه دهند.

محدودیت های پژوهش:

- موضوع خشونت خانگی برای زنان شاغل تحصیل کرده بسیار حساسیت برانگیز است. برخی از زنان تمایل به شرکت در این تحقیق را نداشتند و به بهانه‌های مختلفی مصاحبه را کنسل می‌کردند.
- تلاش برای فضای صمیمی و قابل اعتماد برای مصاحبه شوندگان از سختی‌ها و دشواری‌های پژوهش بود که ریسک بالایی می‌طلبید و برای بدست آوردن اعتماد آنان زمان زیادی گرفته می‌شد.

پیشنهادهای پژوهش:

- در این پژوهش به راهکارهای مقابله‌ای زنان در مواجهه با خشونت همسرشان اشاره شد که بسیار متنوع و گسترده بودند که شامل: صحبت و گفتگو، سکوت در برابر خشونت، مراجعه به روانشناس، دخالت دادن خانواده‌ها، دعا کردن و دعا گرفتن، شوخی و خندیدن و در نهایت قهر کردن می‌شود که پیشنهاد می‌شود بررسی دقیق‌تری از نوع استراتژی زنان شاغل تحصیل کرده برای جلوگیری یا کاهش خشونت همسرشان علیه آنها صورت گیرد.
- پیامدهای خشونت و آسیب‌هایی که زنان و فرزندان‌شان متحمل می‌شوند بسیار متنوع بود که می‌تواند تحقیقی مستقل در مورد نوع آسیب‌هایی که بر زنان شاغل تحصیل کرده وارد شده و راهکارهای کاهش آن را مورد بررسی قرار داد.
- نهادها و سازمان‌های اجتماعی بسیاری وجود دارد که از زنان خشونت دیده حمایت می‌کنند که در این پژوهش بنابر محدودیت زمانی بدان پرداخته نشد. راهکارهای حمایت از زنان شاغل تحصیل کرده در زمینه سلامت‌های جسمی و روانی. در این راستا هم می‌شود پژوهشی صورت گیرد.

- فهرست مراجع اصلی

۱. اصغری جعفرآبادی، محمد (۱۳۸۷). بررسی خشونت خانگی علیه زنان باردار در زنان مراجعه کننده به مرکز بهداشتی درمانی گلابچی کاشان در نیمه دوم سال ۱۳۸۷، فصلنامه رستمینه، سال ۱۳۸۷.
۲. اعزازی، شهلا (۱۳۸۳). ساختار جامعه و خشونت علیه زنان، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۱۴، سال چهارم، ۱۳۸۳.
۳. امامی سیگارودی، عبدالحسین، دهقان نیری، ناهید، رهنورد، زهرا و نوری سعید، علی (۱۳۹۱). روش شناسی تحقیق کیفی: پدیدار شناسی، پرستاری و مامایی جامع نگر، شماره ۶۸.
۴. احمدی، محبوبه؛ رهنوردی، منا؛ کیانی، مهرزاد؛ پورحسینقلی، اسما؛ معافی، فرنوش و اسدزاده، فیروزه (۱۳۹۴). عوامل مساعد کننده خشونت خانگی در زنان، دوره ۱۷، شماره ۱.
۵. احمدی، زیبا؛ بلالی، اسماعیل و سبزه ای، محمدتقی (۱۳۹۸). مطالعه تجربه زیسته زنان مبتلا به خشونت خانگی و کشف ریشه های اجتماعی آن در شهر همدان، پایان نامه ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی همدان.
۶. احمدی، حبیب؛ زنگنه، محمد (۱۳۸۰). بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده مطالعه موردی: شهر بوشهر، پایان نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه شیراز.
۷. اعظم آزاد، منصوره؛ دهقان فرد، راضیه (۱۳۸۵). خشونت علیه زنان در تهران: نقش جامعه پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و روابط خانوادگی، پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
۸. امامی سیگارودی، عبدالحسین و دهقان نیری، ناهید و رهنورد، زهرا و نوری سعید (۱۳۹۰). روش شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی، دانشکده پرستاری و مامایی جامع نگر، سال ۲۲.
۹. انجمن جامعه شناسی ایران (۱۳۸۳). مجموعه مقالات آسیب های اجتماعی ایران، تهران، انتشارات آگاه، چاپ اول.
۱۰. آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۸). چالش فمینیسم با عدالت جنسیتی، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، دوره ۱۲، شماره ۴۶.
۱۱. بابایی فرد، اسدالله؛ حیدریان، امین (۱۳۹۳). بررسی برخی از عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خانوادگی، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال پنجم، شماره چهارم.
۱۲. باقریان، عاطفه (۱۳۹۲). پدیدارشناسی تجربه ی عشق، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۱۳. پروری، پیمان، (۱۳۹۸). خوانشی نو از روش پدیدارشناسی؛ بنیان های فلسفی، رویکردها و چارچوب اجرای تحقیق پدیدارشناسی، مطالعات جامعه شناسی، سال یازدهم، شماره ۴۴.
۱۴. بستان، حسین (۱۳۸۵). بازنگری نظریه های نقش جنسیتی، پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
۱۵. حسینی، سید حسن؛ ایزدی، زینب (۱۳۹۵). پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران، مطالعات اجتماعی و روانشناختی زنان، سال ۱۴، شماره ۱.
۱۶. حسینی، سیدهدای؛ محسنی، رضاعلی و فیروزجائیان، علی اصغر (۱۳۹۸). تبیین جامعه شناختی خشونت علیه زنان: مطالعه تجربی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸.

۱۷. حیدری نژاد، سارا؛ نواح، عبدالرضا (۱۳۹۷). شناسایی عوامل مؤثر در خشونت علیه زنان شهر اهواز، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷.
۱۸. حبیبی، آرش (۱۳۹۸). روایی و پایایی در تحقیق پدیدارشناسی، نشر الکترونیک پارس مدیر.
۱۹. حسن پور ازغدی، سیده بتول؛ سیمبر، معصومه و کرمانی، مهدی (۱۳۹۰). خشونت خانگی علیه زنان: مروری بر نظریه ها، میزان شیوع و عوامل مؤثر بر آن، نشریه علمی-پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی، دوره ۲۱، شماره ۷۳، تابستان ۱۳۹۰.
۲۰. خانی، سعید؛ ادهمی، جمال؛ حاتمی، علی و بنی عامریان، جواد (۱۳۸۵). بررسی خشونت خانوادگی در میان خانواده های شهر دهگلان؛ با تأکید بر خشونت علیه زنان، مجله تخصصی جامعه شناسی، سال اول، پیش شماره سوم.
۲۱. خاکبازان، زهره؛ معصومی، راضیه؛ رخشایی، زهرا و نجات، سحرناز (۱۳۹۹). بررسی نیازهای آموزش بهداشت باروری در زنان نابارور ایران: یک مطالعه کیفی، مجله پزشکی پیشگیرانه بهداشت عمومی، سال ۱۳۹۹.
۲۲. خواجهی سه گنبد، کبری (۱۳۹۸). بررسی پدیدارشناسانه عوامل روانشناختی زمینه ساز خشونت خانگی از دیدگاه زنان خشونت دیده، پایان نامه ارشد مشاوره گرایش خانواده، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد.
۲۳. دانش، پروانه؛ شربتیان، محمد حسن و طوافی، پویا (۱۳۹۳). تحلیل جامعه شناختی خشونت خانگی علیه زنان و رابطه آن با احساس امنیت در خانه (مطالعه موردی زنان ۱۸-۵۴ سال شهر میانه)، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی سال ششم، شماره پیاپی ۶۱، شماره اول.
۲۴. دلاور، علی (۱۳۸۲). روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، انتشارات نشر ویرایش، تهران.
۲۵. ربیسی، طاهره؛ حسین چاری، مسعود (۱۳۹۱). بررسی زمینه های خشونت علیه زنان در خانواده، فصلنامه خانواده پژوهی، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۱۳۹۱.
۲۶. رزاقی، نغمه؛ تدین فر، موسی الرضا و اکابری، آرش (۱۳۸۹). شیوع همسرآزاری و عوامل مرتبط با آن در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی سبزوار در سال ۱۳۸۶، دوره ۱۷، شماره ۱، مسلسل ۵۵.
۲۷. راد، فیروز؛ مرزی، صالح (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان در خانواده های شهر خوی، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره ۴۴، بهار ۱۳۹۴.
۲۸. رشیدی علویجه، طلایه؛ زرگر، یدالله و خجسته مهر، رضا (۱۳۹۵). تجربه زیسته افراد دارای ملال جنسیتی: یک پژوهش کیفی پدیدارشناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۲۹. زارع شاه آبادی، اکبر؛ امینی، کژال (۱۳۸۹). بررسی تاثیر قومیت بر خشونت علیه زنان در شهر تکاب، دوره ۳، شماره ۱.
۳۰. زمانی، علی (۱۳۸۸). بررسی جامعه شناختی خشونت علیه زنان در خانواده و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهرستان گچساران، پایان نامه ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد رودهن.
۳۱. زارعی، مریم (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر خشونت دانش آموزان دبیرستان های پسرانه تهران، پایان نامه ارشد.
۳۲. سلیمی، محمد رضا؛ شرفی، روح انگیز (۱۳۹۴). بررسی ساختار و ابعاد روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی، کنفرانس بین المللی علوم انسانی-روانشناسی و علوم اجتماعی، مرکز همایش های بین المللی صدا و سیما.

۳۳. سهراب زاده، مهران؛ منصوریان، راوندی، فاطمه (۱۳۹۶). تجربه زیسته زنان از خشونت کلامی در خانواده: مطالعه موردی زنان شهرستان کاشان، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶.
۳۴. سالاری، فر، محمدرضا (۱۳۸۸). تبیین علل و زمینه های خشونت خانگی، دوفصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اسلام و روانشناسی، س ۳، ش ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
۳۵. سلیمی، محمد رضا، شرفی، روح انگیز (۱۳۹۴). بررسی ساختار و ابعاد روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی، کنفرانس بین المللی علوم انسانی-روانشناسی و علوم اجتماعی، مرکز همایش های بین المللی صدا و سیما.
۳۶. سعیدی، ایمانه؛ معمار، ثریا و کیانپور، مسعود (۱۳۹۹). تجربه زیسته زنان از خشونت خانگی (مورد مطالعه: زنان مراجعه کننده به واحد کاهش طلاق مرکز اورژانس اجتماعی شهر اصفهان)، مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۹.
۳۷. شکر بیگی، عالیہ؛ مستمع، رضا (۱۳۹۳). فراتحلیل مطالعات انجام شده پیرامون خشونت علیه زنان، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳.
۳۸. شجاعی، مریم (۱۳۹۹). روایت زنانه از خشونت متقابل زوجین علیه همدیگر، پایان نامه ارشد مطالعات زنان، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا.
۳۹. صادقی، رسول؛ ویژه، مریم و زنجری، نسیم (۱۳۹۷). عوامل مرتبط با خشونت خانگی علیه زنان در تهران، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۴.
۴۰. صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۸۹). خشونت خانگی و استراتژی های زنان در مواجهه با آن (مطالعه ای کیفی)، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱.
۴۱. طالب پور، اکبر (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی با تأکید بر همسر آزاری (مطالعه موردی؛ مناطق شهری و روستایی استان اردبیل)، دوفصلنامه پژوهش های جامعه شناسی معاصر، سال ششم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
۴۲. طرزی، تقی (۱۳۸۵). بررسی نقش مردسالاری در خشونت خانوادگی مطالعه نظری همراه با تحقیق پیمایش در سبزوار، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۴۳. عارفی، نفیسه (۱۳۹۵). بررسی مقایسه ای خشونت همسر علیه پرستاران زن و زنان شاغل در بخش اداری مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی تبریز سال ۱۳۹۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
۴۴. عاطف وحید، محمد کاظم؛ قهاری، شهربانو؛ زارعی دوست، الهام؛ بوالهروی، جعفر و کریمی کیسمی، عیسی (۱۳۸۹). نقش ویژگی های جمعیت شناختی و روان شناختی در پیش بینی خشونت در قربانیان همسر آزاری شهر تهران، روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، پیاپی ۶۳.
۴۵. علیوردی نیا، اکبر؛ رضی، داوود و آیینی، صدیقه (۱۳۹۱). تبیین جامعه شناختی خشونت علیه زنان: آزمون تجربی نظریه های منابع در دسترس زنان و فمینیسم رادیکال، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۴۹.

۴۶. علیوردی نیا، اکبر؛ حبیبی، مرجان (۱۳۹۴). بررسی نگرش دانشجویان پسر نسبت به خشونت علیه زنان در بستر خانواده: آزمون تجربی نظریه یادگیری اجتماعی ایکز، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره پیاپی ۱۱، شماره سوم، زمستان ۱۳۹۴.
۴۷. علیوردی نیا، اکبر؛ ریاحی، محمد اسماعیل و فرهادی، محمود (۱۳۹۰). تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان: مدلی نظری و آزمونی تجربی، مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۰.
۴۸. عباسی اسفجیر، علی اصغر؛ براری، علی رضا و نظیف، فریبا (۱۳۹۷). عوامل اجتماعی موثر بر خشونت علیه زنان در استان مازندران، صنامه علمی دانش انتظامی مازندران، سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۳۷.
۴۹. عارفی، مرضیه (۱۳۸۰). بررسی توصیفی خشونت خانگی علیه زنان در شهر ارومیه، مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، دوره ۱، شماره ۲.
۵۰. فقیهی، ابوالحسن؛ عزیزاده، محسن (۱۳۸۴). روایی در تحقیق کیفی، فرهنگ مدیریت، سال سوم، شماره نهم.
۵۱. قاسمی، منا (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت علیه زنان در خانواده (با تاکید بر نقش نظام اقتداری در خانواده)، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
۵۲. کردی، راهله؛ جمشیدی، فرخنده؛ لیمویی، فریبا و حسینی بهبهانی، سید فرزاد (۹۶-۱۳۹۵). بررسی میزان همسرآزاری و برخی عوامل مرتبط با آن در شهر اهواز طی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶، مجله علمی پزشکی جندی شاپور، دوره ۱۸، شماره ۱.
۵۳. کنعانی، محمد امین؛ عزیزخانی، اقباله و کلانتری، حوریه (۱۳۹۲). انواع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و رابطه آنها با خشونت خانگی علیه زنان، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۳۹، زمستان ۱۳۹۲.
۵۴. کریمی، مریم (۱۳۹۷). پدیدارشناسی تحمل خشونت خانگی در زنان، پایان نامه ارشد مشاوره گرایش خانواده، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان.
۵۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۵۶. مهدوی راد، الهام (۱۳۹۰). بررسی مقایسه ای خشونت مردان علیه زنان در دو گروه زنان خانه دار و شاغل شهر اردبیل در سال ۱۳۸۹، پایان نامه ارشد جامعه شناسی، دانشگاه پیام نور تهران.
۵۷. مهدوی، محمدصادق؛ خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۲). بررسی ساختار توزیع ساختار قدرت در خانواده، مطالعات زنان.
۵۸. منصوریان، یزدان؛ علیپور، امید (۱۳۹۲). تحلیل موضوعی و روش شناختی پایان نامه های کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، نشریه کتاب ماه علوم اجتماعی، پیاپی ۱۶۳، شماره ۶۱.
۵۹. مولاوردی، شهیندخت (۱۳۸۵). کالبدشکافی خشونت علیه زنان، حقوقدانان با همکاری دانش نگار.
۶۰. محمدپور، احمد (۱۳۸۹). طرح های تحقیق با روش های ترکیبی: اصول پارادایمی و روش های فنی، مطالعات اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۲، پیاپی ۱۰، تابستان ۱۳۸۹.
۶۱. ملکی، امیر؛ نژاد سبزی، پروانه (۱۳۸۹). رابطه مولفه های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد، دوره ۱، شماره ۲.

۶۲. ملک افضلی، حسین؛ مهدی زاده، مرتضی؛ زمانی، احمد رضا و فرج زادگان، زیبا (۱۳۸۲). بررسی انواع خشونت خانوادگی نزد زنان در شهر اصفهان سال ۱۳۸۲، نشریه علوم پزشکی دانشگاه آزاد، دوره ۱۴، شماره ۲.
۶۳. محمدپور، احمد (۱۳۹۰). ضدروش ۲، مراحل و رویه‌های عملی در روش شناسی کیفی، تهران؛ انتشارات جامعه شناسان.
۶۴. محمدپور، احمد (۱۳۸۸). ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم پذیری فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۸.
۶۵. محمدپور، احمد (۱۳۹۲). ضدروش ۱، منطق و طرح در روش شناسی کیفی، تهران؛ انتشارات جامعه شناسان.
- a. معظمی، شهلا (۱۳۸۳). حمایت از زنان در برابر خشونت های خانگی، مقاله علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۱۳.
۶۶. نریمانی، محمد؛ آقامحمدیان شهرباف، حمیدرضا (۱۳۸۴). بررسی میزان خشونت مردان علیه زنان و متغیرهای مرتبط با آن در میان خانواده های ساکن در شهر اردبیل، دوره ۷، شماره ۲۸-۲۷.
۶۷. نوابخش، مهرداد؛ قجاوند، کاظم (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر خشونت مردان معتاد علیه زنان باردار، اعتیاد پژوهی، سال دوم، شماره ۸.
۶۸. نورمحمدی، غلامرضا (۱۳۸۹). کتاب نفی خشونت علیه زنان از نگاه علم و دین، تهران، ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.
۶۹. یزدخواستی، بهجت؛ شیری، حامد (۱۳۸۷). ارزش های پدرسالاری و خشونت علیه زنان، دوره ۶، شماره ۳، پیاپی ۱۸.

- منابع خارجی

1. Nessrin Ahmed El Nimr , Salma Gouda , Iman Wahdan (2018). Violence against Women in a Slum Area in Helwan, Cairo, Egypt: A Community Based Survey, Journal of Research in Health Sciences, Volume:20 Issue: 1, Winter 2020.
2. Subrata Banarjee (2019). Identifying Factors of Sexual Violence against Women and Protection of Their Rights in Bangladesh, Aggression and Violent Behavior (2018), <https://doi.org/10.1016/j.avb.2020.101384>.
3. Md. Manirul Islam, Nasim Jahan and Md. Delwar Hossain (2017), Violence against women and mental disorder: a qualitative study in Bangladesh, Islam et al. Tropical Medicine and Health.
4. Ler, P., Sivakami, M., Monárrez-Espino, J (2017). Prevalence and factors associated with intimate partner violence among young women aged 15 to 24 years in India: a social-ecological approach. Journal of interpersonal violence, ePub:0886260517710484.
5. Sen, S., & Bolsoy, N. (2017). Violence against women: prevalence and risk factors in Turkish sample, BMC Women's Health, 100: 1-9.
6. Sambisa William, Gustavo Angeles, Peter Lance, Ruchira Naved, Juliana Thornton (2011). Prevalence and Correlates of Physical Spousal Violence against Women in Slum and Nonslum Areas of Urban Bangladesh, Interpersonal Violence 26: 2592- 2618.

7. Hamdan- Mansour Ayman, Diana Hashem Arabiat, Tokiko Sato, Batoul Obaid, Atsuko Imoto (2011). Marital Abuse and Psychological WellBeing among Women in the Southern Region of Jordan, *Transcultural Nursing*, 22: 265 – 273.
8. Chan Ko Ling(2011). Co- Occurrence of Intimate Partner Violence and Child Abuse in Hong Kong Chinese Families,*Interpersonal Violence*, 26: 1322-1342.
9. Jayatilleke Achini, Krishna Poudel, Kayako Sakisaka, Junko Yasuoka, Achala Upendra Jayatilleke, Masamine Jimba(2011). Wives' Attitudes Toward Gender Roles and Their Experience of Intimate Partner Violence by Husbands in Central Province, Sri Lanka , *Interpersonal Violence*, 26: 414- 432.
10. Obeid Nadine, Doris Chang, Jeremy Ginges(2010). Beliefs About Wife Beating: An Exploratory Study With Lebanese Students, *Violence Against Women*, 16:691- 712.
11. Boyatzis, R. E. (1998), *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, Sage.
12. Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
13. King, N., & Horrocks, C. (2010), *Interviews in qualitative research*, London: Sage.
14. Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.

پیوست‌ها

عکس‌هایی که از محل کار زنان شرکت‌کننده :





2Vv3Rcs7Uhspn7-3
3991e8a25de4114ad



جداول مربوط به فصل چهارم

ردیف	کد مشارکت	شغل	تحصیلات	گزاره ها	مفاهیم
۱	۱	کارمند فرمانداری	فوق لیسانس	اینکه حق اظهار نظر به زن داده نشه به جور تو نظردهی ها زن حذف بشه این به نوع خشونت میشه علیه یه زن. تحت این عنوان که من مثلا مردم اختیار دارم سرپرست خونه هستم. مثلا تصمیم گیری قاطع مرد تو	ندادن حق اظهار نظر به زن و حذف نظره‌ای او

	خونه که خودش یه جوری نقش زن و نظر زن حذف میشه.				
۲	۱			تو جامعه‌ی ما فکر می‌کنم کم و بیش اینجوریه که زن اون اجر و قرب رو نداره اون برتری رو نداره که بتونه یه صاحب نظر باشه چه حالا تو تربیت بچه چه مثلا فرض بگیری تو خرید خونه یا تو انتخاب حتی وسایل خونه	بی ارزش بودن زن و اجر و قرب نداشتن او در خانه و بیرون از خانه
۳	۱			بیشتر اون بحث خشونت مرد برمی‌گرده به ریشه‌ی فرهنگی، ریشه‌ی تربیت خانوادگی طرف هر طوری که پدر طرف بوده تو خونواده‌ی خودش و یه عمر اون طرف که بالاخره دوره‌ی کودکی نوجوانی جوانی اونجا بوده با اون رویه با اون روند تربیتی بار اومده و به قول معروف تو خون طرفه که مثلا اون خشونت رو داشته باشه.	یادگیری خشونت در خانواده (خشونت مرد ریشه فرهنگی و تربیتی و خانوادگی دارد)
۴	۱			مثلا اشاره کردم بحث تصمیم گیری ها می‌خواد مردسالاری داشته باشه و حرف حرف خودش باشه.	حرف حرف مرد بودن
۵	۱			تو حتی اینکه امروز مثلا فرض کن یه کار ساده ای مثل غذا چی درست کنیم هم دخالت میکنه و اصلا هیچ جا جای اظهار نظر به زن داده نشه	دخالت مرد در امور خانه مثل نحوه و مدل غذا درست کردن
۶	۱			زن حق اظهار نظر باید داشته باشه چون خونه دست زن داره اداره میشه و می‌چرخه درسته بعضی جاها فقط مرد هستش که داره درآمد میاره تو خونه و حقوق میاره و خرجی با مرده ولی باز اینه که اگه زن نباشه واقعا اون خونه فلج میشه و از کار میوفته راندمان اون خونه و حتی تربیت بچه، نظافت خونه، آشپزی، همه‌ی کارا دست زن هستش	عدم اجازه نظردهی به زن در صورتی که تمام مسائل خانه مثل تربیت بچه ها، نظافت خانه و آشپزی با زن است

۷	۱			من تو به خانواده کاملاً خودمختار بودم یعنی مستقل اونجا مثلاً مادر واسه خودش نظر می‌داده و به جور حکمرانی می‌کرده نه این که مثلاً بخواد مسلط باشه، برای خودش استقلال داشته تو خونه درست برعکس خانواده همسرم. مثلاً من دانشگاه که میرفتم به سفر می‌خواستم برم مکه و بدون اینکه از پدرم اجازه بگیرم فقط روز سفرم بهش زنگ زدم و گفتم من دارم میرم مکه بدون هیچ مخالفت و بحثی ولی الان شوهرم اصلاً خانوادش اینطوری نبودن.	تفاوت تربیتی زن و مرد (استقلال زن در خانه پدری و رفتن به سفر مکه بدون هیچ مخالفت و اجازه ای)
۸	۱			بیشتر برمی‌گرده به اینکه اون دو تا از لحاظ بحث روانشناسی اصلاً زن و مرد ریشه‌ی فرهنگ خانوادگی‌شون چجوریه؟ از لحاظ محیطی که پرورش پیدا کردن چجوریه؟	ریشه خانوادگی و فرهنگی زن و مرد بسیار مهم است اینکه هر کدام در چه محیطی پرورش یافتند
۹	۱			پدر مادر خیلی مهمن خیلی مثلاً پدر مادر طرف اگه به این رویه این عادت دادن که آقا مثلاً زن‌سالاری باشه احترام خاصی زن داره و مثلاً مادر به نقش خاصی داره تو خانواده احترام خاصی داره به طبع همون مرد که الان مثلاً سرپرست خانواده حساب میشه یا حتی بچه‌ها به حساب دیگه ای رو مادر و زن خونه باز می‌کنن	پدر و مادر و نحوه تربیت بچه‌ها نقش زیادی روی شخصیت آنها دارد اینکه در خانه زن سالاری یا مردسالاری بوده بسیار حائز اهمیت است
۱۰	۱			چالش و بحث کی پیش میاد؟ که این دو طرف نقطه نظراتشون متفاوت باشه تو دوتا خانواده متفاوت بزرگ شده باشند	تربیت خانوادگی متفاوت و عدم

وجود نظرات مشترک عامل ایجاد بحث					
تحمیل نظر مرد بر زن برای اینکه مثلا امروز کجا بروند؟ یا تربیت بچه ها چگونه باشد؟ یا چه ساعتی همه بخوابند؟	که حالا میگم برای ما تو خانواده بیشتر سر همین چیزا مثلا الان کجا بریم؟ مثلا سر تربیت بچه. مثلا حتی کی یا چه ساعتی بخوابیم؟ اینا واقعا چالش هستش مثلا ما ساعت خواب نداشتیم ولی طرف تو خانواده ای بزرگ شده که سر ساعت ده خاموشی بوده و خب واقعا سر همین یه موضوع ساده بحث پیش میاد. بچه می خواد مثلا فیلم ببینه یا می خواد نقاشی کنه یا بازی کنه پدر مثلا میخواد حالا خاموشی بزنه اقتدار داشته باشه حرف حرف خودش باشه			۱	۱۱
ارجحیت نظر مرد و وجود حکومت نظامی در خانه	با توجه به اون ریشه‌ی فرهنگ خانوادگی که نظر پدر ارجح بوده مادر می‌گه نه چه لزومی داره مثلا چرا باید تو خونه حکومت نظامی باشه چقدر باید قانون برقرار باشه			۱	۱۲
بحث سر ساعت خوابیدن و دعوای لفظی و بگومگو و یکی به دو کردن و فحاشی و بدویراه گفتن	شوهرم نظر خودشو می‌خواد اعمال کنه مثلا ببینید فقط دعوای لفظی بوده مثلا ما می‌گیم خب بذار حالا دو دقیقه اونورتر خوابیدن اتفاقی نمیفته ایشون میگه نه بچه باید سر ساعت خودش بخوابه. شب برای خوابه و صبح برای بازی هستش. با همین بحث ها شروع میشه و دعوای لفظی بعد همین بگومگو و یکی به دو کردن و حالا دیگه اوج بگیره همون بحثای لفظی دعوا و دو تا فحش و بد و بیراه که حالا خود فحش میشه یه جور خشونت. من به شخصه با همسرم هیچوقت دعوای فیزیکی نداشتیم مثلا کتک کاری و اینها شکر خدا نبوده			۱	۱۳
تربیت خانوادگی مختلف و فرهنگ متفاوت شهرهای محل	به قول معروف بین زن و شوهر بحث هست نمیشه بگی همش گل و بلبل و این حرفاست بالاخره دو نفر هستن که برای دو خانواده‌ی مختلف بودن مخصوصا اگه دو تا شهر مختلف باشند با اختلاف نظر هست ولی خب بعضی وقتا تحملش سخته و آدم بالاخره از کوره در میره			۱	۱۴

تولد باعث ایجاد بحث و اختلاف نظر میشود	و مجبوره به چیزی بگه و بحث پیش میاد به اوجی می گیره دوباره عادی میشه				
برتری دادن جامعه به مرد	معمولا تو جامعه ی ما مرده که حرفشو به کرسی مینشونه			۱	۱۵
خواسته مرد از زن: چشم گفتن در برابر خواسته هایش	همسر همیشه میگه شما اگه بیای بگی چشم همه چی حل میشه هیچ مشکلی پیش نمیاد فقط تو به کلمه به چشم بگو			۱	۱۶
خواسته مرد عدم ابراز نظر زن و سخت بودن این امر برای زن	و واقعا سخته که بخوای تو هر چیزی بگی چشم هرچی تو بگی. در واقع به نظر من زن اینجا هیچ موجودیتی نداره هیچ ابراز اندام نمی تونه بکنه ابراز نظر نمی تونه بکنه و بگه آقا منم هستم			۱	۱۷
زن نمی تواند تبعیت بی چون و چرا از مرد داشته باشد	زن بخواد تبعیت بی چون و چرا داشته باشه که نمیشه.			۱	۱۸
هفته ای دو سه بار با موضوعات مختلف بحث پیش میاد	مثلا نمیشه زن هر بحثی هست هر صحبتی هر تصمیمی بگه چشم. مثلا صرف اینکه که بحث پیش نیاد من خودم به تجربه که کسب کردم بارها این اتفاق افتاده بارها و بارها به وقت میبینی هفته ای دو سه بار دو سه تا موضوع پیش میاد که باعث اعصاب خوردی میشه			۱	۱۹

۲۰	۱		بعضی وقتا فکر می‌کنم که آره واقعا تسلیم باید بشیم چون بحث کردن جز این که ناراحتی و یه خشونت پیش بیاره و یه پرخاشگری یا دعوا و ناراحتی پیش بیاره و	تسلیم شدن راه حلی برای جلوگیری از ناراحتی، خشونت، پرخاشگری و دعوا
۲۱	۱		بعدشم دوباره برمی‌گردیم سر کوچه اول. آخر باید تابع بود. مثلا مرد می‌خواه حرف خودشو به کرسی بنشونه پس آخر همون حرف خودش پس بهتره بگیم چشم چشم یعنی همون هرچی نظر شماست دیگه.	به کرسی نشاندن حرف خود توسط مرد و تسلیم زن در برابر او
۲۲	۱		مثلا دیروز رفتم یه دستمال بکشم روی ماشین که همسرم می‌گفت نمی‌خواد با این دستمال نمیشه الان تمیز کرد و من اصرار داشتم که الان تمیز کنم چون ماشین رو آب گرفته بود و خیس بود و می‌خواستم خشکش کنم. سر همین واقعا ناراحت شدم و اصلا قهر کردم اومدم بالا. یه ذره اومدم دستمال بکشم قشنگ شروع کرد داد و بیداد کردن.	اجازه ندادن به زن برای تمیز کردن ماشین و داد زدن بر سر زن
۲۳	۱		مخصوصا وقتی تو این شرایط قرار می‌گیری ریشه و سبکه ی خانوادگی هم که داشتن هم خودشو نشون میده	خشونت دارای ریشه و سبکه ی خانوادگی است
۲۴	۱		این که می‌خوان حرف خودشون باشه و زن اصلا نباید نظر بده و اینها باعث میشه که اصلا تحمل هیچ اظهار نظر و هیچ صحبت مخالفی را نداشته باشن و باید سمعا و طاعتا گفته بشه و بگی چشم حتما بله قربان.	حرف حرف مرد بوده و تحمل هیچ گونه مخالفت و اظهارنظری ندارد

۲۵	۱			با داد و بیداد با ناراحتی خب چه لزومی داره من یه دستمال مثلا دارم میکشم یعنی تا این حد من هیچ نقشی ندارم و قدرت هیچ اظهار نظری از خودم ندارم؟ هر کی باشه بالاخره ناراحت میشه	اجازه ندادن به زن برای انجام کارهایی که دلش میخواهد
۲۶	۱			بعد جالبه که تازه ماشین به نام خودم هم هست و بعد من دستمال انداختم اون طرف و اومدم بالا و بازم نظر ایشون شد و من نتونستم ماشین رو خشک کنم و تمیز کنم طبق میلیم و خب واقعا ناراحتی پیش میاد خیلی سخته	اجازه ندادن به زن برای اظهار نظر درمورد ماشینی که به نام خودش است
۲۷	۱			خب این بیشتر ریشه روانشناسی خانوادگی داره ریشه فرهنگی داره. اصلا اون مرد تحصیل کرده اصلا دکترای مملکت شاغل هست مشکلی از لحاظ هیچ مواردی مثل اعتیاد و بحث های اخلاقی هیچی نداره ولی تو کتش این نمیره که یه زن اینجا میتونه یه نظر کوچولو بده	مرد دارای تحصیلات و شغل مطلوب و بدور از اعتیاد و بحث های اخلاقی اما مردسالار بودن او
۲۸	۱			حتی تا تو ادویه های داخل غذا کار داره. واقعا این رو اعصاب است و واقعا یه خشونت حساب میشه	دخالت مرد در امور مربوط به خانه داری زن و ادویه های مصرفی در خانه

۲۹	۱		واقعا تحملش سخته مگه اینکه چرا زن مثلاً تو یه خانواده بزرگ شده باشه که این مصداق تجربه کرده باشه مردسالاری بوده آره اون زن واقعا انقدر مشکلاتی مثل من نخواهد داشت و موفق تر از من هستش چون یه دو دوتا چهارتا می‌کنه میگه خب اونجا(خونه پدرش) اینجور بوده اینجا(خونه شوهرش) هم اینجوره عوضش اینجا مثلاً زندگی بهتره تامین میشه و به نفع منه ولی من نه من چون استقلال مالی رو دارم هم خودم تحصیل کردم مخصوصاً اتفاقاً بحث تحصیل کرده بودن کامل خشونت پیاده میشه و سختگیری میشه و همه چی تحمیل میشه بهش که فقط نظر من و زن حق اظهار نظر نداره.	کسی که تحصیلات دارد در محل کارش یک کارشناس بوده و به راحتی اظهار نظر میکند اما وقتی در خانه حق نظر دادن به او داده نمی‌شود نوعی خشونت برای او محسوب میشود
۳۰	۱		اونی که اتفاقاً تحصیلات داره دوست داره نظر بده واقعا یه کارشناس هستش خودش صاحب نظر هستش مخصوصاً تو عرصه‌ی شغلی وارد اجتماع که میشه محل کارش داره اظهار نظر میکنه حالا فکر کن تو خونه‌ی خودش که شخص اونجا باید حکمرانی کنه اونجا باید تو اون خونه همه‌کاره باشه اونجا نه	زن تحصیل کرده شاغل خودش صاحب‌نظره و تو خونه باید حکمرانی کنه
۳۱	۱		شوهرم میگه زن باید تابع مرد باشه. اصلاً زن کی گفته باید نظر بده و من همسرم واقعا اینها را میگوید و انگار تسبیح میندازه و میگه مدام که زن حق اظهار نظر نداره زن فلانه و از اول هم خدا اختیار رو به مرد داده مرده که سرپرست خونست و خب این واقعا چالش ایجاد میشه	برخلاف تصور همسرم باور ندارم که خدا همه اختیارات را به مرد داده
۳۲	۱		چه بسا عامل خیلی اختلافات زن و شوهر میشه علت طلاق می‌تونم بگم میشه و واقعا سخته چون خیلی از طلاق‌هایی که صورت می‌گیره در واقع دعوای فیزیکی لازم نیست باشه همین جر و بحث و همین دعوای لفظی	روح و روان ذره ذره خرد میشه و قابل دیدن نیست و

مثل ضرب و شتم نیست که بدن کبود و شکسته شده و قابل دیدن و شکایت کردن باشد	بدتر رو اعصاب هستش و واقعا روح و روان داره ذره ذره خورده می شه این نوع خشونت اتفاقا بدتر هستش چون قابل دید نیست که جایی بتونی بری ثابت کنی. اون که ضرب و شتم می کنه طرف کبود میشه دستش یا پاش میشکنه میره دادگاه نشون میده دیشو می گیره یا طلاقش رو می گیره ولی این نوع خشونت بدتر هستش چون واقعا ذره ذره اعصاب و روان اون زن داره از بین میره بدون اینکه جایی مشخص باشه بتونه ثابت کنه و				
از دست دادن اعتماد به نفس و تحلیل رفتن زن	خب نهایتا تحلیل میره اون زن و واقعا اعتماد به نفسش رو از دست میده به جای اینکه پیشرفت کنه			۱	۳۳
عدم طرفداری و حمایت مرد از زن و عدم علاقه به نظرات زن	بگه مثلا من الان فوق لیسانسم و همسرم طرفدار منه اظهار نظر منو دوست داره			۱	۳۴
عدم تشویق و ترغیب زن	تشویقم میکنه ترغیب می کنه اما نه واقعا داره در نطفه خفه می کنه اصلا زن حق اظهار نظر ندارد و زن باید تابع مرد باشه			۱	۳۵
میدان داری مرد در تمام امور خانه و خانواده	چرا اینقدر سختگیری؟ چرا اینقدر خشونت؟ چرا انقدر داد و بیداد؟ چرا باید طرف به خودش اجازه بده میدون داری کنه؟ میدون دست خودش باشه و اون زن فقط			۱	۳۶
حضور زن در خانه فقط برای بچه داری و انجام کارهای خانه	برای ببخشید بشور بساب و بچه داری و کارهای خونه هست اصلا نباید هیچ جا نظری بده			۱	۳۷

۳۸	۱			در صورتی که این و من بگم اضافه کنم چند جا بوده که مثلا اونم به سختی، خدا می‌دونه چقدر به سختی من تونستم نظر خودمو اعمال کنم و در واقع به جوری بقبولونم و شوهرم هم تبعاتش رو دیده که اصلا خوشحال شده منظورم اینکه حالا به بار زن نظر داد اتفاقی نیفتاد اتفاقا به نفعش هم شد. چند موردی بوده که به سختی تونستم نظرم رو بقبولونم و واقعا به نفع طرف هم شده و طرف خوشحال شده و دیده هم که مثلا اتفاقی نیوفتاده	اعمال نظر خود به مرد با سختی و در نهایت رضایت مرد از نتیجه کار زن و ابراز خوشحال
۳۹	۱			حالا طرف به عنوان زن نظرش رو داد و اینکار رو انجام داد و واقعا به نفع همه بود و خوب بود	نتیجه مثبت به کارگیری نظر زن
۴۰	۱			ولی بازم میگم به سبب ی خانواده‌گی و اون ریشه‌ای که تو وجود اون آدم هستش برمیگرده و در واقع ارزشی که درونی شده برای طرف به صورت باور در اومده این که مرد باید همه کاره باشه و همه تصمیمات رو بگیره	درونی شدن ارزش در خانواده و ریشه خانواده‌گی مردسالاری
۴۱	۱			و این خشونت(روانی) که هیچ جور قابل جبران نیستش حالا اگه طرف حتی بره سمت خشونت‌های فیزیکی و بزنه پای طرف رو هم بشکنه بالاخره خوب میشه راه میفته ولی بحث این تیپی واقعا روان آدم خورده می‌شه متاسفانه و خیلی سخته	خشونت روانی قابل جبران نیست اما خشونت فیزیکی و شکستن پا بالاخره خوب میشه و طرف راه میوفته
۴۲	۱			خیلی خوبه که فرهنگ سازی شده همون بحث مشاوره قبل از ازدواج. تو مشاوره مشخص بشه که دو طرف از لحاظ سبب ی خانواده‌گی چجوری اند و تو چه محیطی بزرگ شدن و پرورش پیدا کردن؟ یکی مثلا کلا اینوری هستش و یکی اونور اصلا هیچ ربطی به هم ندارن	با مشاوره قبل از ازدواج مشخص میشود که زن و مرد در چه خانواده

و چه محیطی بزرگ شدن	و مخصوصا اگر مرد یه حالت تیپ مردسالاری داشته باشه واقعا زن تحلیل میره از بین میره واقعا چون فکرش دیگه ارزش و خریدار نداره نظرش برای کسی ارزش نداره				
عصبانیت مرد از سرپیچی از دستوراتش و انداختن کلیدهای کنتور برق و اجبار خانواده برای خوابیدن	ببینید همسر من لحظه‌ای هستش یعنی مثلا اگر سر بحث خواب باشه یه دفعه می‌بینیم آنی میره تمام کلیدهای کنتور برق رو میندازه همه رو قطع می‌کنه که دیگه ناچار باشیم بریم بخوابیم			۱	۴۳
پرت کردن کتاب یا مداد و پاک کن برای اتمام بحث بین بچه ها	یا مثلا دو تا دخترم با هم بحثشون میشه سر مثلا یه مداد یا پاک کن یا یه دفعه برمیداره کتابو پرت میکنه. همون آنی. دیگه هم بعدش پشیمون میشه یعنی از اون تیپ مردهاست که واقعا پشیمون میشه و خیلی ناراحت میشه.			۱	۴۴
وجود پادگان نظامی در خانه و اعضای خانواده باید سمعا و طاعتا باشند	می‌خواد چه من چه بچه‌ها کامل سمعا و طاعتا باشیم و تا یه چیزی می‌گه بگیم چشم و سریع همون کارو انجام بدیم. اگه می‌گه الان بخوابیم سریع بخوابیم و واقعا سخته یه جور حالت پادگان نظامی می‌خواد تو خونه باشه			۱	۴۵
پرت کردن کتاب و یا پاره کردن دفتر بچه ها برای اتمام بحث آنها	و مثلا چجوری بگم مثلا الان بحثی پیش میاد یه دفعه کتاب بچه رو پرت می‌کنه اون طرف یا مثلا یکی چند مورد پیش اومده دفتر یا چیزی برداشته پاره کرده که اینا دیگه سرش دعوا نکنن. سریع جای اینکه مساله رو حل کنه صورت مسئله رو کلا پاک می‌کنه و			۱	۴۶

پرت کردن کنترل بر روی صفحه نمایش تلویزیون و سوزاندن پنل آن	یه بار سر تلویزیون بود فکر کنم بحث میکردن بچه ها برداشت کنترل رو خیلی محکم زد تو صفحه تلویزیون که پنل پشتش سوخت یعنی میگم آنی اتفاق میوفته و بعدش خیلی پشیمون میشه			۱	۴۷
خریدن بستنی یا خوراکی برای دلجویی از اعضای خانواده	برای جبران کاراش مثلا میره دوتا بستنی چیزی میستونه میاد یا یه کاری میکنه از دل ما دربیاره			۱	۴۸
بحث نکردن و سکوت زن بخاطر عصبانیت و پرخاشگری شدید مرد	منم اون لحظه که خیلی عصبی میشه خیلی سعی میکنم بحث نکنم باهاش چون خب بیشتر عصبی میشه و پرخاشگری میکنه و من اون موقع سکوت میکنم			۱	۴۹
تلاش زن برای تغییر شرایط خشونت آمیز صحبت زن با مرد برای تغییر شرایط موجود مثلا اینکه در گذشته تلویزیون و گوشی نبوده و مردم مجبور بودن زود بخوابند اما الان	بارها میگم بهش که مثلا تو اون خانواده که بزرگ شدی مال سی چهل سال پیش بوده اون زمان آره همه زود می خوابیدن تلویزیون نبوده گوشی نبوده هیچی نبوده الان اصلا زمانه فرق داره الان همه دو و سه میخوابن حداقل ما ده یازده بخوابیم مثلا سر این مسئله ی کوچیک مثل خوابیدن ما بحث داریم			۱	۵۰

که اینطور نیست.					
اجبار مرد برای به کرسی نشاندن حرف خود با انداختن کنتور برق و خاموشی در خانه	و همون لحظه است مثلا بخواد تلافی کنه نه و همون لحظه است و آنی عصبانی میشه که چرا ما گوش به حرفش نمیدیم و به قول خودش چشم بگیریم و گفتم مثلا کنتور برق رو کلا قطع می کنه که ما اصلا هیچ جا رو نبینیم و بگیریم بخوابیم و مجبور باشیم تابع باشیم			۱	۵۱
سخت بودن برای تغییر خود و درآمدن به شکل و قالبی که مرد میگوید	اما واقعا سخته حالا من میگم واقعا سخت چون یه عمر بحث زندگی هستش و یکی دو روز نیس و کلا مجبوری به اون شکل و قالب که اون میخواد دربیایم با همون مدلی که اونا بودن دربیاییم و واقعا تو این دوره نمونه سخته که اونجوری بخوای			۱	۵۲
پشیمانی مرد و جبران رفتار بد خود	ولی بحث تلافی که بخواد سر چیزای دیگه تلافی کنه حالا مثلا پول به ما نده خرجی نده نه اصلا اتفاقا میگم بعدش پشیمون میشه می خواد یه جور دیگه جبران کنه			۱	۵۳
قهر کردن زن نقطه ضعفی که مرد دارد و زن درمقابل رفتار بد او به کار میبرد	من قهر می کنم چون بدترین ضربه ای که می تونم به طرفم بزنم با توجه به نقطه ضعفی که ازش دارم قهر کردنه چون خیلی بدش میاد از قهر کردن و من سعی میکنم قهر کنم ولی خب نمیشه			۱	۵۴

۵۵	۱			به خاطر بچه‌ها مخصوصا تو این دوره زمونه که معمولاً همه خانواده‌ها جدا هستن و بچه‌ها خیلی احساس تنهایی میکنن از دعوی پدر مادر و سریع فکر طلاق و جدایی و یه عالمه فکر میاد تو سر یه بچه.	قهر زن با مرد باعث ناراحتی بچه‌ها و احساس تنهایی آنها شده و فکر طلاق و جدایی میکنند
۵۶	۱			من قبلاً بیشتر قهر میکردم و قهرهام رو طولانی‌تر میکردم مثلاً یه روز یا یه شب باشه ولی الان به خاطر بچه‌ها دلم نمیداد و یکی دو ساعت که میگذره هی جو خونه سنگین میشه هم خودم احساس خفقان و خفگی میکنم هم بچه‌ها هم شوهرم ناراحت مثلاً رو مبل افتاده و با هیچ کس حرف نمیزنه یه ذره کوتاه میام	جو سنگین خانه، احساس خفقان کردن و ناراحتی بچه‌ها و همسر عاملی که باعث میشود زن از قهر خود صرف نظر کند
۵۷	۱			میگم خب چاره ای نیس و حالا اینم مثل بقیه چیزها مجبور هستیم هیچی نگیم واقعا سخته ولی کوتاه میام	عدم تمایل زن برای آشتی و با سختی کوتاه آمدن از نظر خود
۵۸	۱			خب مردها که اصلاً دوست دارن مثلاً سلطه رو داشته باشن بالاخره تو اجتماع هم که به عنوان سرپرست خانوار هستن همه جا هم که اسم مرده مثلاً تو شناسنامه بچه یا هر جا میریم اختیار بچه‌ها و زن با مرده از لحاظ قانونی و شرعی.	سلطه مرد در جامعه بر زن بخاطر سرپرست خانوار بودن و اهمیت نام خانوادگی او

۵۹	۱			من مثلا کاری که میکنم اینکه مثلا قهر کنم یا دوتا بدویراه بگم یا دوتا از چیزهایی که دوست نداره بهش بگم و نسبت بدم به خانوادش دیگه چیز دیگه ای دستم نیس	ابراز ناراحتی و عصبانیت زن در برابر خشونت با قهر و بدویراه گفتن و نسبت دادن صفاتی به مرد یا خانواده اش
۶۰	۱			اگه قبل از ازدواج باشه که اشاره کردم حتما باید دختر و پسر مشاوره قبل از ازدواج رو حتما برن با هر هزینه ای یعنی اگه پنج میلیون هم بدن واقعا ارزش داره که ببینن اصلا واقعا ارزش داره و ریشه یابی کنن که دو طرف در چه خانواده ای چه محیطی رشد کردن بزرگ شدن اصلا به هم می خورند یا نه از لحاظ همین بحث روانشناسی	لزوم مراجعه به روانشناس و هزینه کردن برای مشخص شدن ریشه خانوادگی و تربیتی فرد
۶۱	۱			حالا این اتفاق افتاده و وارده یه زندگی شدی که اصلا با هم نظر مشترک نداریم الان جز سازش راه دیگه نداره	اجبار برای سازش با مرد علی رغم وجود نداشتن نظرات مشترک
۶۲	۱			واقعا من خیلی وقتا هم خودم پشیمان میشم و عذاب وجدان میگیرم میگم کاش حالا موردی نداشته مقصر نیست حالا دیگه اینجوری بار اومده خب من مثلا کوتاه پیام یا مثلا یه ذره تبعیت داشته باشم که مشکل حل بشه. یه سری نقطه نظرهایی که طرف مخصوصا حساس هستش خیلی پافشاری نکنه یه ذره کوتاه بیاد نظر من اینه چون یه عمر می خواد دو طرف زندگی کنن	تلاش زن برای کنترل خود با این افکار که مرد مقصر نیست و اینطوری بار آمده و حالا روی یک سری مسائلی که مرد

حساس است پافشاری نشود و کوتاه بیایم					
دلهره و استرس بچه ها از بحث بین مرد و زن و ترسیدن و عدم احساس امنیت آنها و سکوت و افسردگی و عدم تمرکز برای درس خواندن	بچه ها تا بحث بین ما پیش میاد خیلی اصلا دلهره می گیرن استرس میگیرن و حتی میان به من میگن با بابایی آشتی کن ما میترسیم در صورتی که هیچ اتفاقی نمی افته ولی بچس و احساس امنیتش کامل صفر میشه یه دفعه فکر می کنه الان ما جدا شدیم من رفتم و این بچه ها تنها موندن و تو این ده دقیقه بحث ما به کجاها کشیده میشه فکر و ذهن اینا. حتی موقع بحث ما خیلی ساکت میشن و انگار افسرده شدن. دیگه مثلا تمرکز ندارن درس بخونن و کاراشونو بکنن.			۱	۶۳
کوتاه آمدن زن در برابر خشونت مرد برای لطمه وارد نشدن به درس بچه ها	اگه بخوام بحثمونو طولانی کنم میدونم به درس بچه ها لطمه وارد میشه و اذیت میشن برای همین کش نمیدم			۱	۶۴
تفاهم تحمل تفاوت هاست و فکر به اینکه مگر چقدر زنده ایم که با خشونت رفتار کنیم	به قول معروف میگن تفاهم تحمل تفاوت هاست. اون لحظه ای که با هم هستین همش فکر این بکنیم مگه چقدر زنده ای مگه چه اتفاقی قراره بیفته حالا بزار اون نظر بده البته بستگی داره به موضوع یه وقتی خیلی موضوع مهمی نیس			۱	۶۵

۶۶	۱			مثل مثلاً ماشین که مثالش رو زدم که مهم نیست نمی‌ذاره دستمال بکشی؟ خب اصلاً وظیفه‌ی تو نیست بزار خودش این کارو بکنه.	اجازه ندادن به زن برای انجام کارهایی که دلش می‌خواهد با وجود اینکه وظیفه اش نیست
۶۷	۱			کاری که آخر باید با دعوا و سروصدا و جنگ و جدال و خشونت انجام بدین پس عاقلانه ترش اینه که همون اول حالا با ده دقیقه اینور اونور انجام بدیم و سعی کنیم سازش داشته باشیم و وقف بدیم خودمون رو با شرایط و خب یه ذره آدم باید سبک سنگین کنه با آرامش. می‌گم آدم یکی به خاطر خودش اول از همه اعصاب خودش روان خودش اینکه از زندگیش بیشتر لذت می‌بره بخاطر بچه‌هاش و همسرش بهتره که یه جور تسلیم نه، سازش بیشتر داشته باشه	تسلیم شدن زن در برابر خواسته مرد باخاطر آرامش بیشتر خود و بچه‌ها
۶۸	۱			بالاخره هر چی باشه زن همه جوره می‌تونه افسار زندگیش رو دست بگیره زن سیاست خیلی داره و شاید مرد نتونه و مرد سریع خشونت رو می‌خواد پیاده کنه بالاخره زور بدنی داره، صدای مرد بلندتره، داد و بیدادش بیشتر از زن هستش بالاخره از همه نظر قوی‌تر هستش	زور بدنی بیشتر، صدای بلندتر و قوی بودن از هر لحاظ مرد و به کرسی نشاندن حرف‌هایش
۶۹	۱			من نظرم اینه خودم به شخصه می‌گم زن اگه بتونه تحملش رو ببره بالا زندگی شیرین تر میشه.	بالا بردن تحمل خود در برابر خشونت مرد
۷۰	۲	کارمند	لیسانس	بعضی مواقع پیش میاد و حتی ممکنه داد و فریاد هم نباشه ولی صحبتی باشه که باعث بشه اون آرامش طرف مقابل بهم بخوره و باعث بشه روان افراد توی خانواده	داد و فریاد نیست اما صحبتی است

که باعث میشود آرامش بههم بریزد	ناراحت بشه این خودش یه جور خشونته و حتما لازم نیس داد زده بشه				
وقتی بحث پیش میاد زن سعی میکند سکوت کرده و خود را کنترل کند	اون زمانی که بحث پیش میاد بیشتر سعی میکنم سکوت کنم و پیش خودم بگم حالا اینو نگو یا این جوابو نده هرچند که اون لحظه خیلی عصبانیم و خیلی سخته مثلا به خودم میگم تو خودتو کنترل کن تا اونم آروم بشه			۲	۷۱
عصبانیت شدید مرد و ادامه دار کردن بحث بدور از فحاشی و فقط بحث با صدای بلند	شوهرم اینطوری نیس اون لحظه خیلی عصبانی میشه و هی بحث رو ادامه میده تا خودشو آروم کنه و فقط دادوبیداد میکنه اینکه بخواد فحشی چیزی بده نه اصلا فقط بحث رو کش میده و با صدای بلند حرف میزنه			۲	۷۲
پشیمانی مرد از عصبانیت خود و توضیح دلیل عصبانیت مثلا مشکلی که سرکار پیش آمده بود یا چکی که برگشت خورده بود	اما بعدش پشیمون میشه و میاد دلیل عصبانیتش رو توضیح میده مثلا میگه سرکارم این مشکل رو داشتم یا چک برگشت خورده بود یا از این جور مسائل			۲	۷۳
سکوت زن به دلیل آگاهی از اینکه مرد بالاخره	منم چون فهمیدم که بعد از بحث هایی که داریم شوهرم میاد ازم عذرخواهی میکنه و خیلی عذاب وجدان میگیره منم دیگه یاد گرفتم که موقع بحث سکوت کنم			۲	۷۴

پشیمان شده و عذاب وجدان میگیرد	چون میدونم اون بعدش میاد جلو و پشیمون میشه از رفتارش				
سکوت زن و درنهایت عذرخواهی و پشیمانی مرد عاملی برای احساس پیروزی زن در بحث و دعوا	این اصلا خودش یه حس پیروزی و خوشایندی به من میده چون این سکوت باعث میشه شوهرم عذاب وجدان بگیره و خودش برای اینکه از دلم دربیاره پیش قدم بشه			۲	۷۵
خستگی و فشار کار زن باعث گیر دادن او به موضوعات کوچک مثل بی نظمی مرد در خانه شده و درنهایت بحث پیش میاید	یه وقت هایی خستگی طرف باعث میشه که یه چیزای خیلی کوچیک و پیش پا افتاده باعث بحث بشه مثلا من خودم یه وقتایی سرکار فشار روم بوده میام خونه و یه چیزی باید سر جاش باشه و نیس و میتونم پیام مثلا خودم جا به جاش کنم و یا میتونم به دخترم یا پسرم یا به شوهرم بگم چرا این شارژری که استفاده کردی سر جاش نداشتی. اینو مثلا با یه لحنی میگم که به اونا برمیخوره و اگه هم سرم مثل من خسته باشه و درگیری ذهنی داشته باشه اونم مقابله به مثل کنه و بگه چرا اینجوری صحبت میکنی و اگه اینجا باشه چطور میشه و میگم بیشتر مال خستگی های سرکاره و گرنه چیز خاصی نیست			۲	۷۶
خستگی و مشغله و درگیری مرد بیشتر است و زن میتواند صبر بیشتری داشته باشد	اون درگیری ذهنیش بیشتره و مشغله بیشتری داره و مرده و خستگیش بیشتره و حالا صبر من بیشتره ولی خب اصولا مردها اینطوری نیستن و موقعیت رو نمیسنجن و یهو یه چیزی میگن و منم خسته یه چیزی میگم و یا فوقش من چیزی نمیگم و اون خودشو تخلیه میکنه و بعدا میاد عذرخواهی میکنه			۲	۷۷

تحمل زن بیشتر بوده و میتواند خودش را راحتتر کنترل کند	تحمل من بیشتره و شاید بتونم کنترل کنم خستگیم یا مثلا پهو به خودم میام میگم حالا نه اینو نگو و طرفت هم خستس و شاید باعث تنش بشه			۲	۷۸
پشیمانی سریع مرد از پرخاشگری خود و توضیح علت عصبانیتش مثلا برگشت خوردن چک یا خستگی ناشی از کار	شاید حتی به فردا هم نمیکشه و یه ساعت بعدش میاد میگه خسته بودم و فلان چک برگشت خورده بود و یا فلان مشتریمون اینجوری بود و خلاصه یه چیزایی که مربوط به کارش میشه و درگیری ذهنیه رو بعدش تعریف میکنه و میگه من به این علت ناراحت بودم و اینجوری برخورد کردم و خودش علتش رو توضیح میده			۲	۷۹
عذرخواهی مرد از زن و توضیح دادن علت عصبانیت خود	من اگه تو بحث مقصر باشم هیچ وقت عذرخواهی نمیکنم ولی همسر من میاد عذرخواهی میکنه و قشنگ کلمه معذرت میخوام رو میگه و توضیح میده که ببخشید معذرت میخوام من به این علت اینجوری کردم و اینجوری گفتم من معذرت میخوام قشنگ اینطوری میگه			۲	۸۰
پذیرایی از مرد به عنوان یک مهمان در خانه و احترام و محبت بیشتر به او برای خاتمه پیدا کردن بحث و توضیح دلیل عصبانیت خود	من هیچ وقت اینجوری نمیگم و یه وقتایی شوخی شوخی میگه که تو هیچ وقت عذرخواهی نمیکنی ولی من خب با رفتارم بهش نشون میدم من مثلا اگه یه چیزی شده باشه بیشتر توجه میکنم بهش یا مثل یه مهمون تو خونه ازش پذیرایی میکنم و احترام بیشتری میزارم بهش و اینجوری میفهمه که من نادم و پشیمونم ولی کلمه ی معذرت میخوام رو هیچ وقت نمیگم حتی اگه مقصر هم نباشم شده گاهی که مثلا سعی میکنم بعد از بحث بیشتر باهاش خوش رفتاری کنم تا جو سنگینی که به وجود اومده زودتر از بین بره و زودتر بیاد توضیح بده که چش بوده			۲	۸۱

۸۲	۲		شاید یک بار یا دوبار تو این ۵ سال شاید پیش اومده باشه و همون هم یه ساعت بیشتر طول نکشیده و اومده عذرخواهی کرده و شاید یه وقتی من مثلا ناراحتم و یه تایمی هستش که یه ساعت بعدش مثلا باید بخوابیم و اون یکی دوباری که پیش اومده من اونقدر ناراحت بودم که جام رو جدا کردم و یا پشتم رو به شوهرم کردم و خوابیدم و محلش نداشتم و اون نخواست که من ناراحت بخوابم اومده عذرخواهی کرده و علتش رو گفته	جدا کردن جای خواب توسط زن یا پشت به مرد خوابیدن و درنهایت پیش قدم شدن مرد برای اتمام بحث و قهر
۸۳	۲		اگه شوهرم مقصر بحث باشه که من با سکوتم اونو پشیمون میکنم خودمم مقصر باشم با اینکه حق رو به خودم میدم ولی سکوت میکنم و مثلا بهش محبت میکنم و احترام میزارم بهش	پشیمان کردن مرد از رفتار زشت خود با سکوت و حتی محبت و احترام گذاشتن به او
۸۴	۲		منتظر میمونم اون بیاد جلو و پیش قدم بشه و از اینکه اون میاد جلو اون لحظه حس خوشایندی بهم دست میده که مثلا دیدی تو سکوت کردی و حتی بد رفتاری نکردی حالا اون اومد جلو و پشیمون شد	حس پیروزی زن در بحث بخاطر سکوت خود و درنهایت پشیمانی مرد
۸۵	۲		شوهرم همون لحظه خیلی عصبی میشه اما بعدش بیشتر ناراحته. اگه شب باشه خوابش نمیره اگه روز باشه اصلا تمرکز نداره و حتما باید بیاد عذرخواهی بکنه و رابطمون خوب بشه و بعدا بره بیرون دنبال کاراش و اگه یه روز صبح باشه که بحثی پیش بیاد و از خونه بره بیرون و منم پیام سرکار اون روز خیلی از کاراش قاطی پاطی میشه و حتی چک اشتباهی میده و به قول خودش دلش به کار نمیره و همه کاراش رو اشتباه انجام میده تا اگه من خونه باشم یه سر میاد خونه و صحبت میکنیم باهم دیگه	عدم تمرکز مرد برای انجام کارها بعد از بحث مثلا چک اشتباهی دادن یا اشتباه انجام دادن کارهایش و درنهایت پشیمانی از

اعمال خشونت و درنهایت توضیح علت عصبانیت	و عذرخواهی میکنه و اگه من مقصر باشم باهاش مهربون تر میشم و بهش نزدیک میشم به جای اینکه فاصله بگیرم و اونم میاد جلو باهم حرف میزنیم حل و فصل میشه و اگه خونه نباشم تماس میگیره باهام تلفنی و اوکی میشه روابط البته این کارها زمانیه که دیگه آرامش برقرار شده				
گیر دادن و حساس شدن زن به رفتارهای مرد و بی نظمی های او و درنهایت شروع بحث با مرد	چند هفته پیش یه روز صبح جمعه بود و جفتمون خونه بودیم و همسر من رفت نون تازه گرفت و اومد داشتیم سرمیز صبحونه میخوردیم و من هی ظرف ها رو سرجای خودش میذاشتم و میدیدم همسر من میخواد یه چیزی رو برداره و هی ظرف های روی میز رو جا به جا میکرد در صورتی که میز ما کوچیکه و بزرگ نیس که دستش به ظرف ها نرسه و هی این ظرف ها رو جابه جا میکرد و این رو مخ من بود که چرا هی این ظرف ها رو جابه جا میکنه و من دوست داشتم که همه ظرف ها این وسط باشه و همسر من هی اونها رو جابه جا میکرد من گفتم هرچی برمیدارید بزارید سر جای خودش دوباره همسر من ناراحت شد ولی من متوجه ناراحتیش نشدم و دوباره بعد از صبحونه من یه کار دیگه کردم که دیگه همسر من صداس در اومد و گفت چی شدی تو امروز و اون از سر میز و این هم از حالا.			۲	۸۶
سکوت زن در برابر مرد و دادن حق به خود	منم دیگه هیچی نگفتم ولی باز من حق رو به خودم دادم که نباید در مقابل صحبت من جبهه بگیره			۲	۸۷
توقع درک شدن زن از سوی مرد	باید درک کنه و بگه امروز این حالش خوب نیس و یا بیاد به من آروم بگه چته امروز؟ حالت بده؟ فکرت درگیره؟ جسمت طوریشه؟ درد داری؟			۲	۸۸

۸۹	۲			یه وقتایی میاد آروم میگه چته و منم توضیح میدم و میفهمم که زیاده روی کردم.	اتمام تنش با صحبت درمورد موضوع تنش زا
۹۰	۲			ولی اون روز خودشم زیاد حالش خوب نبود و شروع کرد با صدای بلند صحبت کردن و منم دیگه ناراحت شدم ولی چون حق با اون بود دیگه بعدش زود نیومد جلو که عذرخواهی کنه وقتی که حق با من باشه خیلی زود مثلا یه ساعت نشده میاد عذرخواهی میکنه ولی اون روز ظهر رفتیم خونه بابام و تا عصر که برگردیم خونه خودمون باهام سر سنگین بود اما من با رفتارم سعی میکردم از دلش دربیارم مثلا خونه بابام مثل مهمون ازش پذیرایی میکردم و وقتی اومدیم خونه دیگه کم کم باهم حرف زدیم و تموم شد بحثمون	سکوت و محبت زن به مرد (زیرا زن مقصر بحث بوده) برای اتمام سریع تر بحث
۹۱	۲			یه وقتایی طبیعیه و همش بخاطر درگیری های ذهنیه. طرف ذهنش و یا جسمش مشکلی داره	طبیعی دانستن ایجاد بحث و تنش در زندگی بخاطر درگیری های ذهنی و جسمی
۹۲	۲			مخالف سرکار رفتن من هستش و مثلا بعضی مواقع بین بحث هامون میگه تا عید دیگه حق نداری بری سرکار.	مخالفت مرد با کار کردن زن بخاطر خستگی های زن
۹۳	۲			تیکه کلامش اینه که زن که میره سرکار همینه و خستگیش رو میاره خونه برای شوهرش	اعتراض مرد به خستگی ناشی از کار زن
۹۴	۲			منم ناراحت میشم یه وقتایی میگم خب چه ربطی داره من که با اینکه سرکار میرم ولی هیچی کمه کارای	ناراضیتی زن از مخالفت

مرد از کار او و تلاش برای سامان دادن به شرایط زندگی (نظافه خانه، تربیت بچه ها، درس بچه ها، لباس شستن و اتو زدن، غذا درست کردن و...) با وجود سختی های فراوان	خونه نمیزارم مثلا درس بچه ها، نظافت خونه، لباس شستن و اتو کردن و غذا درست کردن و... من صبح که بیدار میشم صبحونه بچه ها رو میدم میوه و لقمه براشون میزارم و حتی برای همسرم هم صبحونه و میوه میزارم و میدونم که به سرویسم برسم. تمام تلاشم رو میکنم که یه وقت کم کسی ندارم که بگن تو چون سرکار میری اینکارا رو انجام نمیدی				
خستگی زن برای انجام امور خانه و حتی کم خوابیدن بخاطر جلب رضایت مرد	حتی خیلی خسته هم میشم شاید بعضی موقع ها من ۴ ساعت در کل روز میخوابم و از سرکار که میام همش تو خونه میچرخم که چیزی کم و کسر نباشه اما بازم یه وقتیایی که بحث میکنیم میگه دیگه نمیخواد بری سرکار			۲	۹۵
گوشه گیری و سکوت و ناراحتی فرزندان به دلیل وجود جو سنگین خانه در هنگام بحث زن و مرد	اصولا که سعی میکنیم جلوی بچه ها بحثی نباشه ولی یکی دو موردی که بچه ها متوجه شدن خیلی ناراحت شدن و میرن تو خودشون و انگار گوشه گیر میشن و اگه قبلش میخندیدن بعد از بحث ما دیگه حرف نمیزنن تا موقعی که ما آشتی کنیم و اونا هم شروع کنن به حرف زدن			۲	۹۶
جدا کردن مسائل محل کار با مسائل	خب بالاخره درگیری و خستگی که همیشه هست اما چیزی که من همیشه میگم اینکه آدم اگه خودش خستس و یا اعصابش خورده نباید اعصاب دیگران رو			۲	۹۷

خانه و صحبت درمورد عامل ناراحتی با همسر برای جلوگیری از بحث	خورد کنه.مثلا من به هر علتی تو خونه درگیری دارم نباید پیام سرکار اعصاب همکارام رو خورد کنم؛ خونه هم همین طوره اگه مثلا سرکارم مشکلی دارم تو خونه که میرم شده فیلم هم بازی کنم نذارم اعصاب خوردی بشه و یا بیان کنم و بگم امروز من خستم یا امروز مثلا مشکل داشتم سرکارم و اگه چیزی گفتم ناراحت نشید و خودمو کنترل کنم که چیزی نگم				
ادامه ندادن به بحث و بزرگ کردن مسئله	بحث که محاله توی زندگی مشترک پیش نیاد ولی اصولا ما نمیزاریم به جای باریک کشیده بشه و هیچ کدوممون اونجوری نیستیم که بخواییم بحث رو خیلی ببریم بالا	لیسانس	کارمند	۳	۹۸
یکی به دو کردن با صدای بلند بدور از توهین و فحاشی	و فقط در حد همون یکی به دو کردن و یه خرده حالا با صدای بلند حرف زدن و ایناست و اصلا اینکه فحاشی کنیم بهم یا توهین کنیم اصلا			۳	۹۹
مسائل روزمره و روتین زندگی موضوع بحث و تنش مثلا اینکه چرا اون کارو انجام ندادی؟ یا چرا دیر اومدی؟	روزمرگی هستش و اصلا چیز خاصی نیس و روزمرگی روتین زندگی. چرا دیر اومدی؟ یا مثلا چرا اون کارو انجام ندادی؟ همچنین چیزای معمولی و مورد حاد نداریم			۳	۱۰۰
خستگی و فشار کار و مشکلاتی که محل کار پیش میاید عاملی میشود برای	اگه بحثی پیش بیاد مسئله ی بین خودمون نیس مثلا یکسری مشکلاتی هستش که ما ممکنه از سرکار ببریم خونه و یا از یه جای دیگه ای ببریم تو خونه ی خودمون و با توجه به اینکه شاغل هستیم و خستگی داریم و این باعث بشه که ناراحت و عصبی بشیم			۳	۱۰۱

ایجاد بحث و ناراحتی					
اگر آشنایی قبل از ازدواج وجود داشته باشد و طرف مقابل را بشناسی دیگر خشونت را بعد از ازدواج تجربه نمیکنید	بنظر من اگه قبل از ازدواج یه دوره آشنایی باشه و شما طرف مقابلت رو بشناسی و بدونی با اون ملاک هات میخوره دیگه اون خشونت بعد از ازدواج وجود نداره و اون رفتارهای ناشایست بعد از ازدواج اصلا نیس و این چیزا زمانی اتفاق میوفته که شما شناختی قبل از ازدواج نداشته باشی			۳	۱۰۲
ما با شناخت از یکدیگر در قبل از ازدواج دیگر خشونت را نداریم	ما الحمدالله اون شناخت رو داریم و اگر احیانا یه بحثی پیش میاد بحثی هستش که از اطرافمون پیش اومده			۳	۱۰۳
مخالفت مرد با کار کردن زن به دلیل خستگی او	مثلا من امروز سرکار مشکل دارم میرم خونه و میگم فلانی اذیت میکنه و میگه خب تو چرا میری شرکت من دیگه نمیخوام تو کار کنی. در همین حد و در تایم کوتاهی. اصلا به روز و به ۲۴ ساعت کشیده نمیشه			۳	۱۰۴
انتظار زن از مرد برای درک شدن	من بیشتر تو اون لحظه انتظاری که از همسر دارم اینکه طرف منو بگیره و منو درک کنه چون من عصبانی هستم ولی متاسفانه ایشون اصلا این کارو نمیکنه			۳	۱۰۵
تلاش مرد برای اقناع زن از اینکه اشتباه میکنند	و سعی میکنه از دید نفر سوم به این قضیه نگاه کنه و منو قانع کنه که تو داری اشتباه میکنی			۳	۱۰۶
کنترل خشم و	منم اون لحظه خیلی عصبی میشم اما چون ایشون از من عصبانی تر میشه و من نباید نه عصبانی باشم نه			۳	۱۰۷

ناراحت باشم و من سعی میکنم برای اینکه ایشون بدتر نشه خودم خودم رو کنترل کنم هرچند که این کار خیلی سخته					ناراحتی خود در برابر عصبانیت شدیدتر مرد
ایشون اگه بیرون مشکلی داشته باشه من تایم میدم بهش(واقعا درسته که میگن آقایون وقتی از بیرون میان شما یه تایم نیم ساعته یا یه ساعته باید به اینا بدی اینا ریکاوری بشن).این چیزا رو اگه هرکسی بدوننه واقعا مشکلی تو زندگی براش پیش نیاد و اگه خیلی هم عصبانی باشه و تلفن بزنه بهم من بهش میگم خب فعلا تو صبر کن بزار پیام خونه با هم حرف میزنیم.زمان میخرم.این خریدن زمان خیلی بهم کمک میکنه چون باعث میشه همسرم آروم تر شده باشه و بعدش که اومدم خونه باهام درموردش صحبت کنه			۳	۱۰۸	صبوری در برابر خشونت مرد و خریدن زمان برای آرامتر شدن مرد در این فاصله زمانی
من خیلی دوست دارم تلافی بکنم اما لحظه اییم درجا شاید عصبانی بشم ولی همون لحظه است اما تلافی نمیکنم ولی با یه رفتار خاصی که حالت شوخی داره بهش نشون میدم که داری اشتباه میکنی مثلا اخیرا یه موردی که پیش اومد این بود که ما وقتی میریم خونه پدرمادرم باید رختخواب پهن کنیم همسرم برای اینکه رختخواب پهن نکنه زودتر میره روی مبل میخوابه و من برای اینکه این رفتار زشتش رو بهش نشون بدم فقط رختخواب خودم رو پهن کردم و وقتی اومد توی اتاق با خنده گفتم واقعا پرویی و پتو رو هم با شوخی انداختم رو سرش			۳	۱۰۹	نشان دادن رفتار اشتباه مرد به او با شوخی مثلا کمک نکردن مرد در انداختن رختخواب و ناراحتی زن از این موضوع و پرت کردن پتو روی سر مرد و نشان دادن ناراحتی خود با این کار
خب ما مستاجر هستیم و دنبال خونه میگشتیم و ایشون یه جای نسبتا بالایی پسندیده بود که به جیب ما نمیخورد و من یه خرده باهاش وارد کش و قوس شدم و			۳	۱۱۰	تحمل و صبوری در برابر

رفتارهای غیر منطقی مرد	باهاش صحبت کردم و این یکم نسبت به بقیه بحث ها طولانی تر بود ولی بهش زمان دادم خودش نشست فکر کرد فهمید که داره اشتباه میکنه و من درست میگم و این بحث همونجا تموم شد و زیر ۲۴ ساعت بحث تموم شد				
طبیعی دانستن بحث و تنش به دلیل وجود تضادهای رفتاری بین دو نفر	خیلی بیش از حد طبیعیه این بحثا واقعا چون دوتا خواهر هم تو یه خانواده با یه پدر مادر با یه شرایط بزرگ میشن ممکنه بینشون یه جدالی پیش بیاد گاها چون تضادهای رفتاری رو هرکسی داره دیگه			۳	۱۱۱
تصمیم گیری ها، کنترل دخل و خرج با زن بوده زیرا محتاطانه تر رفتار میکند و حتی اگر امکانش باشد مبلغی را پس انداز می کند و مشورت بین آنها در تمام امور وجود دارد	شاید حتی بیشتر از حد تصور شما تصمیم گیری ها و مدیریت خونه با منه چون که به این نتیجه رسیده که فکر من بهتر از خودشه یا مثلا کنترل دخل و خرج با منه چون تفکیک شده تر عمل میکنم و محتاطانه تر جلو میرم و حتی اگه امکانش باشه یه پس اندازی رو هم کنار میزارم ولی درکل مشورتی پیش میریم و این نیس که مثلا فقط حرف حرف منه اگه حق با من باشه سعی میکنم با دلیل و مدرک قانع بکنم ایشون رو تا ایشون هم هم فکر من بشه یا بالعکس			۳	۱۱۲
شوخی و خنده روشی برای اتمام بحث یا نشان دادن ناراحتی خود از رفتار خاص همسر	بیشتر با شوخی و خنده بحث رو پیش میبریم خیلی مواقع مثلا وقتی رختخواب همسرم رو پهن نکردم و با شوخی پتو رو روی سرش انداختم اونم سعی کرد شوخی کنه. خیلی از بحث ها رو که باعث ناراحتیم شده رو سعی میکنم با شوخی بهش نشون بدم و این باعث شده حتی خود همسرم هم این روش رو یاد گرفته و با شوخی بهم میفهمونه که یه رفتار اشتباهی رو انجام ندم			۳	۱۱۳

۱۱۴	۴	کارگر	لیسانس	شوهر من شکاک بود اوایل ازدواج که سه چهار ماه بود عقد کرده بودیم یه روز بدون اینکه شوهرم چیزی بدونه با مادرم رفتیم بیرون اون زمان گوشی تلفن هم نبود که بهش خبر بدم بعدش که اومده بود خونمون دیده بود من نیستم منتظر مونده بود که من برسم و وقتی اومدم خونه گفت چرا رفتی بیرون و بهش توضیح دادم جایی نرفتم با مامانم بودم اما گوش نمیداد من چی میگم منو برد تو اتاق در رو قفل کرد و با کمر بند منو سیاه و کبود کرد و مامانم و دایی هام پشت در دادو فریاد میکردن ولی هیچ توجهی نمیکرد	شکاک بودن مرد و کتک زدن زن با کمر بند و کبود کردن او
۱۱۵	۴			وقتی اومدم خونه گفت چرا رفتی بیرون و بهش توضیح دادم جایی نرفتم با مامانم بودم اما گوش نمیداد من چی میگم	تلاش زن برای توضیح موضوع مورد بحث اما بی توجهی مرد به صحبت های او
۱۱۶	۴			اون زمان میخواستم طلاق بگیرم اما چون قبل از ازدواج باهم دوست بودیم و انتخاب خودم بود نمیخواستم سرکوفت خانواده رو داشته باشم و البته مامان بابام هم نمیزاشتن میگفتن خودت کردی و باید زندگی کنی	مخالفت خانواده با طلاق زن از مرد بخاطر دوستی قبل از ازدواج زن و مرد
۱۱۷	۴			خیلی بحث میکردیم و تو بحث ها دیگه چیزی پرت میکرد و میشکوند منو میزد خیلی فحش میداد به خودم و خانوادم و توهین میکرد	کتک زدن، پرتاب اشیاء و فحاشی و توهین مرد به زن و خانواده اش
۱۱۸	۴			شوهرم کاراش خیلی زننده بود با کاراش اعصاب منو خورد میکرد همش خیانت میکرد و حتی با دوستای خودم دوست میشد	خیانت مرد به زن و دوستی با دوستان زن

کتک زدن زن (پاره کردن پرده گوش)	منو کتک میزد حتی یکبار پرده گوشم رو پاره کرد			۴	۱۱۹
تلاش بی ثمر زن برای توضیح مسائل و آرام کردن مرد	هر سری من هرچی تلاش میکردم که بهش توضیح بدم و سعی کنم منطقی پیش برم و آرومش کنم اما اون هیچ وقت بهم گوش نمیداد			۴	۱۲۰
عدم توانایی زن برای کنترل مرد	سریع کتک میزد و منم دیگه زوری نداشتم که باهاش مقابله کنم			۴	۱۲۱
خشونت همیشگی مرد به زن به دلیل شب دیر آمدن به خانه و اعتراض زن	تقریبا هر شب دعوا بود دیگه و بیشتر آخر شبا چون دیر میومد خونه و من اعتراض میکردم			۴	۱۲۲
بی فکری و عدم مسئولیت پذیری مرد (عدم توجه مرد به پیشرفت و خرید خانه و آینده فرزندان)	کلا بی فکر بود مثلا بهش میگفتم به فکر خونه باش میگفت مهم نیس و کلا دنبال پیشرفت نبود و فقط میخواست روزش رو شب کنه و به فکر آینده نبود به فکر بچه ها نبود			۴	۱۲۳
عدم پرداخت نفقه	الان دو ساله که جدا شدیم یه هزار تومنی نفقه نداده و یک ماهه زندانه و بدهی بالا آورده			۴	۱۲۴
خرج کردن پول زن و بی اهمیت بودن نسبت به اهداف او برای	حتی من گفتم بزار خودم یکاری بکنم و مسکن ملی ثبت نام کردم با کلی بدبختی پولش رو جور کردم و چون اون سرپرست خانوار بود باید پولو میریختم به حساب اون تا واریز کنه برای مسکن ملی اما وقتی پولو ریختم تو حسابش تماش رو خرج کرد و گف تو پولی به من ندادی			۴	۱۲۵

پس انداز و خرید خانه با خرج کردن پول پس انداز شده برای خرید مسکن ملی					
ترک منزل و خیانت مرد به زن	چهار سال آخر زندگی با یه خانم دوست شده بود و من میدونستم که داره خیانت میکنه. شب ساعت ۲ میومد خونه و ۶ صبح میزد بیرون و فقط سه چهار ساعت فقط تو خونه بود			۴	۱۲۶
اعتراض زن به مرد و کتک زدن و فحاشی مرد	رفتارهای خیلی زننده بود و من نمیتونستم تحمل کنم و گیر میدادم بهش و اونم به جای صحبت همش یا میزد یا فحش میداد			۴	۱۲۷
خیانت های مرد به زن باعث فاصله گرفتن زن از او شده و هیچ رابطه جنسی نداشتند	ما اصلا هیچ رابطه ای با هم نداشتیم و چهار پنج سال بود که همین طوری با هم خواهر برادر بودیم. من اصلا نمیتونستم بهش فکر کنم که وقتی شوهرم با یکی دیگه بوده با منم باشه			۴	۱۲۸
تحمل خشونت مرد توسط زن بخاطر وجود فرزند	من از وقتی که یادم میاد بخاطر بچه زندگی کردم و هیچ حسی دیگه بهش نداشتم			۴	۱۲۹
خیانت مرد به زن با دوستان خود	همون اوایل مثلا با دوستای دبیرستانم میرفتیم بیرون یا اونا میومدن خونمون بعدش میفهمیدم شوهرم بهشون زنگ زده یا پیام داده حتی به دوستای آجیم پیام میداد. سادیسیم داشت			۴	۱۳۰

زن یا خواهر وی					
پیشنهاد طلاق به زن	اونم هیچ حسی به من نداشت این آخریا دیگه خودش به من پیشنهاد طلاق رو داد			۴	۱۳۱
پیشنهاد زندگی با زن دوم مرد به زن	گفت دیگه برام مهم نیستی من با کس دیگه ای ارتباط دارم اگه میخوای زندگی کنی اون هست تو هم کنارش باش				۱۳۲
مراجعه به مشاوره برای حفظ زندگی بخاطر وجود بچه ها	من خیلی باهش حرف میزدیم حتی مشاوره هم رفتیم من تلافی نمیکردم دنبال این بودم که بخاطر بچه ها یا حرف و حدیث بقیه هم که شده زندگی کنیم باهم. من پیش فامیل و دختر خاله هام خیلی خجالت میکشیدم. نوبت مشاوره میگرفتم خیلی وقت ها نمیومد و کلا نمیخواست زندگی کنه			۴	۱۳۳
مراجعه به دعانویس و گرفتن دعا برای آرامش و بهبود شرایط	من حتی پیش دعا نویس هم رفتم و چندین بار دعاهای مختلف گرفتم و میخواستم هرطوری که شده زندگیمو بسازم			۴	۱۳۴
دوست شدن مرد با یک خانم و متوجه شدن زن و دادن درخواست طلاق	اواخر با یه خانومه دوست شده بود ۱۴ فروردین بود من مریض بودم خونه خوابیده بودم دیدم پیام اومد برای شوهرم که نون و کره بگیر بیا. شوهرم بعد از اینکه پیام رو دید رفت منم سریع آژانس گرفتم دنبالش رفتم وارد یه خونه شد زنگ زدم داداشام با پلیس اومدن ریختیم تو خونه و همون موقع رفتیم دادگاه			۴	۱۳۵
دخالت خانواده، همسایه ها و پلیس در خشونت های	حتی همسایه ها متوجه میشدن حتی یکی دوبار پلیس هم اومد و حتی داداشام اومدن کتک کاری شد			۴	۱۳۶

اعمال شده به زن					
چشم پوشی از رفتارهای بد مرد بخاطر بچه ها	من هر بار میبخشیدم اوایل دوستش داشتم و بعدش هم بخاطر بچه ها میبخشیدمش			۴	۱۳۷
تصور زن از اینکه کارش باعث شده تا مرد به او خیانت کند	من میگم حتی کارم این بلا رو سر زندگیم آورد شاید اگه تو خونه بودم اینجوری نمیشد و خیانتش کمتر میشد اما از طرفی هم ناچار بودم چون خودش درست کار نمیکرد.			۴	۱۳۸
حسرت زن برای شنیدن یک خسته نباشید از مرد	اما نه تحصیلاتم و نه شغلم اصلا براش مهم نبود اصلا هیچی براش مهم نبود. من دوست داشتم برم خونه یه بار یه خسته نباشید به من بگه			۴	۱۳۹
بیدار کردن زن برای رفتن سرکار	ولی اگه صبح خواب میموندم صدام میکرد میگفت پاشو برو سرکار دیرت شده همین چیزا بود که آزارم میداد.			۴	۱۴۰
تلاش زن برای جبران کمبودهای زندگی بچه ها با شاد بودن و فراهم کردن امکانات برای آنها	من خیلی جلوی خودمو میگیرم که پیش بچه ها شاد باشم و گریه نکنم و همیشه بهشون میگم که من خودم جبران میکنم. هر چی میخوان براشون تهیه میکنم و نمیزارم کم و کسری داشته باشن			۴	۱۴۱
تفرزندان از پدر خود و تمایل	بچه ها خیلی تاثیر بد گرفتن. بچه هام قید باباشون رو زدن حتی یه وقتی میگن فامیلیمون رو میخواییم عوض کنیم ولی اون اصلا دو ساله نه بچه هاش رو دیده نه صداشون رو شنیده.			۴	۱۴۲

برای تغییر نام خانوادگی خود					
تلاش فرزند پسر با درس خواندن برای جبران لحظات تلخ مادر	پسرم ریاضی فیزیک میخونه دبیرستانه. درساش خیلی خوبه همش میگه مامان من میخوام درس بخونم جبران کنم و هرکاری که بتونم برات بکنم			۴	۱۴۳
افسردگی فرزند دختر و مراجعه به مشاوره	دخترم خیلی افسردست و میبرمش مشاوره الان دیگه منم تمام امیدم بچهامه که آینده خوبی داشته باشن			۴	۱۴۴
حساسیت خانواده نسبت به طولانی شدن دوران عقد موضوعی برای بحث	بحث و دادوبیداد داریم بعضی موقع ها. الان خب ما عقد کرده هستیم و خانواده من خیلی گیر میدن که چرا شوهرت کاراش رو نمیکنه که زودتر برید سر خونه زندگی خودتون خب خانوادم خیلی روی این چیزا حساس هستن چون یه برادر کوچیک تر از خودم هم دارم و به این رفت و آمد و موندن شوهرم گیر میدن و وقتی به من میگن و بحث میکنن منم بعدش با شوهرم بحثم میشه سر این موضوع	لیسانس	کارمند	۵	۱۴۵
اعتراض زن برای طولانی شدن مدت عقد عاملی برای ایجاد تنش	الان در حال حاضر بیشترین بحثی که دارم با شوهرم سر همین رفتن سر خونه زندگی خودمون هستش وگرنه مورد دپگه ای نداریم			۵	۱۴۶
اعتراض مادر زن و سپس عصبانیت زن و گیر دادن به مرد	اول مامانم به من گیر میدن و بعدش من عصبی میشم و با شوهرم بحث میکنم			۵	۱۴۷

۱۴۸	۵			شوهرم اون لحظه بیشتر تو خودش میریزه و خیلی ناراحت میشه و حرف میزنه باهام میگه صبر کن تو درست میشه و سعی میکنه باهام صحبت کنه که بیشتر صبر کنم و کمتر عصبی باشم	صبوری و تحمل مرد و سعی برای حل مشکل با گفت و گو
۱۴۹	۵			شوهرم کلا از قهر خوشش نمیاد و اصلا سعی نمیکنه رفت و آمد رو کمتر کنه یا جای خواب عوض بشه اصلا	اجتناب از قهر و کمتر کردن روابط توسط مرد
۱۵۰	۵			من وقتی بحث میکنیم خیلی ناراحت و عصبانی میشم و حتی گریه میکنم و خیلی سرم درد میگیره و حتی صدام میره بالا و میگم خب دیگه زشته من پیش خانوادم خجالت میکشم بریم سر خونه زندگی خودمون	اعتراض زن به مرد با عصبانیت و دادوبیداد برای طولانی شدن دوران عقد
۱۵۱	۵			اینجوری تو هر چیزی خانواده ها هم به خودشون اجازه میدن دخالت کنن و نظر بدن ولی وقتی بریم خونه خودمون دیگه نمیزاریم خیلی چیزا رو متوجه بشن که بخوان دخالت کنن	دخالت خانواده ها در امور خصوصی زن و مرد به دلیل اینکه در خانه خود زندگی نمیکنند
۱۵۲	۵			اون هم خیلی ناراحت میشه اما خیلی تو خودش میریزه و اصلا بروز نمیده که عصبی یا ناراحته	ناراحتی مرد از عصبانیت زن اما بروز ندادن ناراحتی خود
۱۵۳	۵			اون لحظه خیلی تلاش میکنه منو آروم کنه	تلاش مرد برای آرام کردن زن

۱۵۴	۵			میگه تو صبر کن من کارام درست راستی بشه	فراهم کردن امکانات برای رضایت زن
۱۵۵	۵			ما باهم حرف میزنیم سعی میکنیم طولانی نشه. اما چون شوهرم از قهر خوشش نمیداد شده چند بار که باهاش سرسنگین شدم و کمتر باهاش حرف زدم و با قهر کردن سعی کردم بهش نشون بدم که خیلی ناراحت و عصبیم	قهر و سرسنگین شدن زن برای نشان دادن نارضایتی از شرایط موجود
۱۵۶	۵			چون شوهرم خوشش نمیداد از قهر من همش سعی میکنه که منو آرام کنه	تلاش مرد برای آرام کردن زن به دلیل دوست نداشتن قهر او
۱۵۷	۵			بیشتر سر همین موضوع با هم بحث داریم که اونم سعی میکنیم با صحبت کردن با هم حلش کنیم و بحث آنچنانی با هم دیگه نداریم. مثلاً من میگم الان دو سال و نیمه که عقده کرده ایم زشته دیگه باید بریم سر خونه خودمون با لحن بد میگم و عصبی میشم و قهر میکنم	تلاش مرد برای آرامش زن و عصبانیت زن
۱۵۸	۵			شوهرم هم میگه درست میکنم همه چی رو. تو صبر کن من برنامه هام درست راستی بشه و سعی میکنه بیشتر با حرف منو آرام کنه	تلاش مرد برای فراهم کردن شرایط و امکانات
۱۵۹	۵			طبیعیه چون بحث تو هر زندگی هست و چیز خاصی هم نیس که ما سرش بحث میکنیم یه چیز عادیه چون مدت عقد طولانی شده و خانواده من گیر میدن خب طبیعی اونا هم حق دارن	طبیعی دانستن بحث ها بخاطر طولانی شدن مدت عقد اعتراض خانواده زن

۱۶۰	۵			همسایه ها و پلیس که اصلا اما خانواده ها چرا. چند بار متوجه شدن چون کلا خانواده من شروع میکنن به من گیر دادن و دخالت کردن تو کارا و تصمیماتمون و بعدش من با شوهرم بحث میکنم	دخالت خانواده ها در کارها و تصمیمات زن و مرد و در نهایت بحث زن با مرد
۱۶۱	۵			شوهرم کلا به جوریه که میگه اینکه مستقلی من دوست دارم ولی بخاطر پولی که در میارم نميگه کلا میگه خوبه که مستقلی و روی پول من حساب نمیکنه و میگه اینکه موفقی دوست دارم اینکه درس خوندی و الان هم سر کار میری و موفقی من خوشم میاد	علاقه مرد به مستقل بودن و موفق بودن زن
۱۶۲	۵			بیشتر تصمیم گیری ها و انتخاب ها با منه و اکثر جاها من نظر میدم و انتخاب میکنم	تصمیم گیری ها و انتخاب ها با زن است
۱۶۳	۵			بحث زیاد جدی بینمون شکل نمیگیره که بگم خیلی تاثیر زیادی میزاره تو زندگیمون. گفتم که بیشتر سر همین موضوع با هم بحثمون میشه که اونم همون اول خیلی عصبی میشم که بعدش با شوهرم حرف میزنیم با هم و سعی میکنیم تمومش کنیم و طولانی نش نکنیم که باعث بشه فکرمون درگیر باشه	صحبت و گفتگو با یکدیگر برای جلوگیری از درگیری ذهن و فکر
۱۶۴	۵			چون من بیشتر وقتا شروع میکنم بنظرم باید من بیشتر کوتاه بیام و صبور تر باشم چون شوهرم که آرام هست و سعی میکنه امکانات رو فراهم کنه که زودتر بریم سر خونه خودمون و من باید وقتی تلاش شوهرم رو میبینم دیگه بحث نکنم باهاش	تلاش زن برای صبوری بیشتر در مقابل تلاش مرد برای فراهم کردن امکانات و صبوری وی
۱۶۵	۵			حداقل دیگه قهر نکنم چون شوهرم از قهر متنفره و خب نقطه ضعفیه که داده دستم دیگه	تلاش زن برای کنترل

خود و قهر نکردن					
بحث و اختلاف نظر داشتن بدور از کتک و زدو خورد	ما بحث داشتیم اما تا حدی که به کتک و زد و خورد برسه نه اصلا. خب بالاخره اختلاف نظر و عقیده پیش میاد و باعث بحث میشه اما اینکه به زدن برسه و جدی بشه نداریم	لیسانس	کارگر	۶	۱۶۶
همیشگی بودن اختلاف نظر درمورد نحوه درس خواندن بچه ها	اتفاقا یه موضوعی که ما همیشه سرش اختلاف نظر داریم درس خوندن و نظم بچه هاست که باعث بحثمون میشه و خیلی تو خونه ما شایع هستش چون شوهرم خیلی زیاد روی درس دخترم حساسه و من میگم خب حالا لزومی نداره انقدر حساس باشی باید یه خرده ملایم تر باشی اون میگه نباید از حالا وقتشو هدر بده من میگم سنتش زیاد حساس نیس که بخواد همش درس بخونه بچه اس هنوز. این مورد رو ما خیلی داریم. به فحاشی و بد و بیراه هم نمیکشه حتی فقط در حد بحث و جدله			۶	۱۶۷
بحث و بگومگو بخاطر اختلاف نظر درمورد درس بچه ها سخت گیری مرد درمورد درس بچه ها	مثلا حالت بگومگو داره بحث هامون اینکه مثلا شوهرم یه چیزی میگه من یه چی دیگه میگم مثلا شوهرم میگه دخترم کلاس چهارمه و باید ریاضیش قوی باشه و از حالا روی درسش کار کنه من میگم درسش که خوبه و میخونه دیگه لزومی نداره ما این همه سخت بگیریم ولی این فقط بحثه و به دعوا نمیرسه که خیلی جدی بشه			۶	۱۶۸
اعتراض مرد به نحوه درس خواندن بچه ها و ایجاد بحث	بیشتر سر درس بچه ها شوهرم شروع میکنه که اونم چیز خاصی نیس فقط میگه چرا اول درسشو نمیخونه بعدش بره دنبال بازی			۶	۱۶۹
بحث و جدل بخاطر	مثلا دختر من میخواد بازی کنه میگه نه این حتما الان باید درساشو بخونه و هیچ تکلیفی نداشته باشه			۶	۱۷۰

نحوه درس خواندن بچه ها و مقایسه آنها با هم	بعدش بره سراغ بازی ولی من میگم بهش گیر نده این خودش بالاخره انجام میده. یکی از بچه هام که بزرگتره بیشتر سرش با هم بحث داریم ولی کوچیکه خیلی منظمه خودش کاراش رو انجام میده و درسش رو میخونه و شوهرم میخواد اونو شبیه این کوچیکه کنه که خب نمیشه دختر بزرگم باهوش هست اما به منظمی دختر کوچیکم نیس.				
صحبت و مشورت با یکدیگر برای بهبود شرایط	اون موقع فقط بحث میکنه باهام و حالت یکی به دو کردنه که اونم خیلی کوتاهه و کش نمیده بحث رو و بعدش سعی میکنه باهام درموردش حرف بزنه و مشورت بگیره که مثلا چکار کنیم که اوضاع بهتر بشه			۶	۱۷۱
عدم ادامه دار کردن موضوع بحث توسط مرد و تلاش برای حل آن	شوهرم به لحاظ اخلاقی میتونم بگم حتی از خودمم بهتره اصلا اینجوری نیس که به یه چیزی پيله کنه و گیر بده و اگه بحثی هم پیش بیاد زود فراموش میکنه و خیلی صبوره و یه چیزی رو کش دار نمیکنه			۶	۱۷۲
عدم مشکل در روابط جنسی	نه بابا اصلا به اون جا نمیرسه که بخواییم برای روابطمون مشکلی پیدا کنیم			۶	۱۷۳
بحث و بگومگو بخاطر اختلاف نظر درمورد درس بچه ها	در اون حدی نیس که باعث ناراحتی بشه من حتی خیلی خوشحال هم میشم که رو درس بچه هاش حساسه ولی خب باهاش بحث میکنم که تو بچه ها زدگی به وجود نیاد و کلا از درس زده بشن و گرنه که اون میخواد دخترامون خیلی بالا باشن من میگم حالا یه ذره متعادل تر هم باشه مشکلی نداره که باعث آزرده شدن ذهن بچه ها نشه. و گرنه که کش پیدا نمیکنه			۶	۱۷۴
بحث جزئی که حتی احتیاجی به	بیشتر اختلاف نظر هستش و به جای خاصی کشیده نمیشه که حتی بعدش احتیاجی به عذرخواهی از هم دیگه داشته باشیم.			۶	۱۷۵

عذرخواهی از یکدیگر ندارند					
حل مشکلات با مشورت با یکدیگر	شوهرم با مشورت من جدیداً به قانونی گذاشته که اول بچه ها درسشونو بخونن بعدش بریم بیرون یا بازی. خب منم راضیم و اول به درس بچه ها میرسم بعدش میگم خب حالا دیگه تا آخر شب راحتید			۶	۱۷۶
همیشگی بودن بحث درمورد درس بچه ها	بحث ما سر بچه‌هاست یعنی موضوعیه که ما همیشه سرش بحث داریم و بحث هرشب ماست تو خونه که اون میگه اول درس بعدش بازی من میگم خب حالا درسشون خوبه به خرده بازی گوشی کنن چیزی نیس اما با قانونی که گذاشتیم دیگه خیلی کمتر شده بحثمون			۶	۱۷۷
طبیعی دانستن بحث بخاطر اینکه اگه وجود نداشته باشد زندگی خیلی یکنواخت میشود	اگه این چیزا هم نباشه که دیگه خیلی زندگی یک نواخت میشه			۶	۱۷۸
مدیریت مسائل مالی و کنترل خرج و مخارج با زن است	شوهرم همیشه میگه مدیریت تو در زمینه مالی خیلی بهتر از منه و وقتی میخواد چک بده یا پولی قرض بده مدیریتش بیشتر با منه و بیشتر من تصمیم میگیرم که پس انداز کنیم یا خرج کنیم			۶	۱۷۹
دادن حق اظهاری نظر به زن	خیلی به من حق اظهار نظر میده میگه تو بهتر میتونی همه چی رو کنترل کنی و میگه خیلی قبولت دارم تو این زمینه			۶	۱۸۰
صحبت درمورد موضوع مورد بحث و عدم توهین و	بحث آنچنانی نداریم که باعث تاثیر بد روی بچه ها یا روی زندگیمون بشه شوهرم کلاً از لحاظ اخلاقی اصلاً اهل دادوبیداد و توهین نیس و اگه چیزی هم میگه در حده صحبت و یکی به دو کرده میتونم بگم زندگی آرومی			۶	۱۸۱

دادوبیداد به یکدیگر	داریم هرچند مشکلات خیلی داشتیم از لحاظ مالی ولی خداوشکر باعث بحث حادی نشده				
صبوری و تلاش برای بهبود شرایط توسط زن با کمک به درس بچه ها	خودم سعی میکنم که روی موضوعی که اون حساسه بیشتر صبوری کنم و باهاش صحبت کنم که مشکل حل بشه و ادامه پیدا نکنه درمورد درس هم که میبینم شوهرم حساسه با بچه ها صحبت میکنم که بیشتر تلاش کنن و کمکشون میکنم تا بحثی پیش نیاد دیگه و شوهرم هم خیلی سعی میکنه اینکارو بکنه			۶	۱۸۲
بحث قابل حل بین زن و مرد	خب بحث داشتیم با هم ولی بحث هایی که بین خودمون قابل حل بوده و خودمون حلش کردیم	فوق لیسانس	کارمند	۷	۱۸۳
تیپ شخصیتی متفاوت عاملی برای اختلاف است شر و شیطونی زن در مقابل آرام و ساکت بودن مرد	مثلا یه سری مسائلی هستش که باعث و بانیش اینکه ما هنوز زیاد با هم آشنا نشدیم و یا مثلا یه سری خصلت هاست که واسه ما ناخوشاینده مثلا من هنوز اون شر و شیطونیه رو دارم ولی اون ریلکس تر و آروم تره و مثلا من دوست دارم یه مقدار همه چی هیجانی تر باشه اما اون میخواد آرومتر باشه همه چی			۷	۱۸۴
دخالتهای خانواده ها و برخی صحبت های آنها عاملی است برای اختلاف	مثلا بعضی مواقع درمورد گفت و گوهای که بین خانواده ها پیش میاد باعث دلخوری بینمون میشه			۷	۱۸۵
صحبت درمورد موضوع مورد بحث	خب این موضوع هم باعث دعوا نشده و فقط یه خرده گله مند شدم که اونم سعی کرده با صحبت حلش کنه			۷	۱۸۶

۱۸۷	۷			هیچی نمیگه و فقط گوش میده و منم حرص میخورم که خب چرا هیچی نمیگی میگه خب چی بگم	سکوت مرد در برابر عصبانیت زن
۱۸۸	۷			حق با توهه راست میگی من نمیدونم چه جوابی بهت بدم	دادن حق به زن
۱۸۹	۷			میزاره یه تایمی بگذره و بعدش مثلاً فرداش میشینه با من صحبت میکنه و نظراتش رو میگه و میگه میخواستم آروم تر بشی بعدش باهات صحبت کنم چون میدونه اون زمان که ناراحتم خیلی عصبی میشم و کلاً منطقی رفتار نمیکنم	ایجاد فرصت و گذر زمان برای آرامتر شدن شرایط توسط مرد
۱۹۰	۷			من اون لحظه که از چیزی ناراحت میشم خیلی عصبی میشم و بغض گلومو میگیره	ناراحتی و عصبانیت شدید زن بخاطر موضوع آزاردهنده
۱۹۱	۷			ولی گریه نمیکنم چون میدونم اگه گریه کنم اون خیلی ناراحت میشه بیشتر از من و عذاب وجدان میگیره و این باعث میشه که من بیشتر مراعات کنم و سعی میکنم انقدر موضوع رو بزرگش نکنم با گریه کردن	کنترل خود برای گریه نکردن بخاطر ناراحتی مرد هنگام گریه زن
۱۹۲	۷			شوهرم هم موقع بحث بیشتر میخواد نباشه یعنی میخواد بره از جوی که به وجود اومده بیرون و بهش فکر کنه	ترک محل بحث توسط مرد برای جلوگیری از تشدید بحث و تنش
۱۹۳	۷			البته اوایل خیلی بیشتر بود الان خیلی کمتر شده چون اینم یکی از موضوعاتی بود که منو آزار میداد و میگفتم چرا موقعی که بحثمون میشه میخوای دوری کنی و بری و این باعث ناراحتی بیشتر من میشد و بهش گفتم	ناراحتی زن از اینکه مرد محل بحث را ترک میکند و

تلاش برای نگه داشتن مرد در محل بحث برای صحبت و گفتگو با یکدیگر	چرا میخوای بری و خب همسرم از جو سنگین خیلی بدش میاد سعی میکرد بره دیگه ولی من بهش گفتم همیشه که همش بری سعی کن باشیم پیش هم دیگه و حلش کنیم و الان خب خیلی کمتر شده				
اعتراض زن به بحث پیش آمده از طریق تلافی کردن و دیر آماده شدن برای حضور در محل قرار	من خب خیلی پر حوصلم خیلی زیاد و خب مثلا روزایی که قراره بیاد دنبالم و میخوام آماده بشم و لباس بپوشم و زنگ میزنه که من مثلا دو دقیقه دیگه دم در خونتونم بیا من مثلا ده دقیقه دیگه میرم دم در و با این راه اذیتش میکنم ولی خب اونم فهمیده و بعد از اینکه یه بحثی بینمون پیش میاد وقتی میخواد بیاد دنبالم زنگ میزنه میگه من دو دقیقه دیگه میرسم ولی ده دقیقه دیگه میاد که منتظر نمونه ولی خب در همین حده چون کینه ای نیستیم و سعی میکنیم زود حلش کنیم			۷	۱۹۴
قطع کردن صحبت زن در جمع و آزرده خاطر شدن وی و در نهایت حل آن با صحبت بدور از دادوبیداد	آخرین چیزی که باعث آزار من شد این بود که من داشتم صحبت میکردم تو یه جمعی و همسرم میخواست که این صحبت ها کش پیدا نکنه و صحبت من رو قطع کرد و جمعش کرد ولی من دوست داشتم ادامه بدم به صحبتتم و اینکه ما بین صحبتتم حرفم رو قطع کرد باعث دلخوری و رنجش من شد و بعدش من بهش گفتم که این کارت منو اذیت کرد و از این به بعد وقتی دارم صحبت میکنم وسط حرفم نپر و با صحبت حلش کردیم اصلا به حتی دادوبیداد هم نرسید			۷	۱۹۵
طبیعی دانستن بحث ها به دلیل عدم وجود آشنایی در ابتدای ازدواج و تفاوت دو خانواده	طبیعیه چون هنوز اون آشنایی کامل رو با هم نداریم و توی دوتا خانواده متفاوت بزرگ شدیم			۷	۱۹۶

کامل دانستن زن و مقایسه او با زن های فامیل و بهرتر دانستن او و تشکر و عذرخواهی از زن بابت کار کردنش	خیلی زیاد تاثیر داره مثلا منو نسبت به خواهرش یا حتی دخترهای فامیل که دور و برش هستن کامل تر میبینم و تو این زمینه که شاغل هستم خیلی قدر دان من هستش و حتی میگه تو لیاقتت بیشتر از یه کارمند ساده بودنه و خیلی سعی میکنه خودش بیشتر کار کنه تا من دیگه اینجا نیام تا بتونم کار دیگه ای که بهتر باشه پیدا کنم ولی فعلا بخاطر حقوقی که اینجا ثابت شده من میام. و آره واقعا همیشه از من تشکر میکنه و حتی معذرت خواهی میکنه که من میام کار میکنم			۷	۱۹۷
بزرگنمایی کردن مسائل توسط زن و دلخوری او	اگه بحث جدی باشه که خیلی کم پیش میاد و یا بحثمون یه تایمی باشه که روحیم خیلی خراب باشه باعث میشه که خیلی ازش دلخور بشم و خیلی بزرگش میکنم			۷	۱۹۸
تلاش برای حل مسائل با مشاوره رفتن و صحبت کردن	خب بعدش سعی میکنم حلش کنم حتی با مشاوره رفتن و نمیزاریم خیلی طولانی بشه			۷	۱۹۹
تلاش برای بهبود شرایط با صحبت و مشورت به موقع با یکدیگر و جلوگیری از تلنبار شدن مسائل روی هم	اینکه زودتر درموردش حرف بزنیم و نزاریم دلخوری که داریم زیاد طولانی بشه و تو دلمون بمونه و تلنبار بشه و با یه اتفاق کوچولوی دیگه همه این دلخوری ها فوران کنه			۷	۲۰۰
اختلاف نظر عامل ایجاد بحث	اختلاف نظر سر یه چیزایی به وجود میاد و هست ولی به کتک و زدوخورد نمیرسه	فوق لیسانس	کارمند	۸	۲۰۱
تلاش برای حفظ احترام در هنگام بحث	فقط در حد همون بحثه و نمیزاریم احترامی که بینمون هست بهش لطمه ای بخوره			۸	۲۰۲

۲۰۳	۸			یا من باید کوتاه بیام یا شوهرم کوتاه بیاد که بحث زیاد طولانی نشه دیگه و بالاخره یه جایی یه کدوم باید کوتاه بیاد	کوتاه آمدن یکی از زوجین برای اتمام بحث
۲۰۴	۸			بیشتر سر یه چیزای خیلی معمولی مثلاً یه نمونش اینکه ما تو جمع خانوادگی که هستیم شوهرم خیلی ساکته و آرومه بیشتر موقع ها بهش میگم چرا خب انقدر کم حرفی و تو جمع توی بحث ها شرکت نمیکنی و وارد نمیشی و یه ذره بیشتر اجتماعی تر باشی و اونم میگه من اینجوری عادت کردم و اینجوری بیشتر دوست دارم و آرومم و بیشتر سر اینهاست ولی دیگه ادامه نمیدیم و به قولی کش پیدا نمیکنه	تیپ شخصیتی متفاوت عاملی برای ایجاد اختلاف کم حرفی مرد در مقابل اجتماعی بودن زن
۲۰۵	۸			چرا اوایل ازدواج خیلی بهش میگفتم ولی حالا دیگه عادی شده و دیگه کنار اوادم باهاش که این دیگه اخلاقشه و اینجوری راضی تره و هر کسی یه شخصیتی داره و نمیتونم چیزی رو بهش تحمیل کنم	کنار آمدن و درک کردن یکدیگر و رسیدن به ثبات
۲۰۶	۸			دیگه بعد از چند سال زندگی مشترک هم دیگه رو شناختیم و متوجه شدیم روی چه چیزایی حساسیم یا از چی بدمون میاد و سعی میکنیم یه جوری رفتار کنیم که باعث آزار هم دیگه نشیم	رسیدن به یک شناخت نسبی از یکدیگر باعث کاهش خشونت میشود
۲۰۷	۸			خب ما از همون اول ازدواج با هم به توافق رسیدیم که هر طوری هم بشه و هر اتفاقی هم بیوفته جای خواب نباید جدا بشه و این یه قانون شده برامون که هر چقدر هم از دست هم دیگه ناراحت و دلخور باشیم اما شب جای خوابو تغییر نمیدیم و خب خیلی وقتا همین کار حتی باعث شده زودتر اون آزدگی از بین بره و تموم بشه و به توافق رسیدیم و یه جور قانونش کردیم که نباید جدا از هم بخوابیم	به توافق رسیدن از ابتدای ازدواج برای جدا نکردن جای خواب

۲۰۸	۸			وقتی بحثم میشه با شوهرم خب خیلی سعی میکنم آروم باشم و دربرابر خیلی از صحبتایی که میکنه سکوت کنم تا اونم آرومتر بشه	سکوت زن برای آرام شدن مرد
۲۰۹	۸			یه تایمی بگذره و بعدا باهم درموردش حرف بزنیم	ایجاد فرصت و زمان برای آرام شدن و سپس صحبت
۲۱۰	۸			چون وقتی که بحث میکنیم و یکی من میگم یکی اون میگه اینو فهمیدم که اون لحظه فقط با عصبانیت میخوااییم حرف خودمونو به کرسی بشونیم و نتیجه ای هم نمیگیریم	یکی به دو کردن تنها باعث ادامه دار شدن بحث و عصبانیت بیشتر میشود
۲۱۱	۸			اما وقتی بحثی هم پیش میاد تا یه چند ساعتی بگذره و آروم بشیم و بخوایم آشتی کنیم یا حالا بشینیم پیش هم درموردش صحبت کنیم واقعا انگار خیلی حس بدیه و دیگه اون صمیمیت قبل نیس و احساس سردی و دوری میکنیم و به جوری انگار سرسنگین میشیم باهم	سرسنگین شدن و از بین رفتن صمیمیت و احساس سردی و دوری از یکدیگر بعد از بحث
۲۱۲	۸			با اینکه تو بحثا هیچ موقع اجازه نمیدیم به خودمون که توهین کنیم یا فحاشی کنیم اصلا اما خب همون بگومگو هم باعث میشه یه خرده انگار مثل قبل نباشیم تا یه تایمی بگذره ازش	عدم فحاشی و توهین به یکدیگر
۲۱۳	۸			تو بحثا هیچ موقع اجازه نمیدیم به خودمون که توهین کنیم یا فحاشی کنیم اصلا	بحث بدون توهین و فحاشی
۲۱۴	۸			شوهرم موقع بحث اصلا اینکه بگم فحش بده یا بخواد به خودم یا حتی خانوادم توهین کنه اصلا ولی خب شاید یه خرده صداسش بره بالاتر	بحث با صدای بلند به

دور از توهین و فحاشی					
طبیعی بودن بحث با صدای بالا به دلیل اینکه در آن لحظه هر کدام تلاش میکنند تا حرف خود را به کرسی بنشانند	اینم بنظرم طبیعی بالاخره اون لحظه میخوای با صدای بلند حرفتو به کرسی بشونی دیگه و همه همین طورن من خودمم بعضی وقتا که دیگه خیلی ناراحت میشیم صدام میره بالا			۸	۲۱۵
ترک منزل یا فاصله گرفتن از یکدیگر برای آرام شدن	شوهرم بعد از بحثی که داشتیم یا از خونه میزنه بیرون تا یه ذره آرام بشه و بیاد و یا اگه من تو اتاق باشم اون توی پذیرایی میمونه و با گوشیش ور میره و یا تلویزیون میبینه			۸	۲۱۶
انتظار زن برای عذرخواهی مرد از او	منم انقدر منتظر میمونم تا بیاد و عذرخواهی کنه و باهم دیگه صحبت میکنیم			۸	۲۱۷
حل موضوع مورد بحث با صحبت و گفتگو و جلوگیری از ادامه دار شدن بحث	همیشه بعد از بحث ها میگه من اصلا نمیخوام یه چیزی کش بیاد و طولانی بشه تو یه قدم بردار منم یه قدم میام همه چی رو باهم حلش میکنیم برای همین اهل تلافی هم نیستیم چون میخواییم زودتر تموم بشه بحث			۸	۲۱۸
اطرافیان و دخالت های آنها عاملی برای ایجاد بحث است	ما اصلا زیاد سر خودمون باهم بحثمون نمیشه و بیشتر عامل بحثمون اطرافیان هستن			۸	۲۱۹

خواهرشوهر با زدن حرفی باعث ناراحتی زن شده و درنهایت بحث زن با مرد	مثلا خواهر اون یه چیزی میگه و من ناراحت میشم و به روی خواهرش نمیارم ولی به خودش میگم آره مثلا خواهرت اون حرفو زد و خب بالاخره اونم خواهرشه و بهش بر میخوره و یه خرده باهم بحث میکنیم			۸	۲۲۰
دخالت ها و تیکه انداختن های خواهرشوهر و گیر دادن به رفتارهای زن و درنهایت تنش و بحث بین زن و مرد	خب منم عصبانی میشم خواهرشوهرم خیلی تو کارمون دخالت میکنه و فقط کافیه بفهمه من و شوهرم یه خرده مثلا بحث داشتیم دیگه بیا و ببین چه کارا که نمیکنه حتی شاید باورت نشه به طرز غذا خوردنم ایراد میگیره و تیکه میندازه منم خب خیلی ناراحت و عصبی میشم و به خواهرشوهرم که چیزی نمیگم اما بعدش با شوهرم بحثم میشه و میگم مثلا خواهرت چرا به خودش اجازه میده تو کارای ما دخالت کنه و آتیش بیار معرکه بشه و شوهرم خب بین منو خواهرش میمونه و نمیدونه جانب کدومو بگیره و بدتر اونم عصبی میشه و میگم دیگه این جور موقع ها من فهمیدم که با بحث به جایی نمیرسیم به همین خاطر من سعی میکنم آروم بشم و سر فرصت با شوهرم درموردش صحبت میکنم			۸	۲۲۱
تلاش برای حل عامل ایجادکننده تنش و بحث با صحبت	خب وقتی هر دو آرومیم و منطقی صحبت میکنیم به یه نتیجه ای هم میرسیم ولی وقتی هردو اون لحظه ناراحت و دلخوریم به هیچ جایی نمیرسیم جز بحث و بگومگو			۸	۲۲۲
کم کردن رابطه با خواهرشوهر	مثلا سر کارایی که خواهرشوهرم انجام میده دیگه خودم که خیلی سعی میکنم ارتباطاتم باهاش کم باشه و اگه یه موقعی مهمونی چیزی باشه و ببینمش و چیزی بگه و تیکه ای بندازه دیگه بعدش با شوهرم بحث نمیکم و باهاش حرف میزنم میگم چیکار کنیم که مشکل حل بشه. مثلا خب یه راهش کم کردن رابطه بود حالا			۸	۲۲۳

۲۲۴	۸			مثلا جدیدا با شوهرم به این نتیجه رسیدیم که به مادرشوهر پدرشوهرم موضوع رو بگیم تا اونا با دخترشون حرف بزنن شاید که مشکل کمتر بشه	درخواست کمک از پدرشوهر و مادرشوهر برای صحبت با دختر خود
۲۲۵	۸			تا یه حدی طبیعیه ولی اگه از کنترل خارج بشه نه دیگه طبیعیه نیس یعنی به زدو خورد و کتک بخواد برسه نرمال نیس صددرصد	طبیعی دانستن بحث ها تا حدی که منجر به کتک و زدو خورد نشود
۲۲۶	۸			ما اصلا از همون اول چیزی به عنوان جدایی حقوق نداشتیم و از اول خرج و مخارج رو مینوشتیم و باهم پرداخت میکنیم و هر چی از حقوق هم بمونه واسه جفتمونه و چیز جدایی نداریم	نوشتن خرج و مخارج با یکدیگر و پرداخت آنها با هم
۲۲۷	۸			شوهرم کلا خیلی بهم بها میده و درکم میکنه	بها دادن به زن و درک کردن او
۲۲۸	۸			مثلا از سر کار که میام خونه و میخوام کار خونه رو انجام بدم میگه تو خسته ای بزار من انجامش بدم یا مثلا میگه باهم این کارو بکنیم یا مثلا وقتی میبینم من غذا درست کردم و میز رو آماده کردم اون دیگه میز رو جمع میکنه و ظرفا رو میشوره و یه همکاری دو طرفه است	کمک کرد در کارهای خانه و جمع کردن و شستن ظروف
۲۲۹	۸			بنظر من وقتی آدم فکرش آزاد باشه خیلی کارایی بیشتری میتونه سر کارش داشته باشه اما وقتی فکرش آزاد نباشه و درگیر باشه کلا زندگی خوب پیش نمیره	آزاد نبودن فکر و ذهن و پایین آمدن کارایی نتیجه بحث و تنش است

۲۳۰	۸			حتی اگه بیشترین سرمایه و امکانات رو هم داشته باشی ولی نمیتونی ازش لذت ببری	لذت نبردن از امکانات و زندگی بخاطر وجود درگیری
۲۳۱	۸			حتی طرف اگه بچه هم داشته باشه روی تربیت و اعصاب بچه هم تاثیر منفی میزاره و حتی ممکنه از دست شوهرش عصبانی باشه اما ناراحتیش رو روی سر بچه خالی میکنه	تاثیر منفی بحث ها روی تربیت و اعصاب بچه
۲۳۲	۸			بنظرم نباید به یه سری مسائل زیاد گیر بدیم مثلاً من خودم فهمیدم که نباید به یه سری جزئیات خیلی پیش پا افتاده گیر بدم و انقدر بزرگش کنم و هی غر بزنم تا باعث بحث بشه و خب نباید مانور بدیم روی یه سری مسائل کوچیک همین مسائل روزانه خیلی کم اهمیت که تو هر خانواده ای ممکنه پیش بیاد چون اون صلح و آرامشی که بینمون برقراره ارزشش خیلی بیشتر از این مسائل کوچیک و قابل حله	چشم پوشی از برخی مسائل پیش پا افتاده قابل حل و عدم بزرگنمایی مسائل کوچک باعث میشود بحث ها کمتر شود
۲۳۳	۹	کارگر	لیسانس	ما خیلی سر مسائل اقتصادی با هم بحث داریم اینکه تورم و گرونی و هرچی کار میکنیم به جایی نمیرسیم و خب صبور نبودیم تو این مورد و بیشتر وقت ها سر همین موضوع با هم بحث میکنیم چون خب فکر میکردیم هرچقدر جلو بریم اوضاع بهتر میشه ولی خب بدتر شده که بهتر نشده	وجود تورم و گرانی و خرجی ندادن به زن به بهانه کار کردن زن
۲۳۴	۹			خب یه جاهایی هم مرد ها وقتی میبینن زن داره کار میکنه دیگه کامل خودشونو میکشن کنار و یه وقت چیزی هم بخوای با یه کلمه ی ندارم تمومش میکنن	کناره گیری مرد از خرجی دادن به زن و گفتن ندارم در مقابل خواسته های او

۲۳۵	۹			خب بازم اون مرد میتونه حتی اگه پولی هم نداشته باشه میتونه با زبونش یه جوری زنش رو قانع کنه ولی خب همسر من سعی نمیکنه با زبون منو آروم نگه داره حداقل و دل منو به دست بیاره	عدم تلاش مرد برای آرام کردن و به دست آوردن دل زن با صحبت
۲۳۶	۹			وقتی ازش پول میخوام یه کلمه سریع میگه ندارم و منم خب فکر میکنم چون خودم میام سرکار اینطوری میگه	سرکار رفتن زن باعث شده تا مرد به او خرجی ندهد
۲۳۷	۹			اون لحظه حس سرخوردگی بهم دست میده و میگم خب منم که دوست ندارم کار کنم	احساس سرخوردگی و ناراحتی زن
۲۳۸	۹			اصلا وظیفه من نیس و برای اینکه زندگی بهتر بچرخه این همه به خودم سختی میدم	زن کار کردن را وظیفه خود نمیداند
۲۳۹	۹			شوهرمم میگه خب میگی چیکار کنم وقتی ندارم یعنی ندارم و تو زیاده خواهی و این حرفاش خیلی منو ناراحت میکنه میگم برو زنای فامیلو ببین بعد بیا به من بگو زیاده خواه مگه من چی میخوام	زیاده خواه دانستن زن در مقابل نیازهای درخواستی او
۲۴۰	۹			سر مسائل مربوط به بچه ها هم خیلی با هم بحثمون میشه اینکه من به اون میگم بهشون توجه کن یا اون به من بگه تو مثلاً به پسره بیشتر از دختره اهمیت میدی و منم بگم خب تو هم همین طوری اما برعکسش (اهمیت به دختر بیشتر از پسر)	بحث درمورد ایجاد تبعیض بین بچه ها و مسائل مربوط به آنها
۲۴۱	۹			و خب این وسط دخترمم طرف باباش رو میگیره و بدتر منو عصبی و ناراحت میکنه اما پسرم چیزی نمیگه و خودشو دخالت نمیده	دخالت بچه ها در بحث باعث تشدید تنش

۲۴۲	۹			حتی شده مثلا بچه ها باهم بحثشون بشه و ما هم درگیر بشیم و بخواییم مشکل اونا رو حل کنیم این وسط خودمون هم بحثمون میشه	بحث بین بچه ها باعث درگیر شدن زن و مرد میشود
۲۴۳	۹			بحثای ما اینطوریه که شوهرم یه چیزی میگه و من دیگه نمیتونم جلوی خودمو بگیرم و شروع میکنم به بحث کردن چون نمیتونم یه چیزی رو سریع تمومش کنم و به اصطلاح زیر سیبیلی رد کنم بره	عدم توانایی زن برای زیرسیبیلی رد کردن برخی مسائل و خویشتن داری برای خاتمه دادن به بحث
۲۴۴	۹			شوهرم خیلی عصبانی میشه و شاید یه چیزی پرت کنه ولی اینکه زدو خوردی داشته باشیم نه اصلا شوهرم خیلی که عصبی میشه فقط شاید چیزی پرت کنه و بیشتر مواقع پر خاشگری و داد زدن هستش	عصبانیت مرد و پرت کردن اشیاء و داد زدن
۲۴۵	۹			اصلا بدوبیراه و فحش هم نداریم چون از اول خودم اجازه ندادم که به فحاشی برسه و بخواییم به هم دیگه یا حتی به خانواده های هم دیگه توهین کنیم	نگه داشتن احترام یکدیگر با عدم فحاشی و توهین
۲۴۶	۹			بیشتر بعدش لج و لجبازی داریم با خودمون یا بچه هامون	لجبازی زن و مرد با یکدیگر
۲۴۷	۹			مثلا اینطوری که من به شوهرم بعد از بحث میگم برو فلان چیز رو بخر لازم دارم برای آشپزی اونم میگه میرم الان اما انقدر لفتش میده و نمیره که کلا دیگه به کارم نمیداد یا باید خودم برم بخرم یا بیخیالش بشم	بی توجهی به نیازهای مادی زن و لجبازی با او
۲۴۸	۹			کلا جای خوابمون عوض میشه و با اینکه این کار آزارم میده ولی انجامش میدم چون منم لجبازی میکنم با شوهرم. شده مثلا چندباری پیش قدم شده برای اینکه برم پیشش بخوابم اما خب خیلی موقع ها قبول نمیکنم	جدا کردن جای خواب توسط زن و تلاش بی ثمر

مرد برای آشتی با زن					
به وجود آمدن خلل در روابط زناشویی و عدم اصرار و اجبار مرد	خیلی زیاد و شدیداً پیش میاد که در روابط زناشویی مون خلل ایجاد میشه و از طرف منم هست و من تحریمش میکنم شوهرمو و اونم وقتی میبینم من بی میل اونم دیگه اجبار و اصرار نمیکنه			۹	۲۴۹
خستگی زن از مرد و زندگی و بدبین و منفی نگر شدن نسبت به همه	موقعی که بحثمون میشه من احساس خستگی شدیدی میکنم از زندگی از مرد از جنس مخالف از همه چی خسته میشم و نسبت به همه بدبین میشم و منفی فکر میکنم راجب هر چیزی و اگه کسی ببینم محبت میکنه و مهربونه دیگه باور نمیکنم و اصلاً دیگه آرامش ندارم			۹	۲۵۰
بی توجهی مرد به نیازهای مادی زن و خواسته های او	شوهرمم تو بحث ها خیلی موقع ها میگه که خیلی خستم از زندگی هرچی کار میکنم انگار نه انگار به هیچ جا نمیرسم تو هم همش ازم چیزی میخوای خرج بچه و قسط و چک هس تو هم هی میگی اینو بخر اونو بخر			۹	۲۵۱
کمک زن به مرد در مخارج	در صورتی که من با حقوقم خیلی کمکش میکنم			۹	۲۵۲
نارضایتی از خرجی ندادن مرد	دیگه حالا دوتا تیکه لباس یا مثلاً لوازم آرایشی حق نیس؟ منم نباید یه دلخوشی داشته باشم دارم میام سرکار؟			۹	۲۵۳
لجبازی مرد با زن با نرفتن به خانه مادر زن	شوهرم خیلی لجبازی میکنه و لجبازی های بچه گانه مثلاً دیگه خونه مامانم نمیداد و یا مثلاً به حرفم گوش نمیده			۹	۲۵۴
بی توجهی به خواسته های زن و به تعویق انداختن	اگه بیرون کاری داشته باشم نمیداد انجام بده کلاً سریع نقطه ضعف رو پیدا میکنه و از اون طریق لجبازی میکنه مثلاً بهش میگم فلان چیز رو بخر برای خونه میگه خب حالا دیر نمیشه و انقدر خریدش رو به تعویق میندازه			۹	۲۵۵

خواسته های زن	که دیگه به دردت نمیخوره کلا یه جوری حرصت میده و کلافت میکنه و حتی مجبور میشم خودم خیلی موقع ها کاری که به اون میگم و انجام نمیده رو انجام بدم				
لجبازی زن در روابط جنسی و بی محلی به مرد	ما زنا بیشتر تو روابط زناشویی که لجبازی میکنیم دیگه و من چون کار خاصی ازم بر نمیاد بیشتر تو این زمینه کم محلی میکنم و تحریمش میکنم اونم وقتی میبینم من اینطوری میکنم اصلا دیگه اصراری نمیکنه چون تو این زمینه ادم خیلی غدی هستش که اصلا دوست نداره تو این مورد التماسم کنه			۹	۲۵۶
ترس از پیشرفت و ترقی زن	بحثی که میکنیم اصلا تموم نمیشه و تو ناخودآگاه جفتمون میمونه و همیشه شوهرم ترسی که داره ترس از پیشرفت و ترقی منو داره و میگه بسه دیگه چقدر میخوای کار کنی و بری سرکار منم میگم نکه خیلی منو تامین میکنی که سرکارم نخوام برم			۹	۲۵۷
عدم رضایت مرد از کار کردن زن	دست به هر رفتاری میزنه که منو منصرف کنه از کار کردن			۹	۲۵۸
تلاش مرد برای جلوگیری از کار کردن زن با زدن تهمت به او	و حتی یه سری به من تهمت زد که این واقعا تو ذهن من موند (تهمت به انجام چه کاری؟) اینکه معلوم نیس برای چی میری سرکار من که بهت میگم نرو معلوم نیس میری اونجا چکار میکنی و با کی هستی یا برای دیدن کی میری و از این حرفا			۹	۲۵۹
طبیعی ندانستن بحث ها به دلیل نبود گذشت و فداکاری هیچ کدام	اصلا طبیعی نیس چرا نباید آدم زندگی خوبی داشته باشه؟ چرا نباید گذشت داشته باشیم؟ گذشت داشتن خیلی مهمه تو زندگی ها و اگه بحثی پیش میاد اگه یه طرف کوتاه بیاد خیلی از بحثا تموم میشه			۹	۲۶۰
تلنبار شدن کینه و کدورت ها روی هم	متأسفانه تو زندگی من دوتامون یه جور هستیم و دوتامون یک منیم و یه طرف نیم من همیشه بخاطر همین			۹	۲۶۱

دیگر بدون حل آنها	هی کینه رو کینه و کدورت روی کدورت میشه که دیگه نمیشه هیچ کاریش کرد				
همبستر شدن و نیازهای جنسی عامل کم شدن کدورت ها	اینجا دیگه مسئله همبستر شدن خیلی مهمه که دیگه خیلی مواقع این باعث میشه که کدورتی بوده کمتر بشه و از بین بره			۹	۲۶۲
(اشتغال زن عاملی برای برعهده گرفتن اجباری تمام مسولیت ها و تصمیم گیری ها و شانه خالی کردن مرد از زیر بار مسولیت	بیش از اندازه دیگه تاثیر داشته تا اونجایی که من فکر میکنم اصلا زن نباید کار کنه چون وقتی زن کار میکنه مرد دیگه میخواد تمام تصمیم گیری ها و مسولیت ها رو بندازه رو دوش زن و مرد دیگه انگار صلب مسولیت میشه و زندگی راحتتر میگذره براش و دیگه دنبال شغل دوم نمیرن و دیگه انقدر در تکاپو نیستن بنظرم وقتی ما حمایت میکنیم به ضرر خودمون میشه.			۹	۲۶۳
ترس مرد از پیشرفت کردن زن و تلاش برای جلوگیری از کار کردن او	از یه طرف دیگه شوهر من که کلا میگه سرکار هم نرو چون کلا میترسه از اینکه پیشرفت کنی			۹	۲۶۴
علاقه مرد به محتاج بودن زن و عدم استقلال او	کلا یه شخصیتیه که دوست داره برای چیزی بهش التماس کنی تا برات بخره ولی من همچین آدمی نیستم که بخوام اینکارو بکنم چون از اول مستقل بودم			۹	۲۶۵

۲۶۶	۹			خیلی رو بچه ها تأثر میزازه. خیلی داغونن بچه ها. تأثیرش روی آینده بچه هاست اینکه در آینده هر کدومشون بخوان مستقل بشن اصلاً بویی از عاطفه نبردن که بخوان برای طرف مقابلشون ابراز کنن یعنی انقدر ندیدن که پدرومادر تو خونه هم دیگه رو بغل کنن یا ببوسن که نمیتونن در آینده این ابراز محبت رو نسبت به همسرشون داشته باشن و من وقتی به این موضوع فکر میکنم خیلی میترسم و میگم ممکنه اینا هم در آینده دچار مشکل بشن. من خودم خیلی بهشون محبت میکنم ولی میگم ای کاش اینو بین من و شوهرم هم میدیدن	ترس از آینده ناگوار بچه ها بخاطر ندیدن محبت و عاطفه بین زن و مرد و در نتیجه نداشتن توانایی برای ابراز محبت به همسر خود
۲۶۷	۹			خانواده هایی که بچه ها محبت بین پدرومادر رو میبینن احساس آرامش دارن و احساس امنیت میکنن و احساس میکنن پدرومادر جفتشون تکیه گاه اونها هستن ولی تو خانواده ما هر کدوم از بچه ها سوق داده میشن طرف یه نفر مثلاً دختر من میره طرف پدرش و پسر من میاد طرف من و اینطوری گذشت و همبستگی هم بین بچه هام نیس	عدم وجود احساس امنیت و آرامش بچه ها در خانه
۲۶۸	۹			فقط گذشت خیلی تأثیر داره تو هر زمینه ای نه صرفاً بین زن و شوهر ها حتی تو محیط کار هم همین طوره وقتی گذشت نداشته باشی همه چیز کف یکون میشه. گذشت به دنبالش خیلی چیزا رو میاره	نداشتن گذشت و فداکاری باعث کف یکون شدن زندگی میشود
۲۶۹	۹			متأسفانه من و شوهرم هیچ کدوم گذشت نمیکنیم و غرور داریم و یکیمون نیم من همیشه و اینجوری هی کینه روی کینه میاد و تلنبار میشه و این خیلی بده	تفاوت در تیپ شخصیتی و غرور و عدم گذشت هیچ کدام از طرفین باعث بحث

۲۷۰	۱۰	کارگر	لیسانس	بحث و دعوا که داشتیم همیشه دیگه دادوبیداد و بی احترامی کردن همیشه بوده	همیشگی بودن داد و بیداد و بی احترامی
۲۷۱	۱۰			من اصلا تو خانواده پدریم فحش و اینا نشنیده بودم اما این مرد انقدر الفاظ زشت و بد بکار میرد و فحش میداد که من همش نگران دخترم بودم که یه وقت اینا رو یاد نگیره	بکارگیری الفاظ زشت و ترس زن از یادگرفتن دخترش
۲۷۲	۱۰			همش منو صدا میزد ببخشید توله سگ یا تخم سگ اصلا درست صدام نمیکرد	صدا زدن زن با عناوینی مثل توله سگ یا تخم سگ
۲۷۳	۱۰			کتک و زد و خورد هم داشتیم چندین بار منو کتک میزد چون شیشه ای شده بود و وقتی موادش تموم میشد الکی گیر میداد به من مثلا میگف چرا داری نگام میکنی یا چرا اینجا نشستی سر همین چیزا بهم گیر میداد و با کمر بند کتکم میزد و تمام تنمو کبود و سیاه میکرد. یه بار شیشه نوشابه برداشت انقدر هی زد تو صورتم که لب و دهنم پر از خون شده بود	کتک زدن زن با کمر بند و یا شیشه نوشابه با پیدا کردن بهانه های الکی مثل اینکه چرا اینجوری نگام میکنی یا چرا اینجا نشستی
۲۷۴	۱۰			هر چقدر هم سعی میکردم از خودم دفاع کنم نمیتونستم زورش زیاد بود و حریفش نمیشدم و بعدش که از خونه میزد بیرون منم با قهر میرفتم خونه بابام	عدم توانایی زن در دفاع از خود بخاطر بیشتر بودن زور مرد
۲۷۵	۱۰			شوهرم هیچ وقت نبود مثلا ساعت ۳ و ۲ نصفه شب میومد خونه و اینکه شب تا ساعت ۲ و ۳ خونه نمیومد و هر شب و هر شب داستان همین بود خیلی منو ناراحت میکرد	همیشگی بودن خشونت بخاطر دیر

آمدن مرد به خانه					
بیکار بودن مرد	کار درست حسایی هم نداشت			۱۰	۲۷۶
خرجی ندادن به زن	همیشه اجاره خونه عقب میوفتاد و از لحاظ مالی خیلی ضعیف بودیم			۱۰	۲۷۷
بی توجهی به زن و فرزند و بغل نکردن و نبوسیدن فرزند خود	اصلا اصلا به منو بچم محبت نمیکرد یعنی شاید باور نکنید اما تا حالا من ندیدم بچه منو بغل کنه یا بوسش کنه			۱۰	۲۷۸
صدا نزدن اسم زن و محبت نکردن به او	حتی چندین سال با هم ازدواج کرده بودیم یکبار اسم منو نمیورد و اسم منو صدا نکرد و بهم محبت نمیکرد			۱۰	۲۷۹
عدم محبت به زن و فرزند	یه آدم خیلی گوشه گیر و منزوی بود که حتی اگه محبتی هم نسبت به بچش داشت بروز نمیکرد			۱۰	۲۸۰
بی توجهی به نیازهای مادی و تفریحی زن	من شروع میکردم به بحث کردن چون بعد از چند وقت من معترض میشدم که چرا خونه نمیای چرا به ما محبت نمیکنی و ما کسی رو نداریم تو این شهر غریبیم و چرا ما رو بیرون نمیبری؟ ولی همش میگف همه زنا همینن همش تو خونن چیکار میکنن؟ تو هم برو همون کارا رو بکن			۱۰	۲۸۱
تهدید به طلاق از سوی مرد	میخوای بخواه نمیخوای برو خونه بابات و طلاق میدم			۱۰	۲۸۲
خرجی ندادن و بی توجهی به نیاز مادی زن	مثلا برای اجاره خونه و اینا بهش میگفتم میگفت دیگه نمیرسونم میگی چیکار کنم؟ میخوای بخواه نمیخوای برو خونه بابات و طلاق میدم			۱۰	۲۸۳

بی توجهی به نیازهای جنسی زن و سرگرم کردن خود با گوشی	ما فقط سال اول ازدواجمون پیش هم بودیم دیگه بعدش همش جامون جدا بود و این منو خیلی آزار میداد اما اونو نه اون بیشتر خودشو با گوشیش سرگرم میکرد. ما همش از هم جدا بودیم دیگه آخریا مثل خواهربرادر بودیم تو خونه			۱۰	۲۸۴
گریه و افسردگی و گوشه گیری زن	من همش گریه میکردم و خودم میفهمیدم که دارم افسرده میشم گوشه گیر شده بودم			۱۰	۲۸۵
دعا گرفتن و مراجعه به دعانویس توسط زن	من حتی دست به دامن جادو هم شدم میرفتم پیش دعانویس تا با دعا و جادو شاید شوهرم بهتر بشه و سر به راه بشه اما هیچ نتیجه ای نداشت			۱۰	۲۸۶
مشاوره رفتن و صحبت با مرد برای بهبود شرایط	اصلا شوهرم منطقی نبود که بخوام با مشاوره رفتن و صحبت کردن خودم یا خانواده ها درستش کنم همش پرخاشگری میکرد و یه چیز کوچیکو بهونه میکرد برای دعوا.			۱۰	۲۸۷
نذر و نیاز کردن برای بهبود شرایط	حتی میرفتم زیارت دعا میکردم و خدا میدونه من چقدر نذر و نیاز کردم اما هیچ نتیجه ای نداشت			۱۰	۲۸۸
بی مسئولیتی مرد و اهمیت ندادن به ناراحتی و گریه های زن	شوهرم خیلی بی مسئولیت بود اصلا بیخیال انگار نه انگار که من دارم گریه میکنم ناراحتم یا دلم گرفته بیاد مثلا ازم بپرسه چرا ناراحتی؟هیچی کلا اهمیتی بهم نمیداد چه برسه بخواد محبت کنه خب وقتی منم رفتاراش رو میدیدم خیلی بیشتر ناراحت میشدم و غصم میشد و انگار قلبم آتیش میگرفت			۱۰	۲۸۹
شکایت زن از مرد در دادگاه بخاطر خرجی ندادن	بحثمون که شدید شد و رفتم بخاطر اینکه خرجی نمیده ازش شکایت کردم			۱۰	۲۹۰

۲۹۱	۱۰			برای تلافی به خواهرش گفت یه کاری کنه من از شرکت چینی اخراج بشم و از کار بیکار شم چون خواهرش هم اون کارو برام پیدا کرده بود	بیکار کردن زن از کار بخاطر تلافی شکایت او
۲۹۲	۱۰			حتی بعد از بحثامون دیگه خیلی خیلی محبتاش رو کم میکرد یعنی محبتی که به ما نداشت اما کلا دیگه توجهی به ما نمیکرد	بی محلی و محبت نکردن به زن
۲۹۳	۱۰			میدیدم که داره با کسی چت میکنه و سرش میرفت تو گوشی و حتی برای اینکه منو آزار بده میگف من رفتم خونه فلانی و با تمام جزئیات برام توضیح میداد که چکار کرده	خیانت مرد به زن و توضیح واضح روابط نامشروع خود برای زن
۲۹۴	۱۰			من خیلی اذیت میشدم وقتی این کارو میکرد و انگار دیوونه میشدم حتی هی میرفتم جلو آینه و میگفتم چرا من؟ مگه چی کم دارم از زنای دورم؟ من که با همه چیزش ساختم	آزردگی زن و مقایسه خود با دیگران
۲۹۵	۱۰			ما خیلی باهم مشکل داشتیم به خصوص اینکه معتاد شده بود یه شب که من تو پذیرایی با دخترم خواب بودم و اون تو اتاق و میشنیدم که هی پاش رو میکوبونه به در و دیوار بلند شدم رفتم گفتم چیه چته؟ گفتم بدنم درد میکنه چیزی نیس و بعد همون موقع دوید رفت دستشویی ساعت ۳ نصف شب بود گوشیش رو برداشتم نگاه کردم دیدم به یه مردی پیام داده گفته که من بدنم خیلی درد میکنه چیکار کنم؟ اونم گفته بود اگه میخوای بیای بشینی همین الان بیا وگرنه من میخوام بخوابم و منم وقتی پیام رو دیدم خیلی برام ناراحت کننده بود و اون شروع بحثمون شد	اعتراض زن به اعتیاد مرد و بحث با او
۲۹۶	۱۰			من به واسطه خواهرش تو شرکت چینی کار میکردم اما دیگه بعد از اینکه خیلی بد دعوا کردیم اون شب، بعدش به خواهرش گفته بود پرونده سازی کن براش تا از	از کار بیکار کردن زن توسط مرد برای تلافی

شکایت زن از او	شرکت اخراجش کنن خواهرش هم با دوز و کلک باعث شد من از شرکت چینی اخراج بشم				
تلاش بی فایده برای حفظ زندگی بخاطر وجود بچه	بعدش دیگه رفتم دنبال کارای طلاق البته قبلش خیلی تلاش کردم که بخاطر دخترم زندگیمون حفظ بشه اما نشد			۱۰	۲۹۷
تحمیل طلاق به زن با آبروریزی و خرجی ندادن	وقتی دیگه کار به آبروریزی میکشه و دیگه خودش چیزاش رو جمع میکنه و از خونه میره تا چند وقت اصلا نمیکه زن و بچم خرجی میخوان باید اجاره خونه بدم و خودش اثاثش رو جمع میکنه میره یعنی چی؟ یعنی طلاق دیگه			۱۰	۲۹۸
ترک کردن منزل برای مدتی توسط مرد	دیگه خودش چیزاش رو جمع میکنه و از خونه میره تا چند وقت و خودش اثاثش رو جمع میکنه میره			۱۰	۲۹۹
اهمیت ندادن به خرج و مخارج زن و بچه و اجاره خانه	اصلا نمیکه زن و بچم خرجی میخوان باید اجاره خونه بدم			۱۰	۳۰۰
طبیعی ندانستن بحث ها و خشونت ها به دلیل عدم مسولیت پذیری مرد	بنظرم طبیعی نبود بنظرم یه زندگی زناشویی پستی بلندی خیلی داره و میشه یه جاهایی زن کوتاه بیاد و یه جاهایی مرد و مخصوصا وقتی بچه داری یه کاری کنی که بحث انقدر شدید نشه ولی ما نه. زندگی ما رو دیگه نمیشد جمعش کرد چون خودش مسولیت پذیر نبود بخاطر همین میخواست فرار کنه از بار مسولیت.			۱۰	۳۰۱
فرار کردن و شانه خالی کردن مرد از زیربار مسولیت	خودش مسولیت پذیر نبود بخاطر همین میخواست فرار کنه از بار مسولیت			۱۰	۳۰۲

۳۰۳	۱۰			حتی وقتی جدا شدیم یکبار هم نگفت بچه رو من میخوام و به تو نمیدم در صورتی که خیلی ها این جور موقع ها حتی شده برای آزار زنشون هم میگن بچه رو به تو نمیدیم ولی اون حتی یکبار هم نگفت و حتی میگفت حق نداری بچه رو بیاری خونه مادرم اگه بیاریش من میبرم بهزیستی میندازمش و ما بچه نگه نمیداریم	عدم علاقه مرد به بچه خود و بی توجهی به او
۳۰۴	۱۰			وقتی دیگه به اینجا کشیده میشد دیگه نمیشد درستش کرد من خیلی تلاش کردم و چندبار قهر کردم رفتم خونه بابام	قهر کردن زن برای درست کردن شرایط
۳۰۵	۱۰			حتی گفت کار ندارم پسرعموش شرکت نفت تهران براش کار درست کرد ولی نموند	یافتن کار برای مرد در شرکت نفت تهران اما بی توجهی مرد
۳۰۶	۱۰			زمانی که من باردار بودم دریغ از یکبار که این به من محبت کنه یا با من بیاد دکتر	عدم محبت به زن در دوران بارداری او
۳۰۷	۱۰			من ۷ ماهم بود و شکمم بزرگ شده بود میگفت تو ورم معده داری الکی میگی حامله ای و اگه هم حامله باشی باید بری سقط کنی و من بچه نمیخوام. کلا مسولیت پذیر نبود و همیشه ترس داشت از پذیرش مسولیت	باور نداشتن به حامله بودن زن و تصور اینکه او ورم معده دارد بخاطر ترس از مسولیت بچه
۳۰۸	۱۰			خانواده ها که هیچی حتی همسایه ها و پلیس متوجه میشدن حتی یه چند بار صاحبخونه که فهمید من با شوهرم مشکل دارم خودش زنگ میزد به پلیس که بیان از شوهرم تعهد بگیرن و خدا شاهده که من چقدر ناراحت میشدم که پلیس اومده دم خونم و چقدر اون لحظه خجالت میکشیدم	دخالت خانواده، همسایه و پلیس در خشونت ها و گرفتن تعهد از

مرد در کلانتری					
خرچی ندادن به زن	سرکار رفتن من بخاطر این بود که شوهرم خرچی به من نمیداد			۱۰	۳۰۹
سرکار رفتن زن و دادن خرچی خانه و بچه با پول خود	خواهرش وقتی دید اینطوریه خودش گف بیا سر کار منم هر چی کار میکردم خرج خونه و بچم بود			۱۰	۳۱۰
خرید هدیه های مهمانی ها و یا خرج مهمان هایی که به خانه می آمدند با زن بوده	یه وقتیایی هم که مهمون داشتم یا مهمونی دعوت بودم و باید هدیه ای میبردم و وظیفه شوهرم بود و اون این کارو نمیکرد من دیگه با پول خودم چیزی میخریدم و دیگه تو این چیزا کمتر بهش گیر میدادم و اصلا از اون زنایی نبودم که بگم خب میرم سر کار پس با حقوقم برم خوش گذرونی یا با دوستانم برم بیرون و هر چی میخوام بخرم و برم مهمونی			۱۰	۳۱۱
بی توجهی مرد نسبت تحصیلات و اشتغال زن و ادامه تحصیل دادن زن	تحصیلات و شغل من هیچ تاثیری نداشت حتی یکبار منو به شدت کتک زد و من با قهر رفتم خونه بابام و بعدش خانوادش اومدم دنبالم و گفتن حالا بخاطر بچه برگرد اون موقع دخترم ۳ سالش بود و من برگشتم اما شرط گذاشت بابام که اجازه میدم برگرده ولی باید بزاری درسش رو بخونه شوهرم هم که اصلا براش مهم نبود من چیکار میکنم حتی نمیدونست من چی میخونم حتی بعدش گفت من که نمیخواستم تو رو برگردونم خانوادم اومدن دنبالت من نیومدم			۱۰	۳۱۲
گوشه گیری، زودرنج و حساس بودن، توقعاتی بودن، پایین بودن اعتماد به	خیلی خیلی این دعوها تاثیر داشته الان که میشینم فکر میکنم میبینم الان که دخترم خیلی حساسه گوشه گیره و یا توقعاتی و اینکه با کوچیک ترین چیزی ناراحت میشه و اعتماد به نفسش پایینه همش بخاطر ناراحتی های بین منو همسرم هستش چون تا ساعت ۳ بیرون بود بعد میومد نصف شب برقارو روشن میکرد منم عصبی			۱۰	۳۱۳

میشدم دعوا میکردیم و باعث میشد دخترم از خواب بپره و گریه کنه.				نفس از اثرات خشونت روی فرزند
خودمم خیلی افسردگی گرفتم و از ناراحتی و غصه ی زیاد گردن درد شدید گرفتم و الان هم با کوچیک ترین ناراحتی گردنم درد میگیره.دیگه نمیتونم به هر مردی اعتماد کنم و همیشه ترس دارم از همه مردا			۱۰	۳۱۴
بنظرم زن و مرد باید باهم دوست باشن میشه با کم و کسر ساخت ولی اینکه روی آدم بهم باز بشه و بی احترامی کنه و اجازه بده خانوادش بیان بهت توهین کنن و دخالت کنن دیگه فایده ای نداره اون زندگی			۱۰	۳۱۵
زمانی که شوهرم به شیشه معتاد شد	لیسانس	کارگر	۱۱	۳۱۶
دیگه آخریا خیلی منو کتک میزد و یه بار حتی چاقو دست گرفت و میخواست گردنم رو ببره منو هل داد خوردم به دیوار چاقو رو گذاشت زیر گردنم			۱۱	۳۱۷
گفت میکشمت حتی یه خرده گردنم رو هم زخم کرد که هنوز جاش مونده(جای زخم را نشان داده و تعریف کرد) و بعدش دیگه من رفتم شکایت کردم و طلاق گرفتم.			۱۱	۳۱۸
حالا غیر از اینایی که خودم تجربه کردم اتفاق نظر نداشتن و بد رفتاری کردن باهم دیگه یه نوع خشونته اینکه به جای حرف زدن بخوای با دادوبیداد و کتک نظرت رو تحمیل کنی خودش خشونته			۱۱	۳۱۹
تهدید کردن زن به کشتن او با چاقو				اعتیاد مرد به موادمخدر
کتک زدن زن و هل دادن او و زخم کردن گردن زن با چاقو				تحمیل نظرات خود با کتک و داد و بیداد

۳۲۰	۱۱			شوهرم خیلی بد اخلاقی میکرد خیلی داد میزد داد و فریادهای خیلی بلند و صداش رو خیلی میبرد بالا من مجبور میشدم گوشامو بگیرم	بد اخلاقی و داد و فریادهای بلند مرد بر سر زن
۳۲۱	۱۱			همیشه هم من کوتاه میومدم چون معتادها رو که نمیشه زیاد سر به سرشون گذاشت	پیش قدم شدن همیشگی زن برای آشتی
۳۲۲	۱۱			قهر و این چیزا حالیشون نیست	بی توجهی به قهر زن
۳۲۳	۱۱			کسی که معتاده و مواد مصرف میکنه توهم میزنه دیگه سر توهم هایی که داشت و حرف های دروغی که بخاطر توهمش بود یا گیر دادن های الکی به غذا یا گیر دادن به کارهای خونه یا گیر دادن به صدای گریه بچه که بعدش دیگه تبدیل میشد به خشونت و بحث	توهم هایی که منجر به میشد به گیر دادن های مرد به غذا، کارهای خانه و صدای بچه
۳۲۴	۱۱			توهم اینکه مثلا اینکه چرا دیشب رفتی بیرون در صورتی که مثلا من کلا سه روز بود خونه مونده بودم و رنگ بیرونو ندیده بودم	توهم زدن مرد از اینکه زن از خانه خارج شده در صورتی که زن اصلا بیرون نرفته بوده
۳۲۵	۱۱			اون بیشتر گیر میداد به همه چی به غذا و خونه و بچه و باعث میشد دعوا مون بشه	بهانه تراشی های همیشگی مرد از غذا، بچه و کارهای خانه
۳۲۶	۱۱			بحث که شروع میشد داد و بیداد میکرد و خیلی صداش رو میبرد بالا	فریاد و داد و بیداد مرد

تلاش زن برای آرام کردن صدای مرد بخاطر ترس بچه و آبروریزی جلوی همسایه ها	منم بخاطر بچم که میترسید و اینکه صدای رو همسایه ها میفهمیدن و آبروریزی میشد میخواستم آرومش کنم			۱۱	۳۲۷
بی توجهی مرد به تلاش زن برای آرام کردن او و کتک زدن او	هرچی هم بهش میگفتم آرام باش گوش نمیداد و بعدش دیگه تبدیل میشد به ضرب و شتم و کتکم میزد			۱۱	۳۲۸
اعتیاد مرد به مواد مخدر و نداشتن رابطه جنسی با زن	از وقتی که معتاد شد دیگه جای خوابمون عوض شده بود کلا. دیگه اصلا پیش هم نمیخوابیدیم که بخواد رابطه ای هم باشه			۱۱	۳۲۹
گریه مداوم زن و دردودل کردن با خانواده و افسردگی زن	خانم ها اصولا اولین کارشون گریه است دیگه منم پناه میبردم به گریه کردن بعدش هم درد و دل با خانواده و پدر و مادر. افسرده شده بودم همش کارم شده بود غصه خوردن و گریه کردن			۱۱	۳۳۰
کتک زدن، پرخاشگری، فحاشی و توهین مرد	اونم وقتی پرخاشگری میکرد و کتک میزد و کلی دری وری میگف بعدش یه خرده آرام میشد و مواد میزد پشیمون بود			۱۱	۳۳۱
پشیمانی مرد بعد از مصرف مواد و رسیدن به آرامش نسبی	پشیمونیش هم در حدی نبود که محبت کنه اما مثلا میگف حالا چی شده مگه پاشو یه چیزی بیار بخوریم ولی دیگه اون رفتار زننده و حرف و کار زشت رو کرده بود دیگه و منم فراموش نمیکردم			۱۱	۳۳۲

۳۳۳	۱۱			بعد از دعوا هم در حد حرف و تیکه انداختن بازم کش میداد و با گوشه کنایه زدن دعوایی که تموم شده بود رو ادامه میداد و منم اصلا میترسیدم بخوام تلافی کنم	تیکه انداختن و گوشه کنایه زدن به زن
۳۳۴	۱۱			آخرین دعوایی که داشتیم این بود که دیگه مصرف شیشه اش خیلی رفته بود بالا و به روز که خیلی مصرف کرده بود چاقو دست گرفت و منو تهدید کرد و حتی گردن منو برید خیلی ترسیده بودم واقعا فکر میکردم میخواد منو بکشد اما گلومو زخم با نوک چاقو زخم کرد که هنوز جاش مونده	زخم کردن گلولی زن با چاقو و تهدید کردن به کشتن او
۳۳۵	۱۱			و دیگه بعدش من رفتم شکایت کردم و طلاق گرفتم چون واقعا ممکن بود منو بکشد شیشه میزد حالیش نمیشد داره چیکار میکنه	شکایت زن در دادگاه و گرفتن طلاق
۳۳۶	۱۱			اصلا طبیعی نیس! این تهمت زدن ها و توهمات واقعا طبیعی نیس	طبیعی ندانستن خشونت و تهمت زدن و توهمات مرد
۳۳۷	۱۱			بیشتر خانوادهامون متوجه میشدن پدرمادر من و پدرشوهرمادرشوهرم اما پا در میونی و حرفای اونا هم کارساز نبود و آخریا دیگه پای پلیس هم کشیده شد وسط و رفتم شکایت کردم و بعدشم که دیگه درخواست طلاق دادم	دخالت خانواده ها و پادرمیانی کردن آنها برای بهبود شرایط زندگی و حتی دخالت پلیس در خشونت
۳۳۸	۱۱			اصلا تاثیری نداشت حتی پررو تر شده بود به حدی که من کار میکردم و کارتم دست اون بود و هرطوری که میخواست خرج میکرد و بیشتر پول موادش رو باهاش میداد و اصلا من جرات نظر دادن نداشتم	عدم اجازه دخالت و نظردهی به زن درمورد مخارج و خرج کردن

پول های زن به دلخواه خود					
وجود اثرات این خشونت ها روی افکار و ذهنیت زن تا آخر عمر و مرور آنها	بنظرم اثرات این خشونت ها تا آخر عمر هس یعنی کلا وقتی تو زندگی ضربه ای بخوری اثرش تا آخر باهات میمونه و با کوچیک ترین اتفاقی تمام اون مشکلات میاد جلوی چشمت و تو ذهنت همش هی دوره میکنی			۱۱	۳۳۹
اهمیت تربیت خانوادگی طرف مقابل اینکه در چه محیطی با چه شرایطی بزرگ شده	اولا بستگی به تربیت خانوادگی داره که چطور بچشون رو بزرگ کرده باشن و بهش یاد داده باشن تو مشکلات زندگی چطور باید رفتار کنه؟			۱۱	۳۴۰
نگرانی بابت آینده بچه و خشونتی که از پدر خود در خانه دیده و نحوه برخوردش با همسر و فرزندش	حتی رفتار پدرمادر با هم دیگه هم خیلی مهمه وقتی پدرمادر با هم با خشونت رفتار میکنن بچه هم یادم میگیره که باید با خشونت رفتار کنه من الان خیلی نگران بچمم. همش فکر میکنم آیندش چی میشه. از من و باباش چی یاد گرفته حالا مثلا فردا پس فردا خودش بخواد ازدواج کنه چطور میخواد رفتار کنه و بچه بزرگ کنه			۱۱	۳۴۱
شکاک بودن مرد از ابتدای ازدواج و مراجعه به سه پزشک برای اطمینان از دختر بودن زن	ما در شرف طلاق هستیم چون خیلی شکاکه و خیلی خسیسه. کلا از اول این مشکل رو داشتیم اون اوایل ازدواج هم برای اینکه بفهمه من دختر هستم یا نه ما سه تا دکتر عوض کردیم ما یه دکتر رفتیم گفت از کجا معلوم آشنات باشه یا نه و دوباره دوجا دیگه رفتیم تا قبول کرد	لیسانس	نیروی خدماتی	۱۲	۳۴۲

حساسیت مرد نسبت به صحبت کردن های زن با مردان دیگر	مثلا میرفتم با کسی حرف بزنم میگف چرا با این حرف زدی از کجا معلوم چیزی بینتون نباشه			۱۲	۳۴۳
شک داشتن به اینکه بچه ای که دارند برای خودش است یا خیر	ما الان بچه داریم میگه این اصلا بچه من هست؟ اینا شاید یه حرف باشه اما تاثیری که تو روان آدم میزاره خیلیه و من الان دیگه به این نتیجه رسیدم که دیگه نمیشه تحمل کرد			۱۲	۳۴۴
اجبار به انجام رفتارهایی که مورد پسند و تایید مرد است و باعث عصبانیت او نمیشود	شوهرم یکاری میکنه من عصبی بشم و بهش گیر بدم و بعدش بحثمون بشه مثلا همین که همش به رفتارام گیر میده ما یه مهمونی میریم همش باید حواسم باشه کاری نکنم که بهش بربخوره و عصبی بشه			۱۲	۳۴۵
احوالپرسی گرم با مردان فامیل یا حتی طرز نگاه های آنها باعث عصبانیت مرد میشود	جرات ندارم یه خرده با مردای فامیل گرم احوال پرسی کنم بعدش همش دعوا میکنه که چرا این جوری حرف زدی چرا اون جوری نگاش کردی یا چرا اون طرف زیاد نگات میکرد و از این حرفا و میره رو روانم با این حرفاش			۱۲	۳۴۶
اجازه ندادن به زن برای رفتن به برخی مهمانی ها بخاطر وجود برخی افرادی	حتی خیلی از مهمونی ها رو نمیزاره که بریم میگه فلانی هس ما نمیریم یا حتی میگه حق نداری با خواهرت رفت و آمد داشته باشی از شوهرخواهرت خوشم نمید زیادی نگات میکنه کلا فکرش مریضه			۱۲	۳۴۷

که مورد تایید مرد نیستند					
داد و بیداد و زندانی کردن زن در خانه	داد و بیداد می‌کنه حتی در خونه رو از پشت قفل می‌کنه و منو زندانی می‌کنه			۱۲	۳۴۸
گرفتن گوشی زن و قطع کردن تلفن خانه	گوشیمو میگیره و تلفن خونه رو قطع می‌کنه نمیزاره با بیرون ارتباط داشته باشم			۱۲	۳۴۹
فحاشی و توهین به یکدیگر	فحاشی می‌کنه و منم همین طور چون عصبی میشم خیلی شاید به فحاشی هم بدم			۱۲	۳۵۰
تهدید زن به بیکار کردن او	حتی تهدید هم می‌کنه همین الانش می‌گه دیگه نمیزارم کار کنی			۱۲	۳۵۱
اجبار زن به بخشیدن مهریه اش	باید مهریه ات رو ببخشی وگرنه دیگه نمیزارم کار کنی			۱۲	۳۵۲
تهدید به بردن آبروی زن	از کار بیکارت می‌کنم میام آبروت رو میبرم			۱۲	۳۵۳
کتک زدن و زدو خورد	زد و خورد هم اخیرا نه اما کلا داشتیم به چندباری حتی به کتک رسید بحث و دعوا مون			۱۲	۳۵۴
جدا کردن جای خواب توسط مرد	یه ۳ یا ۴ سالی هست که دیگه جدا شده جای خوابمون و کلا ۳ یا ۴ سالی هست که اون تو به اتاق می‌خوابه منم تو اتاق دیگه پیش پسر می‌خوابم و اصلا رابطه ای نیس و اصلا طرفم نمیداد			۱۲	۳۵۵
تنفر و دوری زن از مرد بخاطر توهین و تهمت های مرد	من هیچ حسی دیگه بهش ندارم کلا زده شدم ازش انقدر که تهمت زده بهم و توهین کرده و روانم رو با حرفای زشتش زخم کرده که دیگه ازش متنفر شدم			۱۲	۳۵۶

۳۵۷	۱۲			اصلا هیچ حسی به من نداره یعنی منو در حدی نمیدونه که حتی بخواد جواب سلام منو بده	عدم علاقه مرد به زن تا حدی که جواب سلام او را نمیدهد
۳۵۸	۱۲			حتی من میدونم یه جای دیگه کار میکنه ولی اصلا بهم نگفته که کجا هست چه کاری هست چقدر حقوق میگیره از اونجا هیچی هیچی.	عدم اطلاع دادن به زن درمورد شغل خود
۳۵۹	۱۲			آخرین باری که زنگم زده رو یادم نمیاد یا آخرین پیامی که بهم داده باشیم رو یادم نمیاد دیگه هیچ توجهی نداره بهم	زنگ نزدن و پیام ندادن به زن و بی توجهی به او
۳۶۰	۱۲			یه سری که بحتمون شد و گفت اصلا معلوم نیس این بچه ی من باشه یا نه خیلی ناراحت و عصبی شدم و برای اینکه لجش رو دربیارم گفتم خیلی شک داری برو تست ژنتیک بده و کلا فکر میکنم کارمون از تلافی گذشته دیگه و رابطمون تموم شدست	عصبانیت و ناراحتی شدید زن از تهمت های بیروای مرد به او و دادن پیشنهاد گرفتن آزمایش ژنتیک برای متوجه شدن اینکه آیا فرزند خودش هست یا خیر
۳۶۱	۱۲			یه بار اخیرا من سرکار بودم که همسایمون زنگ زد بهم گفت که شوهرت یه خانمی رو آورده تو خونه و منم دیگه سریع رفتم خونه و مچشون رو گرفتم و بعدش گیر دادم بهش و دعوامون شد و از اونجا دیگه من رفتم شکایت کردم و تصمیم گرفتم طلاق بگیرم	خیانت مرد به زن و بردن زن دیگری به خانه

۳۶۲	۱۲			به هیچ عنوان طبیعی نیست وقتی دیگه به جایی میرسه که تهمت میزنه میگه معلوم نیست بچه من هس یا نه واقعا طبیعی نیست چون واقعا مریضه روانیه کسی که این افکار رو داره	طبیعی ندانستن خشونت بخاطر تهمت زدن به زن برای اینکه مشخص نیست بچه واقعا برای خود مرد است یا خیر
۳۶۳	۱۲			خانواده که متوجه شدن و سعی کردن که به قول معروف با حرف و ریش سفیدی کردن اوضاعمون رو درست راستی کنن اما فایده ای نداشته	تلاش بی ثمر خانواده ها برای صحبت با مرد
۳۶۴	۱۲			همسایه هم فهمیده که اختلاف داریم اما تا حالا پلیس نیومده من دیگه رفتم شکایت کردم و درخواست طلاق دادم	متوجه شدن همسایه ها از اختلاف بین زن و مرد
۳۶۵	۱۲			شوهر من خیلی خیلی خسیسه یعنی تا حدی که هزینه ماه عسلی که ما رفتیم رو دنگ منو از من گرفت یعنی حاضر نیست یه هزاری برای یه کسی پول بده فقط خودش	گرفتن دنگ هزینه های ماه عسل از زن
۳۶۶	۱۲			تا حالا هیچی خرج من نکرده نه لباس بگیره نه هیچی و خرجی پسر من هم با خودمه از همون اول که به دنیا اومد خودم خرجش رو میدادم خب برای همین نیاز داشتم به این کار کرده.	نخریدن لباس یا هر اقلام دیگری برای زن و بچه
۳۶۷	۱۲			اصلا اولین باری که گفت دنگ بده فکر کردم داره شوخی میکنه شروع کردم خندیدن و مسخره کردن اما دیدم خیلی جدیه بهش گفتم وظیفه ی توئه که خرج منو بدی حالا اومدی میگی دنگ بده دیگه بحث بالا گرفت و دعوا من شد.	شوکه شدن زن و خندیدن و شوخی با مرد زمانی که درخواست دنگ

هزینه ها را داشته					
تلاش زن برای بهبود شرایط زندگی با صحبت کردن و واسطه کردن مادرشوهر خود	خیلی باهاش حرف میزدم حتی مادرشو واسطه کردم که باهاش حرف بزنه اما هیچ فایده ای نداشت			۱۲	۳۶۸
تشابه پدر و پسر به گونه ای که پدرشوهر نیز یخچال را در اتاق خواب خود قرار داده و درب آنرا قفل کرده و هرکسی هرچیزی بخواهد باید از او اجازه بگیرد	کلا هم خانوادگی اینطورین یعنی باباش هم خسیسه یعنی تا جایی که یخچال رو برده تو اتاق خوابش و درش رو قفل کرده و هر کسی هرچی بخواد باید بهش بگه و این بهش بده یعنی همچین سیستمی تو خونهشون بوده			۱۲	۳۶۹
عصبانیت و ناراحتی زن از تهمت های مرد	من کلا اون لحظه ها که تهمت میزد یا خیانت میکرد خیلی عصبی و ناراحت میشدم			۱۲	۳۷۰
خجالت زن از طلاق و بازگشت به خانه پدر	الان هم خیلی اذیت میشم الان باید با یه بچه برگردم خونه بابام جلوی فامیل خجالت زده میشم اما واقعا دیگه راهی برام نمونده دیگه نمیتونم تحملش کنم			۱۲	۳۷۱
عدم توانایی زن برای فراموش کردن	حداقل اگه بحثی هم پیش میاد با گفت و گو حل بشه یه سری حرفا زده نشه چون آدم سخت یادش میره یا			۱۲	۳۷۲

تهمت ها توهین ها مرد به او	الان من خیلی چیزایی رو که شوهرم بهم گفته رو هیچ وقت یادم نمیره				
تهمت زدن و خرجی ندادن عاملی برای خرد شدن روح و روان زن	همین که تهمت میزد میگفت معلوم نیس با کی بودی و بچه از کیه یا همین که میگفت دنگ خرجایی که کردم رو باید بدی من هیچ وقت اینا رو یادم نمیره انگار اون لحظه آهن داغ میزاشتن رو سینم			۱۲	۳۷۳
دادن فرصت به زن و فراهم کردن امکانات برای او تا تجربه کند هرآنچه را که تا به حال ندیده و تجربه نکرده	مثلا یه جایی تصادف میشه و میگن اگه راننده زن بود که اصلا نمیتونست جمع کنه اما اینکه همچین خشونتیی رو خودم تجربه کنم نه اصلا اتفاقا همسر من بیش از اون چیزی که فکرش رو بکنید به خانم ها حق میده که بیان تو جامعه و اون چیزهایی که تجربه نکردن تا حالا رو تجربه کنن و اون چیزایی که ندیدن تا حالا رو ببینن	دکتری	پاتولوژی بیمارستان	۱۳	۳۷۴
صحبت با یکدیگر برای حل اختلاف نظر ها و دوری از بحث و دعوا	والا بحثی بینمون نیس و بیشتر اختلاف نظره و ما تا حالا بحث نداشتیم اینطوری که یه چیزی بگیم که حالا طرف مقابل بهش بربخوره و عصبانی بشه نه اصلا و اگه حالا اگه اختلاف نظری هم داشتیم سعی کردیم با صحبت کردن حلش کنیم و تونستیم از پشش بر بیاییم			۱۳	۳۷۵
صبوری، منطقی بودن و آرامش مرد برای حل مشکلات و مسائل و صحبت درمورد آنها با زن	با هم صحبت میکنیم شوهرم خیلی مرد آرام و منطقیه و همه چی رو سعی میکنه با صبوری و صحبت کردن حل کنه و وقتی بحثمون میشه رفتار خاصی نداره و			۱۳	۳۷۶
دعوت زن به آرامش	حتی به من میگه آرام باش و بیا درموردش حرف بزنیم حلش کنیم			۱۳	۳۷۷

۳۷۸	۱۳		من وقتی درمورد هرچیزی که ناراحتم میکنه میتونم حرف بزنم و شوهرم این فرصت رو میده بهم که صحبت کنم احساسم خیلی بهتره یعنی احساس میکنم که نادیده گرفته نشدم	دادن فرصت به زن برای صحبت درمورد هر آنچه که باعث آزار او شده
۳۷۹	۱۳		چون شوهرم مثل خیلی از مردهای دیگه نیست که سریع عصبانی بشن و حالا بخوان با زور نظرشون رو بهت تحمیل کنن اصلا و اتفاقا بهت فرصت میده درمورد چیزی که آزارت میده حرف بزنی و خودش هم با آرامش گوش میده و بعدش منطقی توضیح میده و حل میکنه موضوع رو	عدم عصبانیت شدید مرد نسبت موضوع چالش برانگیز و ایجاد فرصت برای صحبت درمورد مسائل
۳۸۰	۱۳		شوهرم خیلی آرومه و وقتی بحثی هم پیش میاد بیشتر به این فکر میکنه و حتی میگه به من که کاشکی اصلا این بحث پیش نیومده بود اینکه مثلاً یکبار سر بیرون رفتن با یه سری دوستانمون با هم یه خرده بحثمون شد و میگفت کاشکی از اول گفته بودیم نمیاییم بیرون و کاش همین بحث هم پیش نمیومد	حسرت مرد برای اینکه کاش کلاً بحثی بین او و زن به وجود نمیامد تا باعث دلخوری آنها شود
۳۸۱	۱۳		قرار بود با یه سری از آشناها بریم بیرون و من گفتم چقدر با اینا میریم بیرون؟ زیاد از رفتارمون خوشم نمیومد. اونم گفت خب الان که دیگه قرار گذاشتیم بریم بیرون و حالا چیکار میتونیم بکنیم؟ خودت قول دادی و اوکی رو دادی الان حوصلت نمیرسه بری بیرون حالا که دیگه نمیشه کنسلش کرد این دفعه رو میریم بیرون دیگه از دفعات بعدی بیشتر راجش فکر میکنیم و صحبت میکنیم	ناراحتی زن برای زیاد بیرون رفتن با برخی از آشنایان و در نهایت صحبت درمورد آن با مرد و حل آن
۳۸۲	۱۳		وقتی رفتیم اونجا من حال و حوصله نداشتم یه آهنگی گذاشتن و من آهنگ رو قطع کردم و شوهرم بهم	ناراحتی زن از اینکه اولویت

مرد نبوده و به او گفته که چرا این کار را کردی	گفت که چرا آهنگ رو قطع کردی و من از این حرف همسر ناراحت شدم چون من باید اولویت میبودم				
صحبت و گفتگوی منطقی درمورد موضوعی که باعث آزار شده	بعدش که اومدیم خونه با هم حرف زدیم من گفتم ناراحت شدم جلو جمع گفتمی چرا آهنگ رو قطع کردی اونم گفت خب وقتی چندین نفر میخوان آهنگ گوش کنن تو هرچقدر هم که حوصله نداشته باشی مجبوری که همراهیشون کنی چون تو یه نفری و همه نمیتونن پاسوز یه نفر بشن و دیدم راست میگه شوهرم			۱۳	۳۸۳
طبیعی دانستن بحث ها به دلیل وجود اختلاف نظر و اختلاف سلیقه	حتما طبیعی چون اختلاف نظر و اختلاف سلیقه اس			۱۳	۳۸۴
عدم اجازه برای دخالت خانواده ها در بحث ها بخاطر اینکه وقتی خانواده ها خالت میکنند یک موضوع کوچک بسیار بزرگ میشود	ما حتی نمیزاریم خانواده ها متوجه بحث و اختلاف نظرامون بشن و فقط خودمون با صحبت حلش میکنیم چون خب بهر حال خانواده که متوجه بشه میخواد دخالت کنه و خیلی مواقع مسئله ای که به راحتی میتونیم خودمون با صحبت حلش کنیم تبدیل به یه بحران و مشکل بزرگی میشه که حل کردنش هم سخت تر میشه			۱۳	۳۸۵
تشویق و ترغیب زن برای پیشرفت بیشتر	شوهرم خیلی تشویقم میکنه که بیشتر پیشرفت کنم و حتی تلاش میکنه که وابستگی که اینجا به کار دولتی دارم هم کمتر بشه.			۱۳	۳۸۶

۳۸۷	۱۳			تو همه چیز هم نظر منو میخواد درمورد پس انداز کردن پول درمورد آینده درمورد اینکه چطوری و کجا پولی که داریم رو خرج کنیم حتما نظر منو میپرسه و با هم تصمیم میگیریم	پرسیدن نظرات زن درمورد نحوه خرج و مخارج زندگی و آینده و تصمیم گیری با نظر یکدیگر
۳۸۸	۱۳			بحث ها تاثیر خیلی کمی میزاره روی زندگیمن ولی خب بالاخره باعث میشه ذهنت مشغول باشه و اون انرژی که همیشه داشتی رو نداشته باشی ولی خب وقتی یه تایمی میگذره و بهش فکر میکنی اهمیت اون مسئله کم میشه چون ممکنه تو اون لحظه مسئله ی خیلی مهمی بوده و بعد از اون دیگه نه به همین خاطر تاثیر داره اما نه تا اونجایی که تو بخوای خودت رو اذیت کنی	تاثیر بحث ها روی زندگی و افکار و انرژی افراد و صحبت درمورد آنها با یکدیگر و حل آن
۳۸۹	۱۳			بنظر من که وجود داشتن بحث ها خیلی هم خوبه چون برطرف کردن این چالش ها باعث میشه که آدمای خیلی بهم دیگه نزدیک بشن. وقتی تو سعی میکنی که یه اختلاف نظری رو با حرف زدن حلش کنی یاد میگیری که یه جاهایی اشتباه از تو بوده و تو باید کوتاه بیای و بنظرم وقتی به مرور زمان اینا رو به تو یاد میده پس وجودش همچین بد هم نیست که بخوای کم بشه یا اصلا نباشه	تاثیر مثبت بحث ها در زندگی به دلیل اینکه باعث حل موضوع و نزدیک تر شدن افراد به یکدیگر میشود و چالش هایی در زندگی برطرف میشود
۳۹۰	۱۴	آزمایشگاه بیمارستان	فوق لیسانس	تا اون حد نه ولی بوده موردی که یه حرف ناراحتم کرده چون شوهرم خیلی آدم سخت گیری نیست ولی خب من یه خرده بیشتر سخت گیری میکنم و زوم میکنم روی بعضی چیزا مثلا برای شوهرم مهم نیست که خونه برادرش بدون دعوت بره ولی برای من خیلی مهمه و بیشتر سر همین موضوع با هم بحث میکنیم اما بحث شدید نیست	سخت گیری زن و زوم کردن روی برخی مسائلی و سهل گیری و عدم سخت گیری مرد

آرامش طرفین و درک متقابل و ادامه ندادن موضوع بحث برای ایجاد آرامش	کلا جفتمون خیلی ارومیم ولی خب بعضی موقع ها همسرم محل کارش اتفاقی میوفته که باعث آزارش میشه و خب اونو وارد خونه میکنه اما من درکش میکنم و موضوع رو ادامه نمیدم و کشش نمیدم. اونم همین طوره نسبت به من و هم دیگه رو درک میکنیم			۱۴	۳۹۱
آرامش مرد به دور از توهین و فحاشی و تلاش برای حل مسائل با صحبت و گفتگو	شوهرم خیلی مرد آرومیه رفتار خاصی انجام نمیده که بگم مثلا فحش بده یا توهین کنه اصلا یه خرده با هم در حد لفظی بحث میکنیم این طوری که حالت یکی به دو کردن داره و از یه جایی به بعد دیگه یکمون سکوت میکنه و دیگه بعدش که آروم تر شدیم با صحبت حلش میکنیم کلا هم بحث زیادی نداریم با هم دیگه که خیلی شدید باشه اصلا			۱۴	۳۹۲
جدا نکردن جای خواب و وابستگی به یکدیگر	کلا جدا نمیخواهیم به قولی میگن پشت به شوهر بکن اما جاتو جدا نکن و ما کلا خیلی بهم دیگه وابسته ایم و اصلا نمیزاریم کار به اونجاها برسه			۱۴	۳۹۳
اجازه دادن برای گذشت زمان مشخص و آرام شدن هر دو طرف و سپس گفتوگو برای حل مشکل	بحث آنچنانی که پیش نیاد اما اگه چیزی هم باشه یه تایمی بهش میدم و بعدش بهش میگم و توضیح میدم که اونجا مثلا من ناراحت شدم و میزارم هم خودم آروم شده باشم و هم فرصت مناسبی باشه و با شوهرم مطرح میکنم و اونم میگم چون خیلی آرومه باهام حرف میزنه و حلش میکنیم			۱۴	۳۹۴
آرامش مرد و عذرخواهی از زن و ذکر دلایل خود و صحبت درمورد	اونم همین طوره خیلی سعی میکنه کشش نده و بعد از یه مدتی که آرومتر شده میاد حتی از من عذرخواهی میکنه و درموردش حرف میزنه و میگه مثلا دلایلم این بود که این کارو کردم منم مثلا دلایلم رو میگم و با هم به یه			۱۴	۳۹۵

نتیجه ای میرسیم که خب حالا مثلا کار من یا همسرم اشتباه بوده و دیگه تکرارش نمیکنیم				موضوع مورد بحث و حل آن
۳۹۶	۱۴			بحث زیاد بحرانی نداشتیم و همیشه مسالمت آمیز پیش میریم آخریش عید بود که بدون دعوت میخواست بره خونه داداشش و داداشش یه مهمونی برگزار کرده بود که ما دعوت نبودیم و شوهرم میگفت خب چه اشکالی داره بریم؟ داداشمه ولی من میگفتم باید دعوت میکرد و به جایی رسید که با هم قهر کردیم و یه هفته با هم سر سنگین بودیم و بعدش شوهرم متوجه شده بود که اون روز داداشش یکی از اقوام رو پاگشا کرده بود که ما کلا نه عروسی اون طرف رفته بودیم و نه تو مراسماش بودیم و شوهرم بعدش اومد ازم عذرخواهی کرد و گف چقدر خوب شد که نزاشتی بریم خونه داداشم البته این اولین بحث خیلی جدی ما بود که باعث شد یک هفته ما با هم سرسنگین باشیم بحث بخاطر اینکه مرد بدون دعوت میخواسته به خانه برادرش برود اما زن با او مخالط کرده و گفته باید دعوت میکردند تا برویم و درنهایت عذرخواهی مرد از زن به دلیل اینکه متوجه اشتباهش شده بوده
۳۹۷	۱۴			طبیعی دانشتن بحث و اختلاف بخاطر وجود تفاوت های فرهنگی و خصوصیات اخلاقی متفاوت خب دو نفر با فرهنگ های مختلفیم دیگه و هر کدوم خصوصیات اخلاقی خاصی داریم و از دوتا خانواده با طرز تفکرهای مختلفی هستیم حتی فکر کنم دو تا دوقلو هم مثل هم نباشه اخلاقاشون و کلی با هم تفاوت داشته باشن
۳۹۸	۱۴			عدم اجازه برای دخالت خانواده ها در مسائل و حل بین خودمون حل میکنیم موضوع رو و نمیزاریم خانواده ها متوجه بشن چون واقعا بحث خیلی جدی نداریم که دیگران درگیر بشن فقط همون یه موردی که تعریف کردم که شوهرم بدون دعوت میخواست بره خونه برادرش و من مخالفت کردم چون خونه مادرم بودیم و

مشکلات با یکدیگر	اونجا شوهرم این موضوع رو مطرح کرد باهام و منم مخالفت کردم اونجا خانوادم متوجه شدن				
علاقه مرد به مستقل بودن زن	شوهرم کلا با زن خونه دار موافق نبود یعنی دوست داشت من مستقل باشم و سرکار برم الان هم دخترم ۵ سالشه میگه مثلا نرو سرکار شوهرم میگه نمیشه که مامانت باید بره سرکار کلی زحمت کشیده برای کارش.			۱۴	۳۹۹
مشورت و نظرخواهی از زن در تمام امور	کلا تو هرچیزی خیلی نظر میپرسی و مشورت میکنه و اینطوری نیس که مثلا پول اون مال خودش باشه و پول من برای من و اهل خط کشی نیستیم			۱۴	۴۰۰
ایجاد فرصت و امکانات برای پیشرفت زن	شوهرم کلا با زن خونه دار موافق نبود یعنی دوست داشت من مستقل باشم و سرکار برم الان هم دخترم ۵ سالشه میگه مثلا نرو سرکار شوهرم میگه نمیشه که مامانت باید بره سرکار کلی زحمت کشیده برای کارش			۱۴	۴۰۱
حل مسائل با گفتگو	این بحثا تاثیر آنچنانی روی زندگیمون نداره چون میگم اصلا بحث خاصی پیش نیاد و همیشه تلاش میکنیم با گفت و گو حلش کنیم			۱۴	۴۰۲
حل مسائل بین زن و مرد و متوجه نشدن بچه ها از بحث پیش آمده	نمیزاریم بحثی که داریم رو حتی بچه هامون متوجه بشن و فکر و ذهنشون درگیر بشه هرچند که واقعا به جرات میتونم بگم بحث جدی ما فقط همون عید بود که پیش اومد			۱۴	۴۰۳
عدم لج و لجبازی و قهر با یکدیگر	دیگه هیچ بحثی نداشتیم که بخواییم خیلی درگیر بشیم و قهر کنیم یا بعدش بخواییم حالا لج و لجبازی داشته باشیم و بچگانه رفتار کنیم اصلا نه من خوشم میاد از این کارا نه شوهرم			۱۴	۴۰۴
تلاش برای عدم تاکید و پافشاری روی حرف خود	کلا یاد گرفتیم که نباید زیاد روی حرف خودمون تاکید کنیم			۱۴	۴۰۵

۴۰۶	۱۴			یا سریع نسبت به همسر مون جبهه بگیریم	تلاش برای جبهه نگرفتن در برابر همسر
۴۰۷	۱۴			یا نزاریم حرف دیگران روی زندگیمون اثر بزاره و واقعا چه من و چه همسر من دیگه بعد از این همه سال زندگی مشترک فهمیدیم که باید چطور رفتار کنیم	اثر نگذاشتن حرف دیگران در زندگی
۴۰۸	۱۵	آزمایشگاه بیمارستان	فوق لیسانس	بیشتر بینمون مشورته و یا کلا تفاهم نظر داریم تو اکثر مواقع ولی خب بعضی مواقع یه اختلاف نظرهایی که داریم باعث میشه بحثمون بشه و خب بهر حال اون موقع هم هر کسی فکر میکنه حرف خودش درسته و حرف طرف مقابلش درست نیس و اینجا دیگه با صحبت کردن درمورد اون موضوع بیشتر هم دیگه رو میفهمیم و درک میکنیم و به یه توافق نظر میرسیم و اونجوری که بخواییم با خشونت چیزی رو تحمیل کنیم درست نیس و انجامش هم نمیدیم	درک مقابل و رسیدن به توافق نظر با صحبت و گفتگو
۴۰۹	۱۵			شاید نظرمون درمورد رفتار یه سری آدمای دور و برمون با هم متفاوت باشه یا یه حرفی رو بقیه زدن و ما درموردش نظر متفاوتی داریم چون بین خودمون خیلی تفاهم برقراره ولی اگه اختلاف نظری هم باشه بیشتر درمورد خانوادمون	اختلاف نظر درمورد خانواده های یکدیگر و دخالت آنها در زندگی عاملی برای بحث
۴۱۰	۱۵			مثلا من بخوام یه نظری درمورد خانوادش بدم و بگم مامانت اینو گفت یا خواهرت تیکه انداخت و ایشون مخالف باشن یا بالعکسش و بخواییم مثلا از خانوادمون دفاع کنیم و یه خرده اینطوری بحثمون بشه ولی باز میگم بحثیه که با صحبت حل میشه اصلا به خشونت کشیده نمیشه	مادرشوهر و خواهرشوهر و تیکه انداختن انها عاملی برای ناراحتی زن و مطرح کردن آن با مرد

۴۱۱	۱۵			بحثی هم که میشه بستگی داره رفتار از طرف کی باشه و از طرف کی شروع بشه مثلا حتی ممکنه یه رفتاری از طرف یه دوست باشه و ما جفتمون ناراحت میشیم و باهم مطرح میکنیم	ناراحتی از رفتار نادرست یک دوست و صحبت درمورد آن
۴۱۲	۱۵			حتی اگه خودمون هم از دست هم دیگه ناراحت شده باشیم با هم صحبت میکنیم و سریع ریکشن نشون نمیدیم که مثلا پرخاش کنیم یا قهر کنیم اصلا درست نمیدونیم این رفتار رو. وقتی دو نفر میتونن با صحبت مشکلو حل کنن چرا لزومی داره که بخوان خشونت بکار ببرن	صحبت و گفتگو با یکدیگر برای حل مشکلات
۴۱۳	۱۵			خیلی ببخشید مگه حیوونیم که بخواییم با چنگ و دندون نشون دادن حرفمونو به کرسی بشونیم	خشونت مختص حیوانات است که نمیتوانند صحبت کنند
۴۱۴	۱۵			من بیشتر زمانی ناراحت میشم که درک نشم از طرف مقابل یا همسر سکوت رو متوجه نشه و یا حق با من باشه و متوجه نشه حق با منه این باعث ناراحتیم میشه و این رفتار رو منو اذیت میکنه همین که مثلا چرا متوجه سکوت من نشد	آزردگی زن بخاطر متوجه نشدن سکوت معنادارش توسط مرد
۴۱۵	۱۵			اما همینم که منو آزرده میکنه رو با شوخی بهش میفهمونم و میتونم بگم بیشتر حتی ممکنه جنبه ی شوخی داشته باشه و یه چیزی درمورد اختلاف نظرمون میگیریم و حتی میخندیم اینجوری اگه ناراحتی هم داشته باشیم اول با شوخی مطرحش میکنیم بعد از اینکه حالا یه خرده خندیدیم منطقی و جدی درموردش حرف میزنیم و این کار باعث میشه دیگه بحث و دعوایی پیش نیاد برامون	شوخی و خنده راهی برای بیان مسئله ای که باعث ناراحتی شده و حل آن بعد از درست کردن یک جو صمیمی با همسر

۴۱۶	۱۵			بحث آنچنانی که پیش نیامد اما بعضی مواقع هم که چیزی ناراحت می‌کنه یه تایمی بهش میدم و میزارم یه خرده آرومتر بشم و منطقم بر احساسم غلبه کنه و بعدش بهش میگم ناراحت شدم و با هم درموردش حرف میزنیم	ایجاد فرصت برای آرامش بیشتر و غلبه عقل بر احساس و سپس صحبت درمورد مسائل
۴۱۷	۱۵			کلا همین که صحبت هم دیگه رو نفهمیم باعث ناراحتیم میشه اینکه توقعی داشتم و انجام نشده باعث ناراحتیم میشه مثلاً همین چیزای ساده اینکه چرا امروز گفتم بریم خونه مامانم گفتم نمیتونم این باعث ناراحتیم میشه که حالا یا باهاش شوخی میکنم درموردش یا نه اگه خودمم حوصله شوخی نداشته باشم یه تایمی بهش میدم و بعداً ازش میپرسم چیزی شده که قبول نکردی بریم؟ اونم خب توضیح میده میگه مثلاً خسته شدم امروز سرکار یا دلایل دیگه کلاً یعنی درموردش حرف میزنیم	برآورده نشدن توقعات زن مثلاً نرفتن به خانه مادرش در زمانی که زن پیشنهاد داده بود عاملی برای ناراحتی وی و درنهایت صحبت درمورد موضوع و حل آن
۴۱۸	۱۵			همسرم بیشتر حمایت می‌کنه و اگه بحثمون درمورد خانوادش باشه و من توقعی داشتم باشم منتقل می‌کنه به خانوادش و کلاً نمیزاره یه ناراحتی بمونه و همون موقع حلش می‌کنه و اصلاً بی تفاوت نیس و چه تو جمع باشیم چه تو خونه سعی می‌کنه برطرف کنه	حمایت همه جانبه مرد از زن و توجه به خواسته های او در حد توان
۴۱۹	۱۵			دنبال انتقام نیستیم بیشتر دنبال اینیم که حل کنیم اختلاف رو با حرف زدن	حل مسئله با صحبت
۴۲۰	۱۵			بالاخره اختلاف نظر باعث میشه که یه بحثی پیش بیاد و طبیعیه چون همه صددرصد شبیه به هم دیگه نیستن و باید درک کنیم طرف مقابل رو	طبیعی دانستن اختلاف نظر بخاطر شبیه هم

نبودن هیچ کدام از افراد					
عدم اجازه به خانواده ها برای دخالت در امور زندگی و حل مسائل بین خود و همسر	خودمون همون موقع هرچی باشه درموردش حرف میزنیم و حلش میکنیم و نمیزاریم حتی خانواده ها متوجه بشن و بخوان حالا دخالتی داشته باشن			۱۵	۴۲۱
نظرخواهی از زن و دخالت دادن او در تصمیم گیری ها و انجام خرید ها	بالاخره تاثیر داره تو آزادی عمل اینکه بیشتر بتونی نظر بدی و تصمیم بگیری تاثیر داره خب واقعا بی تاثیر نیس مثلا برای خرید کوچک ترین وسیله ای هم من باید نظر بدم یعنی شوهرم میگه خب بالاخره تو هم باید از چیزی که خریده میشه لذت ببری و استفاده کنی پس باید نظر بدی			۱۵	۴۲۲
تصمیم گیری درمورد خرج و مخارج زندگی و برنامه ریزی درمورد آن با یکدیگر	البته برای خرج کردن پول هم من و اون نداریم یعنی کارای خونه و خریدا همش باهم دیگه ایم این نیس که من بگم به من چه وظیفه توئه یا اون بگه تو هم حقوق داری خودت برای خودت خرج کن یا پولتو بده به من اصلا از این حرفا نیس			۱۵	۴۲۳
شوخی و خنده درمورد مسئله ی آزار دهنده و تغییر فضای ناراحت کننده به فضایی شاد برای راحتتر صحبت کردن درمورد موضوع	بستگی داره نوع بحث چی باشه مثلا اگه بحث خیلی جدی باشه خب انرژی منفی میده و ناراحتی پیش میاد و اونم با صحبت حلش میکنیم و نمیداریم طولانی بشه و مثلا ساعت ها یا روزها ذهن و فکرمون درگیر بمونه نه همون موقع یا حالا مثلا یه ساعت بعدش میشینیم باهم درموردش حرف میزنیم ولی بعضی بحث ها حتی حالت شوخی داره و تاثیر مثبت میزاره و راجبش شوخی میکنیم و بهم نزدیک تر میشیم حتی وقتی درموردش با هم شوخی میکنیم اتفاقا باعث میشه یه خرده از اون فضای ناراحت کننده ای که به وجود اومده بود برامون فاصله بگیریم و حتی بخندیم			۱۵	۴۲۴

۴۲۵	۱۵			اگه بحث بین خودمون باشه میتونیم رفتاری که طرف مقابل دوست نداره رو تغییر بدیم البته اگه بتونیم تغییر بدیم و اگه نتونیم تغییر بدیم راهی پیدا میکنیم که طرف مقابل رو کمتر آزار بده	تغییر رفتاری که باعث آزرده‌گی طرف مقابل میشود
۴۲۶	۱۵			ولی اگه مربوط به رفتار دیگران باشه واقعا دست ما نیست که بتونیم کاری بکنیم مثلا ممکنه یه کسی یه رفتاری داشته باشه که ما خوشمون نمیاد و باید با هم صحبت کنیم بگیم که خب طرف دیگه همین شخصیت رو داره دیگه و دیگه مسولیتش با من نیست و یا سعی کنیم روابطمون رو کنترل کنیم و با کسایی که دوست نداریم رابطه نداشته باشیم یا کمتر رابطه داشته باشیم و تا جایی که میتونیم و راهی به نظرمون میرسه در مقابل طرف اعمال کنیم	کنترل ارتباطات و روابط خود با کسی که باعث آزرده‌گی میشود
۴۲۷	۱۶	آزمایشگاه بیمارستان	لیسانس	مثلا آقایون وقتی از سرکار میان استراحت میکنن اما خب خانم چی؟ باید غذا آماده کنی سفره بچینی و بیاری سر سفره و اونا بیان فقط بشینن بخورن و تو دوباره سفره رو جمع کنی ببری بشوری جا به جا کنی و چی بشه مثلا خیلی سرت شلوغ باشه کار داشته باشی یا مهمون بخواد بیاد یا بخوای بری بیرون کار داشته باشی و حالا مثلا یه خرده کمکت کنن اما همیشه روزانه کارت همین باشه و این خب به شدت خسته کننده است و همیشه استرس داری که بتونی به همه کارات برسی. مثلا صبح که بیدار میشی باید خودت آماده بشی و بچه مدرسه ای هس باید کارای اونو بکنی و برسونیش و بری سرکار و ظهر دوباره بیای همه این کارا رو بکنی خب خسته کننده است.	وظایف متعدد زن(اشتغال، رسیدگی به بچه، درست کردن غذا، مهمان داری، رسیدگی به کارهای منزل) عاملی برای خستگی و اعتراض زن به آنها
۴۲۸	۱۶			اینا قطعا باعث بحث میشه خب هر کسی یه پتانسیلی داره و تا یه جایی تحمل میکنه اما بعدش دیگه کم میاره و عصباش خرد میشه و وارد بحث میشه و میگی چرا این کارو نکردی یا چرا این کارو نمیکنی؟ مخصوصا زمانی که	بحث و عصبانیت زن بخاطر خستگی ناشی از کارها و

شوهرت بریز بپاش هم داشته باشه یعنی این درک رو نداشتی باشن که حداقل اگه اینجا تمیزه تمیز نگه دارن. خب همسر من درک میکنه اما خب مهم اینکه وظیفه ی منه همه این کارا رو کردن و اگه اون داره کاری میکنه میدونه که داره لطف میکنه و وظیفه خودش نمیدونه				وظایف متعدد و تصور زن از اینکه توسط مرد درک نمیشود
قطعاً شروع کردن بحث با کسیه که خسته شده و اونم منم دیگه و همیشه منم که ابراز ناراحتی میکنم چون با لحن بدی اعتراض میکنم بعدش باعث بحث میشه			۱۶	۴۲۹
اصلاً تو خونمون فحش و اینا نداریم ولی خب داد و بیداد هس دیگه اونم اگه از یه حدی بحث فراتر بره با داد و بیداد همراهه			۱۶	۴۳۰
قهر ما شاید خیلی باشه دو یا سه ساعته چون بهم دیگه نیاز داریم مثلاً اینکه اون برای من یه کاری بکنه یا اون به من بگه که تو برای من این کارو بکن یا اینو بیار و یا بخواییم سر یه موضوعی با هم مشورت کنیم			۱۶	۴۳۱
من شروع میکنم همین طور غر زدن و گله کردن از شوهرم و دق و دلمو سرش خالی میکنم و خالی میشم دیگه. اونم اولش هیچی نمیگه یا میگه باشه راست میگی خسته شدی اما یه ذره که میگذره دیگه خب کم میاره چقدر آروم باشه من هی غر بزنم و اونم دیگه صداس میره بالا میگه خب بسه دیگه و یه خرده این طوری بحث میکنیم و قهر میکنیم در حد یه ساعت			۱۶	۴۳۲
اعتراض زن به شرایط ناپسامان و غر زدن و گله گذاری و خالی کردن دق و دلی خود بر سر مرد				

۴۳۳	۱۶			همین که بفهمن چیکار کردن که باعث ناراحتی من شده کافیه دیگه و تلافی نمیکنم چون ادامه دار میشه و من دیگه حوصله ی ادامه دار شدن بحث رو ندارم اونم همین طوره چون ذهن درگیر میشه	اجتناب از ادامه دار کردن بحث با تلافی و لجبازی
۴۳۴	۱۶			آخرین بار درمورد درس و مشق دخترم بود که من هی بهش میگفتم یالا بنویس و اون گوش نمیکرد و نمینوشت و من میگفتم چرا نمینویسی و شوهرم میگف تو چرا انقدر به این زور میگی؟ و سر همین بحثمون شد و داد و بیداد کردیم و آخرش شوهرم گفت تو بلند شو من خودم یادش میدم و اینطوری بحث رو تمومش کرد	بحث درمورد درس بچه و درنهایت برعهده گرفتن رسیدگی به درس او توسط مرد
۴۳۵	۱۶			یه بار میبینی از کار خستم البته که سعی میکنم مشکلات سرکارم رو وارد محیط خونه نکنم اما خب خسته میشم و حوصلم نمیرسه و خب طبیعیه که کم بیارم و بحث کنم البته اگه از حد نگذره و مداوم نباشه	طبیعی بودن بحث ها بخاطر وجود خستگی ناشی از کارهای خانه و بیرون
۴۳۶	۱۶			اون اوایل ازدواج شاید خانواده ها متوجه میشدن ولی الان دیگه نه اصلا چون اون اوایل وقتی خانواده ها میفهمیدن خیلی دخالت میکردن	عدم اجازه دخالت به خانواده ها به دلیل دخالت آنها در مسائل زندگی
۴۳۷	۱۶			حتی مادرشوهرم تیکه مینداخت بهم و دیگه به جزئیات روابطمون هم گیر میداد برای همین دیگه نذاشتم خانواده ها بفهمن	تیکه انداختن های مادرشوهر عاملی برای ایجاد بحث

۴۳۸	۱۶			تاثیر که داره تو انتخاب ها و تصمیم گیری ها چون بهرحال منم حقوقی دارم و منم کار میکنم پولی درمیارم ولی اینطور نیس که فقط من باشم یا فقط همسر باشه هر دو با هم تصمیم میگیریم و من سرخود نیستم که کاری بکنم و همیشه مشورتی پیش میریم	مشورت با یکدیگر برای تصمیم گیری در امور مختلف
۴۳۹	۱۶			تحصیلاتم خیلی براش مهمه و مثلاً من مقطع کاردانی بودم و برای کارشناسی دخترم کوچیک بود و یه شهر دیگه قبول شده بودم کاملاً حمایت کرد و خیلی کمک کرد تا درس تموم شد	فراهم کردن امکانات برای زن در جهت پیشرفت او و حمایت از زن
۴۴۰	۱۶			ما سعی میکنیم بحث خیلی کش دار نباشه چون هم روحیه خودم خیلی حساسه و نمیتونم دیگه دست به کاری بزنم و دست و دلم به کار نمیره حالا چه کار خونه یا چه سرکارم و خیلی روی تمرکز تاثیر میزاره و برای همین سعی میکنم تمومش کنم هم شوهرم همین طوریه و خب دخترمم این وسط گناه که نکرده اونم باید آرامش داشته باشه تا بتونه به درسش برسه	تلاش برای حل مسائل و ادامه دار نکردن بحث بخاطر از بین رفتن آرامش و تمرکز خود و خانواده
۴۴۱	۱۶			کمک بیشتر به من اینکه انعطاف بیشتری داشته باشه البته الان هم خیلی کمک میکنه به من اما خب من به کمک بیشتری نیاز دارم اینو به شوهرم هم گفتم و اونم خداییش خیلی تلاش کرده که کمکم کنه و کمتر دیگه بهم ریختگی و شلختگی داشته باشه	کمک مرد به زن برای آرامش بیشتر او
۴۴۲	۱۷	نیروی خدماتی	لیسانس	من سال ۸۲ ازدواج کردم و ۵ سال هم بچه نداشتیم و سال ۸۷ که دخترم به دنیا اومد من خب خیلی حساس بودم و همه کارا رو خودم میکردم و با اینکه میومدم سر کار اما تمام کارا با خودم بود و خیلی سختی ها کشیدم و شوهرم از وقتی که بچم به دنیا اومد یه جورایی خودش رو کشید کنار و کلاً جدا بخوابه جدا بره و بیاد	بی توجهی مرد به نیازهای مادی و عاطفی زن و جدا کردن امور خود از زن

۴۴۳	۱۷			خب منم تا ۳ سال پیش زیاد مهم نبود برام ولی الان دیگه دخترم بزرگ شده و یه سری اخلاقای باباش رو داره و من خب خیلی احساس تنهایی میکنم	احساس تنهایی و سرخوردگی زن
۴۴۴	۱۷			یه سری همین چند وقت پیش حالم خیلی بد شد حتی تا پای جدایی رفتم اما خب بخاطر دخترم منصرف شدم و رفتم مشاوره و گفتم باید خودت خودتو اروم کنی و منم خب خیلی آروم شدم از وقتی که رفتم مشاوره	مراجعه به مشاوره و منصرف شدن از طلاق
۴۴۵	۱۷			همین حرف نزدناش و اینکه اگه مشکلی هم داشته باشیم نمیداد من مشورت کنه و با حرف زدن حلش کنیم و اصلا بهم توجه نمیکنه و یه سری اخلاقیای داره که از خانوادش به ارث برده و من اون اوایل مشکلی نداشتم اما الان که دیگه دخترم هم بزرگ شده و میبینم یه سری اخلاق های باباش رو داره خیلی بهم فشار میاد و واقعا خسته شدم. همین بی توجهیش خیلی آزارم میده	بی توجهی و کم حرفی و عدم مشورت با زن عاملی برای آزار او
۴۴۶	۱۷			یه سری اخلاقیای داره که از خانوادش به ارث برده	به ارث بردن برخی رفتار های مرد از پدر خود
۴۴۷	۱۷			من شروع میکنم چون واقعا بعضی موقع ها خیلی خسته میشم اون کلا همش نسبت به همه چی بی اهمیتیه و توجهی نداره	اعتراض زن به شرایط نابسامان زندگی
۴۴۸	۱۷			اصلا هیچ توجهی نداره به من و حرفم رو گوش نمیده مثلا ممکنه داداشش زنگ بزنه بهش و یه ساعت وقت بزاره با داداشش صحبت کنه اما من که میرم یه کلمه باهاش حرف بزنم شاید اصلا حوصلش نرسه و هیچ توجهی نمیکنه	بی توجهی و بی محلی به زن و داشتن رفتار تبعیض آمیز بین زن خود و دیگران
۴۴۹	۱۷			کلا جامون از هم دیگه جداست و من پیش دخترم میخوابم و شوهرم هم جدا میخوابه کلا اصلا رابطه ای نداریم با هم دیگه	جدا کردن جای خواب از سوی مرد

نگرانی از آینده بچه از اینکه بی محبتی بین زن و مرد روی رفتار او با همسرش در آینده اثر بگذارد	من حتی یه بار با اصرار زیاد گفتم بیا پیش هم بخوابیم دخترمون بزرگ شده میبینه ما جدا از هم دیگه ایم و اونم یاد میگیره و فردا پس فردا که ازدواج کنه فکر میکنه باید اینجوری باشه و به مشکل میخوره و یه هفته من رفتم پیش شوهرم خوابیدم ولی انگار نه انگار هیچ تاثیری نداشت			۱۷	۴۵۰
بی توجهی به نیاز جنسی زن علی رغم تلاش زن برای انجام این کار با بیرون رفتن بچه از خانه	حتی مستقیم بهش گفتم اما بهونه اش اینه که دخترمون بزرگ شده در صورتی که میگم درسته خونمون یه خوابست اما اگه تو بخوای میشه بالاخره سارا میره کلاس اما بازم هیچ توجهی نداره و روزایی که سارا کلاس داره یا میره بیرون و انقدر بیرون میمونه تا با دخترم بیاد خونه یا همین جور پای تلوزیون میخوابه و اصلا توجه نمیکنه			۱۷	۴۵۱
علاقه زن به داشتن فرزند دوم و بی توجهی مرد به خواسته ی او	من حتی خیلی دوست داشتم یه بچه دیگه داشته باشم بهش هم میگم ولی هیچ توجهی نمیکنه من حتی یه سری تمام آزمایش های قبل از بارداری رو هم دادم و بهش گفتم اما بی اهمیت بود براش و هیچ اقدامی نکرد و یه دختری رو هم که داریم من میگم خدایی بوده چون برنامه ریزی براش نداشتیم و یهوپی شد			۱۷	۴۵۲
ناراحتی زن از بی توجهی مرد به او و تلاش برای بهبود شرایط با صحبت	من خیلی ناراحت میشم و میشینم باهاش حرف میزنم میگم خسته شدم دیگه من زنم تو بهر حال اومدی منو انتخاب کردی و اگه تو با من خوب باشی من صددرصد رابطم باهات خوب میشه و بیشتر بهت نزدیک میشم ولی اصلا هیچ توجهی نداره به من			۱۷	۴۵۳
صدا نزدن نام زن و گفتن مامان به او	حتی اسم منو صدا نمیزنه و همش منو صدا میزنه مامان و من یه بار دوست داشتم اسمم رو صدا بزنه اما همش صدام میکنه مامان.			۱۷	۴۵۴

درخواست زن از مرد برای کتک زدن او اما اتمام بی توجهی	من انقدر دوست دارم بهم توجه داشته باشه که حتی میگم منو کتک بزن اما توجه داشته باش بهم			۱۷	۴۵۵
ناراحتی و عصبانیت زن و سکوت او در مقابل بی توجهی های مرد	من که خیلی خسته میشم و ناراحت و عصبی میشم بیشتر ساکت میشم و میرم تو خودم و وقتی میبینم هر کاری میکنم اهمیت نمیده دیگه رها میکنم			۱۷	۴۵۶
امتحان کردن تمام راه ها برای بهبود شرایط زندگی	من باورتون نمیشه همه راه ها رو امتحان کردم از طرف بچم از طرف خودم ولی هیچ فرقی نمیکرد. اونم اصلا تلافی نمیکنه یعنی اصلا توجهی نداره بهم که بخواد تلافی کنه			۱۷	۴۵۷
طبیعی ندانستن خشونت بخاطر بی توجهی افراطی مرد به زن	اصلا طبیعی نیس این حد از بی توجهی اصلا نمیتونه طبیعی باشه من اگه میخوام تنها باشم که ازدواج نمیکردم ازدواج کردم که تنها نباشم هیچ وقت			۱۷	۴۵۸
پنهان کردن مشکلات از خانواده به دلیل دخالت های آنها	اصلا نمیزارم کسی متوجه بشه و همه تو فامیل فکر میکنن ما خیلی خوبیم حتی یه جوری پنهان کردم که خواهر برادرارم حتی تعریف شوهرم رو میکنن چون بدونن هم جز دخالت های بیجا کار دیگه ای نمیکنن			۱۷	۴۵۹
عدم رضایت مرد از کار کردن زن	من خب قبول دارم یه خرده تو آشپزی سستم و دوست ندارم آشپزی کنم اما خب بالاخره تلاش خودمو میکنم اما همش شوهرم میگه تو میری سرکار و به خونه و غذا درست کردن نمیرسی			۱۷	۴۶۰

۴۶۱	۱۷			منم بهش میگم من راضی نیستم برم سرکار اگه تو هم نمیخواهی کافیه فقط بهم بگی نرو من دیگه نمیرم ولی تا حالا نشده بگه نرو سرکار. حتی من یه روز اگه مرخصی بگیرم میگه چرا مرخصی گرفتی؟ از ترس اینکه یه وقت من دیگه کلا نرم سرکار	علی رغم عدم رضایت از سرکار رفتن زن اما ترس از اینکه کارش را از دست بدهد
۴۶۲	۱۷			پولی هم که خرج میکنیم با هم دیگس یعنی من یه چیزی میخرم اون کارت میدی یا اون چیزی میخره من کارت میدم ولی این نیست که برای من و دخترم چیزی بخره فقط پول خوراکی و اینا رو میدی	خرج خانه با مرد است اما برای زن و فرزندش چیزی نمیخرد
۴۶۳	۱۷			من بیشتر برای خودم با دخترم با پول خودم چیزی میخرم و نمیزارم اختیار دار حقوقم باشه هرچند که بدش نیاد اما من نمیزارم و تصمیم گیری ها با منه بیشتر	علاقه مرد برای خرج پول زن و عدم اجازه این کار به او توسط زن
۴۶۴	۱۷			انقدری که نسبت به من بی توجه به دخترم نیست اما خب دخترم از من تاثیر گرفته مثلا همین دیشب بود میگف تو که بابا رو دوست نداری من چرا باید دوستش داشته باشم من بهش میگم نباید اینطوری باشی حساب من با تو فرق میکنه و جداست من از یه چیزای دیگه بابات ناراحتم و تو باید یه کاری کنی بابات دوست داشته باشه	عدم علاقه دختر به پدر و نبود رابطه ی حسنه ی پدر دختری
۴۶۵	۱۷			چند وقت پیش با پدرش بحثش شد و زد تو گوش باباش و باباش نفرینش کرد و بچم گفت خب اذیت میکنی و سردی تو خونه. شوهرم هم حداقل بخاطر بچش یه ذره تغییر نمیکنه	درگیری بین پدر و دختر و زدن توی گوش پدر بخاطر رفتار سرد او در خانه

علاقه دختر به مادر و تنفر از پدر خود	دخترم فقط به من توجه داره مثلاً سر سفره همش بشقاب منو پر میکنه و میگه مامان بخور غذا ولی اصلاً به باباش توجهی نداره البته تقصیری هم نداره			۱۷	۴۶۶
پشت کردن به زن و تلوزیون دیدن و سریع غذا خوردن برای معاشرت نکردن با زن	شوهرم حتی تندتند غذا میخوره که زیاد پیش ما نشینه مثلاً همش پشتش به ماست و رو به تلوزیونه و این یکی از چیزایی که منو آزار میده			۱۷	۴۶۷
تلاش زن برای بهبود شرایط با مشاوره رفتن و صحبت	من هر راهی بگین من رفتم دیگه باید یکی از آسمون ها بیاد با این حرف بزنه تا روش اثر بزاره و حتی یه بار بردمش مشاوره که فقط یه هفته اثر داشت و بعدش دیگه هیچی مثل قبل شد یه وقتایی میبینم مثلاً یه ساعت تو خونه تنهائییم صدا ازش در نمیداد که حداقل با هم حرف بزنیم هیچی.			۱۷	۴۶۸
به ارث بردن خصوصیات اخلاقی پدر توسط پسر مانند عدم تمایل پدر به جمع شدن بچه هایش در خانه او و بی توجهی نسبت به زن (خود)	باباش هم همینیه یعنی دوست نداره حتی بچه هاش دورش جمع بشن یه ذره حال خوبی داشته باشن هیچی. شوهرم انگار به باباش رفته من حتی درمورد اینم باباش حرف زدم و گفتم بابات بالاخره سنی ازش گذشته تو که نباید اینجوری باشی اما گوش نمیده و مثل باباشه حتی مادرشوهرمم از دست کارای شوهرش دق کرد و مرد بعضی وقتا میگم منم عاقبتم همین خواد شد			۱۷	۴۶۹
بی توجهی مرد نسبت به ظاهر و نظافت	حتی روی لباس پوشیدنش و حمام کردنش هم بی توجهه اینکه به خودش برسه اصلاً اینطور نیست به منم که کلاً توجه نداره			۱۷	۴۷۰

خود و همسرش					
اختلاف نظر به دلیل وجود تفاوت فرهنگی	خب اوایل ازدواج چون من برای یه شهر دیگه بودم من قم بزرگ شده بودم و همسرم کاشان بوده خب یه سری اختلاف نظر با هم داشتیم	فوق لیسانس	کارمند	۱۸	۴۷۱
شناخت کافی از یکدیگر عاملی باعث کاهش بحث	الان دیگه چون نسبت به هم دیگه شناخت پیدا کردیم نه دیگه بحث آنچنانی با هم نداریم و به یه تفاهمی رسیدیم			۱۸	۴۷۲
بحث و نهایتا دادوبیداد و عدم فحاشی و توهین	اون اوایل بحث داشتیم در حد همون داد و بیداد حتی فحاشی هم اصلا و اگه خیلی بحث بالا میگرفت مثلا شوهرم از خونه میزد بیرون و نهایت نهایت در حد یک روز با هم قهر میکردیم و این شدیدش بوده مثلا			۱۸	۴۷۳
مسائل روزمره و اختلاف نظر و یا اختلاف سلیقه	همون مسائل روزانه که پیش پا افتادس و فقط اختلاف نظر یا اختلاف سلیقه باعثش میشه			۱۸	۴۷۴
عوض کردن جای خواب برای مثلا یکی دو شب	شده یه چندباری که جای خواب عوض بشه و پیش هم نخوابیم ولی همون روز بوده و فرداش دیگه یادمون میره و خب اینکه باهم قهر میکنیم آره ازارم میده و در حد همون یه روز یا دو روزه و اصلا طولانی نیس و بیشتر با هم سرسنگین میشیم			۱۸	۴۷۵
حجوم افکار منفی به ذهن زن و نارضایتی از شرایط	خیلی ناراحت میشم و افکار منفی میاد سراغم و میگم این زندگی نبود که من میخوام و به چیزایی که میخوام نرسیدم			۱۸	۴۷۶
فراموش کردن دلخوری	شوهرم اصلا جدی نمیکیره بحث ها رو مثلا اگه الان بحث کنیم بعد از نیم ساعتش کلا دیگه یادش میره و فراموش میکنه			۱۸	۴۷۷

ها و بحث ها توسط مرد					
غر زدن زن و ابراز ناراضایتی	اصلا اهل تلافی کردن نیس ولی من شاید غر بزیم ولی اون همینم انجام نمیده			۱۸	۴۷۸
خانواده و صحبت های آنها و مسائل اقتصادی عاملی برای ایجاد بحث	درمورد خانوادش بود که گفتم فلانی تو خانوادت اینجوری گفت و بعدش رسید به مسائل مالی و اقتصادی اینکه کم میاریم و خرج و دخل بهم نمیخوره و یه خرده بحث کردیم و بعدش هم زود تموم شد یعنی ادامش ندادیم			۱۸	۴۷۹
داد زدن مرد خشونتی برای زن	همسرم انقدر آرومه که همین که یه ذره صداس میره بالا برای من خشونت به حساب میاد و بهم بر میخوره و میگم داد زن			۱۸	۴۸۰
طبیعی دانستن بحث ها بخاطر وجود اختلاف نظر	طبیعی به بالاخره اختلاف نظره دیگه			۱۸	۴۸۱
مشورت و تصمیم گیری با یکدیگر درمورد خرید و انجام کارهای مختلف	بهرحال حقوق من کمک کنندس و کلا شوهرم تو همه چی از من نظر میخواد و کلا به من میگه چیکار کنیم؟ اینو میخواییم بخریم چیکار کنیم؟ این کارو میخواییم بکنیم خوبه یا نه؟ و از من نظر میگیره			۱۸	۴۸۲
توجه به تحصیلات و معلومات زن و مقایسه او با زنان کم سواد فامیل	همیشه به بچه ها میگه مامانتون تحصیلات داره و قدرش رو بدونید کمکتون میکنه توی درساتون. کلا احترام میزاره بهم و ارزش قائل میشه برام و بهم بها میده و همیشه به بچه ها میگه خیلی از خانم های دورمون تو فامیل تحصیلات ندارن اما مامانتون تحصیلات داره قدر بدونید			۱۸	۴۸۳
حل مشکلات و	شاید اون اوایل آره اما الان دیگه یاد گرفتیم بحثمون رو زودتر حل کنیم و بعد از بحثی که شاید ۱۰ دقیقه			۱۸	۴۸۴

موضوعات آزاردهنده با صحبت درمورد آن	باشه یا نهایت نهایت ۱ روز بعدش من به اون میگم مثلاً برو همچین چیزی بخر یا اون به من میگه فلان کارو بکن هرچند که این بحث درسته که تموم میشه				
سرد شدن روابط عاطفی و از بین رفتن صمیمیت بعد از بحث	دیگه مثل قبل اون صمیمت رو نداریم باهم دیگه و یه مقدار به لحاظ عاطفی سرد میشیم نسبت به هم دیگه خیلی کم. مثلاً یادم میمونه که فلان بحث رو کردیم			۱۸	۴۸۵
اعتراض بچه ها و ناراحتی آنها	ولی همون بحث کوتاه رو هم بچه ها سریع اعتراض میکنن و واکنش نشون میدن			۱۸	۴۸۶
تلاش برای کمتر گیر دادن به موضوعات کم اهمیت	شوهرم زیادی راحت میگیره و از نظرش بحثمون جدی نیس ولی من زیادی بزرگش میکنم اون میگه حالا یه بحثی بود تموم شد رفت اما من میگم نه چرا اینجوریه نباید اینظوری باشه اما اون میگه حالا شده دیگه بحث کردیم یه دوتا داد هم زدیم تموم شد رفت ولی من بهش فکر میکنم خب باید به اعتدال برسونیم دیگه مثلاً من کمتر زوم کنم و شوهرم بیشتر جدی بگیره تا به تعادل برسه همه چی			۱۸	۴۸۷
افسردگی مرد بخاطر فوت مادرش و بی توجهی به نیازهای زن	یه تایمی همسرم مادرش فوت کرده بود و افسردگی خیلی شدیدی داشت و به حدی شده بود که یه آدم خنثی شده بود به حدی که رو منم اثر گذاشته بود و همکارام بهم میگفتن چته تو چرا انقدر تو خودت و گرفته ای؟ خیلی شوهرم داغون بود اصلاً اهمیت به خیلی چیزا نمیداد	فوق لیسانس	کارمند	۱۹	۴۸۸
تلاش زن برای بهبود شرایط با مراجعه به مشاوره	خیلی تلاش کردم و رفتم مشاوره و حتی شوهرم رو بردم مشاوره تا علت رو متوجه شدم دیگه کم کم بهتر شد همسرم. به حدی به من بی توجه بود و خنثی که من حتی میخواستم ازش جدا بشم اما خب با مشاوره خیلی حالمون بهتر شد			۱۹	۴۸۹

اختلاف نظر و عدم توجه به نظرات زن عاملی برای ایجاد بحث	شوهرم دو سال از من کوچک تره و خب یه چیزایی رو من بهش میگم انجام نده و اون انجامش میده و بعد از ۶ ماه یا ۱ سال متوجه میشه که عه من راست میگفتم نباید انجامش میداد و چه اشتباهی کرد اما فقط در حده بحثه اصلا به خشونت کشیده نمیشه.			۱۹	۴۹۰
تلاش زن برای بهبود شرایط با صحبت کردن و نهایتا عصبانیت و قهر	سعی میکنم با صحبت بهش بگم که کارش اشتباهه و اگه گوش نده بهم عصبانی میشم و ممکنه حتی باهاش سرسنگین بشم			۱۹	۴۹۱
خانواده و دخالت آنها و عاملی برای ایجاد بحث	بیشتر سر خانوادهامون اینکه مثلا من میگم من اونجا نمیام یا اون میگه من اونجا نمیام بریم یه جای دیگه			۱۹	۴۹۲
اوضاع نابسامان اقتصادی عاملی برای ایجاد بحث اعتراض به ولخرجی یکدیگر	و یه چیز دیگه ای هم که خیلی تاثیر میزاره اوضاع اقتصادیه. مثلا یه وقتی ای اگه شوهرم خیلی ولخرجی کنه من صدام در میاد یا بر عکس اگه چکی چیزی داشته باشه من ولخرجی کنم اون اعتراض میکنه و میگه یه خرده کمتر خرج کن			۱۹	۴۹۳
غر زدن زن و سکوت و صبوری مرد در مقابل او	شوهر من خیلی صبوره خیلی زیاد مثلا من خیلی غر میزنم غر میزنم غر میزنم هی پشت سرهم چیزی ردیف میکنم میگم بهم میریزم اون اصلا چیزی نمیگه و حتی مهربونی هم میکنه میگه چته چی شده مگه؟ گاهی فقط اعتراض میکنه و میگه حالا فعلا بسه تمومش کن تا بعد حرف بزنیم			۱۹	۴۹۴
جدا کردن جای خواب توسط زن و	بعضی وقت ها آره اما شاید یه ساعت یا دو ساعت باشه بعدش اون میاد سمتم و میگه بیا سر جات بخواب و در حده یه ساعت یا دو ساعته و نمیزاریم طولانی بشه			۱۹	۴۹۵

در نهایت عذرخواهی و برگرداندن او به جای خود توسط مرد					
عصبانیت زن و ترک منزل در مقابل صبوری و سکوت مرد	من خیلی عصبی میشم به حدی که میخوام از خونه بزنم بیرون که حتی شوهرم دیگه در رو قفل میکنه و جلو در وامیسته میگه نمیزارم بری بگو چی میخوای چی کار کنم برات تا اروم بشی			۱۹	۴۹۶
سکوت مرد و در نهایت توجه به خواسته زن	بیشتر میره تو لاک خودش و بعدش میاد سمتم و میگه من چیکار کنم که تو راضی بشی			۱۹	۴۹۷
قطع کردن روابط با خواهرشوهر خود بخاطر رفتار ناپسند او	من چرا مثلا خواهرشوهرم به کاری کرد که من بهم برخورد الان دو ماهه باهاش قطع رابطه کردم ولی اینجوری نیس که شوهرم بگه چون تو با خواهرم ارتباط نداری منم با خواهرهای تو حرف نمیزنم و رفت و آمد نمیکنم. نه اصلا اهل تلافی نیس شکر خدا.			۱۹	۴۹۸
صبوری مرد در مقابل عصبانیت و لجبازی زن	میگم شوهر من خیلی صبوره و خیلی مهمه مرد صبور باشه چون زن باید بچه داری کنه کارای خونه هست الان که دیگه زنا اکثرا کار هم میکنن و شاغلن من مثلا خودم در روز شاید ۴ یا ۵ ساعت بخوابم و اینکه بهم بریم واقعا حق دارم همه زنا همین طورن			۱۹	۴۹۹
عدم توجه به نظر زن درمورد فروش چیزی که ضرر زیادی در آن بود و در نهایت	اخیرا به کاری بود نباید میکرد فروش به چیزی بود که نباید میفروخت اما بهش گفتم گوش نکرد فروخت بعدش به به مشکل اساسی خورد و به ضرر حسابی دادیم خیلی سرش غر زدم و گفتم انجامش نده حتی انقدر اعصابم خورد شد که سرکار تمرکز نداشتم اما حرفمو گوش نکرد و انجامش داد در نهایت شکر خدا مشکل حل			۱۹	۵۰۰

پشیمانی از این کار	شد ولی فکرش خیلی درگیر شد جوری شده بود که هیچی نمیتونست بخوره حتی شبا خوابش نمیبود و میگف فکر نمیکردم مهم باشه و انقدر تاثیر بزاره رو زندگیمون				
توجه به نظر زن در تمام امور مثل خرید زمین یا ماشین و خانه و درنهایت خرید آنچه که زن پسندیده	در تمام کارها از من نظر میپرسه و نظر منو میخواد حتی میخواد میوه بخره میگه چطوری بخرم چی بخرم بنویس برام که عین همون رو برات بخرم.میخوااییم ماشین بخریم یا خونه بخریم حتما من باید نظر بدم حتی زمین که میخره من میگم کجا باشه یه زمین میخواست بخره چندجا منو برد تا آخرش اونجایی که من گفتم زمین خرید. تو همه موارد نظر منو ارجح میدونه این نمونه ای که گفتم شاید سالی یه بار اتفاق بیوفته خیلی خیلی کم پیش میاد که کار خودشو بکنه و نظر منو نادیده بگیره حالا گفتین اخیرا چی بوده همین بود که گفتم			۱۹	۵۰۱
طبیعی دانستن بحث ها تا جایی که موجب کم محلی و کتک زدن نشود	طبیعی اما خیلی زیاد از حدش نه دیگه طبیعی نیس یعنی به حدی برسه که طرف بزنه و یا براش اهمیتی نداشته باشه و کم محلی کنه دیگه نه طبیعی نیس			۱۹	۵۰۲
عدم اجازه به خانواده برای دخالت	اصلا نمیزاریم خانواده ها هم بفهمند چون چیز خاصی نیس			۱۹	۵۰۳
تحصیلات و اشتغال زن بسیار اهمیت دارد زیرا از حقوق خود آگاهی دارد و بعد از طلاق ترسی از	خیلی زیاد مخصوصا تحصیلات برای یه زن خیلی تاثیر داره مثلا ممکنه یه زن از حق خودش بگذره و کوتاه بیاد بخاطر اینکه آگاهی از حقوق خودش نداشته باشه و از ترسش کوتاه بیاد و بگه اگه فردا شوهرم طلاقم بده من چیکار منم؟ کجا برم؟ از ترس اینکه جدا بشن و بعدش باید چیکار کنن زندگی میکنن و تحمل میکنن ولی زنی که تحصیلات داره و از حق خودش آگاهی داره و شاغله و استقلال مالی داره اگه از مرد خودش ناراضی باشه دیگه			۱۹	۵۰۴

کم کم از مرده فاصله میگیره و حتی جدا میشه چون نیاز مالی بوده که باعث میشده زن بیشتر به سمت مرد کشیده بشه و عشقی بینشون نبوده و زن تحمل میکرده و وقتی زنی از مردش ناراضیه و نیاز مالی نداره خیلی راحت از مرد فاصله میگیره و جدا میشه				تنهایی و بی پولی ندارد
وقتی زنی با شوهرش خوب باشه اینطوری نیس حتی بهم کمک میکنن مثلا الان شوهرم میگه خونه برای منه ماشین برای تو باشه تو هم داری کار میکنی دلگرم به زندگی باشی و این اشتغال و حتی تحصیلاتی که دارم خیلی تاثیر گذار بوده رو رفتار شوهرم			۱۹	۵۰۵
بچه که خیلی اذیت میشه مخصوصا وقتی میبینه مادرش ناراحته چون بچه ها تحت تاثیر مادرن البته بچه هایی که کم سن هستن مخصوصا پسر. شده حتی بچه ها گریه هم کردن در صورتی که یه بحث لفظی ساده داشتم با شوهرم			۱۹	۵۰۶
کلا رو خودمون هم اثر میزاره و ناراحت میشیم و حتی یه خرده سرسنگین میشیم و برای چند ساعت از هم دیگه فاصله میگیریم اما بعدش خوب میشیم شاید حتی نیم ساعت هم نمیکشه			۱۹	۵۰۷
اصلا شوهرم که میگم خیلی صبوره اصلا اهل فحش نیس اما من چرا خیلی که از کوره در میرم شاید فحشی در حد بیشعور و احمق بدم مثلا بگم خیلی بیشعوری که این کارو کردی یا خیلی احمقی که این کارو نکردی. اما فحش های رکیک اصلا نه تو خانواده نداریم			۱۹	۵۰۸
یکی اینکه توقعات مالی رو کمتر کنیم چشم و هم چشمی کنیم مخصوصا ما خانم ها و آقایون هم توقعاتشون رو از خانم ها بیارن پایین چون خانم ها واقعا مظلومن یه مادر با هزار امید دخترش رو میسپره دست یه			۱۹	۵۰۹
ناراحتی و اذیت شدن بچه ها و گریه آنها در هنگام بحث بین زن و مرد				سرسنگین شدن و فاصله گرفتن از هم بعد از بحث برای چند ساعت
صبر مرد و از کوره در رفتن و عدم فحاشی و توهین به زن				کم کردن توقعات مادی زن میتواند راهی برای

کاهش خشونت باشد البته که مرد هم باید به زن بها داده و به او توجه کند	مرد دوست داره دخترش خوشبخت بشه با کلی آرزو دخترش رو بزرگ کرده دوست داره همون طور که تو خانواده بهش پر و بال دادن و تو ناز و نعمت بزرگش کردن خونه شوهرش هم همین باشه و شخصیتش رو خرد نکنن و بهش بها بدن.				
مرد عامل اصلی بروز مشکلات و بحث هاست زیرا زن با تمام کم و کاستی های زندگی میسازد	بنظرم اکثر مشکلات رو مردها درست میکنن چون زن اگه مردش واقعا بخوادش و دوستش داشته باشه با هیچی باهاش زندگی میکنه واقعا با هیچی کنارش میمونه چون فقط عشق و محبت مرد رو میخواد چون میدونه طلا و خونه و ماشین جای محبت مرد رو براش پر نمیکنه			۱۹	۵۱۰
عدم حمایت دستگاه قضا از زن و قسطی کردن مهریه که به ضرر زن تمام شد	یه درصدی هم دستگاه قضا مقصره چون خیلی آقایون رو پررو کردن خیلی دستشون رو باز گذاشتن دیگه برداشتن مهریه رو هم قسطی کردن میگن ماهی یه سکه میدیم و یه چند ماه هم بگذره زنه خودش خسته میشه و میگذره			۱۹	۵۱۱
سکوت زن در برابر بحث ها بخاطر عصبانیت شدید مرد در آن لحظه	بحث داریم ولی بنده تو زندگی شخصی خودم بحث زیاد نمیکنم چون میدونم وقتی من یه چیزی بگم و اونم عصبی باشه یه چیزی بگه که باعث بشه بحث کش بیاد من به شخصه ترجیح میدم که هیچی نگم	لیسانس	پرستار	۲۰	۵۱۲
بحث سر برخی حرفایی که نباید زده میشد و در	مثلا ممکنه یه چیزای خیلی کوچولویی باشه یا یه سری چیزای خیلی عادی مثلا فلان جا بودیم نباید این حرف رو میزدی و این حرفو زدی فلانی ناراحت شد یا بعد از مهمونی بیاییم بگم این حرف اصلا به ما ربطی نداشت			۲۰	۵۱۳

جمع گفته شد و در نهایت سکوت زن و عدم ادامه دار کردن بحث ها	تو نباید میگفتی و فقط اعتراض میکنم بعدش دیگه ادامه نمیدم اصلا دنبال این نیستم که مشخص کنم کی مقصره و بحث رو کش بدم که حتی به قهر برسه کارمون شاید یه خرده سرسنگین بشم ولی قهر اصلا				
سکوت زن دربرابر رفتار ناپسند مرد و بخاطر آوردن و یادآوری رفتارهای پسندیده مرد برای خود	من خودم بیشتر شروع میکنم و خودمم میفهمم اشتباه کردم و پیش قدم میشم شوهرم هم اونجوری نیست که خیلی عصبی باشه و همش کاری بکنه که بخوام گیر بهش بدم یه وقتایی هم که دیگه گیر میدم بهش بعدش ادامه نمیدم میگم خب شوهرم هم خیلی موقع ها خیلی کارا کرده برام که من دوست داشتم به خاطر اون کارای خوبش حالا ازش میگذرم و ادامه نمیدم			۲۰	۵۱۴
عادی شدن بحث از سوی مرد و ادامه ندادن آن و عدم فحاشی و توهین	اون بعد از یه مدتی عادی میشه براش و انگار نه انگار بحثی بوده اصلا هم اهل داد و بیداد نیست که حالا مثلا دوتا فحش هم بده اصلا			۲۰	۵۱۵
جدا نکردن جای خواب بخاطر اینکه مسائل بسیار کوچک و قابل حل هستند و نیازی به جدا کردن جای خواب نیست	اصلا چیز خاصی پیش نمیاد که بخواد به اینجاها برسه چرا خب حالا بعضی خانم ها مردشون معتاده یا با یه خانم دیگس و مشکل خیلی بزرگی دارن ممکنه به اینجاها بکشه ولی وقتی یه بحثی پیش میاد که روزمره ی زندگيه که اصلا لزومی نداره که بخوای بخاطر اون زندگیت رو خراب کنی و به جاهایی بکشونی که حتی جای خوابت عوض بشه			۲۰	۵۱۶
عدم طولانی کردن بحث و قهر	یه نصف روز شاید ناراحت باشم ولی نمیزارم به یک روز کشیده بشه که بخوام قهر کنم و باهاش اصلا حرف نزنم اصلا اینطوری نیست چون خودم اذیت میشم			۲۰	۵۱۷

۵۱۸	۲۰			اصلا حرف نمیزنه یعنی اهل دادو بیداد نیس و اگه مسئله ای هم پیش بیاد اون سکوت میکنه	سکوت مرد و داد و بیداد نکردن برای خاتمه دادن به بحث
۵۱۹	۲۰			مثلا میخواستیم بریم بیرون در رو بست نشست تو ماشین راه افتادیم یهو وسط کوچه برگشت گفتم چی شد میگف میخوام ببینم در خونه رو بستم؟ بهش گفتم اره بستی ولی بازم خودش برگشت و چک کرد تا خیالش راحت شد و خب این منو ناراحت کرد ولی فقط همون لحظه بود که یه بحث کوچیک کردیم و تموم شد رفت و کش ندادیم	ناراحتی زن بخاطر اینکه برای بستن در به او اعتماد نکرده و خودش مطمئن شده در بسته شده است
۵۲۰	۲۰			اختلاف سلیقه و اختلاف فرهنگ خانوادگیه که طبیعی	طبیعی دانستن بحث ها بخاطر وجود اختلاف نظر و اختلاف سلیقه
۵۲۱	۲۰			صد درصد میتونه تاثیر داشته باشه. چون خودم میبینم آدم های خونه دار خیلی اطلاعاتشون از دور برشون کمتره و یه وقتی که اتفاقی میوفته و میرم به شوهرم میگم میگه نگاه به خودت نکن تو توی جامعه ای اینا رو میشنوی و آگاه تری	توجه مرد به اینکه زن با وجود اشتغال و تحصیلاتش آگاهی بیشتری نسبت به مسائل دارد
۵۲۲	۲۰			اطلاعات بیشتر از زنای دیگس که تو خونه از صبح تا شب با یه گوشی تلفن فقط غیبت میکنن و از اخبار دورشون بی خبرن	مقایسه او با زن های کم سواد فامیل
۵۲۳	۲۰			کلا من و تویی هم نداریم اینکه بگیم فقط هرچی من بگم یا پول فقط برای منه یا بگیم مثلا پول تو برای خودت پول من برای خودم اصلا نداریم این چیزا رو	تصمیم گیری درمورد امور مالی

زندگی با مشورت یکدیگر					
عدم ادامه دار کردن مسائل و مشکلات	یه لحظه خب خیلی عصبی میشی و شاید حتی یه لحظه اصلا شوهرت رو دوست نداشته باشی اما نمیزارم کش پیدا کنه که بخواد خیلی تاثیر بدی روی زندگی بزاره			۲۰	۵۲۴
تلاش برای متوجه نشدن بحث ها از سوی فرزند بخاطر نگرانی از تاثیر بحث ها روی افکار او	تاثیرش روی بچه هم هست خب منم بچم الان دیگه تو سن بلوغه خب سن حساسیه منم نمیخوام بحث و دعوای بین من و شوهرم رو ببینه و تاثیر بگیره			۲۰	۵۲۵
بحث و دعوای لفظی بدور از کتک	نه به اون شدت که خیلی درگیری بالا بگیره ولی خب اختلاف داشتیم که لفظی با هم بحث کنیم ولی جسمی نبوده یعنی شدید نبوده جزئی بوده	لیسانس	پرستار	۲۱	۵۲۶
اختلاف و بحث سر کارهای بچه ها و شیطنت و سروصدای زیاد آنها که باعث کلافگی و ناراحتی مرد میشود	اختلاف نظرهایی باشه که داریم یا سر یه سری موضوعات مربوط به بچه ها باشه یا درمورد یه چیزی من یه جور فکر میکنم یا همسرم یه جور دیگه فکر میکنه و فکرامون فرق میکنه میشه (مثال بزنید؟) سر چه موضوعی (مثلاً؟) بیشتر سر بچه هاست چون بچه ها خیلی سر و صدا دارن چون پشت سر هم دیگه ان و فاصله سنی کمی دارن و شوهرم هم حوصله ی سر و صدا نداره و همین موضوع عصبیش میکنه چون میخواد کلا هیچ سر و صدایی نباشه و دوست داره خونه آروم باشه و بیشتر سر همین باهم بحث داریم			۲۱	۵۲۷
اعتراض مرد به سروصداهای بچه ها	اون همیشه میگه تا بچه نداشتیم خوب بود ولی از وقتی بچه ها اومدن ما دیگه آرامش نداریم منم خب اعتراض میکنم			۲۱	۵۲۸

۵۲۹	۲۱			حتی چندبار به خانوادش هم گفتم بهش تذکر بدین چرا باید مسئله ی بچه ها رو هی مطرح کنه خب من بهم برمیخوره راجب بچه ها این حرفا رو میزنه	واسطه قرار دادن خانواده ها از سوی زن برای صحبت با مرد
۵۳۰	۲۱			همسرم زود رنجه مخصوصا اگه خسته باشه انگار دنبال یه چیزی میگرده که بحث رو شروع کنه اما وقتی حالش خوب باشه و خسته نباشه حتی از کنار خیلی از موضوعات رد میشه حتی اگه اون بحث خیلی بحث جدی بوده باشه همسرم خیلی زیاد خسته میشه چون زیاد کار میکنه و بعضی مواقع که من شیفتهم باید بچه ها رو نگه داره و خب حوصلش نمیرسه	زودرنج بودن، خستگی زیاد و کم حوصلگی مرد عاملی برای ایجاد بحث
۵۳۱	۲۱			بیشتر در حد داد وپیداده بحث های ما اصلا به فحاشی هم نمیرسه فقط بعضی مواقع منو مقصر میدونه و کلا دنبال مقصر میگرده و خب اون لحظه من دیگه ادامه نمیدم و اون میبینه من چیزی نمیگم دیگه تمومش میکنه	سکوت زن دربرابر بحث و خشونت مرد
۵۳۲	۲۱			خللی که در روابط زناشویی ایجاد نمیشه بیشتر حالت سر سنگینی داریم با هم دیگه حتی قهر هم نیس	سرسنگین شدن با مرد و از بین رفتن صمیمیت
۵۳۳	۲۱			قطعا اون لحظات حال خوبی ندارم و خیلی حالم بد میشه	حال بد و ناراحت زن
۵۳۴	۲۱			کلا یکی از اخلاقاش اینه که اهل تلافیه چه بیرون از خونه چه تو خونه دوست داره تلافی کنه اما من اصلا اینطور نیستم (میشه مثال بزنیند؟ توضیح بدید؟) مثلا همیشه ساعت یک میومد دنبالم اما یه روز یه مورد اوژانسی پیش اومد و من یه ربع دیر رفتم پایین و دیدم تو ماشین معطل بود با بچه ها و فکر کرد که من عمدی دیر اومدم و فرداش که میخواست بیاد دنبالم زنگ زد گفت بیا من منتظرم و منم وقتی رفتم دیدم نیس و زنگ زدم	تلافی کردن موضوعات مختلف توسط مرد مثلا تلافی کردن دیر کردن زن سر قرار با دیر

رساندن خود در روز بعد	گفتم کجایی پس؟ گفت من یه ربع دیگه میام. چون واقعا تو محل کار من نیس و نمیدونه چطوریه ممکنه من یه ساعت هیچ موردی نباشه و یه دفعه یه مورد اوژانسی پیش بیاد که درگیرش بشم. همین خصوصیت اخلاقی رو هم داره دیگه کلا همه میشناسنش اینطوریه تو محل کارش بین دوستاش یا خانوادش همه میدونن اینطوریه دیگه.				
عدم سازگاری با بچه ها و غر زدن و گله کردن از سوی مرد	بیشتر سر بچه ها که خیلی خسته میشه بحث میکنیم مثلا چند روز پیش من سر کار بودم و اون پیش بچه ها بود و زنگ زد به من و بدون سلام و هیچی شروع کرد غر زدن و گله کردن و منم گفتم خب چی شده من که سرکارم با من چته؟ گفت خستم کردن بچه ها و خب راست هم میگفت چون یه هفته بود مسولیت نگه داری بچه ها با شوهرم بود و خستش کرده بودن و بعدش هم که من رفتم خونه خودش فهمیده بود که اشتباه کرده و نباید زنگ میزد به من و اونو طوری حرف میزد خودش اومد جلو عذرخواهی کرد			۲۱	۵۳۵
زودجوش بودن و عصبانیت مرد و درگیری مداوم با دیگران در هنگام رانندگی	یه سری خصوصیت اخلاقی خاصه که همسر داره همین که خیلی زود عصبانی میشه مثلا اون اوایل که خیلی مواقع بیرون هم میرفتیم سر رانندگی با دیگران بحثش میشد و دعوا میکرد و منم برعکس خیلی آدم ارومی هستم و اصلا طوری نیستم که بخوام دعوا کنم و همسرم برعکس منه و خب منم بهش میگفتم دیگه همینه تو میدونی که رانندگی مردم ایران چطوریه و همه هم که صد درصد قوانین رو رعایت نمیکنن تو نباید عصبانی بشی تو نباید بیای پایین و درگیر بشی با طرف. شاید یکی از اختلافاتمون همینه.			۲۱	۵۳۶
تلاش مرد برای کنترل خود و صحبت مادرش با او	الان خیلی بهتر شده اوایل که خیلی زیاد بود دیگه الان خیلی سعی میکنه خودش رو کنترل کنه چون من خیلی بهش گفتم و مامانش هم خیلی بهش گفته دیگه کمتر شده			۲۱	۵۳۷

۵۳۸	۲۱			همسر همیشه موضوعی که همش بهش اشاره میکنه میگه که من یه خانم خانه دار میخوام و خانم شاغل نمیخواستم ولی الان هم شاید یه چیزای خیلی کوچیکی هم پیش میاد میگه اصلا نرو دیگه سرکار ولی خب موقع عصبانیت این حرفو میزنه و بعدش میگه اشکالی نداره برو سرکار من مشکلی ندارم	عدم رضایت مرد از کار کردن زن
۵۳۹	۲۱			تو تصمیم گیری ها هم خیلی تاثیر داشته اینکه بهم حق انتخاب بده خب خیلی تاثیر داشته و بی تاثیر نبوده	مشورت در تصمیم گیری ها و انتخاب ها
۵۴۰	۲۱			درسته که خیلی اختلاف نداریم و بعضی موقع ها پیش میاد که با همسر بحثی داشته باشیم ولی خب همونم بچه ها متوجه میشن و تاثیر میزاره روشن. در کل که من زیاد بحث رو کش نمیدم چون میدونم اگه بحث طولانی بشه اول از همه خودم آسیب میبینم و برای همین سعی میکنم حساسیت نشون نشدم تا تموم بشه یه مسئله ای. هم بخاطر خودم هم بخاطر بچه ها که میدونم درگیر میشن	تاثیر مخرب خشونت روی فرزندان و افکار و زندگی خود
۵۴۱	۲۲	اورژانس	دکتری	نه خداییش تو همسر خودم همچین چیزی رو ندیدم و خیلی اتفاقا موافق درس خوندن من بوده و همیشه میگف بخون زودتر تمومش کن	تشویق زن و فراهم کردن امکانات برای پیشرفت او
۵۴۲	۲۲			خب بالاخره خانمی که هم شاغله هم خونه دار خیلی سختشه که بخواد هم کارش رو به نحو احسن انجام بده هم کار خودش رو انجام بده ولی همسر خیلی با من راه میاد	کمک کردن مرد به زن در امور خانه به دلیل مشغولیت بالای زن

۵۴۳	۲۲			مثلا من میخوام دو سال دیگه درس بخونم و فولوشیپ شرکت کنم میگفت خب چه اشکالی داره برو بخون گفتم کاشان نداره باید برم تهران یا مشهد یا شیراز گفت خب مشکلی نداره برو بخون گفتم تو حاضری من خونه زندگی رو ول کنم برم تهران؟ گفت خب اصلا با هم میریم اونجا زندگی میکنیم چون ارزشش رو داره این سختی رو بکشیم تو دوست داری. یعنی جوری منو تشویق کرده که الان دوباره رفته تو ذهن من که آزمونش رو شرکت کنم و براش برنامه ریزی کنم	ترغیب و تشویق زن برای ادامه تحصیل دادن او
۵۴۴	۲۲			چرا خب بحث که هس به خصوص الان که شرایط اقتصادی اینطوری شده و خب مثلا بحث میکنیم که من میگم این ماه چک داریم خب این خرج رو اینجا نکن بزار برای چک پول تو حساب باشه و اون واجب تره و سر همین موضوع با هم بحث میکنیم اینکه مثلا من میگم این خرج حالا اینجا ضروری نیس ولی خب از نظر اون ضروریه و باید انجام داد و سر همین بیشتر بحثمون میشه	مسائل اقتصادی و نحوه خرج کردن پول و توجه به چک هایی که دارند عاملی برای ایجاد بحث
۵۴۵	۲۲			اصلا تا الان به تحقیر کردن یا توهین کردن نرسیده و حتی یه حرف بد بهم دیگه نزدیم ولی خب در حد داد و فریاد چرا داشتیم چون مرد ها عادتشونه داد میزنن یعنی تنها ابزارشون همون داد زدنه همون طور که ابزار ما زنا گریه کردنه	عدم توهین و تحقیر و فحاشی و فقط بلند کردن صدا
۵۴۶	۲۲			بیشتر سر مسائل اقتصادی مثلا بهش میگم چرا فلان چیز رو خریدی یا چرا فلان کارو کردی و ما فلان تاریخ فلان چک رو داریم بزار باشه اونو پاس کنیم ولی اون میگه خدا بزرگه چک هم پاس میشه در صورتی که پاس میشه ها ولی خیلی باید حرص بخوریم و منم یه جوریم که باید از قبل پول این چک تو حسابم باشه تا خیالم راحت باشه اما همسرم نه شاید تا خود روزی که چک داریم هم دنبال جور کردن پولش باشه اما من اینجوری نمیتونم من فکر میکنم این حتی بخاطر تفاوت بین شغل	مسائل اقتصادی و نحوه خرج کردن و چک دادن عاملی برای ایجاد چالش

				هامونه کسی که شغل آزاد داره یه جورایی فرق داره با کارمندی. کارمندی ها حساب کتابشون نظم بیشتری داره و دقیق تره اما ایشون چون شغلش آزاده نهایتش به صاحب چک زنگ میزنه میگه صبر کن یه روز دو روز ولی من اصلا نمیتونم همچین کاری بکنم من باید یکی دو روز قبل پول تو حسابم باشه تا چک پاس بشه	
۵۴۷	۲۲			بیشتر من شروع میکنم و گیر میدم که چرا همچین کاری کردی یا همچین خرجی کردی؟	بیشترین بهانه جویی از سوی زن
۵۴۸	۲۲			ناراحت میشم و گریه میکنم بعضی وقتا حتی احساس میکنم که حرف منو نمیفهمه یعنی از تو دل من خبر نداره بعضی وقتا حتی بهش میگم که تو از تو دل من خبر نداری که چی توش میگذره و چرا میگم این کارو نکن	ناراحتی زن و احساس درک نشدن از سوی مرد
۵۴۹	۲۲			اونم صحبت میکنه میگه نه من همه رو میدونم و میدونم چی میگی من میفهمم که چی درسته چی غلطه و درکت میکنم	تلاش مرد برای حل مسائل و درک زن
۵۵۰	۲۲			همین دیشب بود سر همین مسائل اقتصادی بود من و همسرم اومدیم یه حساب مشترک باز کردیم و حتی اس ام اس های حساب من به گوشی اون وصله و اس ام اس های حساب اون به گوشی من وصله و دیشب همسرم یه پولی اومده بود به حسابش که اس ام اسش برای من نیامده و وصل نیس اما خب خودش گفته بود که همچین پولی اومده به حسابم گفتم چرا به این حساب نریختی؟ دلایل الکی آورد و من تصورم این بود که این کارو مخصوصا کرده که هر کاری میخواد با پول بکنه و من متوجه نشم و بدون برنامه ریزی خرجش کنه و آخرش هم گف خب چیکار کنم؟دردت چیه؟ گفتم هیچی بریز به اون حسابی که پیامش برام میاد و همون موقع این کارو کرد و بحث تموم شد	بحث سر مسائل اقتصادی و عدم واریز پول به حساب مشترک

طبیعی دانستن بحث ها بخاطر حاد نبودن آنها	من فکر میکنم طبیعیه چون چیز حادی نیس و یه چیز روزمره است			۲۲	۵۵۱
عدم اجازه به خانواده ها برای دخالت مگر در مواقع لزوم	کلا نمیزاریم خانواده ها هم متوجه بشن مگر زمانی که میبینم هرچی به همسر میگویم اثری روش نداره و میرم به مادرشوهرم میگم تا اونم بهش بگه اینطوری وقتی میبینم دو نفر یه حرفو بهش میزنن بیشتر گوش میدن			۲۲	۵۵۲
تصمیم گیری با یکدیگر و مخالفت نکردن با زن برای انجام کارها	اره خیلی تاثیر داره و من سعی میکنم که تصمیمات رو دو نفره بگیریم و یه کاری هم میخوام انجام بدم مخالفتی نمیکنه همسر من ولی میگه هر کاری میخوای بکنی چه مالی چه غیر مالی من که مخالفتی نمیکنم اما به من بگو وقتی هم بهش میگم اصلا مانع کارم نمیشه			۲۲	۵۵۳
کم شدن صمیمیت و ناراحتی بعد از بحث	ممکنه اون صمیمیت رو کم کنه برای چند روز یا چند ساعت البته بستگی داره شدت بحث چقدر باشه مثلا بحث دیشب ما ناراحتیش همون دیشب بود. قهر نمیکنیم اما یه خرده دلخوری پیش میاد مثلا شاید برای چند ساعت نخوای مثلا بغلش کنی			۲۲	۵۵۴
صداقت و رو راستی عاملی برای کاهش بحث ها	رو راستی و صداقت. من فکر میکنم تو همه ی مردا وجود داره که دوست دارن یه خرده یه سری مسائل رو به خصوص مسائل مالی رو از خانم ها پنهان کنن انگار که مثلا قدرت بهشون میدن اینکه مثلا خانمش نفهمه اون پول کجا خرج کرده یه قدرتی بهشون میدن و اگه حساب کتابا دست خانمشون باشه و اونا روش نظر بدن انگار از قدرتشون کم کرده و بنظر من ریشه تمام مشکلات تو دروغ گویی و عدم صداقت			۲۲	۵۵۵

کدها	مفهوم ها	تم های سطح اول	تم های سطح دوم
------	----------	----------------	-------------------

تمامیت خواهی مردانه	زن حق اظهار نظر ندارد	ندادن حق اظهار نظر به زن و حذف نظرهای او	(۱-۱)
		عدم اجازه نظردهی به زن در صورتی که تمام مسائل خانه مثل تربیت بچه ها، نظافت خانه و آشپزی با زن است	(۱-۶)
		خواسته مرد عدم ابراز نظر زن و سخت بودن این امر برای زن	(۱-۱۷)
		اجازه ندادن به زن برای اظهار نظر در مورد ماشینی که به نام خودش است	(۱-۲۶)
		اجازه ندادن به زن برای تمییز کردن ماشین و داد زدن بر سر زن	(۱-۲۲)
		سلب آزادی زن در تمام امور	(۱-۲۵)
		اجازه ندادن به زن برای انجام کارهایی که دلش می خواهد با وجود اینکه وظیفه اش نیست	(۱-۳۸)
		مجبور کردن زن به ایفای نقش های سنتی	(۱-۳۷)
		اجبار زن به بخشیدن مهریه اش	(۱۲-۳۵۲)
		محدود کردن و نظارت بر رفت و آمد زن	(۱۲-۳۴۷)
		اختلاف نظر و عدم توجه به نظرات زن	(۱۹-۴۹۰)
		ارجحیت نظر مرد و وجود حکومت نظامی در خانه	(۱-۱۲)
		حرف حرف مرد بودن	(۱-۴)
		دخالت مرد در امور خانه مثل نحوه و مدل غذا درست کردن	(۱-۵)
		دخالت مرد در امور مربوط به خانه داری زن و ادویه های مصرفی در غذا	(۱-۲۸)
		تحمیل نظر مرد بر زن برای اینکه مثلاً امروز کجا بروند؟ یا تربیت بچه ها چگونه باشد؟ یا چه ساعتی همه بخوابند؟	(۱-۱۱)
		خواسته مرد از زن: چشم گفتن در برابر خواسته هایش	(۱-۱۶)
		به کرسی نشاندن حرف خود و تسلیم زن در برابر او	(۱-۲۱)
		حرف حرف مرد بوده و تحمل هیچ گونه مخالفت و اظهارنظری ندارد	(۱-۲۴)
		برخلاف تصور همسر مرد باور ندارم که خدا همه اختیارات را به مرد داده	(۱-۳۱)
		میدان داری مرد در تمام امور خانه و خانواده	(۱-۳۶)
		وجود پادگان نظامی در خانه و اعضای خانواده باید سمعا و طاعتا باشند	(۱-۴۵)
		تحمیل نظرات خود با کتک و داد و بیداد	(۱۱-۳۱۹)

	زن تحصیل کرده صاحب‌نظر است	صاحب‌نظر بودن و حکمرانی زن تحصیل کرده شاغل در خانه	(۱-۳۰)
		کارشناسی کردن در محل کار توسط زن تحصیل کرده شاغل	(۱-۲۹)
		رضایت مرد از نظردهی زن در امور مختلف	(۱-۶۶)
		نتیجه مثبت به کارگیری نظر زن	(۱-۳۹)
		تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌ها با زن است	(۵-۱۶۲)
		دادن حق اظهارنظر به زن	(۶-۱۸۰)
		دادن حق به زن	(۷-۱۸۸)
		بها دادن به زن و درک کردن او	(۸-۲۲۷)
		پرسیدن نظرات زن در امور اقتصادی و آینده و تصمیم‌گیری با نظر یکدیگر	(۱۳-۳۸۷)
		مشورت و نظرخواهی از زن در تمام امور	(۱۴-۴۰۰)
		تلاش زن و مرد برای توجه به نظرات یکدیگر	(۱۴-۴۰۵)
		نظرخواهی از زن و دخالت دادن او در تصمیم‌گیری‌ها و انجام خریدها	(۱۵-۴۲۲)
		مشورت با یکدیگر برای تصمیم‌گیری در امور مختلف	(۱۶-۴۳۸)
کدها	مفهوم‌ها	تم‌های سطح اول	تم‌های سطح دوم
(۱-۳)	خشونت مرد ریشه فرهنگی و تربیتی و خانوادگی دارد	یادگیری خشونت از پدر	خشونت میراث خانوادگی
(۱-۸)	ریشه خانوادگی و فرهنگی زن و مرد بسیار مهم است اینکه هر کدام در چه محیطی پرورش یافتند		
(۱-۹)	پدر و مادر و نحوه تربیت بچه‌ها نقش زیادی روی شخصیت آنها دارد اینکه در خانه زن سالاری یا مردسالاری بوده بسیار حائز اهمیت است		
(۱-۱۰)	تربیت خانوادگی متفاوت و عدم وجود نظرات مشترک عامل ایجاد بحث		
(۱-۱۴)	تربیت خانوادگی مختلف و فرهنگ متفاوت شهرهای محل تولد باعث ایجاد بحث و اختلاف نظر میشود		
(۱-۲۲)	خشونت دارای ریشه و سبقه‌ی خانوادگی است		
(۱-۴۰)	درونی شدن ارزش در خانواده و ریشه خانوادگی مردسالاری		
(۱۱-۳۴۰)	اهمیت تربیت خانوادگی طرف مقابل اینکه در چه محیطی با چه شرایطی بزرگ شده		
(۱۲-۳۶۹)	تشابه اخلاقی رفتاری پدر و پسر		
(۱۸-۴۷۱)	اختلاف نظر به دلیل وجود تفاوت فرهنگی		
(۱۷-۴۶۹)	به ارث بردن خصوصیات اخلاقی پدر توسط پسر		
(۱۷-۴۴۶)	به ارث بردن برخی رفتارهای مرد از پدر خود		

	فراگیری الگوی خشن	نگرانی بابت آینده بچه و خشونت‌ی که از پدر خود در خانه دیده و نحوه برخوردش با همسر و فرزندش در آینده نگرانی از آینده بچه از اینکه بی محبتی بین زن و مرد روی رفتار او با همسرش در آینده اثر بگذارد ترس از آینده ناگوار بچه ها بخاطر ندیدن محبت و عاطفه بین زن و مرد و در نتیجه نداشتن توانایی برای ابراز محبت به همسر خود بکارگیری الفاظ زشت و ترس زن از یادگرفتن آنها توسط دخترش	(۱۱-۳۴۱) (۱۷-۴۵۰) (۹-۲۶۶) (۱۰-۲۷۱)
کدها	مفهوم ها	تم های سطح اول	تم های سطح دوم
(۸-۲۲۶) (۶-۱۷۹) (۳-۱۱۲) (۹-۲۵۲) (۱۵-۴۲۳) (۱۸-۴۸۲) (۲۰-۵۲۳) (۱۹-۵۰۱) (۱۱-۳۳۸) (۱۲-۳۵۸)	نوشتن خرج و مخارج با یکدیگر و پرداخت آنها با هم مدیریت مسائل مالی و کنترل خرج و مخارج با زن است تصمیم گیری ها، کنترل دخل و خرج با زن بوده زیرا محتاطانه تر رفتار میکند و حتی اگر امکانش باشد مبلغی را پس انداز می کند و مشورت بین آنها در تمام امور وجود دارد کمک زن به مرد در مخارج تصمیم گیری در مورد خرج و مخارج زندگی و برنامه ریزی در مورد آن با یکدیگر تصمیم گیری با یکدیگر در مورد خرید تصمیم گیری در مورد امور مالی زندگی با مشورت یکدیگر مشارکت زن در امور اقتصادی مشارکت ندادن زنان در امور اقتصادی عدم اطلاع دادن به زن در مورد شغل خود	مشارکت زن در امور اقتصادی	اقتصاد، اهرم توانمندسازی زنان
(۵-۱۵۴) (۵-۱۵۸) (۱۳-۳۷۴) (۱۴-۴۰۱) (۱۵-۴۱۸) (۱۶-۴۳۹) (۱۹-۵۰۵) (۲۱-۵۴۱) (۲۲-۵۵۰)	فراهم کردن امکانات برای رضایت زن تلاش مرد برای فراهم کردن شرایط و امکانات دادن فرصت به زن و فراهم کردن امکانات برای او تا تجربه کند هرآنچه را که تا به حال ندیده و تجربه نکرده ایجاد فرصت و امکانات توجه به خواسته های زن در حد توان فراهم کردن امکانات برای زن زدن ماشین به نام زن توسط مرد برای ایجاد دلخوشی برای زن فراهم کردن امکانات داشتن حساب مشترک و بحث در مورد آن	فراهم کردن امکانات اقتصادی توسط مرد	
کدها	مفهوم ها	تم های سطح اول	تم های سطح دوم

نادیده گرفتن	بی توجهی به زن و نیازهای عاطفی او	افسردگی مرد بخاطر فوت مادرش و بی توجهی به نیازهای زن	(۱۹-۴۹۷)
		بی توجهی مرد نسبت به ظاهر و نظافت خود و همسرش	(۱۷-۴۸۳)
		پشت کردن به زن و تلوزیون دیدن و سریع غذا خوردن برای معاشرت نکردن با زن	(۱۷-۴۷۰)
		درخواست زن از مرد برای کتک زدن او اما اتمام بی توجهی	(۱۷-۴۶۷)
		صدا نزدن نام زن و گفتن مامان به او	(۱۷-۴۵۵)
		ناراحتی زن از بی توجهی مرد به او	(۱۷-۴۵۴)
		بی توجهی به زن	(۱۷-۴۵۳)
		بی توجهی و بی محلی به زن و داشتن رفتار تبعیض آمیز بین زن خود و دیگران	(۱۷-۴۵۲)
		بی توجهی مرد به نیازهای عاطفی زن و جدا کردن امور خود از زن	(۱۷-۴۵۱)
		سرد شدن روابط عاطفی و از بین رفتن صمیمیت بعد از بحث	(۱۷-۴۴۲)
		آزردگی زن بخاطر متوجه نشدن سکوت معنادارش توسط مرد	(۱۶-۴۴۱)
		ناراحتی زن از اینکه اولویت مرد نبوده و به او گفته که چرا این کار را کردی	(۱۵-۴۱۴)
		عدم طرفداری و حمایت مرد از زن و عدم علاقه به نظرات زن	(۱-۳۴)
		سرسنگین شدن و فاصله گرفتن از هم بعد از بحث برای چند ساعت	(۱۹-۵۰۷)
		سرسنگین شدن با مرد و از بین رفتن صمیمیت	(۲۱-۵۳۲)
		کم شدن صمیمیت و ناراحتی بعد از بحث	(۲۲-۵۵۴)
		سرسنگین شدن و از بین رفتن صمیمیت و احساس سردی و دوری از یکدیگر بعد از بحث	(۸-۲۱۱)
		زنگ نزدن و پیام ندادن به زن و بی توجهی به او	(۱۲-۳۵۹)
		عدم علاقه مرد به زن تا حدی که جواب سلام او را نمیدهد	(۱۳-۳۵۷)
		بی توجهی مرد به تلاش زن برای آرام کردن او	(۱۱-۳۲۸)
		بی توجهی به قهر زن	(۱۱-۳۲۲)
		بی توجهی مرد نسبت تحصیلات و اشتغال زن و ادامه تحصیل دادن زن	(۱۰-۳۱۲)
		عدم محبت به زن در دوران بارداری او	(۱۰-۳۰۶)
		عدم علاقه مرد به بچه خود و بی توجهی به او	(۱۰-۳۰۳)
		بی محلی و محبت نکردن به زن	(۱۰-۲۹۲)
		بی مسئولیتی مرد و اهمیت ندادن به ناراحتی و گریه های زن	(۱۰-۲۸۴)
		عدم محبت به زن و فرزند	(۱۰-۲۸۰)
		صدا نزدن اسم زن و محبت نکردن به او	(۱۰-۲۷۹)
		بی توجهی به زن و فرزند و بغل نکردن و نبوسیدن فرزند خود	(۹-۲۵۶)
		لجبازی مرد با زن با ترفتن به خانه مادر زن	(۹-۲۴۸)
		بی ارزش بودن زن و اجر و قرب نداشتن او در خانه و بیرون از خانه	(۱-۲)
		برتری دادن جامعه به مرد	(۱-۱۵)

		سلطه مرد در جامعه بر زن بخاطر سرپرست خانوار بودن و اهمیت نام خانوادگی او	(۱-۵۸)
توجه به زن و نیازهای عاطفی او		توجه مرد به اینکه زن با وجود اشتغال و تحصیلاتش آگاهی بیشتری نسبت به مسائل دارد	(۲۰-۵۲۱)
		مقایسه او با زن های کم سواد فامیل	(۲۰-۵۲۲)
		مرد باید به زن بها داده و به او توجه کند	(۱۹-۵۰۹)
		سکوت مرد و درنهایت توجه به خواسته زن	(۱۹-۴۸۸)
		توجه به تحصیلات و معلومات زن و مقایسه او با زنان کم سواد فامیل	(۱۸-۴۸۵)
		کمک مرد به زن برای آرامش بیشتر او	(۱۳-۳۸۲)
		کمک کرد در کارهای خانه و جمع کردن و شستن ظروف	(۸-۲۲۸)
		کامل دانستن زن و مقایسه او با زن های فامیل و بهتر دانستن او و تشکر و عذرخواهی از زن بابت کار کردنش	(۷-۱۹۷)
		عذرخواهی مرد از زن و توضیح دادن علت عصبانیت خود	(۲-۸۰)
		خریدن بستنی یا خوراکی برای دلجویی از اعضای خانواده	(۱-۴۸)
		علاقه زن به داشتن فرزند دوم و بی توجهی مرد به خواسته ی او	(۱۷-۴۴۵)
		بی توجهی به نیاز جنسی زن علی رغم تلاش زن برای انجام این کار با بیرون رفتن بچه از خانه	(۱۷-۴۴۸)
		جدا کردن جای خواب از سوی مرد	(۱۷-۴۴۹)
بی توجهی به نیازهای جنسی زن		جدا کردن جای خواب توسط مرد	(۱۲-۳۵۷)
		اعتیاد مرد به مواد مخدر و نداشتن رابطه جنسی با زن	(۱۲-۳۵۵)
		بی توجهی به نیازهای جنسی زن و سرگرم کردن خود با گوشی	(۱۰-۲۸۹)
		لجبازی زن در روابط جنسی و بی محلی به مرد	(۱۰-۲۷۸)
		جدا کردن جای خواب توسط زن و تلاش بی ثمر مرد برای آشتی با زن	(۹-۲۵۴)
		جدا کردن جای خواب توسط زن یا پشت به مرد خوابیدن و درنهایت پیش قدم شدن مرد برای اتمام بحث و قهر	(۲-۸۲)
		خیانت های مرد به زن باعث فاصله گرفتن زن از او شده و هیچ رابطه جنسی نداشتند	(۴-۱۲۸)
		عوض کردن جای خواب برای مثلا یکی دو شب	(۱۸-۴۷۵)
		جدا کردن جای خواب توسط زن و درنهایت عذرخواهی و برگرداندن او به جای خود توسط مرد	(۱۹-۴۹۵)
		همبستر شدن و نیازهای جنسی به یکدیگر عامل کم شدن کدورت ها	(۹-۲۶۲)
کدها	مفهوم ها	تم های سطح اول	تم های سطح دوم

خشونت یا تهدید، خطری برای زندگی	پرت کردن اشیاء	پرت کردن کتاب یا مداد و پاک کن برای اتمام بحث بین بچه ها	(۱-۴۴)
		پرت کردن کتاب و یا پاره کردن دفتر بچه ها برای اتمام بحث آنها	(۱-۴۶)
		پرت کردن کنترل بر روی صفحه نمایش تلوزیون و سوزاندن پنل آن	(۱-۴۷)
		پرتاب اشیاء	(۴-۱۱۴)
		عصبانیت مرد و پرت کردن اشیاء	(۶-۱۶۶)
		تهدید	تهدید کردن زن به کشتن او با چاقو
	زخم کردن گلوی زن با چاقو و تهدید کردن به کشتن او		(۱۱-۳۳۴)
	کتک زدن و زخمی کردن	زور بدنی بیشتر، صدای بلندتر و قوی بودن از هر لحاظ مرد و به کرسی نشاندن حرف هایش	(۱-۶۸)
		کتک زدن زن با کمر بند و کبود کردن او	(۴-۱۱۴)
		کتک زدن	(۴-۱۱۷)
		کتک زدن زن (پاره کردن پرده گوش)	(۴-۱۱۹)
		اعتراض زن به مرد و کتک زدن	(۴-۱۲۷)
		بحث و اختلاف نظر داشتن بدور از کتک و زدو خورد	(۹-۲۴۴)
		کتک زدن زن با کمر بند و یا شیشه نوشابه با پیدا کردن بهانه های الکی	(۱۰-۲۷۳)
		کتک زدن زن و هل دادن او و زخم کردن گردن زن با چاقو	(۱۱-۳۱۷)
		بی توجهی مرد به تلاش زن برای آرام کردن او و کتک زدن او	(۱۱-۳۲۸)
کتک زدن، پرخاشگری		(۱۱-۳۳۱)	
تم های سطح اول	زخم کردن گلوی زن با چاقو	(۱۱-۳۳۴)	
	کتک زدن و زدو خورد	(۱۲-۳۵۴)	
	عدم توانایی زن در دفاع از خود بخاطر بیشتر بودن زور مرد	(۱۰-۲۷۴)	
	بحث و دعوای لفظی بدور از کتک	(۲۱-۵۲۶)	
تم های سطح دوم	مفهوم ها	کدها	

خشونت کلامی و روانی، سایه های شوم	فحاشی و توهین به زن و خانواده او	۱-۱۳) بحث سر ساعت خوابیدن و دعوای لفظی و بگومگو و یکی به دو کردن و فحاشی و بدوبیراه گفتن ۱-۵۹) ابراز ناراحتی و عصبانیت زن در برابر خشونت با قهر و بدوبیراه گفتن و نسبت دادن صفاتی به مرد یا خانواده اش ۴-۱۱۷) فحاشی و توهین مرد به زن و خانواده اش ۴-۱۲۷) فحاشی مرد ۶-۱۸۱) صحبت درمورد موضوع مورد بحث و عدم توهین و دادوبیداد به یکدیگر ۸-۲۱۲) عدم فحاشی و توهین به یکدیگر ۸-۲۱۳) بحث بدون توهین و فحاشی ۹-۲۴۵) نگه داشتن احترام یکدیگر با عدم فحاشی و توهین ۱۰-۳۱۵) بی احترامی و توهین و دخالت خانواده ها عامل ایجاد تنش ۱۱-۳۳۱) فحاشی و توهین مرد ۱۲-۳۴۹) فحاشی و توهین به یکدیگر ۱۴-۳۹۲) آرامش مرد به دور از توهین و فحاشی و تلاش برای حل مسائل با صحبت و گفتگو ۱۶-۴۳۰) عدم توهین و فحاشی و فقط داد زدن و بحث ۱۸-۴۷۳) بحث و نهایتا دادوبیداد و عدم فحاشی و توهین ۱۹-۵۰۸) صبر مرد و از کوره در نرفتن و عدم فحاشی و توهین به زن ۲۰-۵۱۵) ادامه ندادن بحث و عدم فحاشی و توهین ۱۰-۲۷۲) صدا زدن زن با عناوینی مثل توله سگ یا تخم سگ	۲-۷۲) عصبانیت شدید مرد و ادامه دار کردن بحث بدور از فحاشی و فقط بحث با صدای بلند ۳-۹۹) یکی به دو کردن با صدای بلند بدور از توهین و فحاشی ۵-۱۵۰) اعتراض زن به مرد با عصبانیت و دادوبیداد برای طولانی شدن دوران عقد ۶-۱۶۸) بحث و بگومگو بخاطر اختلاف نظر درمورد درس بچه ها سخت گیری مرد درمورد درس بچه ها ۶-۱۷۰) بحث و جدل بخاطر نحوه درس خواندن بچه ها و مقایسه آنها با هم ۶-۱۷۴) بحث و بگومگو بخاطر اختلاف نظر درمورد درس بچه ها ۸-۲۱۴) بحث با صدای بلند به دور از توهین و فحاشی ۸-۲۱۵) طبیعی بودن بحث با صدای بالا به دلیل اینکه در آن لحظه هر کدام تلاش میکنند تا حرف خود را به کرسی بنشانند ۹-۲۴۴) داد زدن ۱۰-۲۷۰) همیشگی بودن داد و بیداد و بی احترامی ۱۱-۳۲۰) بد اخلاقی و داد و فریادهای بلند مرد بر سر زن ۱۱-۳۲۶) فریاد و دادوبیداد مرد
	داد و فریاد کردن بر سر زن		

		دادوبیداد و زندانی کردن زن در خانه داد زدن مرد خشونت برای زن سکوت مرد و داد و بیداد نکردن برای خاتمه دادن به بحث عدم توهین و تحقیر و فحاشی و فقط بلند کردن صدا	(۱۲-۳۴۸) (۱۸-۴۸۰) (۲۰-۵۱۸) (۲۲-۵۴۵)
	تهمت زدن به زن	زدن تهمت به زن شکاک بودن مرد از ابتدای ازدواج و مراجعه به سه پزشک برای اطمینان از دختر بودن زن حساسیت مرد نسبت به صحبت کردن های زن با مردان دیگر شک داشتن به اینکه بچه ای که دارند برای خودش است یا خیر اجبار به انجام رفتارهایی که مورد پسند و تایید مرد است و باعث عصبانیت او نمیشود احوالپرسی گرم با مردان فامیل یا حتی طرز نگاه های آنها باعث عصبانیت مرد میشود گرفتن گوشی زن و قطع کردن تلفن خانه تنفر و دوری زن از مرد بخاطر توهین و تهمت های مرد عصبانیت و ناراحتی شدید زن از تهمت های بیروای مرد به او و دادن پیشنهاد گرفتن آزمایش ژنتیک برای متوجه شدن اینکه آیا فرزند خودش هست یا خیر عصبانیت و ناراحتی زن از تهمت های مرد عدم توانایی زن برای فراموش کردن تهمت ها توهین ها مرد به او تهمت زدن به زن	(۹-۲۵۹) (۱۲-۳۴۲) (۱۲-۳۴۳) (۱۲-۳۴۴) (۱۲-۳۴۵) (۱۲-۳۴۶) (۱۲-۳۵۰) (۱۲-۳۵۶) (۱۲-۳۶۰) (۱۲-۳۷۰) (۱۲-۳۷۲) (۱۲-۳۷۳)
	خیانت به زن	شکاک بودن مرد خیانت مرد به زن و دوستی با دوستان زن ترک منزل و خیانت مرد به زن خیانت مرد به زن با دوستان خود زن یا خواهر وی دوست شدن مرد با یک خانم و متوجه شدن زن و دادن درخواست طلاق خیانت مرد به زن و توضیح واضح روابط نامشروع خود برای زن خیانت مرد به زن و بردن زن دیگری به خانه	(۴-۱۱۴) (۴-۱۱۸) (۴-۱۲۶) (۴-۱۳۰) (۴-۱۳۵) (۱۰-۲۹۳) (۱۲-۳۶۱)
	تهدید به طلاق و بیکار کردن زن	پیشنهاد و تهدید به طلاق به زن پیشنهاد و تهدید به زندگی با زن دوم مرد به زن تهدید زن به بیکار کردن او تهدید به بردن آبروی زن تحمیل و تهدید به طلاق به زن با آبروریزی تهدید به طلاق از سوی مرد	(۴-۱۳۱) (۴-۱۳۲) (۱۲-۳۵۱) (۱۲-۳۵۳) (۱۰-۲۹۸) (۱۰-۲۸۲)

کدها	مفهوم ها	تم های سطح اول	تم های سطح دوم
(۵-۱۶۱) (۹-۲۵۷) (۱-۳۵) (۹-۲۶۴) (۹-۲۶۵) (۱۰-۲۹۱) (۱۰-۲۹۶) (۱۳-۳۷۸) (۱۳-۳۸۶) (۱۴-۳۹۹) (۱۴-۴۰۱) (۱۵-۴۱۸) (۱۶-۴۳۹) (۱۹-۵۱۱) (۲۲-۵۴۲) (۲۲-۵۴۳)	علاقه مرد به مستقل بودن و موفق بودن زن ترس از پیشرفت و ترقی زن عدم تشویق و ترغیب زن ترس مرد از پیشرفت کردن زن و تلاش برای جلوگیری از کار کردن او علاقه مرد به محتاج بودن زن و عدم استقلال او بیکار کردن زن از کار از کار بیکار کردن زن توسط مرد برای تلافی شکایت زن از او دادن فرصت به زن برای صحبت درمورد هر آنچه که باعث آزار او شده تشویق و ترغیب زن برای پیشرفت بیشتر علاقه مرد به مستقل بودن زن ایجاد فرصت و امکانات برای پیشرفت زن حمایت همه جانبه مرد از زن فراهم کردن امکانات برای زن در جهت پیشرفت او و حمایت از زن عدم حمایت دستگاه قضا از زن و قسطی کردن مهریه که به ضرر زن تمام شد کمک کردن مرد به زن در امور خانه به دلیل مشغولیت بالای زن ترغیب و تشویق زن برای ادامه تحصیل دادن او	عدم حمایت و تشویق زنان	فقدان حمایت و تشویق
(۲-۹۲) (۲-۹۳) (۲-۹۵) (۳-۱۰۴) (۹-۲۵۸) (۹-۲۵۹) (۱۷-۴۶۰) (۲۱-۵۳۸) (۲۲-۵۴۱)	مخالفت مرد با کار کردن زن بخاطر خستگی های زن اعتراض مرد به خستگی ناشی از کار زن خستگی زن برای انجام امور خانه و حتی کم خوابیدن بخاطر جلب رضایت مرد مخالفت مرد با کار کردن زن به دلیل خستگی او عدم رضایت مرد از کار کردن زن تلاش مرد برای جلوگیری از کار کردن زن عدم رضایت مرد از کار کردن زن عدم رضایت مرد از کار کردن زن تشویق زن و فراهم کردن امکانات برای پیشرفت او	عدم رضایت از اشتغال زنان	
کدها	مفهوم ها	تم های سطح اول	تم های سطح دوم
(۱۹-۴۹۱) (۱۸-۴۸۴)	تلاش زن برای بهبود شرایط با صحبت کردن و نهایتاً عصبانیت و قهر حل مشکلات و موضوعات آزاردهنده با صحبت درمورد آن	صحبت و گفتگو و تلاش برای اتمام بحث	

راهکارهای مقابله، از سکوت تا اقدام	(۱۷-۴۵۳)	ناراحتی زن از بی توجهی مرد به او و تلاش برای بهبود شرایط با صحبت
	(۱۶-۴۴۰)	تلاش برای حل مسائل و ادامه دار نکردن بحث بخاطر از بین نرفتن آرامش و تمرکز خود و خانواده
	(۱۶-۴۳۳)	اجتناب از ادامه دار کردن بحث با تلافی و لجبازی
	(۱۵-۴۱۹)	حل مسئله با صحبت
	(۱۵-۴۱۶)	ایجاد فرصت برای آرامش بیشتر و غلبه عقل بر احساس و سپس صحبت درمورد مسائل
	(۱۵-۴۱۲)	صحبت و گفتگو با یکدیگر برای حل مشکلات
	(۱۵-۴۱۱)	ناراحتی از رفتار نادرست یک دوست و صحبت درمورد آن
	(۱۵-۴۰۸)	درک متقابل و رسیدن به توافق نظر با صحبت و گفتگو
	(۱۴-۴۰۳)	حل مسائل بین زن و مرد و متوجه نشدن بچه ها از بحث پیش آمده
	(۱۴-۴۰۲)	حل مسائل با گفتگو
	(۱۴-۳۹۵)	آرامش مرد و عذرخواهی از زن و ذکر دلایل خود و صحبت درمورد موضوع مورد بحث و حل آن
	(۱۴-۳۹۴)	اجازه دادن برای گذشت زمان مشخص و آرام شدن هر دو طرف و سپس گفتگو برای حل مشکل
	(۱۴-۳۹۱)	آرامش طرفین و درک متقابل و ادامه ندادن موضوع بحث برای ایجاد آرامش
	(۱۳-۳۸۳)	صحبت و گفتگوی منطقی درمورد موضوعی که باعث آزار شده
	(۱۳-۳۷۹)	عدم عصبانیت شدید مرد نسبت موضوع چالش برانگیز و ایجاد فرصت برای صحبت درمورد مسائل
	(۱۳-۳۷۷)	دعوت زن به آرامش برای صحبت
	(۱۳-۳۷۶)	صبوری، منطقی بودن و آرامش مرد برای حل مشکلات و مسائل و صحبت درمورد آنها با زن
	(۱۳-۳۷۵)	صحبت با یکدیگر برای حل اختلاف نظر ها و دوری از بحث و دعوا
	(۸-۲۲۲)	تلاش برای حل عامل ایجادکننده تنش و بحث با صحبت
	(۸-۲۱۸)	حل موضوع مورد بحث با صحبت و گفتگو و جلوگیری از ادامه دار شدن بحث
	(۸-۲۰۹)	ایجاد فرصت و زمان برای آرام شدن و سپس صحبت
	(۷-۲۰۰)	تلاش برای بهبود شرایط با صحبت و مشورت به موقع با یکدیگر و جلوگیری از تلنبار شدن مسائل روی هم
	(۷-۱۸۶)	صحبت درمورد موضوع مورد بحث
	(۶-۱۷۶)	حل مشکلات با مشورت با یکدیگر
	(۶-۱۷۲)	عدم ادامه دار کردن موضوع بحث توسط مرد و تلاش برای حل آن با صحبت

		صحبت و مشورت با یکدیگر برای بهبود شرایط (۶-۱۷۱) صحبت و گفتگو با یکدیگر برای جلوگیری از درگیری ذهن و فکر (۵-۱۶۳) صبوری و تحمل مرد و سعی برای حل مشکل با گفت و گو (۵-۱۴۸) تلاش بی ثمر زن برای توضیح مسائل و آرام کردن مرد (۴-۱۲۰) تلاش زن برای توضیح موضوع مورد بحث اما بی توجهی مرد به صحبت های او (۴-۱۱۵) اتمام تنش با صحبت درمورد موضوع تنش زا (۲-۹۰) تلاش زن برای تغییر شرایط خشونت آمیز صحبت زن با مرد برای تغییر شرایط موجود (۱-۵۰)
	سکوت و حفظ آرامش	سکوت زن در برابر رفتار ناپسند مرد و بخاطر آوردن و یادآوری رفتارهای پسندیده مرد برای خود (۲۰-۵۱۴) بحث سر برخی حرفایی که نباید زده میشد و در جمع گفته شد و در نهایت سکوت زن و عدم ادامه دار کردن بحث ها (۲۰-۵۱۳) صبوری و سکوت مرد در مقابل عصبانیت و لجبازی زن (۱۹-۴۹۹) عصبانیت زن و ترک منزل در مقابل صبوری و سکوت مرد (۱۹-۴۹۶) سکوت زن در برابر بحث ها بخاطر عصبانیت شدید مرد در آن لحظه ناراحتی و عصبانیت زن و سکوت او در مقابل بی توجهی های مرد (۲۰-۵۱۲) عدم توانایی زن برای زیرسبیلی رد کردن برخی مسائل و خویشتن داری برای خاتمه دادن به بحث (۱۷-۴۵۶) چشم پوشی از برخی مسائل پیش پا افتاده قابل حل و عدم بزرگنمایی مسائل کوچک باعث میشود بحث ها کمتر شود (۹-۲۴۳) یکی به دو کردن تنها باعث ادامه دار شدن بحث و عصبانیت بیشتر میشود (۸-۲۳۲) سکوت زن برای آرام شدن مرد (۸-۲۰۸) کوتاه آمدن یکی از زوجین برای اتمام بحث (۸-۲۰۳) تلاش برای حفظ احترام در هنگام بحث (۸-۲۰۲) ایجاد فرصت و گذر زمان برای آرامتر شدن شرایط توسط مرد (۷-۱۸۹) سکوت مرد در برابر عصبانیت زن (۷-۱۸۷) صبوری و تلاش برای بهبود شرایط توسط زن با کمک به درس بچه ها (۶-۱۸۲) تلاش زن برای صبوری بیشتر در مقابل تلاش مرد برای فراهم کردن امکانات و صبوری وی (۵-۱۶۴) تلاش مرد برای آرامش زن و عصبانیت زن (۵-۱۵۷) تلاش مرد برای آرام کردن زن (۵-۱۵۳) ناراحتی مرد از عصبانیت زن اما بروز ندادن ناراحتی خود (۵-۱۵۲) صبوری در برابر خشونت مرد و خریدن زمان برای آرامتر شدن مرد (۳-۱۰۹) در این فاصله زمانی

	کنترل خشم و ناراحتی خود در برابر عصبانیت شدیدتر مرد	(۳-۱۰۸)
	ادامه ندادن به بحث و بزرگ کردن مسئله	(۳-۱۰۶)
	جدا کردن مسائل محل کار با مسائل خانه و صحبت درمورد عامل	(۳-۹۸)
	ناراحتی با همسر برای جلوگیری از بحث	
	سکوت و محبت زن به مرد (زیرا زن مقصر بحث بوده) برای اتمام	(۲-۹۷)
	سریع تر بحث	
	سکوت زن در برابر مرد و دادن حق به خود	(۲-۸۹)
	پشیمان کردن مرد از رفتار زشت خود با سکوت و حتی محبت و	(۲-۸۷)
	احترام گذاشتن به او	
	پذیرایی از مرد به عنوان یک مهمان در خانه و احترام و محبت	(۲-۸۳)
	بیشتر به او برای خاتمه پیدا کردن بحث و توضیح دلیل عصبانیت خود	
	تحمل زن بیشتر بوده و میتواند خودش را راحتتر کنترل کند	(۲-۸۱)
	خستگی و مشغله و درگیری مرد بیشتر است و زن میتواند صبر	(۲-۷۸)
	بیشتری داشته باشد	
	سکوت زن و در نهایت عذرخواهی و پشیمانی مرد عاملی برای	(۲-۷۷)
	احساس پیروزی زن در بحث و دعوا	
	سکوت زن به دلیل آگاهی از اینکه مرد بالاخره پشیمان شده و	(۲-۷۵)
	عذاب وجدان میگیرد	
	وقتی بحث پیش میاد زن سعی میکند سکوت کرده و خود را کنترل	(۲-۷۴)
	کند	
	بالا بردن تحمل خود در برابر خشونت مرد	(۲-۷۱)
	تسلیم شدن زن در برابر خواسته مرد با خاطر آرامش بیشتر خود و	(۱-۶۹)
	بچه ها	
	تفاهم تحمل تفاوت هاست و فکر به اینکه مگر چقدر زنده ایم که با	(۱-۶۷)
	خشونت رفتار کنیم	
	کوتاه آمدن زن در برابر خشونت مرد برای لطمه وارد نشدن به درس	(۱-۶۵)
	بچه ها	
	تلاش زن برای کنترل خود با این افکار که مرد مقصر نیست و	(۱-۶۴)
	اینطوری بار آمده و حالا روی یک سری مسائلی که مرد حساس است	
	پافشاری نشود و کوتاه بیایم	
	بحث نکردن و سکوت زن بخاطر عصبانیت و پرخاشگری شدید مرد	(۱-۴۹)
	عدم توانایی زن برای کنترل مرد	(۳-۱۰۷)
	تلاش برای کمتر گیر دادن به موضوعات کم اهمیت	(۱۸-۴۸۷)
	تغییر رفتاری که باعث آزدگی طرف مقابل میشود	(۱۵-۴۲۵)
	تلاش برای جبهه نگرفتن در برابر همسر	(۱۴-۴۰۶)
	شکایت زن در دادگاه و گرفتن طلاق	(۱۱-۳۳۵)

		تلاش زن برای آرام کردن صدای مرد بخاطر ترس بچه و آبروریزی جلوی همسایه ها	(۱۱-۳۲۷)
		تلاش بی فایده برای حفظ زندگی بخاطر وجود بچه	(۱۰-۲۹۷)
		ترک منزل یا فاصله گرفتن از یکدیگر برای آرام شدن	(۸-۲۱۶)
		کنار آمدن و درک کردن یکدیگر و رسیدن به ثبات	(۸-۲۰۵)
		ترک محل بحث توسط مرد برای جلوگیری از تشدید بحث و تنش	(۷-۱۹۲)
		تحمل و صبوری در برابر رفتارهای غیر منطقی مرد	(۳-۱۱۰)
	مراجعه به مشاوره	تلاش زن برای بهبود شرایط با مراجعه به مشاوره	(۱۹-۴۸۹)
		تلاش زن برای بهبود شرایط با مشاوره رفتن و صحبت	(۱۷-۴۶۸)
		مراجعه به مشاوره و منصرف شدن از طلاق	(۱۷-۴۴۴)
		مشاوره رفتن و صحبت با مرد برای بهبود شرایط	(۱۰-۲۸۷)
		تلاش برای حل مسائل با مشاوره رفتن و صحبت کردن	(۷-۱۹۹)
		مراجعه به مشاوره برای حفظ زندگی بخاطر وجود بچه ها	(۴-۱۳۴)
	دخالت دادن خانواده	لزوم مراجعه به روانشناس و هزینه کردن برای مشخص شدن ریشه خانوادگی و تربیتی فرد	(۱-۶۱)
		با مشاوره قبل از ازدواج مشخص میشود که زن و مرد در چه خانواده و چه محیطی بزرگ شدن	(۱-۵۰)
		تلاش مرد برای کنترل خود و صحبت مادرش با او	(۲۱-۵۳۷)
		واسطه قرار دادن خانواده ها از سوی زن برای صحبت با مرد	(۲۱-۵۲۹)
		تلاش زن برای بهبود شرایط زندگی با صحبت کردن و واسطه کردن مادرشوهر خود	(۱۲-۳۶۸)
		تلاش بی ثمر خانواده ها برای صحبت با مرد	(۱۲-۳۶۳)
	دعا گرفتن و دعا کردن	دخالت خانواده ها و پادرمیانی کردن آنها برای بهبود شرایط زندگی و حتی دخالت پلیس در خشونت	(۱۱-۳۳۷)
		دخالت خانواده، همسایه و پلیس در خشونت ها و گرفتن تعهد از مرد در کلاتری	(۱۰-۳۰۸)
		درخواست کمک از پدرشوهر و مادرشوهر برای صحبت با دختر خود	(۸-۲۲۸)
		دخالت خانواده، همسایه ها و پلیس در خشونت های اعمال شده به زن	(۴-۱۳۶)
		نذر و نیاز کردن برای بهبود شرایط	(۱۰-۲۸۸)
		دعا گرفتن و مراجعه به دعانویس توسط زن	(۱۰-۲۸۶)
	شوخی و خندیدن	مراجعه به دعانویس و گرفتن دعا برای آرامش و بهبود شرایط	(۴-۱۳۳)
		شوخی و خنده درمورد مسئله ی آزار دهنده و تغییر فضای ناراحت کننده به فضایی شاد برای راحتتر صحبت کردن درمورد موضوع شوخی و خنده راهی برای بیان مسئله ای که باعث ناراحتی شده و حل آن بعد از درست کردن یک جو صمیمی با همسر	(۱۵-۴۲۴) (۱۵-۴۱۵)

		شوکه شدن زن و خندیدن و شوخی با مرد زمانی که درخواست دنگ هزینه ها را داشته	(۱۲-۳۶۷)
		شوخی و خنده روشی برای اتمام بحث یا نشان دادن ناراحتی خود از رفتار خاص همسر	(۳-۱۱۳)
		نشان دادن رفتار اشتباه مرد به او با شوخی	(۳-۱۰۹)
	قهر کردن	سکوت زن در برابر بحث و خشونت مرد	(۲۱-۵۳۱)
		عدم طولانی کردن بحث و قهر	(۲۰-۵۱۷)
		طولانی نبودن قهر و بحث به دلیل نیاز طرفین به یکدیگر برای مشورت در امور یا انجام کارهای مشترک	(۱۶-۴۳۱)
		عدم لج و لجبازی و قهر با یکدیگر	(۱۴-۴۰۴)
		قهر کردن زن برای درست کردن شرایط	(۱۰-۳۰۴)
		تلاش مرد برای آرام کردن زن به دلیل دوست نداشتن قهر او	(۵-۱۵۶)
		قهر و سرسنگین شدن زن برای نشان دادن نارضایتی از شرایط موجود	(۵-۱۵۵)
		اجتناب از قهر و کمتر کردن روابط توسط مرد	(۵-۱۴۹)
		عدم تمایل زن برای آشتی و با سختی کوتاه آمدن از نظر خود	(۱-۵۷)
		جو سنگین خانه، احساس خفقان کردن و ناراحتی بچه ها و همسر عاملی که باعث میشود زن از قهر خود صرف نظر کند	(۱-۵۶)
		قهر زن با مرد باعث ناراحتی بچه ها و احساس تنهایی آنها شده و فکر طلاق و جدایی میکنند	(۱-۵۵)
		قهر کردن زن نقطه ضعفی که مرد دارد و زن درمقابل رفتار بد او به کار میبرد	(۱-۵۴)
کدها	مفهوم ها	تم های سطح اول	تم های سطح دوم
(۳-۱۰۲)	اگر آشنایی قبل از ازدواج وجود داشته باشد و طرف مقابل را بشناسی دیگر خشونت را بعد از ازدواج تجربه نمیکنید	شناخت عامل کاهش خشونت	خشونت در سایه تفاوت و شناخت
(۳-۱۰۳)	ما با شناخت از یکدیگر در قبل از ازدواج دیگر خشونت را نداریم		
(۷-۱۹۶)	طبیعی دانستن بحث ها به دلیل عدم وجود آشنایی در ابتدای ازدواج و تفاوت دو خانواده		
(۸-۲۰۶)	رسیدن به یک شناخت نسبی از یکدیگر باعث کاهش خشونت میشود		
(۱۸-۴۷۲)	شناخت کافی از یکدیگر عاملی باعث کاهش بحث		

	درک تفاوت های زن و مرد	تفاوت تربیتی زن و مرد تیپ شخصیتی متفاوت عاملی برای اختلاف است شر و شیطونی زن در مقابل آرام و ساکت بودن مرد تیپ شخصیتی متفاوت عاملی برای ایجاد اختلاف کم حرفی مرد در مقابل اجتماعی بودن زن تفاوت در تیپ شخصیتی و غرور و عدم گذشت هیچ کدام از طرفین باعث بحث طبیعی دانستن بحث و اختلاف بخاطر وجود تفاوت های فرهنگی و خصوصیات اخلاقی متفاوت طبیعی دانستن اختلاف نظر بخاطر شبیه هم نبودن هیچ کدام از افراد طبیعی دانستن بحث و تنش به دلیل وجود تضادهای رفتاری بین دو نفر	(۱-۷) (۷-۱۸۴) (۸-۲۰۴) (۹-۲۶۹) (۱۴-۳۹۷) (۱۵-۴۲۰) (۳-۱۱۱)
کدها	مفهوم ها	تم های سطح اول	تم های سطح دوم
پیامدهای خشونت در تجربه زیسته زنان	تجربه افسردگی و اختلالات روانی زنان	از دست دادن اعتماد به نفس و تحلیل رفتن زن ناراحتی و عصبانیت شدید زن بخاطر موضوع آزاردهنده کنترل خود برای گریه نکردن بخاطر ناراحتی مرد هنگام گریه زن آزاد نبودن فکر و ذهن و پایین آمدن کارایی نتیجه بحث و تنش است لذت نبردن از امکانات و زندگی بخاطر وجود درگیری احساس سرخوردگی و ناراحتی زن خستگی زن از مرد و زندگی و بدبین و منفی نگر شدن نسبت به همه گریه و افسردگی و گوشه گیری زن افسردگی شدید و درد جسمی (گردن درد) نتیجه خشونت مرد بر زن گریه مداوم زن و دردودل کردن با خانواده و افسردگی زن وجود اثرات این خشونت ها روی افکار و ذهنیت زن تا آخر عمر و مرور آنها تاثیر بحث ها روی زندگی و افکار و انرژی افراد و صحبت درمورد آنها با یکدیگر و حل آن تاثیر مثبت بحث ها در زندگی به دلیل اینکه باعث حل موضوع و نزدیک تر شدن افراد به یکدیگر میشود و چالش هایی در زندگی برطرف میشود احساس تنهایی و سرخوردگی زن حجوم افکار منفی به ذهن زن و نارضایتی از شرایط	(۱-۳۳) (۷-۱۹۰) (۷-۱۹۱) (۸-۲۲۹) (۸-۲۳۰) (۹-۲۳۷) (۹-۲۵۰) (۱۰-۲۸۵) (۱۰-۳۱۴) (۱۱-۳۳۰) (۱۱-۳۳۹) (۱۳-۳۸۸) (۱۳-۳۸۹) (۱۷-۴۴۳) (۱۸-۴۷۶)

		حال بد و ناراحت زن روح و روان ذره ذره خرد میشه و قابل دیدن نیست و مثل ضرب و شتم نیست که بدن کیود و شکسته شده و قابل دیدن و شکایت کردن باشد از دست دادن اعتماد به نفس و تحلیل رفتن زن صحبتی است که باعث میشود آرامش بهم بریزد آزردگی زن و مقایسه خود با دیگران	(۲۱-۵۳۳) (۱-۳۲) (۱-۴۱) (۲-۷۰) (۱۰-۲۹۴)
تجربه فرزند خشن و دارای اختلالات روانی		دلهره و استرس بچه ها از بحث بین مرد و زن و ترسیدن و عدم احساس امنیت آنها و سکوت و افسردگی و عدم تمرکز برای درس خواندن از دست دادن اعتماد به نفس و تحلیل رفتن زن گوشه گیری و سکوت و ناراحتی فرزندان به دلیل وجود جو سنگین خانه در هنگام بحث زن و مرد افسردگی فرزند دختر و مراجعه به مشاوره تنفر فرزندان از پدر خود و تمایل برای تغییر نام خانوادگی خود تاثیر منفی بحث ها روی تربیت و اعصاب بچه عدم وجود احساس امنیت و آرامش بچه ها در خانه گوشه گیری، زودرنج و حساس بودن، توقعاتی بودن، پایین بودن اعتماد به نفس از اثرات خشونت روی فرزند عدم علاقه دختر به پدر و نبود رابطه ی حسنه ی پدر دختری درگیری بین پدر و دختر و زدن توی گوش پدر بخاطر رفتار سرد او در خانه علاقه دختر به مادر و تنفر از پدر خود اعتراض بچه ها و ناراحتی آنها ناراحتی و اذیت شدن بچه ها و گریه آنها در هنگام بحث بین زن و مرد تلاش برای متوجه نشدن بحث ها از سوی فرزند بخاطر نگرانی از تاثیر بحث ها روی افکار او تاثیر مخرب خشونت روی فرزندان و افکار و زندگی خود	(۱-۶۳) (۱-۳۳) (۲-۹۶) (۴-۱۴۴) (۴-۱۴۲) (۸-۲۳۱) (۹-۲۶۷) (۱۰-۳۱۳) (۱۷-۴۶۴) (۱۷-۴۶۵) (۱۷-۴۶۶) (۱۸-۴۸۶) (۱۹-۵۰۶) (۲۰-۵۲۵) (۲۱-۵۴۰)
تم های سطح دوم	تم های سطح اول	مفهوم ها	کدها
خشونت برای زن مدرن	اعتراض زن به مسائل گوناگون	توهم هایی که منجر به میشد به گیر دادن های مرد به غذا، کارهای خانه و صدای بچه توهم زدن مرد از اینکه زن از خانه خارج شده در صورتی که زن اصلا بیرون نرفته بوده بهانه تراشی های همیشگی مرد از غذا، بچه و کارهای خانه	(۱۱-۳۲۳) (۱۱-۳۲۴) (۱۱-۳۲۵)

		گیر دادن و حساس شدن زن به رفتارهای مرد و بی نظمی های او و درنهایت شروع بحث با مرد	(۲-۸۶)
		برآورده نشدن توقعات زن مثلاً نرفتن به خانه مادرش	(۱۵-۴۱۷)
		زودرنج بودن، خستگی زیاد و کم حوصلگی مرد عاملی برای ایجاد بحث	(۲۱-۵۳۰)
		غر زدن و گله کردن از سوی مرد	(۲۰-۵۳۵)
		زودجوش بودن و عصبانیت مرد و درگیری مداوم با دیگران در هنگام رانندگی	(۲۱-۵۳۶)
		مرد عامل اصلی بروز مشکلات و بحث هاست زیرا زن با تمام کم و کاستی های زندگی میسازد	(۱۹-۵۱۰)
		ناراحتی زن بخاطر اینکه برای بستن در به او اعتماد نکرده و خودش مطمئن شده در بسته شده است	(۲۰-۵۱۹)
		اعتراض مرد به سروصداهای بچه ها	(۲۱-۵۲۸)
		ناراحتی زن و احساس درک نشدن از سوی مرد	(۲۲-۵۴۸)
		زودرنج بودن، خستگی زیاد و کم حوصلگی مرد عاملی برای ایجاد بحث	(۲۱-۵۳۰)
		اعتراض زن به شرایط نابسامان زندگی	(۱۷-۴۴۷)
		مسائل روزمره و اختلاف نظر و یا اختلاف سلیقه	(۱۸-۴۷۴)
		اعتراض زن به شرایط نابسامان و غر زدن و گله گذاری و خالی کردن دق و دلی خود بر سر مرد	(۱۶-۴۳۲)
		ناراحتی زن برای زیاد بیرون رفتن با برخی از آشنایان و در نهایت صحبت درمورد آن با مرد و حل آن	(۱۳-۳۸۱)
		سخت گیری زن و زوم کردن روی برخی مسائلی و سهل گیری و عدم سخت گیری مرد	(۱۴-۳۹۰)
		بحث بخاطر اینکه مرد بدون دعوت میخواست به خانه برادرش برود اما زن با او مخالفت کرده و گفته باید دعوت میکردند تا برویم و درنهایت عذرخواهی مرد از زن به دلیل اینکه متوجه اشتباهش شده بوده	(۱۴-۳۹۶)
		همیشگی بودن خشونت بخاطر دیر آمدن مرد به خانه	(۱۰-۲۷۵)
		اعتراض زن به اعتیاد مرد و بحث با او	(۱۰-۲۹۵)
		ترک کردن منزل برای مدتی توسط مرد	(۱۰-۲۹۹)
		قطع کردن صحبت زن در جمع و آزرده خاطر شدن وی و درنهایت حل آن با صحبت بدور از دادوبیداد	(۷-۱۹۵)
		بزرگنمایی کردن مسائل توسط زن و دلخوری او	(۷-۱۹۸)
		وظایف متعدد زن(اشتغال، رسیدگی به بچه، درست کردن غذا، مهمان داری، رسیدگی به کارهای منزل) عاملی برای خستگی و اعتراض زن به آنها	(۱۶-۴۲۷)

		بحث و عصبانیت زن بخاطر خستگی ناشی از کارها و وظایف متعدد و تصور زن از اینکه توسط مرد درک نمیشود (۱۶-۴۲۸) اعتراض زن به وظایف متعدد و بحث با مرد (۱۶-۴۲۹) خستگی زن به خاطر فشار کاری و عدم درک او از جانب مرد (۳-۱۰۱) مقاومت مرد در برابر کار زن و تلاش و رنج فراوان زن برای به سامان کردن امور منزل (۲-۹۴) کارخانه داری تحمیل شده به زن شاغل (۲-۷۶)
	دخالت خانواده ها	تیکه انداختن های مادرشوهر عاملی برای ایجاد بحث (۱۶-۴۳۷) مادرشوهر و خواهرشوهر و تیکه انداختن آنها عاملی برای ناراحتی زن و مطرح کردن آن با مرد (۱۵-۴۱۰) خواهرشوهر با زدن حرفی باعث ناراحتی زن شده و درنهایت بحث زن با مرد (۸-۲۲۰) دخالت ها و تیکه انداختن های خواهرشوهر و گیر دادن به رفتارهای زن و درنهایت تنش و بحث بین زن و مرد (۸-۲۲۱) خانواده و صحبت های آنها عاملی برای ایجاد بحث (۱۸-۴۷۹) خانواده و دخالت آنها و عاملی برای ایجاد بحث (۱۹-۴۹۲) اختلاف نظر درمورد خانواده های یکدیگر و دخالت آنها در زندگی عاملی برای بحث (۱۵-۴۰۹) اطرافیان و دخالت های آنها عاملی برای ایجاد بحث است (۸-۲۱۹) دخالت های خانواده ها و برخی صحبت های آنها عاملی است برای اختلاف (۶-۱۸۵) دخالت خانواده ها در امور خصوصی زن و مرد به دلیل اینکه در خانه خود زندگی نمیکنند (۵-۱۵۱) دخالت خانواده ها در کارها و تصمیمات زن و مرد و درنهایت بحث زن با مرد (۵-۱۶۰) دخالت خانواده ها در امور خصوصی زن و مرد به دلیل اینکه در خانه خود زندگی نمیکنند (۴-۱۲۲) دخالت خانواده ها در کارها و تصمیمات زن و مرد و درنهایت بحث زن با مرد (۵-۱۴۶) حساسیت خانواده نسبت به طولانی شدن دوران عقد موضوعی برای بحث (۵-۱۴۵)

	فرزندان و چالش ها آنها	اختلاف و بحث سر کارهای بچه ها و شیطنت و سروصدای زیاد آنها که باعث کلافگی و ناراحتی مرد میشود بحث درمورد درس بچه و درنهایت برعهده گرفتن رسیدگی به درس او توسط مرد بحث درمورد ایجاد تبعیض بین بچه ها و مسائل مربوط به آنها دخالت بچه ها در بحث باعث تشدید تنش بحث بین بچه ها باعث درگیر شدن زن و مرد میشود همیشگی بودن اختلاف نظر درمورد نحوه درس خواندن بچه ها اعتراض مرد به نحوه درس خواندن بچه ها و ایجاد بحث همیشگی بودن بحث درمورد درس بچه ها	(۲۱-۵۲۷) (۱۶-۴۳۴) (۹-۲۴۰) (۹-۲۴۱) (۹-۲۴۲) (۶-۱۶۷) (۶-۱۶۹) (۶-۱۷۷)
کدها	مفهوم ها	تم های سطح اول	تم های سطح دوم
(۱۸-۴۷۹) (۱۹-۴۹۳) (۲۲-۵۴۴) (۲۲-۵۴۶)	مسائل اقتصادی عاملی برای ایجاد بحث اوضاع نابسامان اقتصادی عاملی برای ایجاد بحث اعتراض به ولخرجی یکدیگر مسائل اقتصادی و نحوه خرج کردن پول و توجه به چک هایی که دارند عاملی برای ایجاد بحث مسائل اقتصادی و نحوه خرج کردن و چک دادن عاملی برای ایجاد چالش	مسائل اقتصادی	اقتصاد، ابزار خشونت
(۹-۲۳۳) (۹-۲۳۴) (۹-۲۳۶) (۹-۲۳۹) (۹-۲۳۸) (۹-۲۴۷) (۹-۲۵۱) (۹-۲۵۳) (۴-۱۲۴) (۹-۲۵۵) (۹-۲۶۳) (۱۰-۲۷۶) (۱۰-۲۷۷) (۱۰-۲۸۱) (۱۰-۲۸۳)	وجود تورم و گرانی و خرجی ندادن به زن به بهانه کار کردن زن کناره گیری مرد از خرجی دادن به زن و گفتن ندارم در مقابل خواسته های او سرکار رفتن زن باعث شده تا مرد به او خرجی ندهد زیاده خواه دانستن زن در مقابل نیازهای درخواستی او زن کار کردن را وظیفه خود نمیداند بی توجهی به نیازهای مادی زن و لجبازی با او بی توجهی مرد به نیازهای مادی زن و خواسته های او نارضایتی از خرجی ندادن مرد عدم پرداخت نفقه بی توجهی به خواسته های زن و به تعویق انداختن خواسته های زن اشتغال زن عاملی برای برعهده گرفتن اجباری تمام مسولیت ها و تصمیم گیری ها و شانه خالی کردن مرد از زیر بار مسولیت بیکار بودن مرد خرجی ندادن به زن بی توجهی به نیازهای مادی و تفریحی زن خرجی ندادن و بی توجهی به نیاز مادی زن	بی توجهی به نیازهای مادی زن (خرجی ندادن)	

		شکایت زن از مرد در دادگاه بخاطر خرجی ندادن	(۱۰-۲۹۰)
		خرجی ندادن	(۱۰-۲۹۸)
		اهمیت ندادن به خرج و مخارج زن و بچه و اجاره خانه	(۱۰-۳۰۰)
		یافتن کار برای مرد در شرکت نفت تهران اما بی توجهی مرد	(۱۰-۳۰۵)
		خرجی ندادن به زن	(۱۰-۳۰۹)
		گرفتن دنگ هزینه های ماه غسل از زن	(۱۲-۳۶۵)
		نخریدن لباس یا هر اقلام دیگری برای زن و بچه	(۱۲-۳۶۶)
		خرجی ندادن عاملی برای خرد شدن روح و روان زن	(۱۲-۳۷۳)
		بی توجهی مرد به نیازهای مادی	(۱۷-۴۴۲)
		خرج خانه با مرد است اما برای زن و فرزندش چیزی نمیخرد	(۱۷-۴۶۲)
	خرج کردن پول زن	خرج کردن پول زن و بی اهمیت بودن نسبت به اهداف او برای پس انداز و خرید خانه با خرج کردن پول پس انداز شده برای خرید مسکن ملی	(۴-۱۲۵)
		عدم توجه مرد به پیشرفت و خرید خانه و آینده فرزندان	(۴-۱۲۳)
		سرکار رفتن زن و دادن خرجی خانه و بچه با پول خود	(۱۰-۳۱۰)
		خرید هدیه های مهمانی ها و یا خرج مهمان هایی که به خانه می آمدند با زن بوده	(۱۰-۳۱۱)
		علاقه مرد برای خرج پول زن و عدم اجازه این کار به او توسط زن	(۱۷-۴۶۳)

تم الف: تمامیت خواهی مردانه

جدول ۴-۱- تمامیت خواهی مردانه

تم	کد معرف	نام تم پایه	تعریف
	WR	زن حق اظهار نظر ندارد	زن از حق اظهار نظر درمورد مسائل مختلف، از جمله مسائل شخصی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی محروم بوده و مرد به عنوان سرپرست خانواده به شریک زندگی خود اجازه نمی دهد که در مورد مسائل گوناگون مانند: تربیت فرزندان، مدیریت امور مالی، مدیریت روابط و... اظهار نظر کند.
	EW	زن تحصیل کرده صاحب نظر است	زن تحصیل کرده شایستگی اظهار نظر در مورد مسائل مختلف از جمله مسائل شخصی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی را دارد.

تم ب) خشونت میراث خانوادگی

جدول ۴-۲- خشونت میراث خانوادگی

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
LV	یادگیری خشونت از پدر	خشونت در برخی خانواده ها به عنوان یک راه حل قابل قبول برای حل مشکلات شناخته می شود و پسران از طریق مشاهده رفتار پدران خود، یاد میگیرند که خشونت یک راه حل مناسب برای حل مشکلات است.
RP	فراگیری الگوی خشن	تجربیات و یادگیری های دوران کودکی در خانواده، می تواند تاثیر زیادی بر احتمال بروز خشونت در بزرگسالی داشته باشد. کودکانی که در خانواده هایی با الگوهای رفتاری خشونت آمیز بزرگ می شوند، ممکن است این الگوها را یاد بگیرند و در بزرگسالی از آنها استفاده کنند.

تم پ) اقتصاد، اهرم توانمندسازی زنان

جدول ۴-۳- اقتصاد، اهرم توانمندسازی زنان

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
PE	مشارکت زن در امور اقتصادی	زن در تصمیم گیری های مهم خانواده، از جمله امور مالی و اقتصادی مشارکت داده می شود و مرد به او این اجازه را می دهد تا به افزایش بهره وری مالی خانواده کمک کند تا بتوانند با همکاری یکدیگر، تصمیمات مالی بهتری برای خانواده اتخاذ کنند.
EO	فراهم کردن امکانات اقتصادی توسط مردان	مردان امکانات لازم را برای زنان فراهم کرده تا آنها بتوانند در امور گوناگونی مانند: کسب آموزش و مهارت های شغلی، کسب مدارج بالایی علمی و به طور کلی کشف تجربیات جدید در زندگی اقدامات مختلفی انجام دهند.

تم ث) نادیده گرفتن

جدول ۴-۴- نادیده گرفتن

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
AW	توجه به زن و نیازهای عاطفی او	زنان نیاز بیشتری به محبت، حمایت، توجه و احترام دارند زیرا موجوداتی عاطفی هستند و نیاز دارند که احساس کنند مورد عشق، محبت و توجه همسر خود قرار

		دارند. توجه به نیازهای عاطفی زن می تواند به او احساس امنیت، آرامش و رضایت دهد.
IW	بی توجهی به زن و نیازهای عاطفی او	عدم پاسخگویی به نیازهای عاطفی زن توسط شریک زندگی او می تواند از طریق کلمات، اعمال و رفتار همسرش نشان داده شود مثلاً: عدم توجه به حرف های زن، عدم ابراز عشق و محبت، عدم احترام به زن، عدم کمک به زن در انجام کارهای خانه و مراقبت از فرزندان و عدم گفتگوی صمیمانه با زن.
SN	بی توجهی به نیازهای جنسی زن	عدم تمایل به برقراری رابطه جنسی و عدم پاسخگویی به نیازهای جنسی زن توسط همسر و شریک زندگی اوست.

تم ج) خشونت یا تهدید، خطری برای زندگی

جدول ۴-۵- خشونت یا تهدید، خطری برای زندگی

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
TO	پرت کردن اشیاء	یک رفتار تهاجمی است که می تواند به افراد یا اموال آسیب برساند. پرتاب اشیاء می تواند به صورت عمدی یا غیرعمدی در زمان عصبانیت انجام شود.
TH	تهدید	این تهدید می تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم انجام شود به عنوان مثال یک مرد ممکن است به همسر خود بگوید که او را خواهد کشت یا به او آسیب خواهد رساند که در هر صورت این امر باعث ترس و وحشت در قربانی می شود.
BW	کتک زدن و زخمی کردن	آسیب جسمی که در اثر کتک زدن و زخمی کردن زن ایجاد می شود، می تواند شامل کبودی، شکستگی، بریدگی، سوختگی و حتی قطع عضوی از بدن باشد.

تم خ) خشونت کلامی و روانی، سایه های شوم

جدول ۴-۶- خشونت کلامی و روانی، سایه های شوم

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
OI	فحاشی و توهین به زن و خانواده او	فحاشی و توهین به زن می تواند در قالب های مختلفی انجام شود، مانند: استفاده از الفاظ رکیک و نامناسب، نسبت دادن رفتارهای نامناسب به زن، تهدید به طلاق و ارباب زن که می تواند آسیب های زیادی را به زن وارد کند.
SH	داد و فریاد کردن بر سر زن	فریاد کشیدن و پرخاشگری، داد زدن، صحبت کردن با صدای بالا از جمله مواردی است که خشونت علیه زنان تلقی می گردد که در جهت ترساندن، مطیع و کنترل کردن زنان انجام می شود.

TD	تهدید به طلاق و بیکار کردن زن	این تهدیدات می تواند به منظور کنترل و تسلط بر زن یا وادار کردن او به انجام کاری که نمی خواهد، انجام شود.
SW	تهمت زدن به زن	تهمت زدن می تواند به شکل های مختلفی باشد از جمله: متهم کردن زن به زنا یا رابطه نامشروع، متهم کردن زن به بی کفایتی یا ناتوانی و متهم کردن زن به خیانت به همسرش
CW	خیانت به زن	خیانت می تواند به اشکال مختلفی باشد مانند: داشتن رابطه جنسی با فرد دیگر، داشتن رابطه عاطفی با فرد دیگر، ارسال پیام یا تماس های عاشقانه با فرد دیگری، ملاقات با فرد دیگری به صورت مخفیانه

تم د (فقدان حمایت و تشویق

جدول ۴-۷- فقدان حمایت و تشویق

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
SE	عدم حمایت و تشویق زنان	حمایت از زنان در تمام جنبه های زندگی است که شامل موارد زیر می شود: حمایت عاطفی یعنی مرد به همسرش احترام میگذارد و او را دوست میدارد، حمایت مالی یعنی مرد هزینه های زندگی همسرش را تأمین می کند، حمایت اجتماعی یعنی مرد همسرش را در تعامل با دیگران و حضور در جامعه همراهی می کند و حمایت جسمی و روحی یعنی مرد در حفظ سلامت جسمی و روحی همسرش تلاش می کند که عدم وجود هر یک از این موارد به مثابه خشونت علیه زنان برشمرده می شود.
WE	عدم رضایت از اشتغال زنان	برخی مردان از اینکه همسرشان شاغل باشد حمایت می کنند و معتقدند که اشتغال زنان برای جامعه مفید است برخی مردان نیز معتقدند که اشتغال زنان می تواند به روابط زناشویی آسیب برساند و نگران این باشند که اشتغال همسرشان باعث شود که او نتواند به اندازه کافی به خانواده و کارهای منزل رسیدگی کند و اشتغال زنان را به عنوان یک تهدید برای نقش سنتی آنها به عنوان همسر و مادر در نظر می گیرند زیرا اشتغال زنان می تواند منجر به تغییراتی در نقش های جنسیتی سنتی شود. این تغییرات می تواند منجر به احساسات منفی در مردان شود.

تم ز) راهکارهای مقابله، از سکوت تا اقدام

جدول ۴-۸- راهکارهای مقابله، از سکوت تا اقدام

کد معرف	نام تم پایه	تعریف
TF	صحبت و گفتگو	صحبت کردن و گفتگو و تلاش برای اتمام خشونت توسط زن یک اقدام ارزشمند است که می تواند به کاهش خشونت و بهبود روابط زناشویی کمک کند.
SP	سکوت و حفظ آرامش	سکوت و حفظ آرامش در مقابل خشونت اعمال شده از سوی مرد ممکن است به دلایل مختلفی انجام شود. این دلایل می تواند شامل: ترس زن باشد یعنی زن از خشونت بیشتر مرد بترسد و سکوت کند تا خشونت را متوقف کند یا حس گناه زن باشد یعنی ممکن است زن احساس کند که مقصر خشونت مرد است و سکوت کند تا از عصبانیت مرد جلوگیری کند و یا ناشی از ناامیدی زن باشد یعنی زن ممکن است برای بهبود روابط با مرد خسته شده باشد و سکوت کند تا از دعوا و بحث جلوگیری کند.
RC	مراجعه به مشاوره	روانشناس و مشاور می تواند به زن کمک کند تا در مورد خشونتی که متحمل شده است صحبت کند و احساسات خود را در مورد آن بیان کند و مهارت های مقابله با خشونت مانند شناسایی عوامل محرک خشونت، مدیریت استرس، مرزگذاری و خودمراقبتی را به او آموزش میدهند.
FI	دخالت دادن خانواده	خانواده ها می توانند به زن کمک کنند تا از خود محافظت کند و از خشونت جلوگیری کند همچنین آنها می توانند به مرد نیز کمک کنند تا درک کند که خشونت غیرقابل قبول است و رفتارش مضر و نادرست است و او می تواند مهارت های مقابله با خشم را یاد بگیرد و خشم خود را به روشی سالم کنترل کند.
PP	دعا گرفتن و دعا کردن	دعا گرفتن و جادو کردن یا نذر و نیاز و دعا کردن توسط زن برای کاهش خشونت مرد یک راهکار غیر علمی و غیر مؤثر است که این راهکارها هیچ پایه علمی ندارند و نمی توانند به کاهش خشونت کمک کنند اما برخی زنان به واسطه افکار سنتی که دارند از این راه تلاش می کنند تا رفتار نامناسب همسر خود را تغییر دهند.
JL	شوخی و خندیدن	شوخی و خنده توسط زن می تواند یک راه برای کاهش خشونت مرد باشد. شوخی و خنده می تواند باعث شود که مرد احساس آرامش و شادی کند و کمتر خشمگین شود. از این طریق تنش کمتر می شود و زن به همسرش نشان می دهد که او را دوست دارد و می خواهد با او رابطه خوبی داشته باشد.
GA	قهر کردن	قهر کردن می تواند به زن کمک کند تا از موقعیت خشونت آمیز دور شود و به خود فرصت دهد تا آرام شود و از این طریق به مرد نشان دهد که مخالف خشونت اوست و نمی خواهد آن را تحمل کند هرچند که قهر کردن یک راه برای حل مشکل نیست و نمی تواند مشکل خشونت را حل کند.

تم ش) خشونت در سایه تفاوت و شناخت

جدول ۴-۹- خشونت در سایه تفاوت و شناخت

تم	کد معرف	نام تم پایه	تعریف
	KV	شناخت عامل کاهش خشونت	شناخت و آشنایی زن و مرد می تواند عاملی برای کاهش خشونت باشد زیرا به آنها کمک می کند تا یکدیگر را بهتر درک کنند و از نیازها و خواسته های یکدیگر آگاه شوند.
	DB	درک تفاوت های زن و مرد	تفاوت های شخصیتی بین زن و مرد می تواند در زمینه های مختلفی مانند سبک زندگی، ارزش ها، علایق و انتظارات از رابطه باشد. اگر زن و مرد نتوانند تفاوت های خود را بپذیرند و با آنها کنار بیایند ممکن است این تفاوت ها باعث ایجاد بحث و درگیری در رابطه آنها شود. این تنش و درگیری می تواند زمینه ساز خشونت در رابطه شود.

تم ص) پیامدهای خشونت در تجربه زیسته زنان

جدول ۴-۱۰- پیامدهای خشونت در تجربه زیسته زنان

تم	کد معرف	نام تم پایه	تعریف
	EM	تجربه افسردگی و اختلالات روانی زنان	خشونت علیه زنان یک پدیده جهانی است که می تواند تأثیرات مخربی بر زنان داشته باشد. این تأثیرات می تواند جسمی مانند: آسیب های جدی به اندام ها و شکستگی و سوختگی و... روانی مانند: افسردگی و اضطراب و اختلالات روانی و... اجتماعی مانند: انزوا و تبعیض و... و اقتصادی مانند: از دست دادن شغل، کاهش درآمد و هزینه های پزشکی باشد
	EV	تجربه فرزند خشن و دارای اختلالات روانی	فرزندانی که شاهد خشونت علیه مادر خود هستند ممکن است در معرض خطر آسیب های جسمی قرار بگیرند. این آسیب ها می تواند شامل: آسیب های روانی، افسردگی، اضطراب، ترس، عدم تمرکز برای انجام فعالیت ها، اختلالات خواب، مشکلات رفتاری و تحصیلی شود

تم ع) خشونت برای زن مدرن

جدول ۴-۱۱- خشونت برای زن مدرن

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
OV	اعتراض زن به مسائل گوناگون	نارضایتی زن از برخی مسائل و مشکلات می تواند منجر به خشونت شود زیرا آگاهی و درکی از موقعیت یکدیگر ندارند یا نسبت به شرایطی که طرف مقابل برای آنها ایجاد می کند اعتراض دارند.
IF	دخالت خانواده ها	دخالت خانواده ها می تواند به اشکال مختلفی صورت بگیرد مانند: دخالت در تصمیم گیری های زن و مرد، اعمال فشار بر زن یا مرد برای انجام کاری، انتقاد و سرزنش زن یا مرد، مقایسه زن و مرد با دیگران
CC	فرزندان و چالش های آنها	عوامل مختلفی مانند استرس و فشار داشتن فرزندان و مراقبت از آنها، خستگی ناشی از مشغولیت ها و فعالیت های مربوط به آنها و عدم مهارت های فرزندپروری می تواند عاملی باشد که منجر به خشونت بین زن و مرد شود

تم ۵) اقتصاد، ابزار خشونت

جدول ۴-۱۲- اقتصاد، ابزار خشونت

کد معرف تم	نام تم پایه	تعریف
EI	مسائل اقتصادی	نحوه خرج کردن پول، تورم و گرانی، برنامه ریزی های مالی عاملی است که منجر به بحث و خشونت بین زن و مرد می شود.
SM	خرج کردن پول زن	زنان شاغل دارای استقلال مالی بوده و بسیاری از مردان از این امر سوء استفاده کرده و از درآمد زن برای مصارف شخصی و فردی خود بهره میبرند.
NS	بی توجهی به نیازهای مادی زن (خرجی ندادن)	برخی از مردان به بهانه اشتغال زنان و استقلال مالی آنها نسبت به نیازهای مالی و اقتصادی شان بی توجه بوده و به صرف اینکه همسرشان کار میکند احساس مسولیت نمی کنند و فکر می کنند که زن باید خودش از پس تامین نیازهای خود برآید.

Abstract

The research in question has focused on the lived experiences of educated, employed women regarding domestic violence. The study aimed to answer questions related to understanding the types of violence experienced by these women, the factors leading to violence against them, their lived experiences of violent situations, and the strategies they employ to confront such violence. The study was conducted using a qualitative approach with a phenomenological perspective and semi-structured interview techniques. The sampling method was non-probabilistic and purposive, and the data analysis was performed using thematic analysis. The findings of the research indicate that the main underlying themes contributing to domestic violence against educated, employed women are the threatened or imposed masculinity and the lost femininity. Women employ various strategies to cope with the violence, including speaking out, seeking counseling, involving family members, praying, joking, and getting angry.

Keywords: Domestic violence, gender, employment, education, lived experience



University of Kashan
Faculty of Human Sociences
Department of Social Sciences

Thesis

For Degree of Master of Science (MSC)
In Social Sciences (Cultural Studies)

Title:

The lived experience of educated and working women from domestic violence

Supervisor:

Dr. Mohammad Ganji

Advisor:

Dr. Mina Helali Sotoodeh

By:

Faezeh Aghili

February 2024